

تاریخ ارمنستان

جلد دوم

دکتر ک. س. خداوردیان

پرفسور ک. خ. سارگسیان

پرفسور ت. خ. هاکوبیان

پرفسور آ. ک. آبراهامیان

آکادمیسین پرفسور س. ت. یرمیان

آکادمیسین پرفسور م. ک. نویسیان

ترجمه ۱. گرمانيک

ԵՐԵՎԱՆԻ ՊԵՏԱԿԱՆ ՀԱՄԱԼՍԱՐԱՆ

ՀԱՅ ԺՈՂՈՎՐԴԻ ՊԱՏՄՈՒԹՅՈՒՆ

ՀԱՏՈՐ II

19-րդ դարից մինչև 1971

Հատորը գրել են. պրոֆեսորներ Գ. Խ. Սարգսյանը
Թ. Խ. Հակոբյանը
Ա. Գ. Աբրահամյանը
Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Մ. Գ. Ներսիսյանը
Հայկ. ՍՍՀ ԳԱ ակադեմիկոս պրոֆ. Ս. Տ. Երեմյանը
և պատմ. գիտ. դոկտոր Կ. Ս. Խոսրովբեկյանը

ԽՄԲԱԳՐՈՒԹՅԱՄԲ

ՊՐՈՖ. Մ. Գ. ՆԵՐՍԻՍՅԱՆԻ

Թարգմանեց. Է. Գերմանիկ

ԹԵՀՐԱՆ 1981

۵۰۰ ریال

اول: آبان ۱۳۶۰

تاریخ ارمنستان

جلد دوم

از آغاز سده نوزدهم تا سال ۱۹۷۱

پرفسور ک.خ. سارگسیان آکادمیسین پرفسور س.ت. یرمیان
پرفسور ت.خ. هاکوبیان آکادمیسین پرفسور م.ک. نرسیسیان
پرفسور آ.ک. آبراهامیان دکتر ک.س. خداوردیان

ترجمه ۱. گرمائیک

تهران ۱۳۶۰

حق چاپ محفوظ

فهرست مطالب

بخش سوم - ارمنستان در دوران کاپیتالیسم

۳۰۷	فصل شانزدهم - الحاق ارمنستان شرقی به روسیه
۳۰۷	۱- ارمنستان در اوایل قرن ۱۹
۳۱۶	۲- رهایی ارمنستان از یوغ خانها
	۳- شرکت دکابریستها و داوطلبین ارمنی در
۳۲۷	آزادسازی ارمنستان
۳۳۳	۴- مرحله جدیدی در تاریخ خلق ارمنی
۳۳۷	فصل هفدهم - اوضاع ارامنه غرب در نیمه دوم سده ۱۹

۴۱۷	۱- پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر: اوضاع ماوراء قفقاز
۴۲۳	۲- ارمنستان در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۰
۴۲۸	۳- جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۱۹-۱۹۲۰
۴۳۱	۴- استقرار حکومت شوروی در ارمنستان
۴۳۷	۵- اولین گامهای حکومت شوروی
۴۴۷	فصل بیست و دوم - دوران سازندگی سوسیالیستی
۴۴۷	۱- دوران سازندگی سوسیالیستی
	۲- تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی-
۴۵۲	پیروزی سوسیالیسم
۴۶۲	۳- ترقی فرهنگی ارمنه شوروی
۴۷۳	فصل بیست و سوم - سالهای جنگ کبیر میهنی
۴۷۴	۱- در جبهه‌های جنگ
۴۸۷	۲- تلاشهای فداکارانه در پشت جبهه‌ها
	۳- نیروهای مترقی ارمنه خارج در مبارزه
۴۹۱	علیه فاشیسم
۴۹۵	فصل بیست و چهارم - ارمنستان شوروی امروز
۴۹۵	۱- سالهای پس از جنگ (۱۹۴۶-۱۹۵۸)
۵۰۰	۲- در مسیر سازندگی کمونیستی (۱۹۵۹-۱۹۷۰)
۵۰۸	۳- موفقیت‌های جدید فرهنگ ارمنی شوروی
۵۲۵	۴- دورنماهای نو
۵۳۲	جدول وقایع مهم بترتیب تاریخ وقوع

۳۳۷	۱- تشدید ستم ملی
۳۳۹	۲- جنبشهای رهایی بخش در سالهای ۱۸۷۰-۱۸۶۰
۳۴۶	۳- منشاء مسئله ارمنه
۳۵۳	۴- کشتار ارمنه غرب در طول سالهای ۱۸۹۰
۳۵۹	فصل هجدهم - فرهنگ در قرن نوزدهم
۳۵۹	۱- سالهای اوجگیری فرهنگی
۳۶۱	۲- ادبیات ، هنر
۳۷۱	۳- جرائد ، نقادی
۳۷۶	۴- مدرسه ، علوم
۳۸۱	فصل نوزدهم - ارمنستان در آغاز قرن بیستم
	۱- زندگی اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در
۳۸۱	ارمنستان شرقی
۳۹۱	۲- جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۰۷-۱۹۰۵
	۳- اوضاع ارمنستان غربی ، مسئله ارمنه در
۳۹۵	سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۲
۴۰۱	فصل بیستم - ارمنستان در سالهای جنگ جهانی اول
	۱- عملیات جنگی جبهه قفقاز در سالهای ۱۹۱۶
۴۰۱	-۱۹۱۴
	۲- کشتارهای جمعی ارمنه غرب در سالهای
۴۰۶	۱۹۱۴-۱۹۱۵
۴۱۴	۳- ارمنستان در دوران انقلاب فوریه

بخش چهارم - ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی

۴۱۷	فصل بیست و یکم - انقلاب اکتبر و برقراری حکومت شوروی در ارمنستان
-----	---

بخش سوم

ارمنستان در دوران کاپیتالیسم

فصل شانزدهم

الحاق ارمنستان به روسیه

۱- ارمنستان در اوایل قرن نوزدهم

در آغاز قرن ۱۹، مانند سه قرن پیش، ارمنستان بین دو حکومت مستبد شرق نزدیک یعنی ترکیه عثمانی و ایران شاهی تقسیم شده بود. ارمنستان شرقی (نواحی شمال شرقی ارمنستان - زانگزور، شیراک، دریاچه سوان، لوری - پامباک و غیره -) تحت سلطه ایران قرار داشت. در این بخش از ارمنستان و در آذربایجان و گرجستان همسایه، در اواخر سده هجدهم چندین حکومت فئودالی وجود داشت، نظیر خان نشین های ایروان، نخجوان، قره باغ، گنجه (گازاک) و باکو، سلطنت های نیمه مستقل در گرجستان، حکومت های کوچک شیراک، غازان و پامباک.

مرکز و قسمت اعظم ارمنستان شرقی جزو خان نشین ایروان بودند و به نسبت بزرگی و نزدیکی به مرز، سردار نشین (مرزبانی) و خان آن سردار نیز نامیده می شد. خان نشین ایروان به ۱۵ محل (ناحیه) تقسیم شده بود که زانگیاسار، و دیپاسار، سورمالو، سردارآباد، تالین، آپاران، داراچیچاک،

گیوگچا و غیره از جمله آنها بودند. از شهرها و دهات قابل ذکر، ایروان، اجمیادزین، سردارآباد، آشتاراک، کاربین و باش - آپاران را می توان نام برد.

در راس اداری این قلمرو، خان قرار داشت که از طرف شاه منصوب می گردید و حکومت وی عملاً بدون محدودیت بوده، تمام کارها را خودسرانه انجام می داد. محلها بوسیله میرلوکها، اشخاص اشرافی منتخب خان، اما دهات توسط رؤسای ده - که نام کیوخوا یا کدخدا را داشتند - اداره می شدند. اداره کنندگان شهرها - کلانتر، مامورین امنیت شهر - فراش و سپاهیان - سرباز نامیده می شدند. برای اداره کارهای خان مقامهای متعددی وجود داشتند، نظیر خزانه دار (رئیس امور مالی)، صندوقدار - آغاسی (مامور خرج)، انباردار - آغاسی (رئیس انبارها)، محاسب - بیگ (مالیاتچی)، قلعه - بیگ (رئیس قلعه ها) و غیره.

ارمنستان غربی (نواحی جنوب شرقی ارمنستان - واسپوراکان، تارون، ساسون، دشتهای آلاشگرد و خاربرد، جلگه های کارس، کاربین و غیره) تحت سلطه ترکها قرار داشت و - همچون تمام قلمرو امپراتوری عثمانی - از نظر اداری به پاشانشینها تقسیم می گردید. در ارمنستان غربی پاشا نشینهای وان، سواز (سیاستیا)، بایزید، ارض روم (کاربین)، کارس و دیار بکر وجود داشت، که اینها نیز به نوبه خود به سانجاکها (نواحی) و آنها نیز به دهات تقسیم شده بودند. پاشا، پاشانشین و سانجاک - بیگ، سانجاک را اداره می کرد. پاشاها - که تام الاختیار بودند - از طرف سلطان، سانجاک بیگها توسط پاشاها و کدخداهای بوسیله سانجاک - بیگها منصوب می شدند.

پاشانشینها در واقع حکومتهای فئودالی محدود و نیمه مستقل بودند. آنها اغلب از اطاعت دولت سلطان سرباز می زدند و او نیز بادشواری این نیروهای جدایی طلب را مطیع می ساخت.

چه در ارمنستان غربی و چه شرقی، زندگی اقتصادی در اوضاع شدید عقب ماندگی بسر می برد. اشتغال اساسی مردم، کشاورزی بود که در وضعیت

ابتدایی قرار داشت. در زراعت از گاو آهن، داس، خرمن کوب و سایر وسایل عهد عتیق استفاده می شد. زمینهای وسیع بدون کشت باقی می ماند. بی محصولی و قحطی ناشی از آن، متناوباً تکرار می شد. در نواحی کوهستانی و نزدیک آن به دامداری اشتغال داشتند.

اکثریت جمعیت در دهات که در وضعیت نابسامانی قرار داشتند، زندگی می کرد. یک شاهد عینی در این باره چنین نوشته است: "چاله های پوشیده از خاک، که بدون هیچ نظمی واقع هستند توسط تل های متعفن آشغال و یا با مردابهای کثیفتره از هم جدا می شوند. راه های تنگی در اطراف چاله هایی که بعنوان خانه از آنها استفاده می شود و یا از روی بامها می گذرد وجود دارد. این است منظره کلی این دهات. داخل خانه ها نیز به تناسب ظاهر آنهاست. بهترین اطاق پذیرایی، طویله می باشد و میهمانان را به آنجا می بردند. این کار در زمستان پرفایده است، زیر طویله ها گرم تر از قسمتهای باز و در معرض باد است. خود ساکنین و خانواده هایشان در قسمتهای مختلف زندگی می کنند، جایی که در وسط کف اتاق آتشی سوخته و دود آن تمام اتاق را پر می کند و سپس از باجه روی بام خارج می شود. در اینجا بچه ها با گوسفندان، گوساله ها، مرغها و خروسها شب را سرمی کنند."

از حرفه ها بیشتر نجاری، آهنگری، کفاشی، رنگرزی، پارچه بافی، سلاح سازی، زرگری و غیره متداول بودند. تمام اینها در وضعیت عقب مانده ای قرار داشتند. تولیدات بوسیله کار دست انجام شده و وسایل ضروری وجود نداشت. در نتیجه زحمت و کوشش زیادی انجام می گردید ولی تولیدات کم و غیر مرغوب بدست می آمد.

پیشهوران در اتحادیه های صنفی - که در ارمنستان شرقی همکاری ولی در ارمنستان غربی اصناف خوانده می شدند - شرکت داشتند. این اتحادیه ها که شامل پیشه ورانی با یک حرفه خاص می شدند، سازمانهایی تقریباً نیمه خودگردان بودند. آنها خودشان مسایل و امور اقتصادی و سایر مسایل داخلی را حل و فصل می کردند و شوراها، اجتماعات و جشنهایی را ترتیب می دادند.

همکاری‌ها پرچمها و مهرهای مخصوص و نیز امکانات پولی برای کمک متقابل در اختیار داشتند. اوستاباشی - یکی از استادکارهای مشهور - در راس همکاری بود.

ایروان، قارص، ارض روم، وان، بایزید، باغش و غیره از شهرهای ارمنستان بودند. اینها مشخصات قرون وسطایی خود را حفظ نموده و در وضعیت عقب مانده‌ای بسر می‌بردند. ساکنین کم بودند و تولیداتی نداشتند. مثلاً در مورد ایروان، آمارگر تزاری، ای. شوپین می‌نویسد: "ظاهر آن یکنواخت و حزن‌آور است... کوچه‌ها تنگ و آنقدر پیچ در پیچ می‌باشند، که یکدیگر را بازوایای غیرقائم قطع می‌کنند. این کوچه‌ها از دو دیوار کم ارتفاع و بدقواره تشکیل شده‌اند، و قسمتی از آنها از خشتهای شکننده ساخته شده‌اند ولی بیشتر آنها گلی می‌باشند. این دیوارهای بسیار زشت گاهی با درهای کم ارتفاع خانه‌ها - که همیشه بسته هستند - قطع می‌شوند. از کوچه‌های عمده رودباری روان است که آب را به باغها می‌رساند. این آب با شستن دیوارهای سر راهش، چاله‌های خطرناکی را ایجاد می‌کند که در تابستانها تبدیل به باتلاقهای متعفن می‌گردند. جوی‌ها در زمستان یخ می‌بندند، آب با بیرون آمدن از جوی‌ها در کوچه‌ها روان می‌شود و سطح آنها یخ می‌بندد و گاهی رفت و آمد را کاملاً مختل می‌سازد."

در کشور، تجارت توسعه زیادی به همراه نداشت، ولی در شهرها حمل و نقل کالاها وضعیت بارونقی داشت و این مسئله به اوضاع جاده‌های تجارتی که از ارمنستان عبور می‌نمود کمک می‌کرد. بدین سان، یکی از آنها که قسطنطنیه را به تبریز وصل می‌نمود، از سیاستا، ارض روم، بایزید و خوی عبور می‌کرد و دیگری تغلیس را به ارض روم مرتبط می‌ساخت و از قره‌کلیسا و گیومری عبور می‌کرد. ایروان به تغلیس، تبریز و ارض روم، اما وان به تبریز و ارض روم راه داشت.

در ارمنستان - همچون تمام ترکیه و ایران - روابط فئودالی حاکم بود. روستائیان و کارگران - طبقه اصلی تولید کننده - را قشرهای دیگر مورد

استثمار و ستم قرار می‌دادند. توده‌های مردم تابع استثمار و خودکامگی‌های خانها، بیگ‌ها، پاشاها، دره‌بیگ‌ها، ملیکهای ارمنی و نمایندگان سایر قشرهای اشرافی بودند.

استثمار و اجحاف توده‌های زحمتکش اساساً توسط مالیات‌ها صورت می‌گرفت. مالیات‌ها که متعدد و زیاد بودند، برحسب زمین، آب، استفاده از چراگاه‌ها کسب می‌شدند. برای کسب اجازه عروسی نیز مالیات در نظر گرفته شده بود. افراد ذکور ۱۵ ساله به بالا مالیات سرانه و خانواده‌ها نیز مالیات خانواده پرداخت می‌کردند. تعداد مالیات‌ها و خراج‌ها تا ۴۰ می‌رسید. به کمک این سیستم مالیاتی، قسمت عظیمی از درآمد روستایی از وی غصب می‌شد. پیشه‌وران و تجار نیز مالیاتهای سنگینی پرداخت می‌کردند. این‌ها از روستائیان بیشتر بصورت محصول ولی از پیشه‌وران و تجار بصورت پول دریافت می‌شدند.

دریافت‌ها با قهر و زور همراه بود. در خان‌نشین ایروان، مالیات‌ها توسط مقامهای مخصوص خان - که سرکار نامیده می‌شدند - جمع‌آوری می‌گردید. در این زمینه، نویسنده و روشنگر بزرگ ارمنی، خاچاتور آبوویان چنین تعریف می‌کند: "تابستان هر سال، سرکار به ده ما می‌آمد تا مالیات غلات را برای خان وصول کند... او ۳-۴ ماه در ده می‌ماند. در این فاصله، بهترین خانه ده به او داده می‌شد. سرکار در قبال خدمتکارها و اسبهایش سلوک دلسوزانه‌ای داشته برای آنها غذای خوب می‌طلبید. هر روز بهترین غذاها - مرغ، تخم مرغ، روغن، گوشت و غیره - را برای سرکار می‌بردند. پادوی کدخدا هر روز از خانه به خانه‌ای می‌رفت و درخواستهای سرکار را می‌طلبید. معمولاً خدمتکار سرکار، با شلاقش، همراه او بود تا هنگام تغل و سستی پادوی کدخدا وی را تنبیه کند. او (خدمتکار سرکار) پادوی کدخدا را کتک زده شدیداً به وی ناسزا می‌گفت. وقتی که صاحبخانه‌ای تمام درخواستها را بلافاصله انجام نمی‌داد، خدمتکار سرکار با خشم حیوانی وارد خانه می‌شد، همه چیز را درهم شکسته همه را بدون در نظر گرفتن سن و جنس کتک می‌زد.

اگر خدمتکار این بود، پس می توان نتیجه گرفت که اربایش چه می بایست بوده باشد."

مالیات ها بدون تغییر نبود. هر مسئله ای به خود کامگی خانها، پاشاها و بیگها وابسته بود، همیشه مالیاتهای جدیدی تعیین می شد و قبلی ها افزایش می یافت. وقتی که روستائیان نمی توانستند درخواستهای آنها را انجام دهند، سرکارها زنان و بچه های آنها را می بردند. مسروپ تاغیادیان، یکی از نویسندگان نامی ارمنی در قرن ۱۹، در مورد مالیاتهای حسین خان ایروان چنین می نویسد: "... به نحو وحشیانه ای ظلم می کرد، غارت می کرد، هر وسیله ای که در خانه آنها (روستائیان) پیدا می نمود غصب می نمود و در صورت نبودن چیزی، زنان و فرزندانشان را تصاحب می کرد... بسیار اتفاق می افتاد که یا راضی شدن به تمام اینها، به کتک متوسل شده از آنها طلا می گرفت و از رنجهای زجر دیدگان خون جمع می کرد و می نوشید. تمام کشور با غارت از بین می رفت. با عرق مردم در قزوین عمارت می ساخت و خزانه خود را غنی تر می نمود."

ستمهایی نظیر اینها و بلکه شدیدتر، برارمنستان غربی نیز روا می شد. جمع آوری مالیاتها در اینجا اغلب بصورت مقاطعه به تجار و نزولخواران واگذار می شد. آنها با استفاده از اختیارات وسیع خود، تمام دارایی روستایی را غصب می کردند. این مقاطعه کاران مصیبت واقعی برای مردم بودند.

لیکن استثمار اجتماعی - طبقاتی توده های زحمتکش به مالیاتها و خراجها محدود نمی شد. روستائیان برای قشر حاکم کارهای اجباری و بیگاری نیز انجام می دادند، قلعه ها، خانه ها، انبارها و راهها ساخته می شدند، زمینها کشت می گردید و غیره. هر ساله چند روزی تمام جماعت روستایی با همه امکانات و وسایلش در اراضی خانها، پاشاها و سایر حکام کار می کردند. این وظیفه های فئودالی در ارمنستان شرقی عوارض نامیده می شد. در برخی نواحی، نظیر بایزید، موش و دیاربکر کارهای خانگی فئودال را، زنان و دختران روستایی انجام می دادند. در این مناطق روستائیان بصورت برده

زندگی می کردند. با ناآگاهی از عاقبت استثمار، مردم در اشد فقر گذران زندگی می نمودند.

وضعیت حقوقی مردم نیز وخیم بود. رژیم ظالم خانها و پاشاها تمام حقوق سیاسی و مدنی ارامنه را لگد مال کرده بود. در اختلاف با ساکنین مسلمان، خلق ارمنی، رعیت، یعنی محروم از حقوق یا قشر پست، نامیده می شد. ارمنی بعنوان یک مسیحی، شهروند متساوی الحقوق نبود، وی از حقوقی که یک مسلمان داشت محروم بود. شهادت او در دادگاه ارزشی نداشت، او حق سوار شدن براسب و حمل اسلحه نداشت، او در مقابل یک مسلمان سرتعظیم فروود می آورد و باید از حیث لباس با آنها تفاوت می داشت، کلاه و کفشهای متفاوتی می پوشید و جز آن. وی بخاطر ملیت و مذهب خود، می بایست مالیات جداگانه می پرداخت که عمده ترین آنها خراج نامیده می شد. برای حرمسراهای شاه، خانها، بیگها، دختران و زنان را از ساکنین بزور جدا می کردند. بفرمان سلطان بچه ها را بزور از ساکنین مسیحی می گرفتند و با آنها سپاه مخصوصی به نام بنی چری تشکیل می دادند. آتوویان در زمینه وضعیت روستایی ارمنی محروم از حقوق چنین نوشته است: "دختر را غصب می کردند، پسر را می بردند و بسیاری از مواقع آنها را ترک می کردند، از مذهب خود دور می ساختند و بسیاری از مواقع نیز، سرشان را بریده آتش زده به قتل می رساندند. نه خانه اش مال خودش بود و نه مالش، نه وسایلش، نه جانش، نه زن و بچه اش."

برخلق ارمنی ضربات سنگین معنوی وارد می شد، حیثیت و احساسات گرانمایه اش لگد مال می گردید. حکام، فئودالها و روحانیون، به نحوی از انحاء نابرابری های ملی را حفظ و بذران را می پاشیدند. سنگینی این ستمهای ملی - مذهبی در درجه اول متوجه زحمتکشان بود.

اوضاع مردم از این نظر وخیم تر می گردید که ارمنستان شرقی و بخصوص ارمنستان غربی، تقریباً همیشه دچار آشوب و هرج و مرج بود. پاشاها و خانها - که با حکومت مرکزی ارتباط ضعیفی داشتند - با اعلام استقلال خود

گاه با خودشان و گاه بر علیه حکومت اعلام جنگ می کردند. بخصوص پاشاها، شیخ ها و بیگ های بایزید، والی و دیاربکر جنگ های مداوم و پرمصیبتی را انجام می دادند. اقوام گوناگون کوچ نشین نیز، اغلب حملات و تهاجمات خود را انجام می دادند. در جریان این جنگ ها و حملات، کشور ویران و غارت می شد، ساکنین یا اسیر یا نابود می گردیدند. مردم در بحران همیشگی زندگی می کردند. امنیت جان و مال وجود نداشت. شرایط لازم برای کار توام با آرامش وجود نداشت. یک نفر مسافر اروپائی که در سال ۱۸۰۵ از ارمنستان غربی عبور می کرد، در مورد اوضاع پاشانشین بایزید چنین نوشته است: "این سرزمین تحت هجوم و حمله قرار دارد. زارع بیپوده به کاشت بذر می پردازد. کشت هنوز خوب نرسیده است که روستایی همراه با خانواده و گله هایش برای رهایی از استثمار پاشای حاکم و غضب غارتگران و اوباش، مجبور به فرار و ترک دشت ها می شود. در این سرزمین بدبخت نه وطنی وجود دارد، نه امنیتی و نه آرامشی".

در اوایل قرن ۱۹، بخش قابل توجهی از خلق ارمنی در خارج از ارمنستان در کشورهای همسایه و دور زندگی می کرد. قرنهای متمادی در شرایط اسفناک حاکم، تهاجمات و کشتار ملی غارتگران بیگانه مردم بسیاری را به ترک وطن و اقامت گزیدن در سایر کشورها مجبور ساخت. تعداد مناطق مهاجرت ارمنه نسبتاً زیاد بود. مناطق مهاجرت ارمنه در قرن ۱۹ عبارت بودند از مسکو، تفلیس، قفقاز شمالی (نخجوان نو، موزدک، قزلار)، آستراخان، کریمه، قسطنطنیه، ازبک، هندوستان، ایران، مصر، بلغارستان و سایر نواحی.

اکثر مهاجرنشین های ارمنی روابطشان را با مام وطن، با ارمنستان، قطع نکردند. با قراردادن در شرایط سیاسی و اقتصادی بهتر، آنها نقش عمده ای در کار ترقی و رونق فرهنگ ارمنی و زندگی اجتماعی ایفا نمودند. از این حیث بویژه مهاجرنشین های ارمنی در مسکو، تفلیس، نخجوان نو و

قسطنطنیه به چشم می خورد.

مهاجرنشین ارمنی مسکو در نیمه های قرن هجدهم تشکیل شده است. و اساساً از تجار ارمنی مهاجر از ایران تشکیل می شد و در بین آنها بویژه خانواده لازاریان به چشم می خورد. لازاریان ها ثروت زیادی جمع کرده و در دربار تزار مقام های بزرگی بدست آوردند. مهاجرنشین ارمنی مسکو، پرجمعیت نبود، ولی نقش مهمی در زمینه ترقی فرهنگ ارمنی ایفا نمود.

ساکنین ارمنی تفلیس و بطور کلی گرجستان، جمعیت انبوهی را تشکیل می دادند. در اوایل قرن نوزدهم شمار فقط ارمنه ساکن در شهر تفلیس به حدود ۱۸۰۰۰ می رسید. ساکنین ارمنی شهرهای گرجستان عمدتاً به صناعت و تجارت اشتغال می ورزیدند. در سده نوزدهم مهاجرنشین ارمنی تفلیس- که در زمانهای قدیم تشکیل شده بود- در کار ترقی و رونق فرهنگ ارمنی و احیای زندگی معنوی نقش عظیمی ایفا کرد.

نخجوان نو (در حوالی دونی رستف)، که کلاً یک شهر ارمنی نشین است، در سال ۱۷۸۰ بنا گردید. ساکنین آن در سال ۱۷۷۸ از کریمه مهاجرت کرده بودند. در اوایل قرن در نخجوان نو و ۵ ده ارمنی نشین اطراف آن، حدود ۱۲۰۰۰ ارمنی زندگی می کردند. جامعه ارمنی نخجوان نو در امور داخلی اش خودمختار بود، دادگاه جداگانه داشت، مسایل فرهنگی-آموزشی و از این قبیل، در داخل جامعه حل و فصل می شد.

ساکنین ارمنی قسطنطنیه در اول قرن نوزدهم، ۲۰۰۰۰۰ نفر بودند. ارمنه اساساً از ارمنستان غربی به آنجا مهاجرت نموده بودند. مقر پاتریارک، رهبر روحانی ارمنه غرب در قسطنطنیه قرار داشت.

خلق ارمنی تحت استثمار و فشار ظالمانه، در اوایل قرن ۱۹، در موقعیتی نبود که بدون کمک خارجی، سلطه سنگین خانها و پاشاها را از بین ببرد و به کمک احتیاج داشت و در آن شرایط تاریخی چنین مساعدتی را می توانست از روسیه دریافت کند. دولت تزار با در نظر گرفتن منافع اقتصادی و سیاسی

خود، قدمهای جدی در جهت الحاق ماوراء قفقاز به روسیه برمی داشت. خلق ارمنی تمایل داشت که به کمک سپاه در حال حرکت روسیه بطرف ماوراء قفقاز، یوغ سنگین خانها، پاشاها، شیوخ و بیگها را وازگون ساخته، تحت حمایت روسیه قرار گیرد. در آن برهه از زمان تنها چاره همین بود. توده های وسیع مردم به روسیه تمایل داشتند. شخصیت های نهضت رهایی بخش ارمنی، نظیر گذشتگان خود، با دربار روسیه تماس حاصل کردند و سعی نمودند تا به ورود قوای روسیه به ماوراء قفقاز تسریع بخشند. دولت روسیه نیز بنوبه خود با رهبران ارمنی ارتباط برقرار نمود و از آنها در جهت الحاق ارمنستان به روسیه سود جست.

در اوایل قرن ۱۹، به ویژه اسقف اعظم نرسس آشتاراکسی (۱۸۵۷-۱۷۷۰) - از شخصیت های نامدار سیاسی - که بعدها کاتولیکوس گردید، فعالیت وسیعی نمود، او در جهت آزادی ارمنستان از زیر یوغ سنگین خانها و بیگها کوشش فراوانی کرد.

۲- رهایی ارمنستان از یوغ خانها

آلساندر اول، تزار روسیه در سال ۱۸۰۱، با فرمان مخصوص، گرجستان را به روسیه ملحق ساخت (گرجستان غربی در سالهای ۱۸۱۰-۱۸۰۳ ملحق شد). با این کار، ولایات لوری - پامباک، شامشادین و غازاخ نیز - که در این دوران تابع گرجستان بودند - به روسیه پیوستند.

دولت تزار، در عین حال اقدامات جدی انجام داد تا بخش های دیگر ماوراء قفقاز - آذربایجان و تمام ارمنستان شرقی - را نیز تحت تسلط امپراتوری خود قرار دهد. لیکن انجام این کار نسبتاً مشکل بود، زیرا خانهای حاکم برارمنستان شرقی و آذربایجان و دربار ایران برای حفظ مسلحانه سلطه خود آماده می شدند. اوضاع بغرنج تر می گشت، به این علت که انگلستان و فرانسه مطابق سیاست تجاوزکارانه خود، به هرنحوی خانهای

ایرانی و پاشاهای ترک را کمک می کردند تا از انجام برنامه های دولت تزار جلوگیری نمایند.

در سال ۱۸۰۴ بین روسیه و ایران جنگ آغاز شد و با برخی توقف ها تا سال ۱۸۱۳ بطول انجامید. ارتش روسیه به کمک ساکنین محلی ضربات سنگینی بر قشون ایران وارد ساخت. در سال ۱۸۰۴ سپاهیان روس، به فرماندهی کل ژنرال سیسیانوف، پس از یک رشته نبردها و حملات قلعه گنجه را تصرف کردند. یکسال بعد در ۱۸۰۵ یک لشکر به فرماندهی سرهنگ نسوتایف، با عقب راندن سپاه خان ایروان، شیراک را متصرف گردید. بدین ترتیب قسمت شرقی شیراک - ساحل چپ رود آریاچای (آخوریان) - نیز به روسیه ملحق شد. در همین سال، خان نشین های قره باغ، شاک (نوخ) و شیروان (شاماخی) توسط مذاکرات صلح، اطاعت از روسیه را قبول نمودند. در سال ۱۸۰۶ ژنرال گودوویچ حاکم جدید قفقاز، موفق به الحاق خان نشین های دربند، باکو و قوبا به روسیه گردید.

نبردهای سرنوشت سازی در سال ۱۸۱۲ بوقوع پیوست. در بیستم اکتبر، در ساحل رود ارس و نزدیکی شهر شوشی و در ۷۰ کیلومتری جنوب شرقی دشت اصلان دوز، لشکر ژنرال کوتلیاروسکی شکست سنگینی به قشون عباس میرزا وارد ساخت. پس از دو ماه، کوتلیاروسکی بعد از جنگ های خونین، لنکوران را تصرف نمود و بدین وسیله خان تالیش نیز تابع روسیه گردید. در همین دوره قشون دلیر روسیه، ارتش نیم میلیونی ناپلئون اول را - که به روسیه رخنه نموده بود - بکلی درهم شکست. این پیروزی درخشان روسیه در همه جا من جمله در ایران انعکاس وسیعی بجای گذاشت. دولت شاه پیشنهاد صلح داد. در ۱۳ اکتبر ۱۸۱۳ در قلعه گلستان قره باغ پیمان صلح امضاء شد. که براساس آن گرجستان شرقی، خان نشین های گنجه، قره باغ، شاک، شیروان، باکو، قوبا، تالیش و دربند و نیز شیراک، لوری، غازاخ، شامشادین، زانگور و برخی نواحی دیگر جزو قلمرو امپراتوری روسیه شناخته شدند.

در زمان جنگهای ۱۸۱۳-۱۸۰۴ بین روسیه و ایران، ارتش روس برای تصرف خان نشین ایروان دو مرتبه سعی کرد. اولین کوشش در سال ۱۸۰۴ بوقوع پیوست. در ماه ژوئن یک لشکر روس متشکل از ۴۵۰۰ نفر بفرماندهی ژنرال سیسیانوف، وارد دشت آرارث شد و در ۱۵ ژوئیه ضربه نهائی را بر قشون فتحعلی شاه وارد ساخت. پس از آن سیسیانوف سعی در تصرف ایروان نمود.

قلعه ایروان مشرف بر سرحدات جنوبی شهر - ساحل مرتفع و پر صخره رود هرازدان (زانگو) - قرار داشت. از سه طرف توسط حصارهای دو لایه محصور بود. حصار داخلی که از آجر و سنگ ساخته شده بود، به حد کافی بلند و مستحکم و دارای ۱۷ برج بود. در حدود ۴۰-۳۲ متری آن، حصار خارجی قرار داشت که از رس و سنگ ساخته شده و نسبتاً باریک و کم ارتفاع بود. در اطراف قلعه چاله‌های عمیق و پهن کنده شده و برخی از آنها نیز از آب پرگردیده بود. قلعه دارای ۶۰ توپ و ۲ خمپاره انداز و پادگان آن ۷۰۰۰ نفر سرباز داشت.

محاصره ایروان از ۲۴ ژوئیه تا ۴ سپتامبر بطول انجامید. سیسیانوف دست به چند حمله زد ولی موفق نشد. کمبود آذوقه و مخصوصاً وسایل جنگی دشواری جدی برای لشکر روس بوجود آورد. سیسیانوف ایروان را ترک کرده به گرجستان برگشت.

دومین محاصره ایروان در پائیز ۱۸۰۸ بوقوع پیوست. این مرتبه لشکر ۷۷۰۰ نفری روسیه بفرماندهی ژنرال گودوویچ بطرف ایروان حرکت نمود و در ۸ اکتبر باغات و حومه شهر را تصرف کرد. قلعه ایروان در حلقه تنگی قرار گرفت. در ۱۷ نوامبر گودوویچ دست به حمله شدید زد، لیکن صرف نظر از کوششهای قهرمانانه جنگجویان روس این اقدام بدون نتیجه ماند. مشکلات تهیه مواد ضروری و زمستان، گودوویچ را به خاتمه محاصره ایروان مجبور نمود.

تصرف ایروان از سوی قشون روس بعدها در زمان جنگهای ۱۸۲۸-۱۸۲۶

میان روسیه و ایران بوقوع پیوست.

حدود ۱۳ سال پس از انعقاد پیمان گلستان در سال ۱۸۲۶، ایران با تشویق دولت انگلستان جنگ جدیدی برعلیه روسیه آغاز نمود. در ۱۶ ژوئیه، قشون سردار حسین خان ایروان، با حمله ناگهانی به مرزهای شیراک و پامباک رخنه کرد. اما سپاه اصلی ۶۰۰۰ نفری ایران بفرماندهی ولیعهد عباس میرزا بطرف قره باغ حرکت نمود.

برای قشون قلیل روس - که در بخشهای مختلف ماوراء قفقاز پراکنده بود - وضعیت وخیم بوجود آمد. دشمن در ابتدا موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرد. دسته‌جات اویاش حسین خان با شکست دادن مقاومت فرمانان روستائیان ارمنی، ولایات شیراک و پامباک را فتح کردند. سپاه عباس میرزا در ۲۵ ژوئیه قلعه شوشی را - که سپاهیان قلیل روس به همراه ساکنین ارمنی در آنجا می‌جنگیدند - محاصره کرد. در طول ماه اوت تحت فشار نیروهای برتر دشمن، قشون روس از تالش و نوخی عقب نشینی کرد. گنجینه (الیزابت پول) نیز فتح شد. عباس میرزای سرمست از این موفقیتها آرماده لشکرکشی به تفلیس می‌شد.

لیکن این موفقیت‌های قشون شاه موقتی بود. یرمولوف ژنرال نامدار و فرمانده کل ارتش روسیه در قفقاز، با دریافت نیروهای کمکی به ضد حمله پرداخت. در سوم سپتامبر یک دسته روسی بفرماندهی ژنرال نامدار ارمنی، مدد ف، سپاه پیش فراول دشمن را درحوالی شاماخی کلاً درهم شکست. ده روز بعد، در ۱۳ سپتامبر، ارتش اصلی ایران در حوالی گنجه شکست سنگینی متحمل گردیده مجبور به فرار شد. عباس میرزا مجبور شد از ارس عبور نموده بطرف تبریز فرار کند.

در ماه سپتامبر، پامباک و شیراک از قشون ایران پاکسازی شد. این امر را، پارتیزان نامدار جنگ میهنی ۱۸۱۲، دنیس داویدف شاعر، حامه عمل پوشاند. در اوایل سپتامبر ۱۸۲۶ او بعنوان فرمانده سپاه در حال جنگ

روس برعلیه حسین خان، سردار ایروان و برادرش حسن خان، انتخاب شد. در ۲۱ سپتامبر در حوالی ده میراک، داویدف قشون خانها را شکست داده، روز بعد وارد خان نشین ایروان شد. لیکن داویدف بفرمان یرمولوف پیشروی سپاه را متوقف ساخت و به جلال اقلی (استپانان فعلی) برگشت، زیرا حمله به ایروان تا بهار سال بعد، یعنی ۱۸۲۶، به تعویق افتاد.

در ماه مارس ۱۸۲۷، ژنرال پاسکویچ به جای یرمولوف بعنوان فرمانده کل قوا و حاکم قفقاز منصوب گردید، و به فرماندهی او نیز عملیات جنگی از سرگرفته شد. در دوم آوریل، سپاه روس بطرف ایروان حرکت نمود و در سیزدهم همان ماه بدون هیچگونه مقاومتی اجمیادزین را تصرف کرد. سپاه اصلی روس بفرماندهی پاسکویچ در اوایل ژوئن وارد دشت آراغات گردید. خان نخجوان در ۲۶ ژوئن تسلیم شد و قلعه عباس آباد نیز واقع در نزدیکی نخجوان در هفتم ژوئن تصرف گردید.

بعلت گرمای شدید تابستان، قشون روس موقتاً عملیات جنگی را متوقف ساخت و در کوههای آراغانی و قره باغ به استراحت پرداخت. فقط در ۱۷ اوت بود که در حوالی ده اشاگان، بین قشون قلیل ژنرال کراسوسکی و سپاه عباس میرزا که ده مرتبه برتری داشت، جنگ شدیدی درگرفت. سربازان روس و داوطلبان ارمنی و گرجی شجاعت فوق العاده‌ای از خود نشان دادند و به قیمت خون قربانیان زیاد، اجمیادزین را از تصرف و ویرانی توسط دشمن، نجات دادند.

عملیات آکتیو جنگی در ماه سپتامبر دوباره آغاز شد. پاسکویچ تصمیم به تصرف سردار آباد و ایروان گرفت. در نهم سپتامبر، قشون روس بطرف سردار آباد حرکت نمود.

قلعه سردار آباد را حسین خان، سردار ایروان، به کمک مهندسی — فرانسوی در سالهای ۱۸۱۷-۱۸۱۵ ساخته بود. قلعه مربع شکل بود و حصارهای آن دو بل و مرتفع، برجها و دروازه‌ها بزرگ و محکم بودند. پادگانها از ۲۰۰۰ نفر تشکیل می‌شد. حسن خان کار حفاظت از قلعه را بعهده

داشت.

در ۱۳ سپتامبر، قشون روس سردار آباد را محاصره نمود. در ۱۸ برج توپهای محاصره به کار افتاد. روز بعد، شب هنگام، حسن خان مخفیانه از قلعه فرار کرد. ساکنین ارمنی قلعه در ۱۹ سپتامبر دروازه‌ها را باز کردند. ۱۳ توپ، ذخیره فراوان و جز آن، بدست ارتش روس افتاد. آرامنه و گرجی‌های بیشماری — که توسط خان به اسارت گرفته شده بودند — آزاد گردیدند.

پس از این پیروزی بزرگ، قشون روس بطرف ایروان حرکت نمود، که حفاظت از آنجا نیز در دست حسن خان فراری از سردار آباد قرار داشت. بفرمان خان، حدود ۱۸۰۰۰ نفر که اکثراً از شهر ایروان و ساکنین ارمنی دهات اطراف بودند در قلعه جمع شده بودند. ترس آشتاراک که دائماً در ارتش روس بسر می‌برد با تماس با آنها سعی نمود به هر ترتیبی تصرف شهر را تسهیل بخشد.

قلعه ایروان زیر آتش شدید توپها قرار گرفت. در ۲۸-ام ماه، ۱۴ توپ سنگین محاصره کار نمودند، اما تمام شب ۳۰-ام ۴۰ توپ آتش کردند. فقط آن شب بیش از ۱۰۰۰ گلوله توپ روی شهر ریخت و در نتیجه قسمت اعظم خانه‌ها آتش گرفته و ویران گردید. خاچاتور آبوویان در کتاب "جراحات ارمنستان" در این باره می‌نویسد: "... قلعه ایروان در دود گم شد. ۵ روز و ۵ شب کوه و دره می‌گرید. مثل اینکه آتش سدوم و عموره^۱ از بالا می‌بارید. قلعه ایروان گاهی مثل چراغ روغن نورانی می‌شد و سپس خاموش می‌گردید. آنقدر گلوله توپ به سر و قلبش خورده بود که جانش به لبش رسیده بود".

در بامداد روز اول اکتبر یک دسته از سپاه روس برج شمال شرقی قلعه را تصرف نمود و یک فوج دیگر بآنزدیک شدن به دروازه شمالی و با ازبین بردن آن وارد قلعه شد. قلعه معروف ایروان تصرف گردید. پادگان خان که

1- Sodom & Gomorrah

که از ۴۰۰۰ سرباز تشکیل می‌شد، تسلیم گردید. حسن خان و ۲۰۵ مقام بلند پایه اسیر شدند، حدود ۱۰۰ توپ و غنایم جنگی دیگر بدست آمد. در اول اکتبر ۱۸۲۷ پرچم روسیه بر قلعه ایروان به اهتزاز درآمد.

این عمل تاریخی در بین تمام قشرهای خلق ارمنی ایجاد شور و شوق نمود. خاجاتور آبوویان با تشریح خوشحالی و هیجان ساکنین ارمنی ایروان در آن روزها، می‌نویسد: "وقتی که ستون سالدات‌ها وارد قلعه گردید، گریه و زاری، از هزارها و هزار پنجره نمی‌گذاشت تا انسان دهانش را باز کند. ولی کسی که قلب شجاعی داشت بخوبی می‌دید؛ آن دستها، آن چشمان که بطرف آسمان خشک شده بودند، بدون سخن هم می‌گفتند که ویران شدن جهنم برای گناهکار چنین ارزشی نمی‌داشت که تصرف قلعه ایروان برای آرامنه داشت... از وقتی که ارمنستان شکوهش را از دست داده بود، و از وقتی که آرامنه سرشان را زیر گیوتین دشمن گذاشته بودند این روز، این خوشحالی را ندیده و از آن لذت نبرده بودند".

پس از تصرف ایروان، قشون روس موفقیت‌های دیگری را نیز بدست آورد. با تعقیب دشمن، آنها در ۱۳ اکتبر ابتدا تبریز و سپس خوی، سلماس، اما در ماه‌های زمستان شهرهای مراغه، اردبیل و ارومیه را به تصرف خود درآوردند.

شاه ایران پیشنهاد صلح داد که از طرف دولت تزار مورد قبول واقع گردید. در دهم فوریه ۱۸۲۸ در قریه ترکمنچای واقع بر سر راه تبریز-تهران، پیمانی منعقد گردید، که به مناسبت این قریه، پیمان ترکمنچای نامیده شد. با پیمان ترکمنچای، خان نشین‌های ایروان و نخجوان به روسیه ملحق گردید. قصد و هدف دیرینه دولت تزار یعنی الحاق ارمنستان شرقی به روسیه جامعه عمل پوشید.

جنگ روس-ایران تازه تمام شده بود که جنگ روسیه و ترکیه (۱۸۲۹-۱۸۲۸) در دو حبه بالکان و قفقاز آغاز گردید. عملیات جنگی بخصوص در

جبهه قفقاز - در ارمنستان و گرجستان - قرین موفقیت بود. ارتش روسیه در قفقاز به فرماندهی پاسکویچ در ۱۴ ژوئن قریه گیومری (لنیناکان فعلی) خارج شده از رودخانه آریاچای (آخوریان) عبور نموده وارد مرزهای پاشانشین قارص گردید. در ۱۹ ژوئن، قشون روس ضربات سنگینی بر سواره نظام ترک وارد ساخت و سپس قلعه معروف قارص را - که محمد امین پاشای قارص در آنجا سنگر گرفته بود - تصرف نمود.

قلعه قارص بسیار محکم بوده، یکی از مجهزترین قلعه‌های زمان خود بود و شکل چند ضلعی نامنظم داشت و توسط حصارهای دویل ساخته شده از سنگهای بزرگ و به ارتفاع ۸-۴ متر حفاظت می‌شد و برجهای آن برای شلیک مسافتهای دور توسط توپ مجهز بودند. حصارهای جنوبی و شرقی قلعه، کنگره‌ای شکل بودند و قسمت اعظم توپها در آنها قرار داشت. در داخل قلعه، در گوشه شمال غربی، قلعه میانی غیرقابل تسخیر در بالای صخره‌ها قرار گرفته بود. و انبارهای باروت، گلوله توپ و سایر مهمات جنگی در آنجا نگهداری می‌شدند. راه زیرزمینی قلعه - که ۳۰۰ پله داشت - بطرف رودخانه قارص می‌رفت.

محاصره قارص سه روز بطول انجامید. در ۲۳ ژوئن، پس از بمباران طولانی و جنگ سخت، قشون روسیه قلعه را تصرف نمود. ۱۵۱ توپ و ۳۳ پرچم بدست آنها افتاد. شمار اسرای جنگی به ۱۳۵۰ رسید که خود محمد امین پاشا نیز در جمع آنها قرار داشت.

در جنگهای قارص، سکنه ارمنی شهر به قشون روسیه مساعدت بسیاری نمودند. آنها از حیث مواد غذایی و تمام وسایل ممکن روسها را یاری می‌دادند.

پس از پاکسازی قارص از وجود پاشاها، لشکر پاسکویچ آخالکالاک را در ۲۳ ژوئیه و آخالسخارا پس از بمباران شدید و حملات پیاپی در ۱۵ اوت به تصرف خود درآورد.

یک لشکر دیگر روس به فرماندهی ژنرال چاواواوزه، بایزید را در ۲۸

اوت و آلاشگرد را در ۱۲ سپتامبر تصرف نمود. در این روزها، گروه رزمی داوطلب ارمنی در صفوف قشون روسیه، دیارین را آزاد ساخت. بدین ترتیب، قشون روس پاشانشین بایزید را نیز به تصرف خود درآورد.

عملیات جنگی با شدت بیشتری در بهار ۱۸۲۹ آغاز گردید. پس از یک رشته نبردهای سرنوشت ساز، ارتش روسیه ارض روم را در ماه ژوئن و بایبرد (بایبورت) و خنوس را در ژوئیه اشغال کرد.

در روزهای تصرف ارض روم، آ. پوشکین شاعر پرآوازه روس به سپاه پاسکوویچ آمد. پس از چند روز اقامت، وی با دوستان و آشنایان خود ملاقات نمود، عملیات جنگی را از نزدیک مشاهده کرد، به شهر ارض روم رفت و سپس از راه قارص - گیومری - تفلیس به روسیه برگشت. خاطرات و انعکاس های این سفر پوشکین در اثر معروف "مسافرت به ارض روم" به رشته تحریر درآمده اند.

در ماههای بهار و تابستان سال ۱۸۲۹، قشون ترک در جبهه اصلی بالکان متحمل شکست های سنگینی شد. سپاه روس قلعه مشهور سیلیستریا را در ماه ژوئن، اما شهر آدریاناپول را در اول اوت به تصرف خود درآورد و پیمان صلح نیز در دوم سپتامبر در همانجا منعقد گردید.

براساس پیمان آدریاناپول، روسیه دهانه رود دانوب را در بالکان تصاحب نمود، اما در قفقاز، آناپان، پوتی، آخالسکاو آخالکالاک را بدست آورد. لیکن مطابق قرارداد، قشون روسیه از ارمنستان غربی عقب نشینی کرده. بایزید، قارص و ارض روم به ترکیه برگردانده شد. این مناطق و سایر نواحی ارمنستان غربی تحت سلطه دولت سلطان و پاشاهای ظالمش باقی ماندند. بدین ترتیب، گرچه ارمنستان شرقی در اواخر سالهای ۱۸۲۰ از تسلط خانهای ایران خارج شد و به روسیه ملحق گردید، ولی اوضاع ارمنستان غربی لایتنیر باقی ماند.

در آغاز قرن ۱۹، قسمت چشمگیری از دهات و شهرهای ارمنستان شرقی

و بخصوص دشت آرات، نیمه ویران و خالی از سکنه بود. در اثر جنگهای مداوم میان بیگها و خانهای حاکم برارمنستان، قسمتی از سکنه نابود شده یا به کشورهای دیگر مهاجرت کرده بود. منافع دولت تزار، افزایش سکنه ارمنی ارمنستان شرقی ملحق شده به روسیه را ایجاب می نمود. این مسئله اجتناب ناپذیر بود زیرا اولاً "برای استقرار زندگی اقتصادی کشور و متعاقباً" کسب منافع مادی و سپس داشتن سکنه مطمئنی چون ارامنه در این سرزمین مرزی، ضرورت داشت. براساس همین اهداف، دولت تزار کوشید تا قسمتی از ارامنه ساکن در نواحی تحت تسلط ایران و ترکیه را به ارمنستان شرقی کوچ دهد. برای انجام چنین هدفی، به درخواست روسیه چه در پیمان ترکمنچای و چه آدریاناپول موادی پیش بینی شد که براساس آنها مهاجرت ارامنه بطرف مرزهای روسیه، ارمنستان شرقی و ماوراء قفقاز مجاز شناخته شد.

برای انجام مهاجرت پیش بینی شده، شورای مخصوصی تشکیل گردید. ترس آشتاراک، سرهنگ غازار لازاریان، کاراپت اسقف اعظم ارض روم و سایر شخصیتها بکار دعوت شدند. به همت پاسکوویچ کارهای مقدماتی انجام شد.

ارامنه باقی مانده تحت تسلط حکومت های ایران و ترکیه، پیشنهاد مهاجرت به ماوراء قفقاز را با خوشحالی پذیرفتند. خانها و پاشاها سعی نمودند تا از انجام مهاجرت جلوگیری کنند. زیرا محروم شدن از دستهای زحمتکش، برایشان صرف نداشت. لیکن با این وجود، مهاجرت وسعت زیادی پیدا کرد.

اولین مهاجرین، ارامنه ایران بودند. با آغاز فصل گرم بهار ۱۸۲۸، سکنه ارمنی تبریز، ماکو، خوی، سلماس، ارومیه و سایر مناطق براه افتادند. مهاجرت سرعت بیشتری می یافت. بسیاری از آنها حتی دارایی منقول خود را نیز به جای می گذاشتند و بطرف مرزهای روسیه می شتافتند. شمار مهاجرین ارمنی ایران به حدود ۴۰۰۰۰ نفر رسید.

پس از اتمام جنگ روسیه و ترکیه، مهاجرت ارامنه غرب نیز آغاز شد.

اولین گروه‌ها در زمستان ۱۸۳۰-۱۸۲۹ برآه افتادند. ولی از بهار ۱۸۳۰ جریان مهاجرت سرعت بیشتری یافت. عمدتاً ارامنه ساکن در پاشانشین‌های ارض روم، قارص و بایزید مهاجرت نمودند. از ارمنستان غربی بیش از ۹۰ ۰۰۰ نفر کوچ کردند.

بدین ترتیب در طول سالهای ۱۸۳۰-۱۸۲۸ حدود ۱۳۰ ۰۰۰ نفر مهاجر ارمنی به ماوراء قفقاز آمدند. لیکن این، قسمت کوچکی از ارامنه ایران و غرب بود. بخش عظیم آنها که بععل مختلف امکان مهاجرت را بدست نیاورد، تحت سلطه حکومت‌های ایران و ترکیه باقی ماند.

ارامنه کوچ نموده به ماوراء قفقاز، بیشتر در مناطق مرزی و نواحی خالی از سکنه سکنی گزیدند. ارامنه ایران در نواحی ایروان، زانگروز و قره باغ و از ارامنه غرب، ارض رومی‌ها در آخالکالاک و آخالسقا، اهالی قارص در گیومری، آپاران و تالین، اما اهالی بایزید در سواحل جنوب غربی دریایچه سوان ساکن گردیدند. گروه اخیر که بخش عظیمی از مهاجرین ارمنی غرب را تشکیل می‌داد، شهر بایزیدنو را تاسیس نمود. مهاجرین همچنین در ایروان سکنی گزیدند.

این مهاجرت ارامنه ایران و غرب در شرایط سختی انجام شد. مهاجرین وسایل ضروری حمل و نقل، غذا و لباس کافی در اختیار نداشتند. آنها محرومیت‌های بسیاری کشیدند و نه تنها در جریان انتقال بلکه پس از استقرار در مساکن جدید نیز در وضع فلاکت باری بسر بردند. دولت تزاری مبالغه استقراضی ناچیزی برای آنها در نظر گرفته بود. بخش عظیمی از مهاجرین با عدم دریافت کمک دچار قحطی و بیماری گردید. به ویژه مهاجرین ارمنی ایران در وضعیت وخیمی قرار گرفتند.

دکابریست آمشهور الکساندر مالینسکی - که در این سالها در ارمنستان بسر می‌برد - راجع به وضعیت وخیم مهاجرین ارمنی ایران می‌نویسد: "قول

۲- دکابریست‌ها: اعضاء قیام انقلابی گروهی اشرافی در ۱۴ دسامبر ۱۸۲۵ در روسیه برعلیه نظام برده‌داری و استبدادی - م.

کوه‌های طلایی را دادند و آنها حرکت نمودند... آمدند و حتی دانه‌ای گندم، جایی برای گذاشتن سرخود، کلبه‌ای برای حفظ جان‌شان پیدا نکردند. هیچ چیزی آماده نکرده بودند. آب و هوای مرگبار، زمین لم یزرع نصیبشان شد و به همراه آن کمک مالی ناچیز، به قسمتی از ایشان داده شد."

لیکن، بطور کلی مهاجرت ۱۸۳۰-۱۸۲۸ اهمیت مثبتی برای خلق ارمنی داشت. در اثر مهاجرت، وضع اسفناک اقتصادی در ارمنستان شرقی بهبود و جمعیت ارامنه فزونی یافت. موجودیت خلق ارمنی که بدست اشغالگران خارجی در معرض خطر قرار گرفته بود، استقرار و استحکام دوباره پیدا نمود.

بلافاصله پس از پیمان ترکمنچای، دولت تزار نظام خانجانی را در ارمنستان شرقی ملغی نمود و نظام اداری روسی را جایگزین آن نمود. در سال ۱۸۲۸ مرز (سرزمین) ارامنه تشکیل شد که شامل ولایات ایروان و نخجوان و اردوباد می‌شد. در سال ۱۸۴۹ پس از یکرشته اصلاحات اداری، استان ایروان شامل ولایات ایروان، نخجوان، آلکساندراپول، بایزیدنو و اردوباد تشکیل گردید. سایر نواحی ارمنستان شرقی جزو استان‌های تفلیس و الیزابتپول (گنجه) درآمد. این نظام اداری اساساً تا سال ۱۹۱۷ حفظ گردید.

۳- شرکت دکابریستها و داوطلبین ارمنی در آزادسازی ارمنستان

چنانکه دیدیم در جریان جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ بین ایران و روس، ارمنستان شرقی از زیر یوغ خانها و بیگ‌ها آزاد شده به روسیه ملحق گردید. در این جنگ سرنوشت ساز برای خلق ارمنی، دکابریست‌های بسیاری - که از انقلابیون مشهور روس در زمان خود بودند - و هزاران داوطلب و غیرنظامی ارمنی شرکت داشتند.

پس از شکست قیام انقلابیون اشرافی روس، در سال ۱۸۲۸ بفرمان تزار نیکلای اول، حدود ۷۰ رهبر - افسر - و بیش از ۲۸۰۰ سرباز به قفقاز تبعید گردیدند. ایشان - که در صفوف ارتش روس در قفقاز بودند، تقریباً

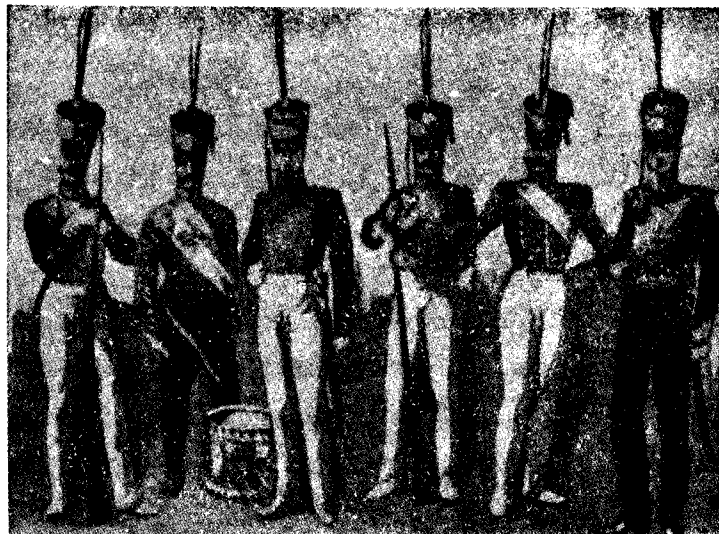
همه آنها در ارمنستان بسر بردند و در عملیات جنگی شرکت فعالانه نمودند. از جمله دکابریستهای تبعیدی به قفقاز و نیز افراد "هم تقصیر" با آنها می توان، ی. ی. لاجینف، م. ای. پوشچین، ن. ن. دپیرادویچ، ت. ت. گانگیلوف، ن. ن. سمیچف، ف. گ. ویشنوسکی، ت. ت. دوبرینسکی، د. ت. ایسکریسکی، آ. ی. رنیکویچ، ن. ن. ارژیسکی، ن. رن. سبریکف و سایرین را نام برد. همه آنها بخصوص در جنگهای ارمنستان شرقی شرکت داشتند.

بعنوان مثال یودوکیم یملیانویچ لاجینف، در نبرد ۲۷ اوت ۱۸۲۷ در دشت اوشاکان و در تصرف سردارآباد و ایروان شرکت نموده بخاطر شجاعت خود درجه استواری بدست آورد. میخائیل ایوانویچ پوشچین که فرمانده جوخه تبرداران بود، کار محاصره یک رشته قلعهها و بخصوص قلعه ایروان را با موفقیت انجام داد. در مورد نیکلای نیکلایویچ دپیرادویچ، فرماندهش نوشته است که او "در زمان محاصره قلعههای سردارآباد و ایروان شجاعت فوق العادهای از خود نشان داد". در ورقه خدمتی فئودور گاوریلویچ ویشنوسکی نوشته شده است که بخاطر شجاعت وی در تصرف سردارآباد به نشان نظامی گئورگی نایل شده، اما بخاطر تصرف ایروان درجه استواری بدست آورده است. الکساندر یفریمویچ رنیکویچ در نبردهای متعددی شرکت نمود. در مورد وی، پاسکویچ در اکتبر سال ۱۸۲۷ به تزار گزارش داده است: "پرایورشچیچک رنیکویچ در جنگ علیه دشمن خود را بعنوان جنگجوی دلیر شناساند". سایر دکابریستها شجاعانه در ارتش قفقاز می جنگیدند.

سربازان شرکت کننده در شورش دکابریستها، در عملیات جنگی شرکت داشتند و از آنها هنگ مخصوص لپ - گواردیا تشکیل یافته بود. این هنگ نقش بزرگی در آزادی ایروان از زیر یوغ خانهای ایران بازی نمود. دکابریستهای سرباز در جریان محاصره قلعه در صفوف اول قوای محاصره کننده قرار داشتند. در اول اکتبر ۱۸۲۷، روز تصرف قلعه ایروان گروههای هنگ با آغاز حمله اولین دسته جاتی بودند که وارد قلعه شدند. جنگجویان هنگ شجاعت و شهادت فوق العادهای از خود به نمایش گذاشتند و به دریافت

نشانهایی نایل آمدند.

دکابریستهای شرکت کننده در دستهجات مختلف ارتش روس در قفقاز، در جنگهای ۱۸۲۸-۱۸۲۹ روسیه و ترکیه نیز شرکت نمودند. در زمان تصرف قارص، آخالسقا، ارض روم، بایرد و سایر شهرها، آنها جنگ جسورانه ای را بر علیه قشون ترک انجام دادند. به جز پوشچین، لاجینف، گانگیلوف - که از آنها یاد شد - بویژه ای. گ. بورسف (در ژوئیه ۱۸۲۹ در جنگ شهر بایرد کشته شد)، پ. پ. کونونیسین، آ. بستوژف - مالرینسکی و نیز سایرین در جنگ بچشم خوردند. اکثر دکابریستهای سرباز و بخصوص ۸۰۰ سرباز هنگ چرنیگوف نیز - که در شورش ضدتزاری اوکرائین شرکت نموده و سپس به قفقاز تبعید گردیدند - مانند جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ روس و ایران، در جنگ ۱۸۲۹-۱۸۲۸ روس و ترکیه نیز فعالانه شرکت نمودند.



گروهی از سربازان دکابریست شرکت کننده در آزادسازی ایروان

برخلاف ژنرالها و چینیونیک‌های^۳ تزار، دکابریست‌های تبعیدی به قفقاز رفتار صمیمانه‌ای نسبت به خلق ارمنی داشتند. انقلابیون روس - که برعلیه استبداد تزار سلاح بدست گرفته و ایده آزادی خلق‌ها برایشان آشنا تر بود - با شجاعت و روحیه فوق‌العاده‌ای برعلیه خانها و پاشاها می‌جنگیدند. دکابریست‌های تبعیدی قفقاز که در جنگ ۱۸۲۸-۱۸۲۶ روس و ایران شرکت داشتند (و متعاقب آن ارمنستان شرقی به روسیه ملحق گردید) از کوشش خود در جهت ایجاد یک زندگی جدید برای ارامنه شرق^۴ مضایقه نکردند.

خلق ارمنی در جنگ روسیه با ایران و ترکیه شرکت فعالانه داشت. با امید بستن به پیروزی مسلحانه روسها در جهت آزادی از یوغ خانها و پاشاها، او از هیچ خدمتی برای حفظ این پیروزی مضایقه نکرد. ساکنین تا آنجائی که برایشان مقدور بود از حیث آذوقه، اطلاعات ضروری و خدمات و توصیه‌های متعدد دیگر و نیز مبارزه مسلحانه قشون روس را یاری دادند. در زمان عملیات جنگی، روستائیان اغلب برای آزادی از خان‌ها و پاشاهای استثمارگر به سلاح متوسل می‌شدند. داوطلبان و چریک‌های ارمنی بسیاری، با شجاعت در صفوف قشون روس می‌جنگیدند.

جوخه‌های داوطلبان ارمنی برای اولین مرتبه در قرن ۱۸ در ارتش روسیه ظهور کردند. لیکن نهضت داوطلبان به ویژه در زمان جنگ‌های ۱۸۲۸-۱۸۲۶ روس-ایران و ۱۸۲۹-۱۸۲۸ روس-ترکیه وسعت و گسترش زیادی پیدا نمود. در تابستان ۱۸۲۶- وقتی که جنگ روس-ایران تازه آغازگردیده بود - به رهبری گریگور مانوچاریان روحانی در شامشادین یک جوخه از داوطلبان تشکیل شد که در مدت کوتاهی مشتمل بر ۵۰۰ نفر سوار رزمنده گردید. او با راهنمایی سرفرماندهی ارتش روس در قفقاز، عملیاتی را برعلیه

۳- درجه دار، مقام دولتی - م.

۴- منظور از ارامنه شرق، ارامنه ساکن در ارمنستان شرقی و یا افرادی است که از این مناطق مهاجرت کرده‌اند و به همین ترتیب ارامنه غرب می‌باشند منتهی با در نظر گرفتن ارمنستان غربی - م.

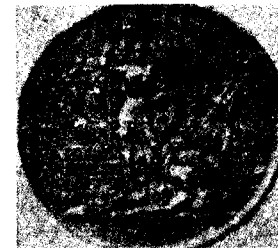
سردار ایروان - که حملاتی را به شامشادین و لوری - پامباک ترتیب داده بود - انجام داده خدمات چشمگیری به قشون روس نمود. در پائیز ۱۸۲۶ به همت ژنرال مددف، از ارامنه قره‌باغ، جوخه داوطلب تشکیل شد. او با جنگ شجاعانه در صفوف روس، یک رشته موفقیت‌هایی کسب نمود.



پرچم یکی از گروه‌های داوطلب ارمنی شرکت کننده در جنگ سالهای ۲۸-۱۸۲۶ میان ایران و روسیه

در ماه مارس ۱۸۲۷ به رهبری نرسس آشتاراکي، هاروتیون آلامداریان شاعر و ژنرال سپیباگین استاندار تفلیس، هنگ پیاده‌ای از داوطلبان ارمنی در تفلیس تشکیل شد. بعدها این هنگ به ایروان منتقل گردید و در جمع لشکرهای پیش قراول در عملیات جنگی شرکت کرد. کلیه ارامنه مذکور ۱۸ تا ۳۰ ساله می‌توانستند به هنگ ملحق شوند. شیت نام شدگان، از اهالی تفلیس، قره‌باغ، قارص، ارض روم، بایزید، ایروان، خوی و سایر نواحی بودند. در مورد این هنگ داوطلبان ارمنی و رزمندگان، یکی از معاصرین بنام ژنرال ن. ن. موراویوف روس چنین می‌نویسد: "در تفلیس به هنگ

ارامنه پرچمی داده شد. هنگ باکمال میل و روحیه فوق العاده وارد کارزار گردید که از روح سرباز جوان برخوردار بود... گرچه این هنگ با تفنگ‌های بدی مجهز بود، ولی شکل سپاه منظم را داشته از فرماندهی اطاعت می‌کرد، در صف می‌ایستاد و در دفاتر یادداشت می‌گردید... آنها چنانکه شایسته سربازها بود، در جنگ ظاهر می‌شدند و چنان که می‌توان انتظار داشت، می‌جنگیدند. این سپاه جدید، پیام‌آور بهترین امیدها بود، تا بتوان از رزمندگان محلی یک ارتش بسیار عالی ترتیب داد... این اولین هنگ با الحاق به ما، تدریجاً با سکنه خان‌نشین ایروان تقویت می‌گردید. همه قسم به خدمت وفادار خورده بودند و با ما در تمام حملات شرکت می‌کردند."



در تابستان ۱۸۲۸، وقتی که جنگ روسیه و ترکها آغاز گردید، جوخه‌های جدید داوطلبان ارمنی-تشکیل گردید. در ماه‌های اول نبرد، از سکنه ارمنی دشت آرارات و اطراف و اکناف آن، چندین هزار داوطلب سواره و پیاده جمع شدند. آنها یونیفورم

مخصوصی داشتند و کلاه قرمز سر گذاشته، یونیفورم ماهوتی سبز و آبی و کفشهای زرد می‌پوشیدند. در جریان جنگ روسیه با ترکیه داوطلبان در قشون پیش قراول بودند و فعالانه در جنگ شرکت می‌کردند. وقتی که عملیات جنگی در ارمنستان غربی گسترش یافت، گروههای جدید داوطلبان از بین سکنه ارمنی محل تشکیل شدند، که اینها در ماه‌های بهار و تابستان ۱۸۲۹ در مناطق بایزید، قارص و ارض روم فعالیت نمودند. شمار داوطلبین بایزید به ۲۰۰۰ رسید. در قارص پیاده نظام و هنگ ۸۰۰ نفری سواره تشکیل گردید. بخصوص داوطلبین ارمنی بایزید شجاعت و دلاوری بزرگی از خود نشان دادند. آنها به همراه سپاه قلیل روس، شجاعانه قلعه بایزید را حفظ نموده حملات سهمگین قشون عظیم پاشای وان را دفع کردند.

جوخه‌های داوطلبین ارمنی در تمام جریان عملیات جنگی فعالیت نمودند. بسیاری از داوطلبین بخاطر شجاعتشان، نشان‌ها و مدالهای افتخار دریافت نمودند.

۴- مرحله جدیدی در تاریخ خلق ارمنی

آزادی ارمنستان شرقی از یوغ خانها و الحاق آن به روسیه در محافل وسیع خلق ارمنی ایجاد شور و هیجان نمود. این موضوع همه جا بعنوان آزادی ملی ارمنه شرق تلقی گردید. پرواضح است که شخصیت‌های بارز سیاسی و فرهنگی ارمنی معاصر من جمله نویسنده مشهور هاروتیون آلامداریان، روشنگر و دمکرات بزرگ ارمنی خاچاتور آبوویان و مسروپ تاغیادیان با گرمی و هیجان تمام، این عمل تاریخی را لبیک گفتند.

ارمنه شرق با آزادی از یوغ خانهای ایران و قرار گرفتن در زیر سلطه روسیه تزاری، البته از ستم‌های ملی و استثمار اجتماعی رهایی نیافتند. دولت تزار، یوغ جدید و اشکال و روشهای جدید استثمار و اجحاف به همراه آورد. و بعنوان ارگان دولتی زمینداران، چه در قبال خلق روس و چه خلقهای دیگر که به امپراتوری روسیه پیوسته بودند من جمله خلق ارمنی، استثمار زحمتکشان را جامه عمل می‌پوشاند. تزاریسیم، سیاست استعماری و ستم ملی را دنبال می‌کرد که سنگینی آن متوجه خلق ارمنی نیز می‌گردید. توده‌های زحمتکش ارمنی بر علیه تزاریسیم فقط یکبار سلاح برنداشتند. بدین ترتیب در اواخر سالهای ۱۸۳۰، همچنین در ۱۸۵۰-۱۸۴۰ و سالهای ۱۸۷۰، شورهای دهقانی در مناطق مختلف ارمنستان بوقوع پیوستند. در سال ۱۸۸۵-وقتی که ساتراپ‌های تزار، اکثر مدارس ارمنی را بزور گرفتند-زد و خورده‌های مسلحانه بین سکنه ارمنی و پلیس درگرفت. لیکن صرف نظر از تمام آنها، الحاق ارمنستان به روسیه در آن شرایط تنها چاره برای ایجاد امکاناتی در زمینه ترقی زندگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بود.

متعاقب این واقعه معروف، خلق ارمنی قبل از هرچیز، از نابودی فیزیکی رهایی جست و افزایش شماری و موجودیت جمعی آن حفظ گردید. در نتیجه ستم ملی، تعقیب و کشتارهای خان‌های ایران و پاشاهای ترک، و نیز متعاقب جنگهای بین فتودالی و گروههای راه‌زن دیگر، کشور از هم پاشیده و ویران گردیده بود. تعداد جمعیت به مرور زمان تنزل می‌یافت و موجودیت فیزیکی مردم در معرض خطر قرار داشت. این خطر پس از الحاق، منتفی شد. خلق ارمنی در امپراتوری روسیه، آن کشتارها و ستم‌های ملی - مذهبی را که در زمان تسلط خانها و پاشاها انجام می‌شد، متحمل نمی‌گردید، از جنگهای ویران کننده بین فتودالی نیز خبری نبود. در این شرایط جریان مهاجرت ارامنه بطرف ارمنستان شرقی آغاز گردید و در آنجا تعدادشان بسرعت افزایش یافت. مشخص است که مثلاً در سالهای ۱۸۴۰ شمار جمعیت ارمنستان شرقی - در مقایسه با شمار جمعیت در اوایل قرن ۱۹ - دوبرابر شده بود. این مطلب بدین معنی است که موجودیت کلی و فیزیکی خلق ارمنی در ارمنستان شرقی زیر سلطه روسیه حفظ می‌شد.

الحاق ارمنستان به روسیه اهمیت مترقیانه‌ای در پیشرفت اقتصادی کشور نیز داشت. ارمنستان شرقی در زمان تسلط امپراتوری روسیه امکانات جدید اقتصادی بدست آورد. اقتصاد کشور در دوران تسلط خانهای ایران و پاشاهای ترک، بی‌تحرك و در حال اضمحلال بود. روسیه با زندگی اقتصادی مترقی‌تر خود نسبت به ایران و ترکیه، باعث تحرکی در زندگی اقتصادی ارمنستان گردید. شرایط مناسبی ایجاد شد. صرف‌نظر از سیاست استعماری تزاریسم، در ارمنستان شرقی و تمام ماوراء قفقاز هنوز در نیمه‌های قرن ۱۹، جنب و جوشی در پیشرفت زندگی اقتصادی پدید آمده بود. اقتصاد طبیعی از هم پاشیده و روابط پول - کالایی رونق می‌یابد، که اصلاحات روستایی سالهای ۱۸۷۱-۱۸۶۴ و نیز راه‌سازی در ماوراء قفقاز به این کار کمک شایانی می‌کنند. در سالهای ۱۸۷۰-۱۸۶۰ راه‌های شوسه^۵ تفلیس - قره‌کلیسا - ایروان، ایروان - جلفا، آلکساندراپول - کوغب - نخجوان - گوریس مرمت

یا ساخته شدند. در سال ۱۸۸۳ ساختمان راه آهن باکو - باتوم و در سال ۱۸۹۹ راه آهن تفلیس - آلکساندراپول - قارص اتمام یافتند. در نیمه دوم قرن ۱۹ مراکز استخراج مس در آلادردی و زانگور، اما در اواخر قرن کارگاههای تولیدی در زمینه پنبه، پوست، پارچه، شراب و کنیاک تاسیس شدند. هم تجارت داخلی و هم تجارت خارجی توسعه یافت. جمعیت شهری افزایش نمود. در سال ۱۸۶۵ ایروان ۱۴۰۰۰ اما در ۱۸۹۷، ۲۹۰۰۰ نفر جمعیت داشت. در سال ۱۸۶۵ آلکساندراپول ۱۶۰۰۰ اما در ۱۸۹۷ دارای ۳۲۰۰۰ نفر جمعیت بود.

نقش پیشرو روسیه در توسعه زندگی اقتصادی ارمنستان شرقی واضح می‌باشد. ف. انگلس در یکی از نامه‌هایش به ک. مارکس در سال ۱۸۵۱ می‌نویسد "روسیه واقعا" نقش پیشرو در قبال شرق بازی می‌کند".

الحاق ارمنستان شرقی به روسیه در ترقی فرهنگ ارمنی اهمیت فراوانی دارد. فرهنگ غنی و پیشرو خلق روس به شکوفایی ادبیات، هنر و علوم ارمنی کمک نمود. مثلاً نویسندگان بزرگی چون خاچاتور آبوویان، گابریل سوندوکیان، هوانس هوانسیان، هوانس تومانیان و سایرین تحت تاثیر ادبیات کلاسیک روس قرار گرفتند. هوانس تومانیان با سخن در این باره، نوشته است: "با عشق و احترام در برابر ادبیات شکوهمند ملت بزرگ روس در مقابل ادبیات پوشکین، لرمونتف، گوگول، داستایوسکی، تورگنیف، چخوف تولستوی و وارشین گران قدرشان که اکثر نویسندگان و متفکرین ما با آن تحصیل نموده‌اند - سرتعظیم فروود می‌آورم".

به لطف این مطلب که ارمنستان به روسیه ملحق گردید، توده‌های رحمتکش ارمنی امیدشان را به خلق بزرگ روس و مبارزه آزادیبخش آن‌ها بستند. هنوز در سالهای ۱۸۶۰، دمکرات و انقلابی مشهور، میکایل نالاندیان با انقلابیون نامدار روس - گرسن، اگاریف و همزمانشان ارتباط برقرار نموده بود. از اواخر قرن ۱۹، جنبش‌های کارگری و دهقانی ارمنی در جنبش عظیم انقلابی روسیه - جنبشی که بعدها آزادی واقعی را چه برای خلق روس و چه

خلق ارمنی به همراه آورد - قرار گرفت .

بدین ترتیب الحاق ارمنستان شرقی به روسیه واقعه‌ای عظیم و نقطه عطفی برای خلق ارمنی بود . از سال ۱۸۲۸ به بعد برای بخش عظیمی از مردم ، زندگی با اساس و پایه نوینی جریان یافت . برای رونق اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، شرایطی مناسب و دورنمایی پرامید بوجود آمد . مرحله جدیدی در تاریخ چندین قرنی خلق ارمنی آغاز گردید .

فصل هفدهم

اوضاع ارامنه غرب در نیمه دوم سده ۱۹

۱- تشدید ستم ملی

در نیمه دوم قرن ۱۹ ، وقتی که ارمنستان شرقی دیگر در زیر سلطه امپراطوری روسیه قرار داشت ، ارمنستان غربی همچنان تحت سیطره ترکها بود . شمار جمعیت ارامنه ساکن در ارمنستان غربی و در شهرها و قراء مختلف ترکیه عثمانی ، در این زمان حدود سه میلیون نفر را تشکیل می داد . دولت ترکیه (باب عالی) یک رشته کوششها در جهت انجام اصلاحات انجام داد . برای جلوگیری از انقراض حکومت سلطان عبدالمجید و خارج نمودن کشور از عقب ماندگی شدید ، در سال ۱۸۳۹ فرمانی دال برانجام اصلاحات در امپراتوری صادر شد . فرمانی نیز با همین محتوا در سال ۱۸۵۹ صادر گردید . این رفرم های اعلام شده که نام کلی تنظیمات را داشتند ، امنیت زندگی ، دارایی و شرف ، برابری حقوق مسلمین و مسیحیان ، اصلاحاتی در نظام اداری و غیره وعده می دادند . ولی تنظیمات تا حد بسیار کمی جامه عمل پوشید . برخی تعبیرات نظامی و اداری انجام شد . لیکن ایده های اصلی

اصلاحات موعود عملی نشد. تنظیمات هیچگونه نتیجه مثبتی به همراه نداشت. ترکیه همچنان "در پست‌ترین و وحشیانه‌ترین درجه فئودالیسم" باقی ماند (ک. مارکس و ف. انگلس).

تنظیمات بخصوص در ارمنستان غربی در حیطه اجرا قرار نگرفت. پاشاها، شیخ‌ها و بیگ‌های حاکم در آنجا، حتی نخواستند در مورد اصلاحات سخنی بشنوند، مردم در شرایط سخت باقی ماندند. بعلاوه، از نیمه‌های قرن ۱۹ به بعد، استثمار و ستم ملی تدریجاً تقویت گردید.

در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ موج جدیدی از جنبش‌های بخش ملی در امپراتوری عثمانی بوجود آمد. شورشیانی برعلیه سلطه ترک‌ها در چرنوگوریا، هرسگوینا و بلغارستان بوقوع پیوستند. نهضت‌هایی نیز در بخش آسیایی امپراتوری، در بین اعراب و اکراد بوجود آمد.

دولت سلطان با اعتقاد به موجودیتش، این جنبش‌ها را با بی‌رحمی تمام سرکوب نمود و برای مدتی به اعمال قاطعانه پرداخت تا اینکه از شیوع و گسترش چنین شورشیانی در بین سایر ملل جلوگیری بعمل آورد. آرامنه غرب و ارمنستان غربی نیز از نظر باب عالی پنهان نماندند، زیرا در آنجا نیز افکار مبارزه‌های بخش‌زمیند مناسبی پیدا کرده بود.

دولت عثمانی با کوشش در جهت ممانعت از جنبش‌های آرامنه غرب، به هر عملی دست زد تا موجودیت جمعی آرامنه غرب را در معرض خطر قرار دهد. کوشش‌هایی برای ازمیان برداشتن وضعیت نیمه مستقل یک رشته از ولایات ارمنی، بخصوص زیتون و ساسون، بعمل آمد، حکومت روابط آرامنه با کردها و سایر خلق‌های مسلمان را تیره و تار می‌نمود. تعقیب شدید جرایم، ادیس، انجمن‌های فرهنگی - تعلیمی آغاز شد، کشتارها و تغییر اخباری مذهب ترتیب داده می‌شد.

دولت مرکزی، حکومت‌های محلی، شیخ‌ها و بیگ‌ها و سایر فئودال‌ها، بی‌مضایقه دهقانان بی‌سلاح را - که به کار پرآرامشی اشتغال داشتند - غارت و استثمار می‌کردند. بی‌عنایتی و خودکامگی حکام حد و حصری نداشت.

ژنرال لپخوتین که در طول جنگ‌های کریمه (۱۸۵۳-۱۸۵۶) در ارمنستان غربی بسر می‌برد، می‌نویسد که آرامنه متحمل ظلم‌های سهمگینی می‌شدند و همیشه در وضعیت بحرانی بسر می‌بردند. محقق نامدار گارگین سروانزدیان اوضاع ساکنین ارمنی ولایت موش را در سال ۱۸۶۴ بشرح زیر بیان کرده‌است: "رگبار گلوله، جریان خون، غارت، تجاوز به خانواده‌ها، غارت کلیسا، زیر پا گذاشتن قانون، کشتار...".

شاهدی عینی در مورد ساکنین ارمنی ولایت کفی در سال ۱۸۶۹ چنین تعریف می‌کند: "این مردم اخلاقاً و از حیث فیزیکی در معرض نابودی قرار دارند، هرروز کشته می‌شوند، زخمی می‌گردند، غارت می‌شوند، استثمار می‌گردند".

در همان سال ۱۸۶۹، سفیر روسیه در قسطنطنیه گزارش داده است که باب عالی فرمانی سری در جهت تخریب بناهای تاریخی ارمنی - برای حکومت‌های محلی فرستاده است تا آنها گذشته ارمنستان را بیاد نیاورند و ایده استقلال ملی را در میان خلق ارمنی دوباره احیاء نکنند.

در دسامبر ۱۸۷۶ مقامات ترک در شهر وان خانه‌ها و بناهای متعدد آرامنه را به آتش کشیدند، عده کثیری کشته یا زندانی شدند و کوشش‌هایی به منظور کشتار سکنه ارمنی به عمل آمد. بعدها ام. دیلون، نویسنده انگلیسی نوشت که در استان‌های ارمنی ارمنستان غربی چنان سیستم‌اداری سبوعانه‌ای برقرار بود که به مراتب از نظام برده‌داری بدتر است.

۲- جنبش‌های رهایی بخش در سالهای ۱۸۷۰-۱۸۶۰

سیاست ظالمانه دولت سلطان آرامنه را نیز به قیام واداشت. بعنوان پاسخی به ستم‌ها و استثمارها، قیام‌های مسلحانه‌ای بوقوع پیوست. آرامنه غرب برای حفظ حیات، موجودیت و شرف خود کوشش‌هایی در جهت آزادی‌از یوغ استبدادترک‌ها انجام دادند.

ساکنین ارمنی شهروان در فوریه ۱۸۶۲ بر علیه حکومت ترک قیام نمودند. جنگ میان ارامنه و پلیس ترک وسعت زیادی پیدا کرد. ساکنین ارمنی و کسرد دهات اطراف به کمک قیام شتافتند. شورشیان قلعه وان را تصرف نموده و در آن سنگر گرفتند. پس از یک رشته زد و خورد و دخالت ارتش، شورشیان اسلحه‌هایشان را به زمین نهادند.

در تابستان ۱۸۶۲ شورش بزرگی در زیتون حادث شد و یکی از مراکز عمده نهضت‌رهای بخش ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ گردید.

زیتون - یکی از نواحی کیلیکیه کوهستانی - در نزدیکی سرچشمه‌های رود جاهان (پیورامیس) واقع در شمال غربی ماراش واقع است. تمام ولایت و نیز دهستان مرکزی آن زیتون نامیده می‌شد. این ولایت - که در قدیم اولنیا نامیده می‌شد - دارای دره‌ها و گذرگاه‌های صعب‌العبور بود و اینها به همراه کوهها موضع تسخیرناپذیری به آن می‌بخشیدند.

ارامنه از قدیم‌الایام در این ولایت کوهستانی ساکن شده‌اند، و در دوران موجودیت پادشاهی ارمنی کیلیکیه (قرون ۱۴-۱۲) نیز جمعیت نسبتاً زیادی در آنجا مستقر شدند. شمار جمعیت در اواسط قرن ۱۹ حدود ۴۰-۳۵ هزار نفر بود که ۱۷ هزار نفر آنها در دهستان زیتون و بقیه در دهات نه‌چندان دور در اطراف آن زندگی می‌کردند.

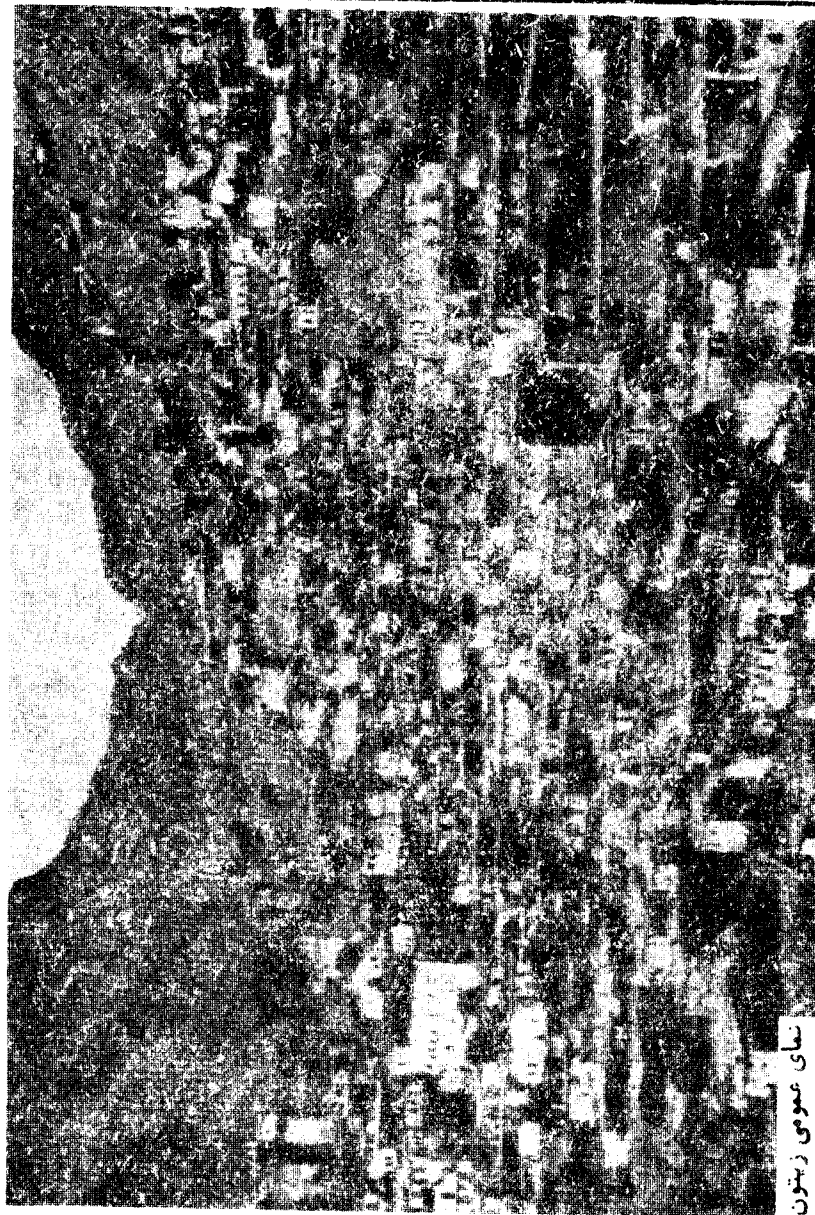
زندگی اقتصادی ولایت ماهیت بسته و طبیعی داشت. قشریندی اجتماعی - طبقاتی روستائیان هنوز ضعیف بود و شیوه اداری تحت تاثیر نظام پسر سالاری - خانوادگی قرار داشت. لیکن صرف نظر از تمام اینها، در زیتون و نیز قصبه‌های همسایه، روابط فئودالی حاکم بود. روستائیان زحمتکش از طرف قشر مرفه استثمار می‌شدند، تصادهای اجتماعی وجود داشت. اداره دهات در دست کدخدا قرار داشت. زیتون اصلی به چهار بخش تقسیم می‌گردید و هر بخش رئیس خود را داشت که دارای لقب "ایشخان" بود. تمام مسایل مربوط به ولایت در شورایی بررسی می‌شد که کدخداهای دهات، چهار رئیس بخش زیتون، ایشخانها و نمایندگان کلیسا در آن شرکت می‌نمودند.

زیتون از نظر حقوقی تحت تسلط ترکیه سلطانی قرار داشت، ولی عملاً وضعیت نیمه‌مستقلی داشت. امور اداری، قضایی، مذهبی و سایر کارها مستقلاً حل و فصل می‌شد. اهالی زیتون اغلب به سلطانها مالیات پرداخت نمی‌کردند.

در نیمه اول قرن ۱۹ اهالی زیتون چندین مرتبه با قشون ترک زد و خورد مسلحانه داشتند. گروه اخیر مثلاً در سالهای ۱۸۰۸، ۱۸۱۶، ۱۸۲۹، ۱۸۳۵ به ولایت نیمه مستقل لشکرکشی نمود. اهالی زیتون - که جنگجویان کارکشته و دلیر بودند - قهرمانانه از خود دفاع نموده دشمن را عقب می‌رانند. دلیل اصلی جنگها این بود که کوهنشینان ارمنی بعضی مواقع از پرداخت مالیات به مقامات ترک سرباز می‌زدند.

باب عالی در اواسط قرن ۱۹ توجه خاصی به زیتون مبذول داشت. با ترس از اینکه این ولایت می‌توانست به یکی از مراکز جنبش‌رهای بخش ارمنی تبدیل گردد، دولت سلطان تصمیم به از بین بردن وضعیت نیمه مستقل و به اطاعت درآوردن کامل آن گرفت. در تابستان ۱۸۶۰، به فرمان خورشیدپاشا، حاکم ماراش، یک لشکر بر علیه اهالی زیتون فرستاده شد ولی اینها با صدحمله موفقیت‌آمیز خود، پاشا را مجبور به فرار نمودند. این مسئله دولت ترکیه را بیشتر ناراحت کرد و آنهم تصمیم گرفت به هر ترتیبی منطقه کوهستانی را تصرف نموده، ساکنین ارمنی را متفرق و از دم تیغ بگذراند.

بدستور سلطان، حاکم جدید ماراش، عزیز پاشا، قشونی تدارک دید و در ژوئیه ۱۸۶۲ زیتون را محاصره نمود. تمام ساکنین زیتون قیام نمودند و همه اعم از جوانان، سالمندان، زنان و پیرها اسلحه برداشتند. عزیز پاشا در ابتدا موفقیت‌هایی کسب نمود. او چندین ده را تصرف و آنها را ویران و غارت و مورد کشتار قرار داد. یکی از شهود عینی در مورد کشتار ده آلاباش چنین می‌نویسد: "... مردان و زنان و پسران، همه از دم تیغ گذشتند، خانه‌ها غارت شده تمام ده به آتش کشیده شد. خون در کوچه‌ها جاری گردید و دود آتش سوزی دهات اطراف را نیز هراسان نمود. پاشا دستور داد درهای وانک ارمنی در نزدیکی ده را درهم شکستند و این مردان



تشنه به خون در برابر چشمان حاکم و بفرمان او کشیش و راهب را سربریدند. لیکن موفقیت‌های پاشا طولانی نبود. در دوم اوت ۱۸۶۲ اهالی زیتون به حمله قاطعانه دست زدند و شکست بزرگی بر قشون سلطان وارد ساختند. دشمن به فرار متوسل شد. عزیزپاشا شکست مفتضحانه‌ای خورد. فاتحین سلاح‌ها و مهمات جنگی بسیاری بدست آوردند. دشمن حدود ۲۰۰۰ جسد در دشت بجای گذاشت. اهالی زیتون در این جنگها یک مرتبه دیگر شجاعت حیرت آور و فنون عالی جنگی را به نمایش گذاشتند.

در مقاله یکی از معاصرین، نوشته شده در دسامبر ۱۸۶۲، راجع به این نبرد قهرمانانه چنین آمده است: "روز دوم اوت، صبح زود، عزیزپاشا فرمان حمله به زیتون را داد. در پیشاپیش ارتش بیگانه هنگی متشکل از ۱۵۰ ملا و شیخ - که مفتی بزرگشان در راس آنان قرار داشت - حرکت می نمود. نیم ساعت قبل از رسیدن به زیتون آنها در یک دشت مرتفع اجتماع نموده و نماز گزاردند و برای زیتون دعای کفر و لعنت خواندند. . . . ارتش اجنبی پس از نیم ساعت نماز، به زیتون حمله کرد، که اهالی آنجا در پشت سنگها و صخره‌های جلوی زیتون فرماندهی چهار نفر رئیسشان سنگر گرفته بودند. . . . نویسنده مقاله با صحبت در مورد وحشیگری‌هایی که ارتش ترک در دهات متصرفی انجام می داد، ادامه می دهد: " . . . نبرد در همه جا پُر تاب بود، صدای زنگهای زیتون فرمان برداشتن سلاح را صادر کرده بود. جنگ شدت تمام یافت. ارامنه با برخورداری از سنگرهای مستحکم به اجانب شکست خوبی وارد ساختند و آنها را عقب رانده تا اردوگاه عزیز پاشا رسیدند که او هم بزحمت توانست جان سالم بدر برده و فرار کند. هنگ اجانب در حوالی وانک آسداوازین نیز متحمل کشتار شدید گردید. اهالی زیتون با استقرار در گردنه‌ها و گذرگاه‌های تنگ، خسارت زیادی بر ارتش بیگانه وارد ساختند. جنگ از صبح تا ظهر طول کشید و قشون عزیزپاشا درحالی که متفرق شده بود، مجبور به فرار شد. زیتونی‌ها تا عصر آنها را تعقیب کردند و بسیاری از آنان را کشتند. قسمتی از این قشون، که در هنگام فرار کشته‌های

زیادی داده بود جاده ماراش را گرفته بود، بزحمت توانست شب هنگام به آنجا برسد. قسمتی دیگر برای فرار به یک راه نزدیکتر متوسل شده، مسیر خود را در سمت چپ و راست زیتون تعیین کرده بود. اما بخش عظیمی از آنها در کوهها، گذرگاهها و دره‌ها کشته شدند، بخش بزرگی نیز در رودخانه غرق شدند. بدین ترتیب ۶ تا ۸ هزار نفر و ۲۸ بیگ و فرمانده هنگ از اجانب کشته شدند. روز بعد، در سوم اوت، اهالی زیتون مشغول دفن اجساد بیگانگان بودند. افراد سواره نظام زیادی در بین قشون عزیزپاشا دیده می‌شدند. شمار کشته شدگان اهالی زیتون به ۱۵۰-۱۰۰ نفر بالغ می‌شد.^۱

حکومت عثمانی برای سرکوب شورشیان تدارک دیگری دید. عزیزپاشا فراخوانده شده و به جایش عشیرپاشا بعنوان حاکم ماراش تعیین گردید. به او دستور لشکرکشی جدیدی با ارتشی بزرگتر داده شد. شورشیان آماده مقابله با دشمن شدند، لیکن حوادث بزودی صورت دیگری یافت. مذاکره میان طرفین آغاز گردید و براساس آن باب عالی از لشکرکشی طرح ریزی شده چشم‌پوشی نمود، اما شورشیان به پرداخت مالیات و قبول قائم مقام (رئیس بخش) انتصابی از طرف حکومت، متعهد گردیدند.

قرارداد منعقد تغییرات جدیدی در زندگی اهالی زیتون ایجاد ننمود. هدف دولت سلطان - تصاحب زیتون و تفرق و یا نابودی سکنه - جامه عمل نپوشید. این ولایت در واقع در همان وضعیت قبلی باقی ماند. قائم مقام که در سال ۱۸۶۵ به زیتون وارد شد، به کسب مالیات می‌پرداخت ولی مقام وی تشریفاتی بود و اهالی زیتون در کارهای خود همچنان نیمه‌مستقل باقی ماندند.

نبرد قهرمانانه سال ۱۸۶۲ زیتون، انعکاس وسیعی در بین ارامنه یافت. نمایندگانی از متفکرین ارمنی غرب با ایجاد رابطه با شورشیان سعی نمودند، سلاح و مهمات برایشان ارسال دارند. نویسندگان متعددی نظیر م. بشیکتاشلیان و س. شاه‌ایز مبارزه رهایی بخش زیتون را سوژه آثار خود قرار دادند. ارامنه ساکن در استانبول بخصوص اقشار دمکرات آن، با دقت

فراوان مسائل و حوادث را زیرنظر داشتند و به هرنحوی سعی در کمک مالی به هم‌میهنان بپاخاسته خود داشتند. بدین منظور اعاناتی در تفلیس، مسکو، و سایر شهرها، از میان ارامنه جمع‌آوری شد. مقالاتی به مناسبت نبرد قهرمانانه زیتون در جراید ارمنی بچاپ رسید. بخصوص در "پاریس"، "درنای سرزمین ارامنه"، "گل"، "ماسیس" و غیره. جنبش انعکاس خود را نیز در جرائد اروپائی پیدا نمود.

بدین ترتیب اهمیت و آوازه شورش کوه‌شینیان ارمنی در تاورس از مرزهای ولایتی خارج گردید. این نبرد مشهور و قهرمانانه در اختلاف با شورشهای دوران‌های قبلی، ماهیت عمومی پیدا نمود. این قیام برای توده‌ها و بخش‌های دیگر ارمنی به مثابه سرمشقی واقع گردید و در جنبش‌رهایی بخش ارامنه در سالهای آینده تاثیر بسزائی نهاد.

یکسال پس از شورش زیتون در سال ۱۸۶۳، شورشهایی در بین روستائیان ارمنی ولایت موش و در سال ۱۸۶۵ در چارسناحاک بوجود آمد. روستائیان به پاخاسته برعلیه حکومت‌های محلی، اقدام به فرستادن نمایندگان به استانبول می‌نمایند، به امید اینکه بواسطه باب عالی وضعیت خود را بهبود بخشند. لیکن نمایندگان، دستگیر شده و قیامها سرکوب گردیدند و پس از آن صدها خانواده به سرحدات روسیه و قفقاز رفتند.

یک رشته انجمنهای مخفی ارمنی درجهت پیشبرد جنبش‌رهایی بخش تاسیس یافتند. مثلاً در سال ۱۸۷۲ گروه مخفی "اتحادیه رستگاری"^۲ در شهر وان بوجود آمد. چه اهالی شهر و چه ساکنین دهات اطراف - هلمین، پیشه‌وران، تجار، دهقانان و روحانیون - در این سازمان عضویت یافتند. اتحادیه می‌کوشید به کمک روسیه، ساکنین ارمنی ولایت را از یوغ ترک‌ها برهاند.

1- Krunk Hayots Ashkharhi 2- Dzaghik
3- Miutyun-i-Perkutyun

بدین جهت، فعالیت گسترده‌ای نموده اعلامیه‌هایی در بین مردم منتشر کرد و افراد برای کسب کمک مخصوص به تفلیس گسیل داد. در یکی از اعلامیه‌های اتحادیه نوشته شده است: "شرف ما از بین رفت، کلیسای ما مورد بیحرمتی قرار گرفت، عروسها و جوانهای ما مورد سرقت واقع شدند، بوضوح حقوق ما را پایمال می‌کنند و سعی در نابودی ملت ما دارند. به این جهت، یا باید مُرد و این وضعیت خوفناک را ندید و یا در مام وطن رستگاری یافت. دیگر برای چه صبر می‌کنیم... یک دل و یک زبان قسم یاد نهیم... و دنبال وسیله‌ای برای آزادی بگردیم...".

لیکن اتحادیه حیات طولانی نداشت. پس از دو سال از فعالیت باز ایستاد.

جنبش‌رهایی بخش ارمنی برعلیه سلطه ترکها در ارمنستان غربی، در دهه‌های آینده ادامه یافت.

۳- منشاء مسئله ارمنه

در تابستان ۱۸۷۵ شورشیایی برعلیه سلطه ترکها در بُسنیا و هرِسگوینیا بوجود آمد. در ۱۸۷۶ خلق بلغار به اسلحه متوسل شد. در همان سال صربستان و چرنوگوریا به ترکیه اعلام جنگ دادند زیرا قصد داشتند به استقلال کامل برسند. سلطان عبدالحمید که مستبدي مرتجع به تمام معنی بوده در سال ۱۸۷۶ به تخت نشسته بود، به شیوه‌های خشن متوسل گردید. گروه‌های اوباش سلطان بویژه جنبش‌رهایی بخش خلق را در خون خفه کردند و به وحشیگری‌های بی‌نظیری دست زدند. مبارزه قهرمانانه خلقهای اسلاو و ظلمهای باب عالی جنبشی را در روسیه ایجاد کرد. قشرهای وسیع اجتماع خواستار مساعدت به خلقهای برادر و آزادی آنان از دست رژیم وحشی سلطان بودند. دولت تزار از اوضاع موجود سودجست و به منظور اجرای طرحهای سیاست خارجی خود، به حمایت از شورشیان پرداخت. سلطان

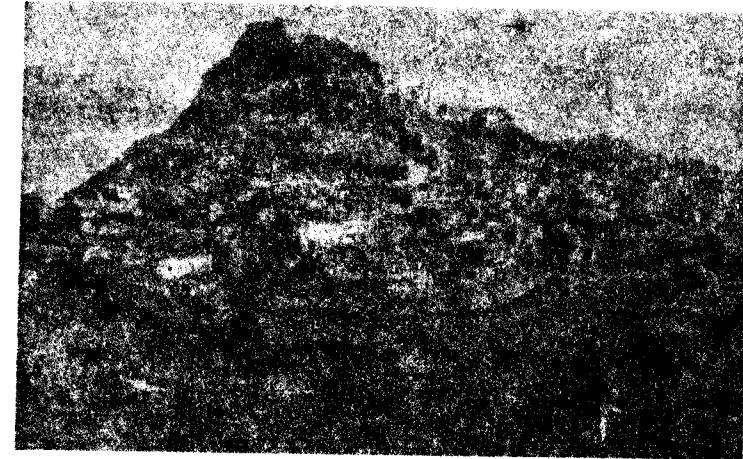
ترک یک سری از خواسته‌های تزار الکساندر دوم را رد کرد. ترکیه در سال ۱۸۷۷ به روسیه اعلام جنگ داد.

عملیات جنگی در بالکان تبدیل به عرصه عمده کارزار گردید و در قفقاز و عمدتاً ارمنستان غربی وسعت یافت. لشکر روسیه در قفقاز که فرمانده آن ژنرال لوریس ملیکوف (ارمنی الاصل) بود - در سال ۱۸۷۷ شهر قسارص - "بخش بسیار غنی و آباد ارمنستان" (ک. مارکس) - آرداهان، اولتسی، آلاشگرد، بایزید، باتوم و برخی مراکز دیگر ارمنستان غربی و گرجستان غربی را بتصرف خود درآورد. در ۸ فوریه ۱۸۷۸ قشون روس شهر ارض روم را - که دارای اهمیت فوق‌العاده اقتصادی و سوق‌الجیشی بود - اشغال کرد.

خلق ارمنی در عملیات جنگی ارمنستان غربی شرکت فعالانه نمود. افشار وسیع ارمنه غرب - که برای آزادی از رژیم سفاک سلطان امیدهای خود را به روسیه بسته بودند - با تمام امکاناتشان به قشون روس کمک می‌نمودند. سکنه ارمنی مواد غذایی در اختیار ارتش روسیه قرار می‌داد، از زخمی‌ها مراقبت می‌کرد، اطلاعات مهم نظامی به فرماندهی ارتش می‌داد، نیروهای مسلح پیاده و سواره بطور داوطلبانه در اختیارشان می‌گذاشت و جیسر آن - بسیاری از داوطلبان ارمنی مدارکاری و شجاعتشان را به نمایش گذاشتند. توجه کنیم که دلآوری‌های یکی از آنها بنام سامسون در پیوگوسیان است که توسط نویسنده نامدار ارمنی یعنی رافی در شخصیت "خنت آ" متجلی گردیده است. ژنرالهای ارمنی ارتش روسیه یعنی در غسوکاسف، لاراف، نیکونیکف، آخازوف، کیشمیشوف در پیروزی‌های جبهه قفقاز نقش بزرگی ایفا نمودند. لشکرهای روسیه در بالکان به پیروزی‌های قطعی دست یافتند. آنها با شکستن مقاومت دشمن، شهرها و قلعه‌های متعدد و مستحکم را بتصرف درآورده در ۱۸۷۸ به آدریاناپول وارد گردیدند که در ۳۰ کیلومتری استانبول واقع

۴- به معنی دیوانه. جریان از این قرار است که این شخص با تظاهر به دیوانگی از میان روستاها و ارتش ترک عبور نموده و از ارتش روسیه - برای مساعدت به ارمنه محاصره شده کمک می‌طلبد - م.

بود. شکست ترکیه قطعی شد.



قلعه قارص

خلقهای اسلاو تحت ستم سلطان و نیز ارامنه غرب پیروزی نظامی روسیه را با شور و هیجان لبیک گفتند. شکست ترکیه آزادی خلق‌ها را دگریار به مسئله‌روز تبدیل نمود. امیدها و انتظارات تازه‌ای بوجود آمد. ارامنه غرب - که مبارزه رهایی بخش بر علیه یوغ سنگین سلطان را ادامه می‌داد - رای خود را متوجه روسیه نمود. محافل رهبری جنبش آزادی بخش ارمنی - تقاضانامه‌های رسمی جهت دولت تزار ارسال داشتند. آنها تقاضا می‌کردند تا ارامنه غرب را از استثمار مستبدانه ترک‌ها رها نموده و به ارمنستان غربی - خودمختاری اداری - سیاسی داده شود. دربار روسیه - که منافعی تاحدودی با تمایلات ارامنه غرب سازگاری داشت - تقاضاهای دریافتی را قبول و قبول به جریان انداختن آنها را داد.

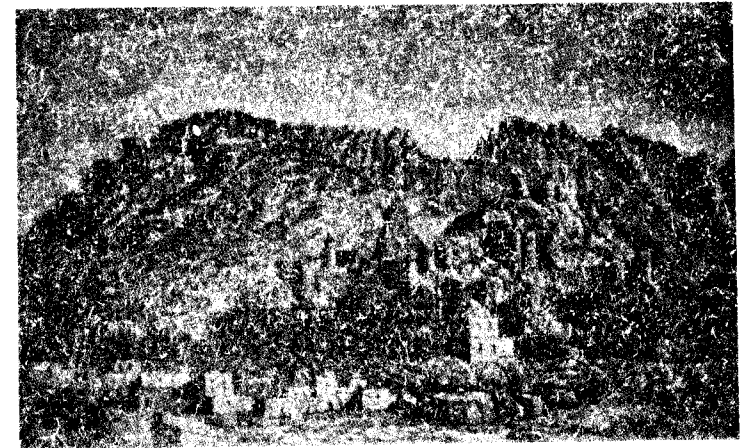
ترکیه شکست خورده تقاضای صلح نمود. مذاکرات آغاز شد. در ۱۹ فوریه ۱۸۷۸ (سوم مارس) در سان - استفانو در حوالی استانبول قرار داد اولیه صلح منعقد گردید، که براساس آن دولت سلطان، استقلال چرنوگوریا،

صربستان و رومانی را برسمیت شناخت. به بلغارستان خودمختاری اعطاء می‌شد، اصلاحاتی بایست در بوسنیا و هرسگوینا انجام می‌گردید، بخشی از بسارابیا باید به روسیه ملحق می‌شد و جز آن، قرارداد سان استفانو الحاق باتسوم، آرداهان، قارص، بایزید و جلگه آلاشگرد را به روسیه پیش بینی می‌کرد.

یک ماده قرار داد سان - استفانو به ارمنستان غربی مربوط می‌شد و آن، ماده ۱۶ بود که به خواست روسیه مورد قبول واقع گردید. دولت تزار به منظور وابسته نمودن سیاسی ارامنه غرب به خود و بطور کلی برای انجام طرح‌های سیاست خارجی از دولت سلطان خواست تا اصلاحاتی در ارمنستان غربی یعنی ولایات وان، بیتلیس (باغش)، ارض روم، سیاستیا (سیواس)، خاربرد (معموره العزیز)، دیاربکر (تیگراناکرد) عملی سازد و امنیت ساکنین ارمنی را در قبال گروه‌های اوباش کُرد و چُرکُز تامین کند. در ماده ۱۶ قرار داد سان استفانو نوشته شده است: "از آنجائی که خروج ارتش روسیه از سرزمینهای متصرفی ارمنستان که باید به ترکیه برگردانده شوند، احتمالاً موجب بلوا و خشونت خواهد بود - که در نتیجه آن روابط حسنه دو کشور (ترکیه و روسیه) متضرر می‌شود - لذا باب عالی مجبور است بدون درنگ اصلاحات و تامین نیازهای استانهای ارمنی نشین را عملی ساخته، امنیت آنها (ارامنه) را در برابر کردها و چرکرها تامین کند".

لیکن قرارداد سان - استفانو، بلااجرا باقی ماند و پس از چندی لغو گردید. برخی از دول اروپایی و در وهله اول، انگلیس و اطریش نظر خصمانه در قبال قرارداد داشتند. موفقیت‌های روسیه، تقویت نفوذ آن در بالکان و آسیای صغیر، با سیاستهای فتوحات - اشغالگرانه این دول در تضاد بود. نمایندگان انگلستان و اطریش قاطعانه بر علیه قرارداد سان - استفانو ایستادند و خواستار تجدید نظر در آن شدند. دولت تزار در قبال این مسئله عقب‌نشینی کرد. در اول ژوئن ۱۸۷۸ در برلین کنگره‌ای تشکیل گردید که نش دولت اروپا - انگلستان، روسیه، اطریش، آلمان، فرانسه و ایتالیا در آن شرکت داشتند. در این کنگره پس از یک ماه مذاکره، در اول ژوئیه

(سیزدهم) به جای قرار داد سان - استفانو معاهده میان روسیه و ترکیه شد ، قرارداد برلین جایگزین شد که براساس آن روسیه تخفیفات چشمگیری داد . بلغارستان تقسیم و تبدیل به حکومت واسالی گردید . یونانیا و هرسکونیا از جانب اطریش اشغال گردید ، ارض روم ، بایزید و جلگه آلاشگرد به ترکیه بازگردانده شد و جزآن .



قلعه بایزید

در برلین هنگام تجدید نظر در قرارداد سان - استفانو ، مسئله ارمنستان غربی نیز دگر بار بررسی شد . ارامنه غرب به منظور حل عادلانه مسئله خود ، نمایندگان ویژه ای به برلین گسیل داشتند . هیئتی که مگردیچ خربمیان^۵ (۱۸۲۰-۱۹۰۷) رهبری آن را بعهده داشت ، درخواستهایی به دولت های شرکت کننده در کنگره ارائه داد ، درجهت اینکه بتواند آزادی ارامنه غرب را از یوگ سلطان فرین موفقیت سازد . لیکن این درخواستها بی نتیجه ماندند . کنگره به جای ماده ۱۶ قرارداد سان - استفانو ، ماده ۶۱ را در پیمان برلین تصویب کرد که در آن آمده است : " باب عالی متعهد می شود تا در استانیهای ۵- یا خربمیان هایریک - م .

ارمنی نشین ، بلاد رنگ اصلاحات و نیازهای محلی را عملی ساخته ، امنیت آنها (ارامنه) را در برابر کردها و چرکرها تامین نماید . در مورد اقدامات انجام شده باید هر چند موقع یکبار به دولتها گزارش دهد و اینها می بایست آنها را تحت نظارت خود درآورند .

بدین ترتیب ، اگر در سان - استفانو ، مسئله ارمنستان غربی میان دو حکومت روسیه و ترکیه بررسی می شد ، در برلین مندل به موضوع مورد بحث شش حکومت اروپائی انگلستان ، روسیه ، فرانسه ، آلمان ، اطریش - هنگری ، ایتالیا و نیز موضوع روابط سیاسی - دیپلماتیک مذاکرات رسمی ترکیه گردید ، و تبدیل به مسئله بین المللی شد . در جریان مذاکرات و روابط دیپلماتیک حادث در سان - استفانو و برلین نیز موضوع اصلاح و بهبود وضع ارمنستان غربی و ساکنین ارمنی آن به مسئله ارامنه اشتباه یافت و یکی از مسایل پسر اضطراب برای قشرهای وسیع مردم و یکی از مطالب مهم تاریخ جدید ارمنستان شد . مسئله ارامنه با رابطه عمیق خود با مسئله شرق ، بدفعات در کنگره های بین المللی دول بزرگ بررسی شده ، وسیله بازی دیپلماتیک آنها گردید .

باید توجه نمود که به منظور انجام اصلاحات در ارمنستان غربی ، در قرارداد سان - استفانو ضمانت ها و اقدامات واقعی تری پیش بینی شده بود تا در قرارداد برلین ، براساس ماده ۱۶ قرارداد سان - استفانو دولت ترکیه می بایست اصلاحاتی با نظارت روسیه انجام می داد . قشون روس آنقدر بایست در ارمنستان غربی باقی می ماند تا باب عالی رفرمهای پیش بینی شده را انجام دهد . مسئله بسیار واضح بود و سلطان محبور بود تا مفاد قرارداد را به مرحله اجرا درآورد . لیکن در کنگره برلین اوضاع تغییر نمود . براساس ماده ۶۱ پیمان برلین نظارت راجرای اصلاحات به شش حکومت مذکور سپرده می شد که منافع و سیاست های گوناگونی داشتند . بعلاوه بخشی از آنها (انگلستان ، اطریش ، آلمان) با حل مسئله ارامنه موافق نبودند . در ایس شرایط ، نظارت توأم آنها بصورت تشریفاتی فریبده و غیر واقعی در می آمد . دولت سلطان ، با استفاده از تضاد موجود بین حکومتها ، امکان می یافت از

انجام اصلاحات سرباز زند. عملاً "مسئله ارمنی براساس ماده ۶۱ پیمان برلین، بازیچه خودکامگی‌ها می‌شد. آن محافل ارمنی که به کنگره برلین چشم امید دوخته بودند، با یأس عمیقی روبرو گردیدند.

سالهای پس از کنگره برلین، نشان داد که سلطان عبدالحمید با زیر پا گذاشتن تعهدات خود، هیچ اقدامی در جهت عملی ساختن اصلاحات انجام نداد. افزون بر این، دولت سلطان با استفاده از این موضوع که دول بزرگ اهمیتی برای مسئله ارمنه قائل نبودند به تعقیب و کشتارهای جدیدی دست می‌زد. در سالهای ۱۸۸۵ بفرمان عبدالحمید بسیاری از مدارس و روزنامه‌های ارمنی تعطیل شدند. بازداشت‌های متعددی صورت گرفت، فشار و استثمار روستائیان ارمنی شدت یافت. با حمایت باب عالی و حکومت‌های محلی و نیز با تحریک جمعی از گروه‌های راهزن کرد، دهات بسیاری ویران و غارت شدند، کشتار سکنه ارمنی ترتیب داده شد. محافل رهبری ترک صریحاً "اظهار می‌کردند که مسئله ارمنی را با نابودی آنها می‌توان حل کرد.

در شرایط ایجاد شده، جنبش‌هایی بخش ارمنه غرب روح تازه‌ای بدست آورده، تبلیغات مکتبی آن شدت یافت. در این کار نویسنده نامدار رافی، شاعر مشهور راپائل پاتگانیان و متفکر معروف گریگور آرزرونی نقش بزرگی ایفا نمودند. یکرشته گروه‌ها و سازمانهای مخفی تشکیل شد که در قیام توده‌های مردمی ارمنه غرب نقش بزرگی داشت. در سال ۱۸۸۱ در ارض روم سازمان مخفی "حامیان وطن"^۶ تشکیل شد که هدفش قیام مسلحانه بر علیه سلطان ترکها بود. بدین جهت در سال ۱۸۸۲ "انجمن میهن دوستان"^۷ توسط دانشجویان ارمنی در مسکو بوجود آمد. لیکن این انجمن و نظایر آن حیات طولانی نداشته و نتوانستند فعالیت گسترده‌ای داشته باشند. بعد از اینها، احزاب سیاسی تشکیل شدند که هدف اصلی آنها حل مسئله ارمنه بود. در سال ۱۸۸۷ حزب هونچاک (همنام نشریه "هونچاک")

در ۱۸۹۰ حزب داشاکسوتیون (عنوان رسمی آن "فدراسیون انقلابیون ارمنی") تاسیس شدند. لیکن چه حزب هونچاک که به قشرهای درونی مردم وابستگی داشته برنامه‌های دمکراتیک پیشنهاد می‌کرد و چه حزب سورزوا - ملی داشاکسوتیون دارای فعالیت‌هایی با خط مشی اشتباه بودند. دانشاک‌ها مخصوصاً به ترور، اقدامات ماجراجویانه معتقد بوده امیدهای خود را به حکومت‌های امپریالیستی بسته بودند و جز آن، این احزاب سیاسی از عهده حل مسئله ارمنه برنیامدند.

۴-کشتار ارمنه غرب در طول سالهای ۱۸۹۰

در دهه آخر قرن ۱۹، وضع ارمنه در تحت سلطه ترکها وخیم تر گردید. سلطان عبدالحمید برنامه‌هایی در جهت کشتار ارمنه تدارک می‌دید. بفرمان او در سالهای ۱۸۹۲-۱۸۹۰ سواره نظام مخصوصی بوجود آمد که هدف اصلی آن شرکت در کشتار ارمنه بود. این لشکر به مناسبت تشکیل دهده خود حمیده نامیده شد.

دولت سلطان در وهله اول تصمیم به تصفیه حساب با ساسون را گرفت، که یکی از مراکز اصلی جنبش‌هایی بخش ارمنی بود. اقوام کرد به تحریک و با برنامه از پیش تدوین شده حکومت‌های محلی ترک در سال ۱۸۹۳ به ساسون حمله‌ور شدند. ولی با رویارویی با مقاومت اهالی، عقب رانده شدند. لیکن حملات ادامه یافتند. در تابستان ۱۸۹۴ لشکر چهارم ترک بفرماندهی زکی پاشا به طرف ساسون حرکت نمود. قوای کرد نیز به قشون ترک پیوست. شمار حمله کنندگان به ۴۰۰۰۰ نفر رسید. در ماه اوت دشمن وارد ساسون شد.

این بار نیز چون همیشه، سکنه ارمنی ساسون جنگ‌های قهرمانانه‌ای کردند. روستائیان ارمنی مسلح به ابزار ساده، با شجاعت و فداکاری جنگیدند. ولی نیروها نابرابر بودند. دشمن پیروز شد. ساسون دچار غارت گردید، و ساکنین آن متحمل کشتار غیرقابل وصفی گردیدند. دهها روستا بکلی ویران

شد. بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از دم تیغ گذشتند.

کشتار ساسون در کشورهای متعدد با اعتراض و خشم عمومی روبرو شد. افکار عمومی بر علیه سلطان خون آشام اعتراض کرد و خواستار اقدام جدیدی در این زمینه شد. در اثر خشم و اعتراض افکار عمومی دول انگلیس، فرانسه و روسیه به مسئله کشتار آرامنه ساسون پرداختند. کمیسیون تحقیقی تشکیل شد که در ژانویه ۱۸۹۵ فعالیت پرداخت. کمیسیون پس از شش ماه فعالیت تصدیق نمود که کشتارهای وحشتناکی صورت گرفته است و اینکه ساکنین ارمنی ساسون بدون در نظر گرفتن جنس و سن قتل رسیده‌اند. در عین حال مسئله آرامنه و موضوع انجام اصلاحات در ارمنستان غربی دگر بار مطرح گردید. مسئله را سفرای انگلستان، فرانسه و روسیه در استامبول بررسی نموده و برنامه‌های رفم ارمنستان غربی را تهیه و به باب عالی ارائه دادند تا آنها را به مرحله اجرا درآورد این طرح در مه ۱۸۹۵ به سلطان داده شد و به این مناسبت عنوان "فرمهای مه" را بر خود گرفت.

طرح فرمهای مه از ۴۰ ماده تشکیل شده بود و شامل اصلاحات اداری بوده و خود مختاری محلی پیش‌بینی می‌نمود. اصلاحات می‌بایست در ولایتهای وان، ارض روم، بیتلیس، خاربرد، دیاربکر و سیاستیا به حیطه اجرا در می‌آمد. دولت سلطان در ابتدا از قبول طرح فرمهای پیشنهادی سرباز زد، و سپس با بهانه‌های متعدد، بررسی آن را برای مدت طولانی به تعویق انداخت. در پائیز ۱۸۹۵ سفرای انگلیس، فرانسه و روسیه با تجدید نظر و تغییرات جزئی در طرح ماه مه، آن را مجدداً به سلطان عبدالحمید ارائه کردند و او نیز آنرا امضاء نمود. لیکن پس از آن نیز اوضاع ارمنستان غربی بدون تغییر باقی ماند. سلطان با درک سیاست فریبنده و مزورانه این حکومتها، در زمینه مسئله آرامنه، طرح اصلاحات را ظاهراً قبول نمود. او عملاً اقداماتی در جهت کاملاً مخالف انجام داد.

در آن زمان، وقتی که سفرای دول انگلستان، فرانسه و تزار در استامبول مشغول طرح فرمهای مه بودند عبدالحمید مخفیانه سرگرم کشتار

جمعی بود. وی برای آغاز کار شوم خود، دنبال موقعیت مناسبی می‌گشت. در سپتامبر ۱۸۹۵، هونچاک‌ها در میدان باب عالی استامبول تظاهرات ضد سلطانی انجام دادند. تظاهر کنندگان خواستار قبول طرح فرمهای سه دولت از جانب حکومت سلطان و اجرای آنها بودند. پلیس ترک، اجتماع تظاهر کنندگان را بزور اسلحه به هم می‌زند و کشتار ساکنین ارمنی استامبول آغاز می‌گردد. این کشتارها به مثابه زنگ خطری بود. کشتارهایی نظیر آنچه که در استامبول اتفاق افتاده بود در مناطق ارمنی نشین ترکیه و بسیاری از بخش‌های ارمنستان غربی صورت گرفت. در اواخر سپتامبر ۱۸۹۵ کشتارهایی در تراپوزان، و در اکتبر در یرزنکا و موش و سپس در سیاستیا، ارض روم، وان، بایزید، خاربرد، تیگراناکرد و سایر مناطق ارمنی نشین انجام شد.

کشتارها هم بوسیله قوای انتظامی و هم گروه‌های راهزن انجام می‌شد. کشتار کنندگان، ظلم‌ها و وحشیگری‌های غیر قابل وصفی انجام می‌دادند. بدون در نظر گرفتن جنس و سن، مردها، افراد پیر، بچه‌ها و زنان را می‌کشتند. مال و منال مردم را غارت و چپاول می‌کردند.

این کشتارهای جمعی که از پائیز ۱۸۹۵ آغاز شده بود، در سال بعد نیز ادامه یافتند. صدها روستا و شهر ویران شدند. مناطق متعددی خالی از سکنه گردیدند.

در تابستان ۱۸۹۶، کشتارهای جدیدی در استامبول صورت گرفت که پیش‌آمدهای زیر در نتیجه آن بوجود آمد. در ۱۴ اوت یک گروه جوان مسلح وابسته به حزب داشناکوتیون، بانک عثمانی یعنی بانک مرکزی پایتخت را بطور ناگهانی بتصرف خود درآورده. خواستار توقف کشتارهای آرامنه، قول انجام اصلاحات در ارمنستان غربی شد، در غیر این صورت بانک را منفجر و تمام ثروت‌های موجود در آن را از بین خواهد برد. سلطان مردد می‌شود، در شهر ایجاد بلوا و شلوغی می‌گردد. سفرای دول اروپائی در کار دخالت می‌کنند و قول توجه به مسئله و بررسی آنرا می‌دهند و تروریست‌ها را قانع و از بانک خارج نموده و از ترکیه دور می‌سازند.

عبدالحمید با دستاویز قرارداد این حادثه، کشتارهای جدیدی در استامبول آغاز نمود. قشون دولتی و گروههای متعدد راهزن به ساکنین ارمنی حمله کردند. خانه‌های متعددی را ویران و چپاول نمودند.



کشتارهای ارمنه، تراپوزان ۱۸۹۵ (تابلو از هوانس آیوازوسکی)

در زمان کشتارهای دهه ۹۰ قرن نوزدهم، اقشار مختلف جامعه ارمنی تقاضاهایی از دول بزرگ نموده خواستار کمک و دخالت آنها شدند. لیکن این درخواستها بی نتیجه ماند، هیچ دولتی اقدام جدی در جهت ممانعت و یا توقف کشتارها انجام نداد. برعکس، برخی از دولت‌ها، در قبال ترکیه سیاست حمایتی در پیش گرفتند.

کشتارهای ارمنه، وحشیگری‌های دولت سلطان، در بسیاری از کشورها، ارگانهای مختلف جرائد، متفکرین طراز اول دنیا ایجاد خشم و غضب نمود. تظاهرات و میتینگ‌هایی انجام و عبدالحمید، "کشتارگر" و "خون آشام" نامیده شد. نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی مشهور به محکوم ساختن عبدالحمید و پشتیبانی از ارمنه غرب پرداختند. لیکن افکار عمومی از عهده ممانعت از سیاست کشتار ترکیه عثمانی برنیامد.

در سالهای کشتار، برخی از ارمنه غرب مسلح شده و به جنگ‌های تدافعی پرداختند که عمل بعضی از آنها قرین موفقیت بود. بویژه دفاع ارمنه زیتون در خور توجه می‌باشد. در سپتامبر ۱۸۹۵ وقتی که قشون سلطان به قصد ترتیب دادن کشتار به زیتون نزدیک شد، ساکنین مسلح شهر با حمله به دستجات ترک آنها را به فرار واداشتند. بفرمان سلطان، قشون جدیدی بر علیه شورشیان فرستاده شد. جنگ شدیدی در گرفت و قشون ترک خسارات و کشته‌های فراوانی متحمل شد و نتوانست مقاومت کوه‌نشینان را درهم شکند. خبر جنگ تدافعی زیتون که ماه‌ها طول کشید، در بسیاری از معالک منتشر شد. نمایندگان دول بزرگ تحت فشار افکار عمومی دخالت کردند. بین اهالی زیتون و دولت سلطان مذاکره شروع گردیده سازش دوجانبه صورت گرفت. براساس قرارداد منعقد، قشون ترک از مرزهای زیتون عقب‌نشینی کرد. ساکنین ارمنی وان نیز در سال ۱۸۹۶ به دفاع مسلحانه از خود پرداختند. آنها قهرمانانه در برابر گروههای سرکش و راهزن ترک مقاومت کردند و لسی عاقبت الامر شکست خوردند زیرا نیروها نامساوی بودند.

قسمت زیادی از جنگ‌های تدافعی توام با عدم موفقیت بودند. در جریان کشتارهای جمعی سالهای ۱۸۹۶-۱۸۹۴ حدود ۳۰۰ ۰۰۰ نفر قربانی شدند.

فصل هجدهم

فرهنگ در قرن ۱۹

۱- سالهای اوگیری فرهنگی

فرهنگ ارمنی در قرن ۱۹ با پیشرفت چشمگیری قرین بود. مدارس، جراید و علوم موفقیت‌های محسوسی بدست آوردند، ادبیات و هنر ترقی نمود. لیکن در این دوران نیز مانند چند قرن پیش از آن، اکثر مراکز فرهنگی در خارج از ارمنستان، در مهاجرنشین‌های ارمنی واقع بود. فرهنگ در نیمه اول قرن نسبتاً با جریان‌کنندگی پیشرفت می‌نمود. اوضاع در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰، وقتی که در زندگی اقتصادی، اجتماعی-سیاسی و فرهنگی تحولات مهمی بوقوع پیوست، تغییر کرد. در طول این سالها، روابط تجاری-تبادللی شکافهایی در اقتصاد بسته و طبیعی کشور ایجاد کرده، راه را برای ترقی سرمایه‌داری هموار نمود. زندگی اجتماعی، با خارج شدن از محیط بسته خود، با کشورهای دیگر بخصوص با جنبش سیاسی و فرهنگی روسیه در ارتباط قرار گرفت. نزدیکی ایدئولوژیکی بین ارمنه غرب و شرق تقویت گردید و تحکیم اتحاد ملی اساساً به پروسه تشکل ملی خلصق

ارمنی انجامید. متفکرین دمکرات ارمنی با مسلح شدن به وطن دوستی و پیشرفته‌ترین ایدئولوژی‌های زمان پا به عرصه گذاشتند، جنبش رهایی‌بخش ملی محتوا و مرحله جدیدی را بدست آورد.

در همان دوران، زبان ادبی آشخارابار - ادبیات جدید - متشکل گردیده اصلاحاتی در مدارس انجام شد. یک رشته انجمنهای فرهنگی - علمی تاسیس یافتند، جرائد، سخنوری و هنر ترقی کردند.

در عین حال، مبارزه طبقاتی در بین اقشار مختلف اجتماعی، شدت یافت، سه جریان اساسی اجتماعی - سیاسی تشکیل شد. ۱- دینسی - فتودالی ۲- لیبرال - بورژوا و ۳- انقلابی - دمکرات. نمایندگان جریان اول (میسر سریان، گابریل آیوازوسکی، هوانس چامورجیان - دروینس و سایرین) نظامها و روابط قدیمی را حفظ می‌کردند و ضرورت تحول و اصلاحات را قبول نداشتند، بر علیه افکار روشنگرانه و دمکراتیک مبارزه می‌کردند، سعی در حفظ مواضع حاکمیت کلیسا و کتابت قدیمی ارمنی یعنی گرابار داشتند. نمایندگان جریان لیبرال - بورژوا (استپانوس نازاریان، گریگور اُدیان، ناهایت روسینیان و سایرین) طرفدار اصلاحات، ترقی‌تدریجی اجتماعی بودند و افکار روشنگرانه اشاعه می‌دادند ولی در عین حال راه مبارزه سیاسی - انقلابی و جنبش رهایی بخش ملی را رد می‌نمودند. جریان انقلابی - دمکراتیک (میکائیل نالباندیان، هاروتیون سواجیان و سایرین) امیال و منافع توده‌های زحمتکش را بیان می‌کرد و هدف آن آزادی مردم از استثمار اجتماعی و ستم‌های ملی، توسط مبارزه انقلابی و جنبش رهایی بخش ملی بود و پیشروترین افکار زمان را توسعه می‌داد و سعی در پیشرفت فرهنگ مردمی و دمکراتیک داشت و جز آن.

بدین ترتیب سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ بصورت دوران اوجگیری چه برای زندگی اجتماعی - سیاسی و چه در کار پیشرفت فرهنگی خلق ارمنی درآمدند. در نیمه دوم قرن ۱۹، فرهنگ ملی، صرف نظر از موانع متعدد و شرایط نامناسب، پیشرفت نسبی به همراه داشت.

باید توجه نمود که از سالهای ۱۸۵۰-۱۸۴۰، جنبش‌های انقلابی و سیاسی اروپا، به ویژه روسیه، فرانسه و ایتالیا، تاثیر بسزایی بر زندگی اجتماعی - سیاسی خلق ارمنی داشتند. همان مسئله در زمینه فرهنگی نیز اتفاق افتاد. مخصوصاً "فرهنگ غنی و پیشرو روس بر روی ترقی فرهنگ ارمنه شرق و فرهنگ فرانسه بر فرهنگ ارمنه غرب تاثیر محسوس گذاشتند.

۲- ادبیات، هنر

در دهه‌های اول قرن ۱۹، هنوز تاثیر اسکولاستیک قرون وسطایی بر روی ادبیات هنری ارمنی قوی بود. مسیر حاکم ادبی، در حقیقت کلاسیسیسم ارمنی، گرچه مانند نمونه‌های سوابق تاریخی و مخصوصاً مدیحه‌سرایی‌های شخصیت‌های مختلف و مشهور، پادشاهان و سرداران، شامل ستایش‌شجاعت‌ها، فداکاری‌ها و میهن‌دوستی، می‌شد، با وجود این حاوی افکار دینی - الهی و از مردم و مسایلشان منفک بود. زبان ادبی گرابار برای اقشار وسیع مردم غیر قابل درک بود. لیکن در ادبیات نیز بتدریج تحولاتی ایجاد گردید. کلاسیسیسم جای خود را به جریانات جدید ادبی - به رومانتیسم و رئالیسم داد. مردم با تمام گرفتاری‌هایشان، انسان معاصر با جهان افکار و اضطراب و احساساتش تم اصلی ادبیات گردید. ایده‌های دمکراتیک تشکیل شد، مسایل اجتماعی نیز جای خود را در سوزهای ادبی پیدا نمود، در ادبیات آشخارابار جانشین گرابار گردید. بدین ترتیب در سالهای ۱۸۴۰-۱۸۳۰ ادبیات جدید ارمنی متشکل شد.

در جهت ایجاد ادبیات جدید، هاروتیون آلامداریان شاعر (۱۸۳۴-۱۷۹۵) و مسروپ تاغیادیان (۱۸۵۸-۱۸۰۳) نویسنده و سخنور قدم‌هایی برداشتند، لیکن در این کار خاچاتور آبوویان، روشنگر - دمکرات، نویسنده و معلم بزرگ، نقش قاطعانه‌ای داشت. او بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی گردید.

خاجاتور آبرویان (۱۸۴۸-۱۸۵۹) در قصبه کاناک در حوالی شهر ایروان متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در وانک اجمیلدزین و سپس در مدرسه جدیدالتاسیس نرسیسیان تفلیس کسب نمود. حدود ۵ سال (۱۸۳۶-۱۸۳۵) در دانشگاه دورپات تحصیل کرد و در همانجا جهان بینی روشنگر - دمکراتیک وی بوجود آمد. وی با مراجعت به وطن به کار تدریس می پردازد.



آبرویان اشعار و آثار منشور، مطالب درسی، مقالات علمی و سخن سنجانه نوشته است. شاهکار او رمان تاریخی "جراحات ارمنستان" است که در آن اوضاع خلق ارمنی در اوایل قرن ۱۹، آرزوهای رهایی و مبارزه بر علیه استثمارگران تشریح شده اند. در عمق رمان و آثار دیگر او ایده های میهن دوستانه، بشر دوستانه و دوستی خلقها به چشم می خورد.

آبرویان مبارزه سختی بر علیه نیروهای ارتجاعی زمان خود نمود. او برای آشکارا بار ارزش مدنی قایل گردید و اصلاحاتی در کار تدریس

مدارس انجام داد و نقاب از چهره نمایندگان بوروکراسی و روحانیت مرتجع تزاری برداشت. روشنگر بزرگ نقش عظیمی در نهضت جدید ادبی، پیشرفت فرهنگ نو، اشاعه افکار روشنگر-دمکراتیک ایفا نمود.

در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۵، ادبیات جدید ارمنی - که از گیر موانع اسکولاستیک و کلاسیسیسم رهایی می یافت - یک رشته نویسندگان و چهره های نامدار اجتماعی - سیاسی به عرصه آورد. درخشان ترین چهره عصر میکائیل

نالباندیان بود.

میکائیل نالباندیان (۱۸۶۶-۱۸۲۹) در نخجوان نو (در ناحیه دونی روستف) متولد گردید. تحصیلات مقدماتی را در محل کسب نموده و سپس در دانشگاه های مسکو و پتربورگ به تحصیل مشغول شده است. وی اشعار، آثار منشور، کتابها و مقالات علمی، انتقادی و سخن سنجانه نوشته و ترجمه هایی از آثار پوشکین، لرمونتوف، برانژه و هاینه انجام داده است. بهترین اشعارش، "سرود آزادی"، "ایام کودکی"، "سرود دختر ایتالیائی"، را با هنری عالی و میهن دوستی و روح والای انقلابی نوشته است. نالباندیان دمکرات انقلابی بود. شاعر با فصاحت گفته است:

من باید روانه میدان شوم
بی جنگ ولی با سخنان با قدرت،
باید فریاد کشم و اعتراض کنم
باید مبارزه کنم بر علیه ظلمت.

در چنین روزها جنگ برای چیست؟
دستهای رزمندگان شمشیر می خواهد،
خون و آتش نصیب دشمنان ما شود،
این باید شعار زندگی گردد.

نالباندیان می کوشید مبارزه اجتماعی و رهایی بخش ملی خلق ارمنی را با جنبش انقلابی روسیه متحد سازد و بدین منظور با انقلابیون مشهور روس چون گرس، اوکاریف، باکونین و سایر چهره ها تماس گرفت. گرس در مورد نالباندیان نوشته است: "او مرد فوق العاده نجیبی است... ما او را در خاطر داشته و دوستش می داریم".

نالباندیان بخاطر فعالیت سیاسی توسط پلیس تزار زندانی گردید و در سال ۱۸۶۶ در تبعیدگاهش یعنی شهر کامیشین در استان ساراتوف به درود حیات گفت.

در سالهای ۱۸۵۰-۱۸۴۰ و دهه ۵۰، غوندالیشان (۱۹۰۱-۱۸۲۰)، یکی از موسسین شعر میهن‌دوستانه جدید ارمنی به خلق آثار پرداخت.

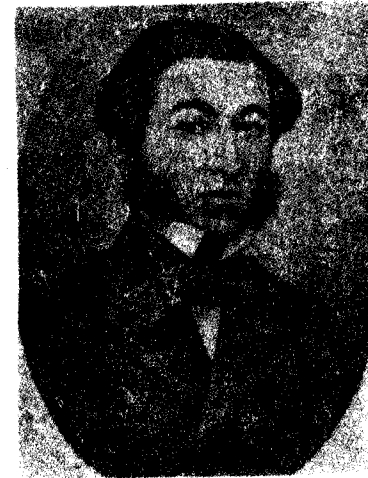
در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ و دهه ۶۰، ادبایی چون شاعرنامدار سمبات شاه‌زیز (۱۹۰۷-۱۸۴۰)، مگردیچ بشیگتا شلیان (۱۸۶۸ - ۱۸۲۸)، یکی از نمایندگان مشهور شعر جدید ارمنی غرب و پتروس دوریان (۱۸۷۲-۱۸۵۲) چهره درخشان ادبیات ارمنی غرب، مکان بالارزش خود را در ادبیات ارمنی یافتند.

ادبیات ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ پیشرفت محسوسی نمود. به موازات شعر و نثر، درام و طنز نویسی نیز ترقی نمود. مکتب

رنالبسم در ادبیات نضج بیشتری گرفت و رمانتسم تبدیل به سلاح مقتدر ایدئولوژیکی برای نهضت میهن‌دوستانه و رهایی بخش ملی گردید. چهره‌های درخشان ادبیات هنری ارمنی در این دوران، راپائل پانتکانیان شاعر، رافی رومان نویس، گابریل سوندوکیان درام نویس، هاکوپ بارونیان طنز نویس می‌باشند.

موتیو اصلی آثار راپائل پانتکانیان (گامار کانیا، ۱۸۹۲-۱۸۳۰) میهن دوستی و ایده‌های ارامنه غرب از سلطه ترکها می‌باشد. شاعر عشق به وطن و مبارزه برای آزادی و استقلال را تاکید می‌نماید. برای رهایی از استثمار و چپاول باید به سلاح متوسل شد.

گاوا آهن ارمنی، گاوا آهنی ارمنی برای که می‌کوشی،



میکائل نالباندیان

چه کسی از تو می‌رنجد، کدامیک را سیر می‌کنی...
بس است، ای گاوا آهن، برصبر و رنج ما پایانی هست،
تو دیدی که دشمن‌بیشرم و احمق و بیرحم است،
بیا تا خرد کنم تیغه‌ات را و بدهم به آهنگر خم کند،
تیغ و شمشیر درست کنیم و بر علیه دشمن‌بجنگسیم.
شاعر با خطاب قراردادن بورژوازی ارمنی که در قبال جنبش‌رهایبی بخش ارامنه غرب بی‌تفاوت بود، با ناراحتی می‌نویسد:
تو، تاجر عاقل و با حسابی،
می‌گویی که ملک و پول و کالا، بسیار داری،
وقتی که ارمنستان نصیبی ندارد از پولت،
تف باید انداخت هم بر تو هم مالت.

از آثار میهن‌پرستانه پانتکانیان
بخصوص بایست از اشعار "اشک‌های
ارس"، "آواز مادر آقاسی"، منظومه
"مرگ وارثان مامیکیان دلیر" - که
در بین عموم از محبوبیت زیبایی
برخوردار می‌باشند - باید نام برد.
در زمان حیات پانتکانیان، اشعار طنز
آمیز "جوان تحصیل کرده ارمنی در
پایتخت"، "دوشیزه تحصیل کرده ارمنی
در پایتخت" با استقبال شایان توجهی
روبرو شدند که مولف در آنها اولاد تن
پرور و بی‌تفاوت اشرافیان ارمنی را به



راپائل پانتکانیان

باد تمسخر گرفته‌است. پانتکانیان از فولکلور مردمی ارمنی استفاده نموده و مسایل حاد روز را به زبان ساده و قابل درک، در آثار خود گنجانده است. شعر میهن‌دوستانه پانتکانیان تاثیر عمیقی بر نسل جوان گذاشت.

رافنی (هاکوپ ملیک - هاگوپیان ۱۸۸۸-۱۸۳۵) از استادان مسلم ادبیات هنری و بزرگترین نماینده رمان نویسی ارمنی به شمار می‌رود. وی رمان‌ها ("احق"، "جرفه‌ها"، "داویت بیگ"، "ساقول" و غیره) و اشعاری سروده و نوشته است.



رافنی

نویسند نامدار با هنر عالی و زبان فصیح و عنی به خلق آثار پرداخته است. رمان‌های وی با کنجکاو و عشق خسان خوانده می‌شوند. شاهکار او - رمان تاریخی "ساقول" - یکی از آثار بسیار عالی ادبیات ارمنی می‌باشد.

آثار رافنی با مبسب دیمستی، آزادی، عقاید مبارزه‌رهای بخش ملی عجیب شده‌اند. رمان‌ها و نوشته‌های او مخصوص "جرفه‌ها"، "احق" و "صدائیکس" ای دریاچه "انگاس وسیعی در بین توده‌های عظیم مردمی یافت و در زمان خود تسا

اندازه محسوسی به توسعه جنبش‌های ملی بخش ملی ارمنی کمک کرد.

رافنی همچنین آثاری (چون "خاطرات صلیب‌زد"، "خروس طلایی" و سایر رمانها و حکایات) خلق کرده است که در آنها نقاب از صورت نزول - خواران سرمایه‌دار برداشته و نظام ارتجاعی فئودالسم و پدیده‌های مخصوص اجتماعی آن را شدیداً مورد انتقاد قرار داده است.

ادبیات ارمنی در نیمه دوم قرن ۱۹ در زمینه آثار دراماتیک نیز غنی گردید. در اسهای جدید خلق شد. که گابریل سوندوکیان (۱۹۱۲-۱۸۲۵) نماینده بزرگ و موسس آن گردید.



گابریل سوندوکیان

طنزهای "صرب خیرات"، "خاتا بالا"، "بازهم یک قربانی"، "احاق کنده شده" و جز آن به قلم سوندوکیان تعلق دارند. بهترین اثر وی، کمدی "پیو" می‌باشد که در سال ۱۸۷۵ نوشته شده و یکسال پس از آن برای اولین مرتبه در تفلیس به روی صحنه آمد. این اثر عمیقاً رئالیستی است. در آن، واقعیت‌های زمانه، زندگی قشرهای مختلف اجتماعی، جامعه، چینیونیک‌های نزولخسوار و

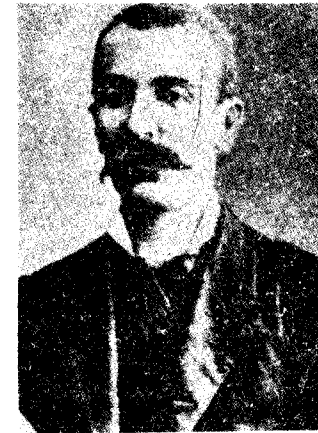
بوروکرات با صمیمیت خاص تشریح شده‌اند. "پیو" مرحله جدیدی در تاریخ تئاتر ارمنی بوجود آورد.

سوندوکیان بعنوان حامی محرومین زحمتکش و بعنوان تیغ برنده‌ای بر علیه استثمار و چپاولهای بورژوا - نزولخواری و اعمال متفرد آنها ظاهر گردید. هنر وی عالی، جذاب و موثر بود.

طنز نویسی نیز ترقی و رونق یافت که در خسانترین چهره آن هاکوپ بارونیان (۱۸۹۱-۱۸۴۳) می‌باشد. وی آثار متعددی چون "زعمای قسوم"، "گداهای عالی شأن"، "دفترچه هوشبوش"، "برادر باغدار"، "دندان پزشک شرقی"، "مضرات شهرنشینی"، "گردش در محله‌های استامبول" و غیره خلق نموده، مقالات، نگرشها، فیلیتون‌ها و پارودیهای متعددی هم نوشته است.

بارونیان، نیروهای ارتجاعی را مورد تمسخر قرار داده، از جنبه‌های اسفناک وقایع زمان خود انتقاد کرده است و خیالات و بیگانه‌پرستی ثروتمندان ارمنی، استثمار سلطه ترک‌ها را تشریح و اهداف استعماری حکومت‌های اروپایی را افشا نموده است. آثار او عمیقاً رئالیستی بوده، قلمش رک و گویا

می‌باشد. بارونیان با هنر والایش با طنز نویسان کلاسیک جهان رقابت می‌کند.



هاکوپ بارونیان

در ادبیات ارمنی نیمه دوم قرن ۱۹، نویسندگانی با عقاید دمکراتیک و هنر رئالیستی خود نظیر پرچ پروشیان نویست (۱۹۰۷-۱۸۳۲) و غازاروس آقاپان (۱۹۱۱-۱۸۴۰) شاعر، نشر نویس و نویسنده آثار کودکان در عرصه ادبیات ظاهر گردیدند.

در دو دهه آخر قرن، شیروانزاده (آلکساندر موسیسیان ۱۹۳۵-۱۸۵۸)، نوولست و درام نویس مشهور ارمنی، هوانس هوانسیان (۱۹۲۹-۱۸۶۴) شاعر و غزلسرای نامدار و هوانس تومانیان

(۱۹۲۳-۱۸۶۹) شاعر نابغه به خلق آثار ادبی پرداخته‌اند. در سالهای ۱۸۹۰ شاعر بزرگ، آو تیک ایساهاکیان (۱۹۵۷-۱۸۷۵) خلق آثارش را آغاز کرد.

تحولات چشمگیری نیز در زمینه هنرهای تئاتر، موسیقی و نقاشی بوجود آمد. اگر تا سالهای ۱۸۵۰، نمایش تئاترهای ارمنی حالت اتفاقی داشته گاهگاهی ارائه می‌شد و گروههای پایدار بازیگران موجود نبودند، لیکن در نیمه دوم قرن نمایش تئاتر سیستماتیک شد و گروههای جدید و پردوام تر هنرپیشگان تشکیل گردید. بازیگران و گروههای تئاتر حرفه‌ای بوجود آمد. هنرپیشگان زن در صحنه ظاهر گردیدند و غیره. در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ یک رشته درام‌های تاریخی و کمدی، در مسکو، تفلیس، استامبول، ایروان، آلکساندرابول و سایر جاها به نمایش درآمد. در دهه آتی، سطح حرفه‌ای هنر تئاتر ترقی نمود. توام با درام نویسی ملی، پیس‌های کلاسیکهای جهانی نیز به صحنه رفت. یک‌نسل کامل از بازیگران پرقریحه (مهرداد

آمریکیان، گورگ چمشکیان، سیرانویس و سایرین) تشکیل شد. بویژه پتروس آدامیان (۱۸۹۱-۱۸۴۹) - نقطه اوج هنر بازیگری ارمنی - شهرت بسیاری کسب نمود. او در تئاترهای ترکیه، قفقاز و سپس در مسکو، پتربورگ، خارکف و کیف به‌ارائه نمایش پرداخت و در همه جا ایجاد حیرت و شگفتی نمود. آدامیان - که اکثر اوقات در نقش قهرمانان شکسپیر بویژه هاملت ظاهر می‌شد - مکان مخصوص خود را در بین بازیگران پرقریحه بدست آورده است.



پتروس آدامیان

در نیمه اول قرن ۱۹، موسیقی کلیسایی و عاشقی بر موسیقی ارمنی حاکم بود. سالهای ۱۸۶۰-۱۸۵۰ در این زمینه از فرهنگ نیز بصورت نقطه عطفی درآمد. بسیاری از متفکرین دمکرات و میهن دوست به مسایل موسیقی پرداختند و به تالیف مجموعه سرودها و تشکیل گروههای آواز همت گماشتند. کار جمع‌آوری و تنظیم آوازهای مردمی آغاز و موسیقی جدید ارمنی بنیان نهاده شد.

تیگران چوخاجیان (۱۸۹۸ -

۱۸۳۷) موسیقیدان مشهور ارمنی غرب، نقش فوق‌العاده‌ای در کار توسعه و ترقی موسیقی ارمنی ایفا نمود. وی در استامبول متولد شده تحصیلات تخصصی موسیقی را در شهر میلان ایتالیا کسب نموده بود. در سال ۱۸۶۷ موسیقی-دان پرقریحه، اپرای "آرشاک دوم" را تصنیف نمود و با این کار نیز اپرای ارمنی را بنیان گذاشت. چوخاجیان همچنین اپرتهایی نوشته است که از آنها "لِلیجین" ("کارینه") مشهور می‌باشد. آوازهای سولو، قطعه‌هایی برای پیانو و گروه نوازندگان، آوازها و غیره تصنیف کرده است. آثار چوخاجیان - که در زمان خود موفقیت بزرگی در بین ارامنه و در اروپا کسب

کردند - حتی امروزه نیز از مقبولیت وسیع مردم برخوردار هستند.

از موسیقیدانان مشهور دیگر -

باید ماکار یگمالیان (۱۹۵۵-۱۸۵۶) و

کریستاپور گارا - موزر (۱۹۵۲-۱۸۵۳)

را نام برد. یگمالیان توأم با خلق آثار

به نوت نویسی و تبدیل آوازهای متعدد

مردمی ارمنی به کوارتت اشتغال ورزیده

است. کار او را با تشکیل گروههای آواز،

کنسرتیهای در شهرهای مختلف قفقاز و

روسیه ارائه داده در عین حال

صدها آواز نوت نویسی نمود و آثار

مخصوص به خود نیز خلق کرد.

در اواخر قرن ۱۹، گومیس-اس

(سوقونیون سوقونیان) (۱۹۳۵-۱۸۶۹) موسیقیدان بزرگ ارمنی به فعالیت

وسیع در زمینه موسیقی پرداخته است.

در زمینه هنرهای تصویری، هاگوپ هونانیان (۱۸۸۱-۱۸۵۶) نقاش،

استپان نرسیسیان مؤسس نقاشی سوزهای ارمنی (۱۸۸۴-۱۸۲۵)، گس-ورگ

باشیمجاقیان (۱۹۲۵-۱۸۵۷) نقاش طبیعت، وارنگس سورنیان (۱۹۲۱-۱۸۶۵)

نقاش سوزهای تاریخی، هارونیون شامشینیان (۱۹۵۸-۱۸۵۷) نقاش دریائی و

سایرین به خلق آثار پرداختند.

ه. آیوازوسکی (۱۹۵۵-۱۸۱۷) نقاش نابغه دریائی تاثیر عمیق خود را

بر هنر نقاشی ارمنی گذاشته است. وی ارمنی الاصل بوده، روابط نزدیکی با

گروهی از نمایندگان فرهنگ ارمنی داشت. آیوازوسکی تابالوهای نیز با

سوزهای ارمنی دارد، نظیر "دریاچه سوان"، "کشتار ارامنه در طرابزون"

۱۸۹۵، "خرمیان هایریک"، "آزارات" و غیره.



تیکران چوخاچیان

۳- جواند، نقادی

اولین حریده هفتگی ارمنی یعنی "آزدارار" در سالهای ۱۷۹۶-۱۷۹۴

در یکی از مهاجرنشینهای ارمنی، در شهر مدرس هندوستان منتشر گردید.

سر دبیر آن هارونیون شاونیان بود که دارای احساسات میهن دوستانه و

عقاید روشنگرانه عصر خود بود.

در "آزدارار" اخبار تجاری، اقتصادی و سیاسی، مطالبی در مورد

مسایل تاریخی، مقالات مختلف و غیره به چاپ می رسید. هدف اصلی هفته

نامه اشاعه افکار میهن دوستانه در بین مردم بود.

در نیمه اول قرن ۱۹، حدود ۳۵ نشریه منتشر می شد، که ۶ تا از آنها

در استامبول، ۵ تا در ونیز و ۳ تا در تفلیس و غیره بودند. لیکن این

روزنامه ها و ماهنامه ها، توسعه وسیع و حیات طولانی نداشتند. در بین آنها

نشریه های "یغناک بیوزاندیان"، "دیداک بیوزاندیان"، "آرشالویس

آراراتیان"، "بازماو" و "آزگاسر" نسبتاً حیات طولانی و محتوایی جامع

داشتند.

"یغناک بیوزاندیان" - که توسط مخیتاریان و نیز در سالهای

۱۸۲۵-۱۸۲۳ منتشر می گردید - شامل اخبار سیاسی، علمی، تجاری بوده،

در آن مقالاتی در زمینه مسایل فرهنگی، آثار هنری و غیره بچاپ می رسید.

زبان آن آشخارابار غربی ارمنی بود.

نشریه "دیداک بیوزاندیان" هم در ونیز در سالهای ۱۸۱۶-۱۸۱۲ و

به زبان آشخارابار منتشر می شد. در اینجا اطلاعات وسیعی در زمینه

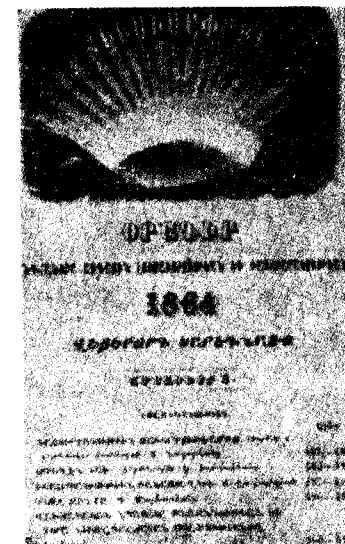
حوادث تاریخی و سیاسی عصر و بخصوص جنگهای ناپلئون اول داده شده

است. مقالات، ترجمه ها و سایر مطالب نیز در آن به چاپ رسیده اند.

خبرنامه "آرشالویس آراراتیان" در سال ۱۸۴۵ در ازمیر انتشار یافت.

در صفحات آن مقالات علمی، تحقیقی و سیاسی، مطالب فرهنگی و زندگی

خلق ارمنی، اخبار داخلی، خارجی و تجاری به چاپ می‌رسید. آنها نه تنها در ارمنستان غربی، بلکه در بین ارامنه قفقاز و ایران نیز منتشر می‌شد. در سال ۱۸۴۳، جریده "بازماوپ" در ونیز چاپ رسید که در آن اکثر مقالات ارمنی‌شناسی و بخصوص فیلولوژیک چاپ می‌شد. ترجمه‌هایی از ادبیات فرانسه، انگلیس و روس، اطلاعاتی از زندگی اقتصادی، سیاسی و علمی کشورهای اروپایی و غیره در آن جای گرفته‌اند. "بازماوپ" تا امروز نیز منتشر می‌گردد.



عنوان "هیوسپاپیل"

به سردبیری نویسنده نامی، مسروپ تاغیادیان، در شهر کلکته هندوستان هفته‌نامه "آزگاسر" در بین سالهای ۱۸۴۵-۱۸۴۸ منتشر شد، که در آن مقالات میهن‌دوستانه و روشنگرانه به چاپ می‌رسید.

اولین جریده ارامنه قفقاز هفته‌نامه "قفقاز" بود که در سالهای ۱۸۴۷-۱۸۴۶ در تفلیس منتشر شد. در همانجا هفته‌نامه "آرارات" - که محتوای غنی‌تر و جالب‌تری داشت - در طول سالهای ۱۸۵۱-۱۸۵۰ انتشار یافت.

مشهورترین نشریه عصر یعنی "هیوسپاپیل"^۳ در سالهای ۱۸۶۴-

۱۸۵۸ در مسکو منتشر گردید. این ماهنامه، برعلیه نیروهای مرتجع و دینی و فلسفه‌هایشان مبارزه جدی‌نموده و خواستار طرد گرابار و آغاز کتابت با

زبان قابل درک مردم یعنی زبان ادبی آشخارابار، انجام اصلاحات در زندگی اجتماعی و در تمام شئون فرهنگی، طرد عقاید ارتجاعی فئودالی، اشاعه علم و دانش، پیروی از نمونه کشورهای پیشرفته اروپایی، بود. "هیوسپاپیل" ارگان اصلی جنبش روشنگری، نقش عظیمی در زندگی اجتماعی و رستاخیز فکری ارمنی بازی کرد.

استپانوس نازاریان (۱۸۷۹-۱۸۱۲) سردبیر ماهنامه، فعالیت وسیعی نمود، بنام روشنگری و پیشرفت بدفعات برعلیه عناصر مرتجع ظاهر گردید. او در عین حال فیلولوژیست، زبان‌شناس و شرقشناس نامداری نیز بود. شش سال کرسی ارمنی‌شناسی دانشگاه کازان را رهبری کرده، مدت طولانی در مدرسه لازاریان بعنوان استاد و پرفسور زبانهای شرقی خدمت نمود. س. نازاریان بانظرگاههای سیاسی خود شخصی لیبرال و طرفدار اصلاحات، ترقی‌تدریجی اجتماعی بود. میکائل نالباندیان با مقالات درخشان خود در صفحات "هیوسپاپیل" ظاهر گردید.

جریده دو هفته‌گی "مغو"^۴ از نشریات مشهور ارامنه غرب بود، که از سال ۱۸۵۶ در استامبول انتشار می‌یافت. هاروتیون سواجیان (۱۸۷۳-۱۸۳۱) یکی از هم‌زمان میکائل نالباندیان، برای سالهای متعددی سردبیر این نشریه بود. وی بعنوان یک دمکرات و طرفدار مبارزه‌رهایی بخش، در صفحات نشریه به مبارزه وسیعی برعلیه روحانیون و رژیم ارتجاعی مبادرت می‌ورزید. "مغو" بصورت ارگان دمکراتهای ارامنه غرب، پشتیبان منافع زحمتکشان و مبین آمال و آرزوهای آنها درآمد.

در همان دوران نشریه‌های "زاغیک"^۵ (سردبیر آن گ. چیلینگریان و آ. هایگونی) در ازمیر، "آرولک"^۶ و "آروموتک"^۷ (سردبیر آن، استپان

۴- به معنی زنبور عسل - م.

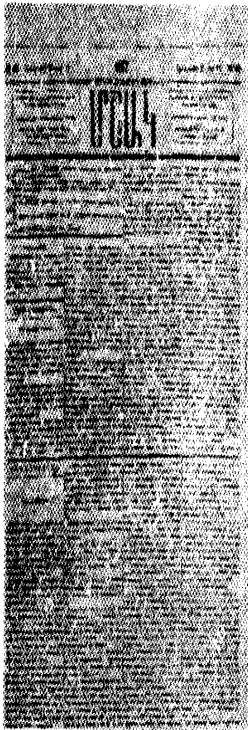
۵- به معنی گل - م.

۶- به معنی شرق - م.

۷- به معنی غرب - م.

۳- به معنی نور شمال - م.

کنند. سردبیر نشریه معتقد بود که فقط روسیه می‌توانست به آرامنه غرب کمک واقعی نماید. "مشاک" تاثیر بزرگی بر جوانان میهن دوست و پیشرو آن عصر گذارد.



"مقوها یاستانی" (۱۸۸۶ - ۱۸۵۸ تغلیس) مواضع محافظه کارانه داشت و در بسیاری از مسایل بسا "مشاک" اختلاف نظر داشت، که در نتیجه آن نیز مبارزه شدیدی بین طرفداران آنها آغاز شد.

"آرولیان مامول" از سال ۱۸۷۱ در از میر آغاز بکار کرد. سردبیر آن منقد مشهور آرامنه غرب و شخصیت اجتماعی مارتوس ماموریان (۱۹۰۱ - ۱۸۳۰) بود که دیدگاه‌های دموکراتیک و پیشرفته داشته، سعی در حمایت از

عنوان "مشاک"

منافع توده‌های مردم می‌نمود.

نشریه "ماسیس" - که از سال ۱۸۵۲ در استامبول منتشر می‌شد - جهت لیبرال بورژوازی داشت (سردبیر آن کاراپت بوتوجیان).

چریده‌های "نوردار" و "آرزاکانگ" در ۱۸۹۰-۱۸۸۰ در تغلیس منتشر شده‌اند. آنها مسایل اجتماعی - سیاسی را از مواضع محافظه کارانه بررسی کرده، ولی گاهی هم سعی در انتقاد از سیاست استعماری تزار نموده‌اند.

از نشریات قابل توجه سالهای ۱۸۹۰-۱۸۸۰ همچنین "آرولیک" و "هایرنیک"^{۱۶} بودند. چریده اخیر - که سردبیر آن آرپیبار آرپیباریان (۱۹۰۸-۱۸۵۱) از نویسندگان مشهور رئالیست آرامنه غرب بود - عقاید

۱۶- به معنی وطن - م.

وسکان) به نشر افکار دموکراتیک پرداختند.

نیروهای ارتجاعی در سالهای

۱۸۶۰-۱۸۵۰ نشریات خود "چراکاخ"^۸

(مسکو)، "ماسیاتس آغاونسی"^۹

(تئودوسیا، کریمه)، "پرواک"^{۱۰}

(استامبول) و غیره را منتشر کردند.

این ارگان‌ها به سردبیری م. مریان

گ. آیوازوسکی، ه. چامورجیان و سایرین

با حمایت از نظامهای حاکم نه تنها

بر علیه دموکراتهای انقلابی، بلکه بر علیه

لیبرالیسم بورژوازی مبارزه می‌کردند.

از خرائد معروف نیمه دوم قرن

۱۹ می‌توان "مشاک"^{۱۱}، "مقوها -

یاستانی"^{۱۲}، "آرولیان مامول"^{۱۳}، "ماسیس"، "نوردار"^{۱۴}، "آرزاکانگ"^{۱۵}

را نام برد. خبرنامه "مشاک" از سال ۱۸۷۲ به سردبیری منقد معروف

گریگور آرزروونی (۱۸۹۲-۱۸۴۵) در تغلیس منتشر شد. این نشریه بر علیه

عناصر ارتجاعی و محافظه کار ظاهر گردید و روابط فتودالی را شدیداً به باد

انتقاد گرفت و به ایجاد پایگاه سرمایه داری در قفقاز لبیک گفت. با چاپ

مقالات عدیده در زمینه مسئله آرامنه، "مشاک" این نظریه را می‌پروراند که

آرامنه غرب باید مانند خلقهای بالکان بر علیه استبداد سلطان قیام مسلحانه

۸- جمع آوری ته‌مانده‌های محصول - م.

۹- کیوتر ماسیس - م.

۱۰- به معنی زحل - م.

۱۱- کارگر - م.

۱۲- زن‌پور ارمنستان - م.

۱۳- چاپ شرق - م.

۱۴- قرن نو - م.

۱۵- انعکاس - م.

میهن دوستانه و دمکراتیک اشاعه می داد .

"آراژات" اولین نشریه ارمنستان شرقی ، از سال ۱۸۶۸ در اجمیادزین آغاز بکار کرد . این جریده محتوای مذهبی و تاریخی-فیلولوژیک داشت .

از سال ۱۸۸۰ هفته نامه "پساک ۱۷" در ایروان شروع به کار نمود و در آن مقالات ادبی ، تاریخی ، تعلیمی و سایر مسایل بچاپ می رسیدند . لیکن بدلیل عقاید میهن دوستانه و آزادیخواهانه از طرف حکومت تزار در سال ۱۸۸۴ تعطیل گشت .

اولین نشریه در خود ارمنستان غربی ، یعنی "آرژوی واسپوراگان ۱۸" در وانک واراگا در سالهای ۱۸۶۴-۱۸۵۸ به سردبیری مگردیچ خریعیان به چاپ می رسید .

۴- مدرسه ، علوم

در ارمنستان شرقی در سده ۱۹ سه نوع مدرسهٔ مذهبی ، خصوصی و دولتی و در ارمنستان غربی مدارس خصوصی و مذهبی وجود داشت . تعداد مدارس شدیداً محدود و شمار دانش آموزان بسیار قلیل بود . در سال ۱۸۷۸ در تمام مدارس ابتدائی مذهبی و متوسطه دولتی در قفقاز حدود ۳۰۰۰ دانش آموز ارمنی تحصیل می کرد . محصلین ارمنی مدارس خصوصی در سال ۱۸۸۰ در قفقاز نزدیک ۱۵۰۰ نفر بودند . اوضاع در ارمنستان غربی وخیم تر از این بود .

مدارس در شرایط اسفناکی بسر می برد . اکثر آنها با قراردادن در جوار کلیساها دو یا سه کلاس داشتند . سطح تدریس پائین و روشهای تعلیم بسیار عقب افتاده بود . اساساً علوم دینی و زبان ارمنی تدریس می شد .

۱۷- به معنی افسر یا ناج گل م .

۱۸- به معنی عقاب واسپوراگان - م .

لیکن در طول قرن ۱۹ ، چند مدرسه مشهور و پیشرفته در عصر خود ، تاسیس یافت . در سال ۱۸۱۵ مدرسه عالی لازاریان در مسکو تاسیس یافت که در ابتدا مدرسه متوسطه بود ولی بعدها از کلاسهای عالی نیز برخوردار گردید . جوانان متعدد ارمنی در این مدرسه عالی تحصیل می کردند ، که بعدها نقش بزرگی در ترقی فرهنگ ارمنی ایفا نمودند . بعنوان مثال ، شعراء مشهور ارمنی ، رایاثل پاتکانیان ، سمات شاهازیز ، گورگ دودوخیان ، هوانس هوانیسیان ، واهان دریان ، ارمنی شناسها مگردیچ امین ، گریگور خالاتیان ، و سایرین در این مدرسه عالی تحصیل کرده اند . مدرسه عالی لازاریان یکی از مراکز بزرگ شرقشناسی در روسیه گردید و شرقشناسان متعدد و مشهور روس تربیت کرد .

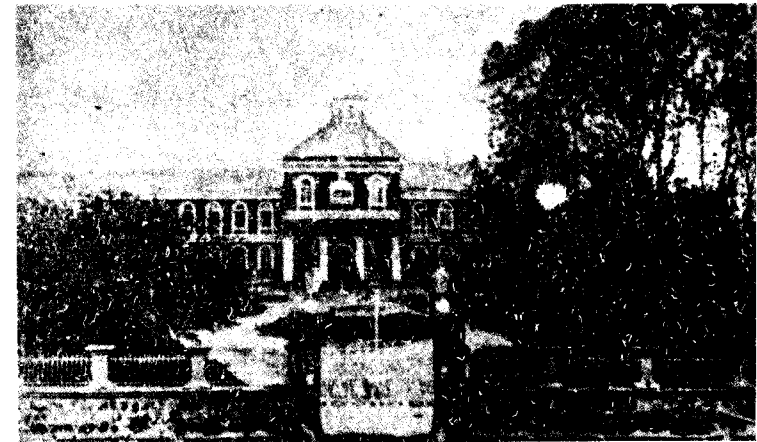


مدرسه عالی لازاریان

در سال ۱۸۲۴ مدرسه نرسیسیان در تغلیس بنیان نهاده شد ، که در حدود ۱۰۰ سال به حیاتش ادامه داد و معلمین ، متقیین ، هنرمندان و دست اندرکاران جرائد ارمنی و غیره را تربیت کرد . خاجاتور آبوویان و استپانوس نازاریان از اولین فارغ التحصیلان مدرسه بودند . مدرسه نرسیسیان نقش بزرگی بویژه در زمینه توسعه تعلیم و تربیت و روشنگری در بین ارمنه شرق

ایفا نمود .

سالها بعد ، اولین مدارس در ایروان - مرکز ارمنستان شرقی - من جمله آموزشگاه ولایتی ایروان در سال ۱۸۳۲ و مدرسه وابسته به کلیسا در ۱۸۳۷ تأسیس شدند . در همان دوران مدارس مورادیان در شهر پاورای ایتالیا (۱۸۳۴) ، رافایلیان در ونیز (در ۱۸۳۸ - که اینها بعدها در هم ادغام شدند) ، مدرسه عالی اسکوتار در استامبول (۱۸۳۸) و غیره ایجاد شدند .



مدرسه عالی گورکیان

در نیمه دوم قرن ۱۹ مدارس جدید ارمنی تأسیس گردید که مهمترین آنها مدرسه عالی گورکیان در اجمیادزین (۱۸۷۴) است که معلمین و شخصیت‌های فرهنگی متعددی تربیت نمود . در سالهای ۱۸۶۰-۱۸۷۰ در تفلیس ، ایروان و آلکساندراپول مدارس دخترانه تأسیس شد . لیکن شبکه مدارس در نیمه دوم قرن ۱۹ نیز توسعه وسیعی نیافت . دولت تزار شمار مدارس ارمنی را محدود می‌ساخت و به هروسيله‌ای سعی در بی‌ارزش نمودن آنها داشت . ساتراپهای تزار بویژه در سالهای ۱۸۸۰-۱۸۹۰ وقتی که مدارس ارمنی بزور تعطیل گردید ، تعقیب‌های شدید خود را آغاز

کردند .

اوضاع در ارمنستان غربی بسیار وخیم بود . رژیم سفاک سلطان و سیاست کشت و کشتار و ستم ملی ، تا اندازه زیادی از ترقی آموزش و مدارس در امپراتوری عثمانی ممانعت کرد .

فکر علمی ارمنی در قرن ۱۹ اساساً در زمینه مطالعات تاریخ ارمنی ، ادبیات و سایر مسایل زبان و ارمنی شناسی ترقی نمود . از نظر آثار علمی - فیلولوژیک در نیمه اول قرن ، اعضاء اتحادیه مخیتاریان ونیز نظیر غوکاس اینچیکیان (۱۸۳۳-۱۷۵۸) مورخ و جغرافیدان و مگردیچ آوگریان (۱۸۵۴-۱۷۶۲) زبان شناس قابل ذکرند . شخص اخیر به همراه دومولف دیگسر (گ . آوتیکیان و خ . سیورملیان) در سالهای ۱۸۳۶-۱۸۳۷ در ونیز فرهنگ زبان ارمنی را در دو جلد قطور ("نوربارگیرک هایکازیان لژوی") به چاپ رساندند ، که کاری است بس بزرگ و ارزش علمی خود را حتی در زمان حاضر از دست نداده است .

بعدها در نیمه دوم قرن ۱۹ ، ارمنی‌شناسان مشهور ، غ . آلیشان ، م . امین ، ک . پاتکانیان و سایرین در صحنه علوم درخشیدند .

غوند آلیشان (۱۹۰۱-۱۸۲۰) نه تنها به عنوان شاعر بلکه بعنوان فیلولوژیست و دانشمندی بزرگ شهرت دارد . او آثار متعددی در زمینه جغرافیا ، تاریخ و فرهنگ ارمنستان برشته تحریر درآورده است . بویژه آثار "سیوان" ، "آیرارات" و "سیساگان" مشهور می‌باشد .

مگردیچ امین (۱۸۹۰-۱۸۱۵) به اساطیر شناسی ارمنی ، باستانشناسی ، تاریخ ، تاریخ ادبیات و مسایل قهرمانها ، ترجمه و انتشار برخی از آثار مورخین ارمنی به زبانهای روسی ، فرانسه و غیره پرداخته است . او بعنوان عضو افتخاری انجمنهای باستانشناسی و شرق شناسی روسیه انتخاب شده بود . **گرویه پاتکانیان** (۱۸۸۹-۱۸۳۳) آثار بارزشی در زمینه زبان ارمنی ، تاریخ ارامنه و نیز تاریخ شرق منتشر ساخته و در دانشکده شرق شناسی دانشگاه

پتربورگ تدریس نموده و به عضویت آکادمی روسیه پذیرفته شد. در زمینه مطالعات ارمنی‌شناسی در نیمه دوم قرن، مورخین م. گاراکاشیان (۱۸۱۸-۱۹۰۳)، ه. گاترچیان (۱۸۸۱-۱۸۲۰)، آ. پریسیان (۱۸۴۱-۱۹۰۲) باستان‌شناس، آ. آیدنیان (۱۸۲۵-۱۹۰۲) زبان‌شناس و سایرین فعالیت چشمگیری داشتند.

در زمینه علوم طبیعی، بویژه آندریاس آرزرونی (۱۸۴۷-۱۸۹۸)، زمین‌شناس و شیمیدان نامدار به چشم می‌خورد. وی در دانشگاه‌های پتربورگ و هایدلبرگ تحصیل نموده در سالهای ۱۸۷۰ در تفلیس و بعدها در آلمان (دانشگاه برلین، انستیتوی پلی‌تکنیک آخن و غیره) کار می‌کرد. وی اساساً به مسایل زمین‌شناسی قفقاز و اورال پرداخته — تالیف یک رشته آثار ارزشمند علمی نظیر زمین‌شناسی، معدن‌شناسی، مطالعه خواص شیمیایی و فیزیکی بلورها و مسایل مربوطه مبادرت ورزید. در سال



آندریاس آرزرونی

۱۸۹۵، آرزرونی به عضویت آکادمی علوم امپراتوری روسیه انتخاب شد. بسیاری از دانشمندان ارمنی قرن ۱۹ تحصیلاتشان را در دانشگاه‌های مسکو، پتربورگ، دورپات، پاریس، برلین، ژنو و غیره بدست آوردند. در اثر عدم وجود امکانات کافی در زمینه‌های مربوطه و لازم در ارمنستان، اکثر آنها در خارج از میهن به کار اشتغال داشتند.

فصل نوزدهم

ارمنستان در آغاز قرن بیستم

۱- زندگی اقتصادی و اجتماعی — سیاسی در ارمنستان شرقی

روسیه در آخر قرن ۱۹ وارد مرحله امپریالیسم شد. ترقی شدید سطح تولیدات نه تنها مناطق مرکزی امپراتوری، بلکه نواحی دور افتاده و سرحدی و من‌جمله ماوراء قفقاز رانیز دربرگرفته بود. در اینجا نیز مراکز بزرگ تولیدی ایجاد شد. جمعیت شهری رو به افزایش نهاده، طبقه کارگر تبدیل به برده گردید. این پروسه‌های ترقی زندگی اقتصادی تاثیراتی نیز بر ارمنستان شرقی یعنی بخشی از امپراتوری روسیه نهاد.

رشته اصلی تولیدات ارمنستان صنایع مس و مراکز آن آلایوردی و زانگور بود. در آغاز قرن ۲۰ این رشته تولیدی رشد محسوسی داشت که این مسئله در نتیجه آن بود که از یک سو روسیه نیاز مبرمی به مس داشت و از سوی دیگر سرمایه خارجی منجمله فرانسوی در صنایع مس ارمنستان تاثیر فراوان نهاده بود. بهره‌برداری از معادن مس و کارخانه‌های ذوب آلایوردی، شاملوغی و بخشی از غاپان بدست شرکت سهامی فرانسوی افتاد. با استفاده بی‌حد و

حصص از نیروی کارگران محلی و با تکامل نسبی تکنولوژی تولید، تولیدکنندگان خارجی به رشد تولیدات ذوب مس دست یافتند. اگر در ۱۹۰۰ در کارخانه‌های آلادردی ۱۹/۶ هزار پوت^۱ مس تولید می‌شد این رقم در سال ۱۹۰۱ به ۵۹/۶ هزار و در ۱۹۰۴ به ۱۱۶ هزار پوت رسید. در زانگور در سال ۱۹۰۰، ۵۰ هزار پوت، در ۱۹۰۴، ۶۸/۴ هزار پوت اما در ۱۹۰۷، ۹۴ هزار پوت مس استخراج شده است.



معدن مس غاپان

استخراج و تولیدات مس در سالهای آتی بلاانقطاع تا آغاز جنگ بین‌الملل اول نیز رشد صعودی داشت. بدین ترتیب در سال ۱۹۱۰، ۲۷۸/۲ هزار، در ۱۹۱۳، ۳۴۳/۱ هزار پوت مس تولید شده بود. ارمنستان قبل از آغاز جنگ جهانی اول حدود ۱۷ درصد از مس روسیه را تامین می‌کرد. تولیدات شراب و کنیاک نیز رشد نمود. در سال ۱۸۹۰ کارخانه‌های شراب و کنیاک تائیروف، آفریکیان، گیوزالف و ساراجف در ایروان کسب

۱- مقیاس وزنی روسیه معادل ۱۶/۳ کیلوگرم - م.

می‌کرد. شوستوف، سرمایه‌دار روس، در سال ۱۸۹۹ با بدست گرفتن کارخانه تائیروف و چند موسسه دیگر راندمان تولید را افزایش داد. در سال ۱۹۱۳، ۱۸۸ هزار دکالیتشراب و ۴۸ هزار دکالیتشر کنیاک تولید شده بود. حدود ۸۰ درصد کنیاک، شراب و عرق تولید شده در ارمنستان به روسیه و بازارهای بین‌المللی صادر می‌شد.

موسسات تولیدی مس و شراب - کنیاک چهره تولیدی ارمنستان را تعیین می‌کردند. بجز اینها، چند موسسه تولیدی مواد غذایی و نیز کارگاه‌های مختلف وجود داشتند. براساس آمار رسمی، در سال ۱۹۱۲ در استان ایروان ۲۳۰۷ موسسه تولیدی وجود داشته که در آنها ۸۲۵۴ نفر به کار اشتغال ورزیده‌اند. بدین ترتیب بطور متوسط در هر موسسه ۳-۴ کارگر و نه بیشتر کار می‌کردند. اینها اکثراً موسسات تولیدی برای مراحل اولیه مواد خام محصولات کشاورزی بودند. اکثر صادرات تولیدات ارمنستان به شکل نیمه ساخته و یا خام بود که نتیجه اعمال سیاست استعماری دولت تزار در ولایات مرزی و ملی امپراتوری بود.

به موازات ترقی و رشد محصولات، شمار کارگران نیز فزونی می‌یافت و احداث خطوط راه آهن نیز در آغاز قرن ۲۰ به این مسئله کمک شایانی کرد. به غیر از کارگران احداث خطوط راه آهن تغلیس - قارص و آلكساندراپول - ایروان - جلفا، کارگران خدماتی راه آهن نیز به جمع پرولتاریای ارمنستان پیوستند. در تعمیرگاه‌ها و ایستگاه‌های راه آهن آلكساندراپول، سناهیین و قارص مجتمع‌های کارگری تشکیل شده بود. در آغاز قرن ۲۰ شمار کارگران ارمنستان بالغ بر ۱۰ هزار نفر می‌شد.

کارگران ارمنی شمار قابل توجهی در گرجستان، آذربایجان همسایه، تشکیل می‌دادند. این وضع نه تنها بواسطه جمعیت انبوه ارمنی در آذربایجان و گرجستان بود بلکه به این علت نیز بود که بسیاری از روستائیان فاقد زمین و تهیدست برای پیدا کردن کسب و کار از ارمنستان به مراکز تولیدی مآورا، قفقاز می‌رفتند. بویژه آرامنه کثیری که از زانگور، قره‌باغ، نخجوان، دارالاکیز

و سایر مناطق ارمنستان مهاجرت کرده بودند در چاه‌های نفت و سایر موسسات باکو - مراکز بزرگ تولیدات ماوراء قفقاز - بکار اشتغال داشتند. در آغاز قرن بیست و یک سوم کارگران در موسسات باتوم، ارمنی و اکثرًا از مهاجرین ارمنستان غربی بودند که در سالهای ۱۸۹۴-۱۸۹۶ پس از برنامه کشتار ارمنه در ترکیه به قفقاز آمده بودند. کارگران ارمنی - که تعداد کل آنها در ماوراء قفقاز به ۳۵-۴۰ هزار نفر می‌رسید - در شهرهای صنعتی منطقه چون باکو، تفلیس، باتوم، آلکساندراپول، ایروان، آلاوردی، غاپان و غیره متمرکز شده بودند.

بورژوازی صنعتی و تجاری ارمنی در تمام ماوراء قفقاز پخش شده بود. سرمایه‌دارانی چون مانتاشوف، در - غوکاسف، آرامیانس، مائیلوف و سایرین با سرمایه‌گذاری در صنعت تولیدات باکو، سودهای کلانی به چنگ آورده در صفوف مقدم بورژوازی صنعتی روسیه قرار گرفته بودند. بسیاری از موسسات سبک و غذایی به آدلخانوف، آلیخانوف، انفیاجیان و سایر سرمایه‌داران ارمنی تعلق داشتند. تأسیسات مس و سایر رشته‌های تولیدی به ملیک - آزادیان، ملیک قاراگیوزف، آفریکیان و سایرین متعلق بود.

وضع کارگران وخیم بود. شرایط کار و زندگی بویژه در کارخانجات و معادن مس آلاوردی و زانگورز غیرقابل تحمل بود. کار روزانه حدود ۱۲-۱۴ ساعت و بعضی مواقع بیشتر هم طول می‌کشید. مزدها در سطح بسیار پائینی قرار داشت. حفاظت و ایمنی عملاً در معادن و کارگاه‌ها وجود نداشت، بیماری‌های شغلی رواج فراوان یافته، کارها در شرایط غیربهداشتی صورت می‌گرفت. کارگران دارای اتحادیه‌های صنفی نبودند و به کمترین وجهی در زندگی اجتماعی شرکت نمی‌جستند. در نتیجه تمام این‌ها، نارضایتی کارگران افزون می‌شد. اعتراض آنها بر علیه استثمار بی‌امان، شکل مصمم ترومبشکل‌تری بخود می‌گرفت و برخود آگاهی طبقاتی پرولتاریا اضافه می‌گشت.

اوضاع روستائیان بسیار اسفناک بود. در آغاز قرن ۲۰، پروسه اضمحلال کشاورزی طبیعی و رشد روابط کالایی در دهات ادامه می‌یافت. قشر بندی

روستائیان و فقر اکثریت مطلق آنها تعمیق می‌یافت. اراضی خوب به دست زمینداران می‌افتاد و روستایی برای امرار معاش ده را ترک نموده به شهر و دیار غریب می‌رفت. مهاجرت به خارج و غربت، پدیده عادی زندگی روستایی شده بود. مالیاتهای سنگین، بقایای کار برده‌وار، محرومیت‌های آشکار، استثمارگری تجار و نزول‌خواران وضعیت را برای روستائیان غیرقابل تحمل می‌ساختند. روزنامه‌نگار یکی از نشریات آن زمان در مورد دهات ارمنستان می‌نویسد: "درد، رنج، اشک، خون - عرق، احتیاج، غم، فقر، استثمار، غارت، محرومیت... اینست وضع ده".

صرفنظر از عقب ماندگی کشاورزی، در آغاز قرن بیستم زمینهای زیرکشت پنبه وسعت یافت (که بعلت احتیاج تولیدات پارچه روسیه بود)، باغهای انگور گسترش یافتند که اینها مواد خام صنعت در حال پیشرفت شراب - کنیاک ارمنستان را تامین می‌کردند.

در آغاز قرن ۲۰ زندگی اجتماعی - سیاسی ارمنه شرق بواسطه چند پدیده دارای اهمیت گردید. ترقی جنبش کارگری آغاز شد، قیامهای توده‌ای بر علیه سیاست استعماری تزار بوجود آمد، سازمانهای سوسیال - دمکراسی ایجاد شدند. جنبش انقلابی کارگران ماوراء قفقاز - که بخشی از نهضت انقلابی کارگران روسیه را تشکیل می‌داد - تحت تاثیر عقاید مارکسیستی جریان یافت.

عقاید مارکسیسم از سالهای ۱۸۸۰ در میان ارمنه شروع به نضج گرفتن کرد. اولین کوششها برای ترجمه ادبیات مارکسیستی، به ویژه "مانیفست حزب کمونیست" به زبان ارمنی توسط دانشجویان ارمنی مقیم اروپا در سال ۱۸۸۷ و سپس در سالهای ۱۸۹۴-۱۸۹۳ انجام شده است. در اواخر قرن بیستم، "کاپیتال و کارمزدی" کارل مارکس، "سوسیالیسم علمی" فردریش انگلس و سپس برخی از آثار پل لافارگ، فردیناند لاسال، ویلهلم لیبکنخت و سایرین و نیز ادبیات انقلاب توده‌ای منتشر شدند.

مارکسیستهای انقلابی ارمنی در مبارزه انقلابی پرولتاریای روسیه و

تاسیس حزب نوین مارکسیستی شرکت فعالانه داشتند. بوگدان کنونیانتس (۱۸۷۸-۱۹۱۱)، استپان شاهومیان (۱۸۷۸-۱۹۱۸) از چهره‌های بزرگ انقلابی در تمام روسیه بشمار می‌آمدند و در هسته مرکزی رهبری سازمانهای حزبی کارگری و سوسیال دمکراتیک در روسیه به رهبری ولادیمیر ایلیچ لنین شرکت داشتند.

در ماوراء قفقاز تحت تاثیر جنبش انقلابی روسیه و در وهله اول در مراکز تولیدی آن، گروههای مارکسیستی بوجود آمد. در سال ۱۸۹۸ اولین گروه مارکسیست کارگران ارمنی در تفلیس بوجود آمد که م. ملیکیان (دوشکا)، آساتور کاخویان، گورگ غاراجیان و سایرین عضو آن بودند. این گروه فعالیت تبلیغاتی در بین کارگران داشت و با سوسیال دمکراتهای روس و گرجی تفلیس مرتبط بوده نشریه دست نویس "بائور" را منتشر می‌ساخت. در

تابستان ۱۸۹۹ در جلال اوغلی (استپانان اوغلی) یک گروه مارکسیست که رهبر آن استپان شاهومیان بود ایجاد گردید. جوانان پیشرو در این گروه که مارکسیسم را مطالعه و اعلامیه‌های انقلابی پخش می‌کرد، شرکت داشتند.

تاسیس حزب مارکسیست کارگران روسیه، توسعه سازمانهای سوسیال دمکراتیک را در ماوراء قفقاز تسریع می‌نمود و اینها با اصول انترناسیونال بوجود می‌آمدند



استپان شاهومیان

و سازمانهای محلی حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه بحساب می‌آمدند. اکثر آنها از آغاز تاسیس اصول انقلابی و مارکسیستی نشریه "ایسکرا" به سردبیری وی. ای. لنین را دنبال می‌کردند.

در سال ۱۹۰۱ کمیته‌های ح. س. د. ک. ر. در تفلیس، باکو و باتوم تشکیل یافت، که چاپخانه‌های زیرزمینی داشت. در پایان سال ۱۹۰۲ اولین هسته سوسیال دمکرات در ایروان تاسیس شد، که کارگران کارخانه شوستوف به عضویت آن درآمدند. بلافاصله پس از آن، گروههای سوسیال دمکراتیک در ایستگاه و شهر الکساندرپول و در قارص، آلاوردی و برخی از دهات لوری تشکیل یافتند.



بوگدان کنونیانتس

در تابستان ۱۹۰۲ به همت استپان شاهومیان، بوگدان کنونیانتس و آرشاک زهراپیان "اتحادیه سوسیال-دمکراتهای ارمنی" در تفلیس آغاز بکار کرد. این سازمان به رهبری کمیته ح. س. د. ک. ر. در تفلیس کار می‌کرد ولی بعدها جزو تشکیلات آن گردید. این اتحادیه، اولین نشریه غیر رسمی مارکسیستی به زبان ارمنی - "پرولتاریا" را بنیان نهاد. در اکتبر ۱۹۰۲ اولین شماره آن منتشر شد. در اینجا مانیفست

"اتحادیه سوسیال دمکراتهای ارمنی" نیز بچاپ رسیده بود که وی. ای. لنین در این باره در سال ۱۹۰۳ مقاله مخصوصی در نشریه "ایسکرا" نوشت. وی. ای. لنین فعالیت‌های اتحادیه و مانیفست آنرا بسیار ارزشمند دانست. "اتحادیه سوسیال دمکراتهای ارمنی" و ارگان آن نشریه "پرولتاریا" نقش بزرگی در

میان ارامنه و در کار تعلیم کارگران انقلابی ارمنی ایفا نمود.

منافع جنبش کارگران قفقاز ایجاب می‌کرد تا گروه‌ها و سازمان‌های سوسیال دمکرات متحد شده و تحت رهبری واحد فعالیت نمایند. این مسئله را اولین کنگره سازمان‌های ح. س. د. ک. ر. در قفقاز - که در مارس ۱۹۰۳ در تفلیس تشکیل شده بود - انجام داد. اتحادیه قفقاز وابسته به ح. س. د. ک. ر. و مرکز رهبری آن بوجود آمد. تاسیس اتحادیه قفقاز وابسته به ح. س. د. ک. ر. مرحله مهمی در کار وحدت نیروهای انقلابی منطقه بوجود آورد.

در آغاز قرن بیستم جنبش انقلابی کارگران روسیه، پس از مدت کوتاهی ماوراء قفقاز را نیز دربر گرفت. در اول ماه مه ۱۹۰۱ تظاهراتی در تفلیس برگزار شد که حکایت از توسعه جنبش انقلابی در منطقه داشت. نشریه "ایسکرا" نوشت: "از امروز جنبش آشکار سیاسی در ماوراء قفقاز آغاز می‌شود".

در سالهای ۱۹۰۴-۱۹۰۱ موج اعتصابات و تظاهرات سیاسی مراکز تولیدی ماوراء قفقاز را نیز دربرمی‌گیرد. در این سالها کارگران کارخانه‌های باکو، تفلیس، باتوم، آلکساندرپول و آلایوردی به دفعات اعتصاب نمودند. بخصوص اعتصاب عمومی کارگران چاههای نفت و موسسات باکو در ژوئیه ۱۹۰۳ شکل جدی بخود گرفت. کارگران معادن مس آلایوردی در صفوف اول جنبش اعتصابی ارمنستان قرار داشتند. سازمانهای محلی سوسیال دمکرات می‌کوشیدند به این نهضت اعتصابی اساس و مبانی مبارزه انقلابی بدهند.

دراثر جنبش انقلابی کارگران، نهضت دهقانی که برعلیه ستم زمین - داران قرار داشت، نضج گرفت. در ۱۹۰۳ قیام روستائیان قصبه‌ها غیبات در ناحیه لوری برعلیه زمینداران بوجود آمد. حکومت فقط به کمک نیروهای مسلح توانست این شورش را سرکوب نماید.

در آغاز قرن بیستم واقعه بسیار مهمی در زندگی اجتماعی - سیاسی ارامنه شرق اتفاق افتاد و آن نهضت مقتدر توده‌های خلق ارمنی برعلیه استبداد تزاری بود که در ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ قوانینی دال بر تصرف و مصادره اراضی و دارایی‌های کلیسای ارمنی تصویب کرده بود. دولت تزار با عملی

ساختن سیاست استعماری و استبدادی خود چندین سال بود که این قانون را دردست تهیه داشت. سالها پیش از آن حاکم قفقاز شاهزاده گولیسین اقدام به تعطیل مدارس ارمنی، ایجاد محدودیت برای انجمنهای خیریه و انتشاراتی ارمنی، سانسور شدید روزنامه‌های ارمنی نموده بود.

براساس قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳، اراضی و دارایی‌های درآمدساز کلیسای ارمنی باید مصادره می‌گردید و تحت مدیریت وزارتخانه مربوطه روسیه قرار می‌گرفت. این قانون نه تنها اساس اقتصادی کلیسای ارمنی را به هم می‌ریخت، بلکه برعلیه خلق ارمنی، حقوق سیاسی و فرهنگ آن، برعلیه مدارس ارمنی قرار داشت، زیرا که بخش اعظم مدارس ارمنی ماوراء قفقاز با درآمدهای حاصل از اراضی کلیسا اداره می‌شد. اضمحلال موسسات فرهنگی - روشنگری ارمنی بایستی عملی شدن سیاست استعماری تزار را تسهیل می‌نمود. ماهیت قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ برای توده‌های وسیع خلق ارمنی شناخته شده بود و وقتی که سازمانهای محلی دولت سعی در عملی ساختن این قانون نمودند، ساکنین ارمنی ماوراء قفقاز به مبارزه برعلیه خودکامگی تزار برخاستند.

در ماه‌های ژوئیه - سپتامبر سال ۱۹۰۳ در بسیاری از شهرهای ماوراء قفقاز، در آلکساندرپول، قارص، ایروان، اجمیادزین، تفلیس، الیزابت پول (گنجه)، شوشی، باکو، باتوم، ایگدیر، جلال اوغلی و سایر نواحی، میتینگ‌های عظیم تشکیل شدند که شرکت کنندگان آنها خواستار لغو قانون ۱۲ ژوئن و عدم اطاعت از حکومت تزار بودند. در بسیاری از مناطق تظاهرات به زدو خورد‌های مسلحانه کشیده شد. حوادث خونینی در آلکساندرپول، تفلیس، الیزابت پول بوقوع پیوست، قشون وارد معرکه شد و حکومت با شرکت کنندگان در تظاهرات ضدتزاری تصفیه حساب ظالمانه‌ای کرد، صدها نفر دستگیر شدند. دولت مجبور به برقراری حکومت نظامی در تفلیس گردید. قیام خلق ارمنی برعلیه استبداد تزاری، طبیعت جنبش عمومی به خود گرفت. تمام قشرهای مردم، کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، متفکرین و روحانیون در این مبارزات شرکت جستند. احزاب سیاسی ارمنی - البته هر یک

به‌گونه‌ای منفک از دیگر گروهها - در این مبارزه فعالانه جذب گردیدند .
 بانفوذترین حزب سیاسی آن عصر یعنی داشناکوتیون - که قبلاً " ضرورت مبارزه سیاسی ارمنه قفقاز را رد می‌کرد و فقط " مسئله ارمنه ترکیه " را قبول داشت - حالا در شرایط تغییر و تحولات جاری مجبور بود اعلام نماید که توأم با " مسئله عموم ارمنه ترکیه " ، وجود " مسئله ارمنه روسیه " را نیز پذیرفته است . داشناکوتیون سعی نمود قیام خلق را به مجرای تنگ ملی جنبش بورژوائی بکشاند . هونچاکها در اکتبر ۱۹۰۳ بر علیه مرتجع افراطی ، شاهزاده گولیسین ، حاکم قفقاز ، که با سیاست ظالمانه ضد ارمنی خود شهرت داشت ، اقدام به کوششهای بی‌نتیجه‌ای نمودند . گولیسین فقط زخمی شد .

سازمانهای محلی سوسیال دمکرات سیاست استعماری تزاریسم را افشاء می‌کردند . آنها اعلامیه‌های متعددی انتشار دادند که توسط آنها به خلق ارمنی ندای اتحاد با مبارزه عمومی سایر خلقهای روسیه را بر علیه استبداد تزار ، می‌دادند . " ایسکرا " ارگان مرکزی ح . س . د . ک . ر . با رضایت متذکر می‌شود که سوسیال دمکرات‌های قفقاز " اهمیت سیاسی حمله تزار به کلیسای ارمنی را کاملاً " خوب ارزیابی نموده بودند و نشان دادند که سوسیال دمکراسی چگونه باید با چنین پدیده‌هایی رویارویی نماید " .

سازمانهای سوسیال دمکرات ماوراء قفقاز ، خلقهای منطقه را به کمک مبارزه به حق خلق ارمنی می‌طلبیدند . آنها در عین حال بر علیه کوششهای داشناکها در جهت انحراف کارگران ارمنی از مبارزه طبقاتی ظاهر می‌شدند و به تبلیغات ملی‌گرایانه آنها ضربه وارد آورده ، تاکتیک ترورهای فردی را محکوم می‌ساختند . پس از اقدام به ترور ناموفق گولیسین ، کمیته ح . س . د . ک . ر . در قفقاز اعلامیه " حیوان وحشی زخمی شد " را منتشر ساخت که در آن بویژه ذکر می‌گردید که : " گولیسین‌ها و امثال آنها از بین خواهند رفت و با ریشه‌کن شدن استبداد ، آنها نیز مانند دود پخش و نابود می‌شوند " .

علی رقم درهم کوبیده شدن مقاومت مردم توسط نیروهای مسلح ، دولت قانون ۱۲ ژوئن را به مرحله اجرا درآورد . تا پایان سال ۱۹۰۳ کار مصادره اموال و اراضی کلیسای ارمنی اساساً خاتمه یافت . ولی مبارزه ادامه یافت . روستائیان ارمنی از کاشت اراضی مصادره شده توسط حکومت تزار خودداری می‌کردند و در مراکز و موسسات تولیدی و صنعتی ضبط شده به کار اشتغال نمی‌ورزیدند . قیام‌ها و شورشهایی بوقوع می‌پیوستند . در شرایط توسعه روز بروز نهضت انقلابی روسیه ، دولت تزار مجبور به عقب نشینی بود . در اول اوت ۱۹۰۵ تزار قانون ۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ را ملغی اعلام نمود . اموال و اراضی کلیسای ارمنی برگردانده شد . تحولات سال ۱۹۰۳ در پروسه انقلابی شدن توده‌های کارگر ارمنی اهمیت بزرگی پیدا کرد . با توجه به این مسئله ، استپان شاهومیان متذکر گردیده است که " سال ۱۹۰۳ نقطه عطفی در تاریخ ارمنه قفقاز بود " .

۲- جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷

نهضت انقلابی توده‌های روستایی زحمتکش و کارگر در روسیه در آغاز قرن ۲۰ به انقلاب بورژوا - دمکراتیک سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ نیروی زیادی بخشید که اولین انقلاب در دوره امپریالیسم بود . آغازگر انقلاب حوادث خونین نهم ژانویه ۱۹۰۵ بود ، وقتی که بفرمان تزار بسوی تظاهرات آرام کارگران پتروگراد تیراندازی گردید . پس از آن جنبش اعتصابی قوت و توان بیشتری یافت و تمام کشور را دربرگرفت . کارگران خواستار بهبود اوضاع خود و آزادی‌های سیاسی بودند .

در بهار ۱۹۰۵ موج جنبش اعتصابی به ارمنستان رسید . در ماه مارس کارگران معادن آلاوردی و موسسات شوستوف و ساراجف ایروان ، کارگران خطوط آهن قره‌کلبسا - آلکساندرایول و ایستگاه و تعمیرگاه آلکساندرایول - دست به اعتصاب زدند . در ماه آوریل کارگران راه آهن ارمنستان به اعتصاب

عمومی راه آهن قفقاز پیوستند.

جنبش کارگری در ماوراء قفقاز و بویژه در ارمنستان بطور محسوسی از روسیه مرکزی ضعیف تر بود. این مسئله نه فقط بخاطر قلت کارگران ارمنستان و ضعیف بودن سازمانهای سوسیال دمکرات بلکه به این علت هم بود که حکومت تزار به ایجاد نفاق و جنگ میان ارمنه و آذربایجانی ها و انحراف توجه زحمتکشان از مبارزه طبقاتی موفق شده بود. جنگهای برادرکشی سال ۱۹۰۵ در باکو، شوشی، نخجوان، ایروان، الیزابت پول و سایر نواحی بوقوع پیوست، دو طرف هم قربانیان متعددی دادند. در بعضی جاها برخورددهای ارمنه و آذربایجانی ها تا سال ۱۹۰۷ بطول انجامید. سازمانهای سوسیال دمکرات به رهبری کمیته متحده ح. س. د. ک. ر. در قفقاز قاطعانه برعلیه مقررین و سردمداران این تحریکات ظاهر گردیدند و کارگران ملل را به اتحاد و مساعی مشترک در جهت مبارزات عمومی برعلیه تزارسم دعوت نمودند.

در اکتبر ۱۹۰۵، اعتصاب سیاسی عمومی تمام روسیه را دربرگرفته بود. اعتصاب عمومی کارگران راه آهن در ارمنستان از تشکل بیشتری برخوردار بود که شرکت کنندگان در آن یک رشته خواسته های سیاسی داشتند. حکومت در راه آهن حکومت نظامی اعلام کرد. در نوامبر همان سال اعتصاب بسزرگ کارگران آلایوردی بوقوع پیوست. به لطف تشکل و استقامت، کارگران موفیق شدند صاحب موسسات را به قبول اکثر خواسته های خود وادار سازند.

در دسامبر ۱۹۰۵ - وقتی که اولین انقلاب روسیه به نقطه اوج خود رسیده بود و در مسکو برخوردهای مسلحانه بوقوع پیوسته بود - کارگران راه آهن ارمنستان دگر بار اعتصاب کردند و به تشکیل دستجات مسلح پرداخته راه آهن را در اختیار خود گرفتند. حکومت قشون خود را برعلیه کارگران گسیل داشت.

پس از شکست شورش مسلحانه ماه دسامبر در مسکو، جنبش انقلابی دچار افول گردید. دوران عقب نشینی انقلاب آغاز شد که در جریبان آن اعتصابهای آلایوردی، ایروان، قارص، غاپان و سایر نواحی نیز ادامه یافتند.

در اوت ۱۹۰۶ کارگران آلایوردی دگر بار اعتصاب کردند که تا یک ماه بطول انجامید. حکومت قوایی به آلایوردی فرستاده اعتصاب را سرکوب نمود. کارگران بسیاری دستگیر و یا منفصل از خدمت شدند.

در مارس ۱۹۰۷ اعتصاب بزرگ کارگران کارخانجات و معادن غاپان بوقوع پیوست. صرف نظر از اینکه جنبش انقلابی در کشور پیروی نموده بود، اعتصاب کارگران غاپان با موفقیت توأم گردید. مدیریت کارخانه مجبور بود تا قسمتی از خواسته های کارگران را تأمین نماید.

در دوران انقلابی سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ در ارمنستان، توأم با جنبش انقلابی کارگران، شورشهای دهقانی نیز بوقوع پیوست. در لوری و زانگزور قیامهای جدی تر روستائیان بر علیه مقامات، زمینداران و نزولخواران اتفاق افتادند. در چند قصبه در لوری کمیته های روستایی تشکیل شد که به رهبری سازمانهای محلی سوسیال دمکرات فعالیت می نمود. در اجمیادزین، قارص، آلکساندرآبول و سایر نواحی شورشهای روستائی بوجود آمد. در برخی مناطق روستائیان دست به اقدامات قاطعانه می زدند و اراضی زمینداران و وانکها را به جنگ می آوردند، دارایی های زمینداران را بزور تصاحب می کردند و زمینداران را از دهات طرد می نمودند. در جریان برخی از حوادث، مقامات جوخه های مجازات برای به اطاعت درآوردن روستائیان شورشی گسیل می داشتند. سالهای انقلاب اول روسیه، بصورت دوران کسب تجربه برای سازمانهای سوسیال دمکرات ارمنستان درآمد. آنها مصمم تر گردیده نقششان تحکیم یافت. یک رشته سازمانهای جدید محلی بوجود آمد، مخصوصاً در ماه مه ۱۹۰۵ با شرکت مستقیم استپان شاهومیان کمیته ح. س. د. ک. ر. در ایروان تاسیس یافت. به همراه شاهومیان، کونیانتس و سایر چهره های نامسدار انقلابی، بلشویک مشهور سورن اسپانداریان (۱۸۸۲-۱۹۱۶) نیز در جنبش انقلابی عمومی روسیه و ماوراء قفقاز فعالانه شرکت نمود.

انقلاب سطح آگاهی طبقاتی کارگران و روستائیان ارمنستان را بالا برد. این تجربه نشان داد که آزادی خلق ارمنی فقط بوسیله پیروزی انقلاب روسیه

بدست خواهد آمد، انقلابی که مبارزه تمام خلقهای تحت ستم روسیه را اتحاد می بخشد.



سورن اسپانداریان

در جریان اولین انقلاب روسیه نفاق موجود بین دو گروه بلشویک و منشویک ح. س. د. ک. ر. - که در جریان دومین کنگره حزب در سال ۱۹۰۳ بوقوع پیوسته بود - عمیق تر گردید. اختلاف نظرهای شدیدی در زمینه مسایل مهم استراتژیکی و تاکتیکی انقلاب میان بلشویکها و منشویکها وجود داشت. اوضاع کلی حاکم بر حزب در سازمانهای محلی آن نیز منعکس می شد. اگرچه بلشویکها و منشویکها برای مدتی ظاهراً دارای یک سازمان واحد بودند باوجود این مبارزه میان آنها حاد گردید.

پس از شکست اولین انقلاب روسیه، دوران ارتجاع (۱۹۱۰-۱۹۰۷) آغاز گردید. استبداد تزاری - که تا آن زمان مجبور به قبول برخی تخفیفات بود - اکنون به حمله بر علیه نیروهای انقلابی و پیشرو پرداخت.

در کشور ترور وسعت بیشتری می گرفت. کارگران، روستائیان، متفکرین پیشرو ظالمانه تحت تعقیب قرار می گرفتند. ارتجاع ضربه اصلی را متوجه حزب بلشویک نمود. سازمانها و اتحادیه های دموکراتیک که در سالهای انقلاب تشکیل شده بودند متلاشی گردیدند. اتحادیه های صنفی تحت تعقیب قرار گرفته تعطیل می شدند.

پس از شکست انقلاب، شوونیسم استبدادی، مطلق العنان تر گردید. تزاریسم تصمیم گرفته بود تمام سرحدات ملی خلقهای غیر روس را تحت سیطره خود درآورده تمام کوشش های آنها را در جهت مبارزه برای کسب حقوق ملی از بین ببرد. دولت تزار قدمهای قاطعانه تری برای عملی ساختن سیاست استعماری خود در ماوراء قفقاز برداشت.

محیط کلی اختناق ارتجاع، اوضاع نیروهای دموکراتیک را نیز دربرگرفت. شکست انقلاب شرایط ناامیدکننده و انحطاط و نفاق عقیدتی ایجاد کرد.

سالهای ترقی ارتجاع پس از انقلاب (۱۹۱۴-۱۹۱۰)، در ارمنستان همچون سایر نواحی روسیه و ماوراء قفقاز با جنبش اعتصابی توأم بود. در سال ۱۹۱۰ اعتصاب کارگران آلایوردی و کارگران راه آهن ایروان بوقوع پیوست. در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۱ کارگران معادن نمک کوغب، کارگاه های غایان دست به اعتصاب زدند. در سال ۱۹۱۳ دگربار در موسسات تولیدی آلایوردی موج اعتصاب قوت گرفت. در همین سالها شورش های روستایی در اجمیادزیمن، ایروان، بایزیدنو، زانگور، آلكساندراپول بوجود آمد. فعالیت های سازمانها و گروه های سوسیال دموکرات وسعت یافت. بدین سان، در روسیه و جزئی از آن یعنی ارمنستان شرقی، موج جدیدی از جنبش انقلابی بوجود آمد.

۳- اوضاع ارمنستان غربی، مسئله آرامنه در سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۲

ارمنستان غربی که تحت سلطه ترکیه سلطانی قرار داشت، در اوایل قرن بیستم نیز پیشرفت قابل توجه اقتصادی نکرد. هنوز روابط فئودالی - برده داری رواج داشت، مراکز قابل توجه تجاری و تولیدی موجود نبود. بورژوازی ارمنی فعالیت خود را بیشتر در استامبول، ازمیر و سایر شهرهای ساحلی ترکیه وسعت داده بود. در ارمنستان اساساً تجارت جزء معمول بود. لیکن در بعضی از مناطق ارمنستان غربی و بخصوص در ولایات وان و ارض روم روابط کالائی - تبادلنی ترقی می نمود. فشرندنی روستائیان عمیق تر می گردید، روز بروز شمار بحرومین از زمین بزرگتر می شد. پروسه محرومیت و به فقر کشیده شدن روستائیان در نتیجه سیاست مالیاتی و ارضی دولت ترکیه شدت یافت. باب عالی مالیات های بسیار سنگینی وضع می کرد و متناوباً و به نحو ظالمانه ای اراضی روستائیان ارمنی را بزور تصرف می کرد. زحمتکشان - که در وضع اقتصادی بد قرار داشتند - خانه آب و اجدادی خود

را ترک می‌گفتند و به روسیه، اروپای غربی و حتی آمریکا می‌رفتند.^۴ استبداد ترکها، در عین حال ستم ملی و سیاست ضرب و شتم و تعقیب را شدت می‌بخشید. ارامنه غرب مورد ظلم، استثمار و کشتارهای جدیدی قرار می‌گرفتند. آنها در آستانه کشتارهای وحشتناک جمعی و عمومی قرار داشتند.

ارامنه غرب به منظور دفاع از خود، قیامهای مسلحانه‌ای برعلیه استبداد سلطان صورت می‌دادند. بدین ترتیب در بهار ۱۹۰۴ روستائیان ارمنی ساسون سلاح برداشتند. بفرمان سلطان خونخوار عبدالحمید، قشون منظم ترک و اشار متحد آنها و شیوخ کرد به این منطقه کوهستانی حمله ور شدند. اهالی شجاع ساسون مقاومت قهرمانانه‌ای نشان دادند و تلفات فراوانی بر قوای دشمن وارد ساختند. ولی نیروها نابرابر بودند. قشون ترک - که از حیث شمار برتری چیمگیری داشتند و بهتر مسلح شده بود - به ساسون رخنه کرده آن را زیر سم اسبهایش گرفته ویران نمود. هزاران زن و بچه از دم تیغ گذشتند. چند جوخه مسلح قیام کنندگان با رفتن به کوههای غیرقابل دسترسی، به جنگ‌های پارتیزانی برعلیه اشغالگران و کشتارگران دست زدند. در جنگهای ساسون، آندرانیک (آندرانیک اوزانیان، ۱۹۲۷-۱۸۶۵) فدایی و پارتیزان شجاع، شخصیت نامدار جنبش‌رهای بخش ارامنه غرب با شجاعت و استقامت فوق‌العاده خود نورافشانی کرد. هنوز در سالهای ۱۸۹۰، او در مبارزه دفاعی روستائیان ارمنی غرب برعلیه سطره سلطان نقش فعالانه‌ای ایفا نموده بود. آندرانیک در آستانه قرن بیستم محبوبیت زیادی بین عموم مردم چه در ارمنستان غربی و چه در ارمنستان شرقی بدست آورده بود.

در سال ۱۹۰۸ در ترکیه انقلاب دولتی بوقوع پیوست. سلطان عبدالحمید از سلطنت خلع شد و نظام مشروطه اعلام گردید، حکومت بدست بورژوا - ناسیونالیست‌ها یا حزب "اتحاد و ترقی" و یا آنچنانکه معمول است، بدست

ترکهای جوان (ژون ترک) افتاد. دولت ترکهای جوان در زندگی داخلی کشور تحول واقعی ایجاد نکرد. اوضاع حقوقی و اقتصادی چه خلق ترک و چه سایر ملیتها بهتر نشد. روابط فئودالی - برده داری از میان نرفت و مسئله ارضی حل نگردید.

ترکهای جوان سیاست افراطی بویژه در مورد مسئله ملی داشتند. تساهل قبل از تصاحب مسند حکومت، خود را "انقلابیون" قلمداد می‌کردند و به خلقهای غیرترک قول خودمختاری ملی، پایان دادن به ستم ملی و غیره می‌دادند. در مراحل اولیه بخش اعظم ارامنه غرب به آنها اطمینان نکرد. یک رشته احزاب سیاسی ارمنی و در وهله اول حزب داشاکسوتیون با آنها همکاری نمود.

ترکهای جوان پس از به قدرت رسیدن، نقاب از صورتپیشان برداشتند. بزودی معلوم گردید که آنها از حیث سیاست تعقیب و ستم ملی بر عبدالحمید کشتارگر نیز برتری داشتند. این بورژوا ناسیونالیستهای ترکیه - که به هرنحوی سعی در عملی ساختن عقاید ارتجاعی پان‌تورانیستی^۴ داشتند - آشکارا اعلام کردند که هدف آنها ترک و مسلمان کردن تمام خلقهای امپراتوری عثمانی است و هرگونه حق و امنیت زندگی و دارایی برای اتباع غیرترک قابل نیستند.

هنوز در ماه آوریل ۱۹۰۹ ترکهای جوان کشتار جدید ارامنه را سازمان داده بودند. این بار کشتارها در شهر آدانای کیلیکیه و نواحی نزدیک آن بوقوع پیوست. کشتارگران ۳۰۰۰۰ نفر را سلاخی کردند.

لیکن کشتار آدانا، اولین ثمره سیاست خونین شوونیستهای ترک بود. ترکهای جوان جنایات بسیار بزرگتری را در تدارک داشتند. دوران جدید ستم‌ها و استثمار وحشیانه آغاز گردید. در سال ۱۹۱۲ نثریه بلشویکی "پراودا"

۴- بدین منظور که آنها می‌خواستند کلیه نواحی ترک نشین من جمله امپراتوری عثمانی، آذربایجان و ارمنستان و سرزمین‌های آسیای میانه را به هم ملحق ساخته خلقهای دیگر ساکن در این محدوده را نیز ترک نموده و امپراتوری بزرگ ترک ایجاد نمایند - م.

بحق می‌نویسد که هدف ترکهای جوان یعنی ترک نمودن اسلاوها، ارمنه، کلیمی‌ها، یونانی‌ها و غیره، شکل دائمی‌تر و شدید و وحشیانه‌تری بخود گرفت تا دوران سلطان عبدالحمید، بدین ترتیب، اوضاع ارمنه غرب در زمان سلطه ترکهای جوان وخیم‌تر گردید.

در ۱۹۱۲ اولین جنگ بالکان آغاز شد که در بین ترکیه از یک سو و بلغارستان، صربستان، چرنوگوریا و یونان از سوئی دیگر بوجود آمده بود. نیروهای متحده کشورهای هم‌پیمان، امپراتوری عثمانی را شکست دادند. جنبش‌های ملی - رهایی بخش پیروزی جدیدی در قبال حکومت رزمی - فئودالی ترکیه بدست آوردند.

حکومت‌های بزرگ اروپائی بلافاصله در جنگ بالکان دخالت کردند تا از اوضاع موجود کمال استفاده را بکنند. دولت روسیه با درنظر گرفتن منافع سیاست خارجی خود، در قبال کشورهای اسلاو موضع پشتیبانی گرفت و حتی برای چند ملیت امپراتوری عثمانی خواستار خودمختاری ملی گردید. این وضع و نیز شکست ترکیه فرصتی بوجود آورد تا دگربار مسئله ارمنه مطرح گردد. با درنظر گرفتن خواستهای سازمانهای اجتماعی و سیاسی ارمنی، کاتولیکوس ارمنه گورگ پنجم به روسیه متوسل شده خواستار کمک و دخالت آن در حل مسئله اصلاحات ارمنستان غربی شد. در عین حال وی به شخصیت اجتماعی ارمنه مصر یعنی یوغوس نوبار پاشا اختیار تام داد تا تقاضاهای متشابهی از دول اروپای غربی بنماید.

از میان دول بزرگ تقاضاهای حل مسئله ارمنی عملاً در روسیه مورد قبول قرار گرفت. دولت تزار - که در این سالها سعی در تحکیم مواضع خود در شرق نزدیک داشت - به حمایت از مسئله ارمنی پرداخت و در ماه ژوئن ۱۹۱۳ یک طرح اصلاحات را پذیرفت که براساس آن ولایات ارض روم، وان، باغش (بیتلیس)، تیگراناکرد (دیاربکر) و خاربرد بایستی از حیث اداری به یکدیگر ملحق شده، یک استان ارمنی تشکیل می‌دادند. این استان را باید یک فرماندار کل ارمنی اداره می‌کرد که می‌بایست از طرف سلطان و با توافق

دول اروپائی منصوب می‌گردید. طرح پیشنهادی برای ارمنستان غربی بطور کلی خودمختاری ملی پیش بینی نموده بود.

این طرح پیشنهادی به دولت روسیه شدیداً مورد مخالفت چه ترکیه و چه حامی آن، آلمان، قرار گرفت. آلمان امپریالیست، که ترکیه را به نیمه مستعمره خود تبدیل نموده بود و تصمیم داشت تمام شرق نزدیک را به تصرف خود درآورد، خودمختاری ارمنستان غربی را بعنوان سدی در راه عملی ساختن اهداف تجاوزکارانه خود می‌دانست. انگلیس و فرانسه سیاست مزورانه‌ای در پیش گرفتند و رسماً از طرح روسیه حمایت کردند ولی در عمل با آن مخالف بودند.

صرف نظر از تمام اینها، روسیه سعی خود را در فشار بر ترکیه ادامه داد. مذاکرات جدیدی آغاز شد. در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ (هشتم فوریه) بین روسیه و ترکیه موافقت نامه‌ای منعقد گردید و طرح جدیدی برای انجام اصلاحات در ارمنستان غربی مورد قبول واقع شد. موافقت نامه به جای خودمختاری ملی به انجام رفهمبایی قناعت می‌کرد. دولت ترکیه تعهد نمود تا اصلاحات ارضی، اداری، قضایی و غیره را به حیثه اجرا درآورد. براساس طرح جدید، ارمنستان غربی بایست به دو بخش مجزای اداری یا سکتور (استان) تقسیم می‌شد، که یکی از آنها ولایات ارض روم، تراپوزان، سباستیا (سیواس) و دیگری ولایت‌های وان، بیتلیس، خاربرد و دیاربکر را دربرمی‌گرفت.

دول بزرگ با موافقت سلطان برای هر سکتور (استان) یک حاکم کل تعیین می‌کردند (سرپرست کل) که اینها بایستی بر مقامات عالی و فعالیت‌های موسسات قضایی و پلیس نظارت و سرپرستی می‌نمودند. براساس موافقت نامه ۲۶ ژانویه، روسیه بعنوان سرپرست و ناظر کل رفهمبای پیش بینی شده، تعیین شده بود.

لیکن، حتی این برنامه ناچیز اصلاحات نیز در تابستان ۱۹۱۴ وقتی که جنگ جهانی اول آغاز شد، عملی نگردید و دولت ترکیه هم آن را فسخ شده اعلام کرد. حتی از روزهای اول جنگ، ترکهای جوان آغاز به تدارکات آشکاری

در جهت سازمان‌دهی کشتارهای جمعی جدید آرامنه نمودند.

فصل بیستم

ارمنستان در سالهای جنگ جهانی اول

۱- عملیات جنگی جبهه قفقاز در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۴

در اول اوت ۱۹۱۴ جنگ امپریالیستی اول جهانی آغاز گردید. دول بزرگ اروپائی با مبارزه در تقسیم مجدد مستعمرات و بازارهای جهانی و با درگیر شدن در تضادهای شدید، حتی مدتها قبل از جنگ در دو ائتلاف مخالف بلوک آلمان - اتریش که جنگ را اجتناب ناپذیر ساخت و ائتلاف مثلث که انگلیس و فرانسه و روسیه را دربرمی‌گرفت، متحد شدند. جنگ آغاز شده در اروپا پس از چندی مبدل به جنگ جهانی شده ۳۰ کشور را دربر گرفت. عملیات جنگی در سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا گسترش یافت.

جنگ اول جهانی جنگ استعماری و امپریالیستی بود، تمام کشورهای اصلی درگیر نبرد قصد داشتند مستعمرات و قلمروهای بیشتری را به چنگ آورند. این نبرد درحقیقت، به منظور تقسیم مجدد جهان تقسیم شده ایجاد گردیده بود.

در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۴ ترکیه به بلوک آلمان - اتریش پیوست و این کشور

هم اهداف اشغالگرانه داشته، قصد داشت آنها را به کمک آلمان عملی سازد. ترکهای جوان با عقاید پوچ پاناسلامیسم ایجاد امپراتوری بزرگ عثمانی را بعنوان هدفشان اعلام نمودند، امپراتوری‌ای که قفقاز، کریمه، باشغیرستان، تاتارستان، آسیای میانه، سبیریه و تبت را نیز بایستی در بر می‌گرفت. این برنامه ماهیت آشکار ضدروسی داشت، زیرا ترکهای جوان فقط روسیه را دشمن اصلی خود در راه عملی ساختن اهداف پاناسلامیسم می‌دیدند.

جبهه روسیه - ترکیه و یا آنچه که معمول است، جبهه قفقاز، ۷۲۰ کیلومتر طول داشت و از دریای سیاه تا دریاچه ارومیه کشیده می‌شد. در اینجا، ارتش سوم ترکیه فعالیت می‌کرد که حدود ۳۰۰ هزار سرباز در اختیار داشت و حسن عزت پاشا فرمانده آن بود. طرح عملیاتی ارتش ترکیه در جبهه قفقاز که به رهبری انورپاشا وزیر جنگ تهیه شده و مورد پسند متخصصان نظامی آلمانی واقع گردیده بود، رخنه قشون به ماوراء قفقاز از طریق باتوم و آذربایجان ایران و سپس محاصره و نابودی روسیه را پیش بینی می‌کرد. فکر می‌شد که در آستانه سال ۱۹۱۵ سراسر ماوراء قفقاز را تصرف نموده، ارتش روسیه را از رشته جبال قفقاز عقب برانند. فرماندهی ترکها امیدهایی نیز به کمک سکنه مسلمان ماوراء قفقاز می‌بست لیکن این امیدها جامه عمل نپوشید.

از طرف روسیه، ارتش قفقاز فعالیت می‌نمود که در اول ۱۹۱۴ تشکیل شده بود و فرماندهی این ارتش را نایب السلطنه قفقاز ژنرال وُرُتْسِف - داشکوف برعهده داشت. دستجات داوطلب ارمنی و گرجی نیز به جمع ارتش قفقاز پیوستند. شمار کل قشون روسیه به ۲۰۰ هزار نفر می‌رسید.

در جبهه قفقاز، عملیات جنگی در دوم نوامبر ۱۹۱۴ - وقتی که قشون ترکیه به مرز باتوم رخنه نمود - شروع شد. قشون روسیه تحت فشار نیروهای برتر دشمن مجبور به عقب نشینی گردید. دشمن شهرهای آردوین و آردانوش را اشغال کرد. حملات ادامه یافت، ارتش ترکیه سعی داشت موفقیتش را چند برابر سازد و به قارص برسد تا بتواند به قوای اصلی قفقاز در ناحیه

ساریغامیش ضربه وارد سازد.

قشون روسیه در قسمت مرکزی جبهه به حمله دست زد. آنها موفق به درتنگا قرار دادن ارتش ترکها شده وارد ارمنستان غربی گردیدند و بطرف ارض روم - مهمترین پایگاه نیروهای دشمن در ارمنستان غربی - به حرکت درآمدند. لیکن بزودی قوای ترک با استفاده از برتری کمی خود و با تهدید نیروهای روس به دور زدن آنها از طرف شمال به ضدحمله پرداخته قوای روسیه را مجبور به عقب نشینی ساخت. این موفقیت‌های تاکتیکی در محافل ترکیه بعنوان آغاز شکست روسیه تلقی گردید و انور پاشا که جانشین حسن عزت پاشا فرمانده ارتش سوم ترکیه شده بود، تصمیم گرفت به ساریغامیش حمله کند.

از ۲۲ دسامبر ۱۹۱۴ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۱۵، در شرایط سخت زمستان، جنگهای شدیدی در جبهه قفقاز بوقوع پیوست که به عملیات ساریغامیش مشهور است. در آغاز این عملیات اولین اقدام را ترکها انجام دادند که از حیث تعداد تقریباً دو برابر روسها بودند. فرماندهی ترکها با سعی در تصرف ساریغامیش به هر قیمتی، نیروهای تازه نفس‌تری را به جبهه اعزام می‌داشت. در جنگهای سخت دفاعی، قوای روسیه با خسته نمودن دشمن به ضد حمله دست زدند. تقریباً در تمام جبهه عقب نشینی قوای ترکیه آغاز گردید که در بعضی جاها صورت فرار نامنظم به خود گرفت. در جریان عملیات ساریغامیش، ترکها تلفات جانی بسیار بزرگی متحمل شدند، آنها ۷۸ هزار کشته و اسیر دادند. این عملیات اثر قاطعانه‌ای بر کلیه عملیات آتی جنگی در جبهه قفقاز نهاد. وضعیت پیش دستی نظامی به قوای روسیه منتقل گردید. فرماندهی روسها با کسب پیروزی در نبرد ساریغامیش تصمیم گرفت قسمتی از نیروهایش را به ایران وارد ساخته از طریق آذربایجان ایران خطر حمله ترکها را به ماوراء قفقاز از میان بردارد. در بهار ۱۹۱۵ قشون عثمانی در اینجا متلاشی گردیده و به آنسوی مرز ترکیه با ایران عقب رانده شد. بدین ترتیب، بالاخره خطر رخنه نیروهای ترکیه به ماوراء قفقاز از بین رفت. پس از آن عملیات نظامی به ارمنستان غربی کشیده شد.

در طول بهار ۱۹۱۵، ارتش روسیه با شکستن مقاومت قشون ترک، شهرهای مانازگرد، شاناخ، آرچش، باشکالا، بینلیس و وان را بتصرف خود درآورد. در آغاز ژوئیه سال ۱۹۱۵ ترکها موفق به تصاحب مجدد شهرهای وان و آرچش گردیده قشون روسیه را مجبور به عقب نشینی بطرف آلاشگرد ساختند. این عقب نشینی عواقب وخیمی برای ارامنه محل داشت زیرا بخش عظیمی از آنها بدست ترکها کشته شدند. لیکن در اواخر ژوئیه قشون روسیه قلمروهای ازدست رفته را مجدداً تصرف نموده تمام جنوب شرقی ارمنستان غربی را از وجود قوای ترک پاکسازی نمود.

آغاز سال ۱۹۱۶ توام با پیروزی بزرگ روسیه در حوالی ارض روم بود. قوای روسیه با دست زدن به حمله در سراسر جبهه، در اواخر سال ۱۹۱۵ به گذرگاههای ارض روم نزدیک شدند و پس از جنگهای شدید در ۱۶ فوریه ۱۹۱۶ شهر و قلعه را به تصرف خود درآوردند. عملیات ارض روم دومین نبرد بزرگ جبهه قفقاز بود که در طول آن قشون ترکیه ۶۰ هزار کشته و ۱۳ هزار اسیر و مقادیر معتناهی وسایل نظامی، آذوقه جنگی و توشه بجای گذاشت. تلفات قشون روسیه بالغ بر ۲۰ هزار کشته و زخمی می شد. تصرف ارض روم اهمیت بسیار زیاد نظامی - استراتژیکی به همراه داشت. ترکیه در حقیقت از ارمنستان غربی محروم شد و بخشهای مرکزی آناتولی مورد تهدید واقع شد. در تابستان ۱۹۱۶ کوششهای ترکها برای حمله و تغییر جریان عملیات در قفقاز بی ثمر ماند. پس از آن مسئله اساسی برای ترکها، محافظت از مناطق آناتولی مرکزی بود.

در جمع ارتش روسیه، دستجات داوطلب ارمنی بر علیه قوای ترکیه می جنگیدند که در آنها حدود ۱۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند. اعضای این دستجات داوطلب با احساسات عمیق میهن دوستی، سلاح برداشته بودند تا ارمنستان غربی را از زیر یوغ ترکیه برهانند و برادران ارمنی خود را در غرب از خطر کشتارهای جمعی نجات دهند. داوطلبین ارمنی با شجاعت و فداکاری می جنگیدند. از نظر شجاعت خود بار دیگر فرمانده یکی از دستجات داوطلب،

قهرمان و میهن دوست بزرگ، آندرانیک به چشم می خورد. لیکن این دستجات داوطلب در آغاز ۱۹۱۶ منحل شدند، زیرا در شرایط اوج گیری روز بروز انقلاب، دولت تزار به قوای ملی اطمینان نداشت. به غیر از داوطلبان، بیش از ۲۰۰۰۰۰ سرباز ارمنی در ارتش روسیه خدمت می کردند. در ارتش در حال جنگ با ترکها در جبهه فلسطین دسته نظامی ارمنی متشکل از ۴۰۰۰ نفر فعالیت می نمود که لژیون شرقی نامیده می شد. بطور کلی در جنگ اول جهانی در جمع ارتشهای روسیه، فرانسه و انگلستان حدود ۲۵۰۰۰۰ سرباز ارمنی شرکت داشتند.

از همان آغاز جنگ بورژوازی، ارامنه غرب به حمایت از روسیه تزاری و سیاست آن برخاستند. این بورژوازی عمیقاً با مراکز تولیدی روسیه عجین بود و می کوشید مسئله ارامنه را توسط روسیه حل نماید. ارگان لیبرال بورژوازی ارامنه، "مشاک" می نویسد: "مسئله ارمنی، حل مسئله ارمنستان ترکیه، توسط انگلیس، فرانسه و روسیه امکان پذیر است". برای اساس، "مشاک" از تمام خلق ارمنی خواستار کمک همه جانبه به روسیه می شد.

کادتها^۱، احزاب داشناکسوتیون و هونچاک که رهایی ارمنستان غربی را منوط به پیروزی دولت روسیه و دول هم پیمان آن، انگلستان و فرانسه می دانستند، در جنگ موضع حمایت و معاضدت در قبال روسیه در پیش گرفتند. لیکن اینها امیدهای پوچی بودند. هیچیک از دول بزرگ تصمیم نداشت به ارمنستان غربی آزادی و خود مختاری بدهد.

چنانکه دیدیم دولت تزار که در سال ۱۹۱۶ بخش بزرگی از ارمنستان غربی را بتصرف خود درآورده بود، هیچ اقدامی در جهت عملی ساختن خود مختاری این کشور انجام نداد. ارمنستان غربی که در طول سالهای جنگ بتصرف روسیه درآمده بود، از طرف آنها بعنوان یک قلمرو که بایستی بسادگی

۱- کادتها: اعضاء حزب مشروطه خواهان دمکرات وابسته به بورژوازی امپریالیستی روسیه قبل از انقلاب - م.

جزوی از امپراتوری روسیه درمی آمد، تلقی می گردید. درواقع قشون تزار در اینجا رژیم اشغالی و بخشهای اداری - رزمی تابع فرماندهی نظامی موجود آورد. در سال ۱۹۱۶ "قانون موقت اداره سرزمینهای متصرفی ترکیه براساس حقوق جنگ" برقرار گردید که برطبق آن قلمرو تصرف شده بصورت استان نظامی موقت زیرنظر فرماندهی کل ارتش قفقاز اعلام گردید.

تنها حزبی که ماهیت امپریالیستی جنگ را خوب درک کرد و سیاست اشغالی حکومت های شرکت کننده درجنگ را آشکار نمود، حزب بلشویک بود. این حزب تبدیل جنگ امپریالیستی به مبارزه طبقاتی داخلی را شعار خود نمود.

کمونیست های ارمنی به رهبری اصول سیاسی حزب بلشویک در زمینه جنگ، پرده از روی بورژوازی ارمنی، احزاب بورژوا - ملی کادتهای ارمنی و داشناکوتیون که بدون قید و شرط تسلیم رای تزاریسم، انگلستان و فرانسه شده بودند برمی داشتند.

۲- کشتارهای جمعی ارامنه غرب در سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶

همانطور که گفته شد ترکهای جوان شوونیست، اهداف اشغالگری در سر می پروراندند و می خواستند امپراتوری بزرگ و یک پارچه تاسیس نمایند. لیکن ارامنه غرب در تحت سلطه عثمانی - مانند برخی از خلقهای هم سرنوشت - که زیر ستم و فشار قرار داشتند - می کوشیدند تا از سلطه ظالمانه ترکها رهایی یابند. ترکهای جوان به منظور جلوگیری از این کوششهای ارامنه و بطور کلی برای پایان دادن به مسئله آنها، طرح نابودی فیزیکی ارامنه غرب را ریختند. اداره کنندگان ترکیه تصمیم گرفتند از شرایط مناسب جنگ جهانی سود برده و برنامه وحشتناکشان، سیاست نژادکشی خود را در طول جنگ جامه عمل بپوشانند.

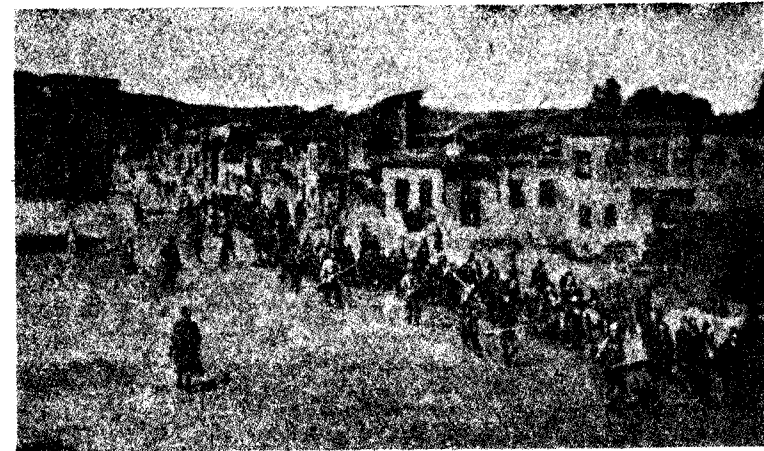
دولت ترکیه کشتارهای ارامنه را از اواخر سال ۱۹۱۴ آغاز نمود، در

دوران اولیه، کشتارها بصورت سری و مخفی انجام می شدند. حکومت بهانه جمع آوری سرباز و کارگر برای راهسازی، مردان ۱۶-۵۲ ساله ارمنی را به ارتش فراخواند و سپس با خلع سلاح، آنها را گروه گروه و بطور مجزا از بین برد. دراین اولین دوره کشتارها، آنها درعین حال صدها قصبه ارمنی نشین نوار مرزی روسیهو ترکیه را ویران و غارت کردند.

ترکهای جوان پس از کشتن مزورانه بخش عظیمی از ساکنین ارمنی مستعد برای مقاومت و جنگ، از بهار ۱۹۱۵ به کشتار آشکار و عمومی ساکنین صلح دوست و بی یار و یاور پرداختند و سعی کردند برنامه هایشان را تحت عنوان تغییر مکان و مهاجرت اجباری عملی سازند. در بهار ۱۹۱۵ فرمان تغییرمکان ارامنه غرب به بیابانهای بین النهرین و سوریه صادر شد. ولی عملاً "مهاجرتی درکار نبود، بلکه کشتارهای عمومی و جمعی صورت می گرفت. این فرمان دستگاه حاکمه ترکیه، آغازی برای کشتارهای عمومی گردید. نابودی بی سابقه زبان، کودکان و پیرها شروع شد. بخشی از سکنه در همان جا، در دهات و شهرهای آنا و اعدادی خود ازمین رفت، بخش دیگر در جریان مهاجرت اجباری در بین راه نابود گشت. بخش سوم نیز در بیابانهای بین النهرین و سوریه از میان رفت.

کشتارهای ارامنه غرب در نهایت ظلم انجام می گرفت. دولت ترکیه به ارگانه های محلی خود دستور می داد تا قاطعانه عمل نموده حتی به بچه های شیرخوار نیز رحم نکنند. مثلاً وزیر داخله ترکیه، طلعت پاشا، در سپتامبر ۱۹۱۵ به والی حلب تلگراف می کند که بایستی تمام ارامنه اربین بروند و حتی به کودکان در گهواره نباید رحم شود. کشتارگران به وحشیانه ترین شیوه ها متوسل می شدند. آنها با از دست دادن خوی بشری، بچه ها را یا در رودها می انداختند و یا در خاک دفن می کردند، زنان آستان را با قمه تکه تکه می نمودند، دخترها را یا حراج می کردند و یا می کشتند. ساکنین بی سلاح را در ساختمانهای درسته روی خرمن ها به آتش می کشیدند و تحت فحیح ترین شکنجه ها قرار می دادند. شاهدین عینی با نهایت وحشت و حیرت کشتارهای

ارامنه را تشریح می‌نمایند.



سکته ارمنی را بدینگونه به دیار تبعید فرستاده و نابود می‌ساختند (۱۹۱۵)

توأم با قشرهای وسیع مردم، متفکرین ارمنی غرب نیز دچار سرنوشت مشابهی شدند. در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ چهره‌های درخشان و متفکرین ارمنی غرب در استامبول دستگیر و سپس به نحو وحشیانه‌ای کشته شدند، من جمله نویسندگان، شعرا و منقذین نامداری چون گریگور زهراب^۲، دانیل واروژان، سیامانتو، روبن سواک، روبن زارداریان و بسیاری دیگر از نمایندگان علم و فرهنگ. موسیقیدان کبیر ارمنی، کومتیاس، که به لطف حوادث اتفاقی کشته نشد - تحت تاثیر وحشیگری‌ها و وحشت، مشاعرش را از دست داد^۳.

جامعه بشر دوست و پیشرو بین‌المللی معاصر برعلیه کشتارها ظاهر گردید. ماکسیم گورکی، والرئ بروسف و یوزی ولسلوسکی در روسیه، آناتول

۲- وی نویسنده‌ای نامدار و نماینده ارامنه در مجلس ترکیه بود - م.

۳- در مورد زندگی، آثار و فعالیت‌های کومتیاس که می‌تواند الگویی در جهت بهتر شناختن موسیقی ملی خلقها باشد کتابی توسط مترجم کتاب حاضر برگردانده شده است که امیدواریم بزودی انتشار یابد - م.

فرانس و رومن رولان در فرانسه، فریدیف ناسن در نروژ، کارل لیبکنخت و یوزف مارکوارت در آلمان، جیمز برایس در انگلیس و غیره برعلیه نژادکشی خلق ارمنی به اعتراض پرداختند. لیکن هیچ چیز بر روی کشتارگران ترک اثر نگذاشت، آنها کار ددمشانه خود را ادامه دادند.



شهر وان پس از کشتارها

کشتارهای ارمنی که از اواخر سال ۱۹۱۴ آغاز شده بود مخصوصاً در سال ۱۹۱۵ وسعت یافته و در طول سال ۱۹۱۶ ادامه یافت. کشتارهایی در کلیه مناطق ارمنستان غربی در کلیه شهرها و دهات صورت گرفت. کشتارهایی نیز در نواحی ارمنی نشین ترکیه اصلی عملی شد. شمار قربانیان نژادکشی سالهای ۱۹۱۵-۱۹۱۶ حدود یک و نیم میلیون نفر می‌باشد. در همان سالها صدها هزار نفر ارمنی بزور ترک شدند.

سازماندهندگان اصلی نژادکشی ارامنه غرب، وزیر جنگ دولت ترکیه، انورپاشا، وزیر امور داخله طلعه پاشا، فرمانده ارتش جمال پاشا و سایرین بودند. بخشی از آنان در آینده بدست ارامنه ترور شدند. در سال ۱۹۲۲

برنداشتند. آنها به این حد اکتفا کردند که در ۲۴ مه ۱۹۱۵ اعلامیه‌ای منتشر ساختند که در آن مسئولیت کشتارهای ارمنه را متوجه اعضاء دولست ترکهای حوان نمودند. باید توجه کرد که ایالات متحده آمریکا که در این سالها هنوز در جنگ شرکت نکرده بود - حتی چنین اعلامیه‌ای نیز انتشار نداد. بعلاوه حکومت آن درجهت عکس سعی می‌کرد تا این طرز فکر را ایجاد کند که اخبار کشتارهای ارمنه اغراق آمیز است. هنگامی که درخیمستان خوناشام ترک بی مضایقه ارمنه را هلاک می‌کردند، محافل حکومتی آمریکایوایط تحاری، اقتصادی و سیاسی خود را با دولت آنها تحکیم می‌بخشید.

وقتی که کشتارهای عمومی آغاز شد، بخشی از ارمنه غرب به دفاع از خود پرداخت و سعی نمود تا آنحائی که امکان داشت زندگی و حیثیت خود را حفظ نماید. سکنه وان، زیتون، شاین، گاراهیسار، ساسون، اورفا، بودیاو برخی دیگر از توانهای سلاح برداشت.

دفاع ساکنین وان از خود را موفقیت همراه بود. در آغاز آوریل ۱۹۱۵ والی وان، یحیوت بیگ، با اجرای فرمان دولت، تدارک کشتار ارمنه را دید. اهالی وان با علم به این موضوع، به تدابیر احتیاطی دست زدند. در روز هفتم آوریل قشون ترک به شهر حمله کرد ولی دستجات مسلح اهالی حمله را عقب راندند. از این روز جنگهای دفاعی وان آغاز شد. شهر در طبقه محاصره قرار گرفت. محاصره شدگان تصمیم به جنگ تا آخرین قطره خونسون گرفتند. تمام مردها و زنهای بیچاره به جبهه دفاعی ملحق شده بودند. فقط یک فکر در اذهان همگان وجود داشت و آن ترویح مردن به تسلیم به کشتارها بود. ساکنین مسلح ارمنی وان با روحیه و شجاعت عظیم می‌جنگیدند. به این علت است که تمام حملات دشمن بی ثمر می‌ماند. صرف نظر از اینکه قشون ترک چه از نظر تعداد و چه وسایل جنگی برتری داشت، شهسروان قهرمانانه دفاع می‌نمود. جنگهای تدافعی به ششم ماه به - وقتی که ارمنسروسیه وارد وان شد و خودت یاشا یا به فرار گذاشت - ادامه یافت. بدینوسیله

طلعت پاشا در برلین و جمال در تفلیس بقتل رسیدند.^۴



کومتیاس

امپراتوری آلمان دولت ترکیه را در هنگام کشتارها به هر نحوی حمایت می‌کرد و همین کشور هم پیمان ترکیه بود و قصد داشت تمام شرق نزدیک را به اشغال خود درآورد. تلاشها و آرزوهای ارمنه غرب برای آزادی، سدراه برنامه‌های اشغالگران آلمان بود. به غیر از آن امپریالیستهای آلمانی امید داشتند که توسط مهاجرت اجباری ارمنه از کارگران ارزان جهت ساختمان راه آهن برلین - بغداد

برخوردار شوند. آنها به نحوی از انحاء دولت ترکیه را به سازماندهی کشتارها و مهاجرتهای قهرآمیز تشویق می‌نمودند. بعلاوه، افسرهای آلمانی در ترکیه و سایر افراد و مقامات در سازماندهی کشتارها و تبعید اجباری ارمنه شرکت داشتند.

حکومت‌های آناتات^۵ - که خلق ارمنی را هم پیمان خود می‌دانستند - در حقیقت هیچ اقدام عملی درجهت رهایی قربانیان بی‌پناه از ترکهای وحشی

۴- انورپاشا نیز در سال ۱۹۲۲ در ترکستان کشته شد. به عقیده آقای اسماعیل رائین (آقابگ (ارمنی) عامل کشته شدن او بوده در صورتی که آقا- بیگ قاتل او را شخص دیگری که ارمنی بوده می‌داند. در هر صورت این خون آشام به سزای اعمال خود رسید و به جهنم واصل شد. طلعت پاشا نیز در ۲۱ مارس ۱۹۲۱ بدست سوقومون تهلیریان به دژک واصل گردید. جمال پاشا هم در تفلیس توسط پطروس تریوگوسیان و آرتاشس گورکیان به قتل رسید - م -

۵- اتفاق مثلث روسیه، انگلیس و فرانسه بر علیه اتحاد مثلث آلمان، اطریش - مجارستان و ایتالیا که در سال ۱۹۰۷ تشکیل شد - م -

ترتیب به لطف جنگ دلیرانه دفاعی یکماهه، ساکنین شهر وان از کشتارها رهایی یافت.



آندرانیک اوزانیان

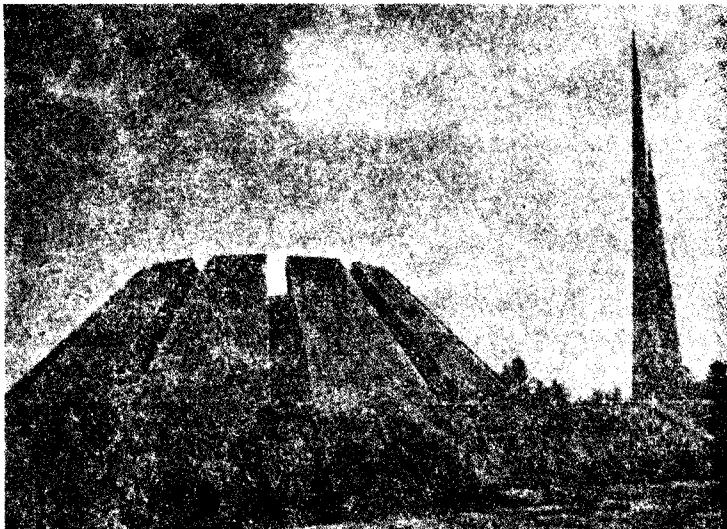
جنگهای دفاعی آرامنه شاناخ و سودیا (انطاکیه) نیز با موفقیت به پایان رسید. در این زمینه، نویسنده اطریشی، فرانس ورفل کتابی نوشته است. این رمان - که تحت عنوان "چهل روز کوه موسی" قرار دارد - به زبانهای متعدّد انتشار یافته است. لیکن جنگهای تدافعی قهرمانانه سکنه زیتون، شابین - گاراهیسار و چند منطقه دیگر عاقبتی ناموفق داشت.

در زمان کشتارهای آرامنه در ۱۹۱۵-۱۹۱۶، دولت ترکیه

۶۰۰۰۰ نفر از سکنه ارمنی را قهرا^۶ به بین النهرین و سوریه تبعید کرد. بخشی از این آرامنه تبعیدی توسط کشتارگران ترک در جریان همان سال ۱۹۱۶ نابود گردید و در سالهای ۱۹۱۷-۱۹۱۸ قربانی قحطی شد. بقیه آنها در سوریه، لبنان، مصر اقامت گزیدند و یا به کشورهای اروپائی و آمریکائی رفتند. برای آرامنه تبعیدی شرایط وحیم اقتصادی و حقوقی بوجود آمد.

در سالهای جنگ جهانی اول، بخشی از آرامنه غرب با کمک ارتش روسیه موفق به نجات از دست کشتارها شده به قفقاز و بویژه ارمنستان شرقی مهاجرت نمود. در ماه دسامبر ۱۹۱۴ و تابستان ۱۹۱۵ مهاجرت نسبتاً بزرگی

بوقوع پیوست. در طول سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۶ حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر به قفقاز مهاجرت نمود. مهاجرین در ارمنستان شرقی و نیز گرجستان، آذربایجان، شمال قفقاز و سایر مناطق اسکان گزیدند. آنها با کسب هیچگونه کمکی، در محرومیت شدید افتادند.



بنای یادبود قتل عام سال ۱۹۱۵ در ایروان (زیزرناکابرد - م)

در سال ۱۹۶۵، وقتی که پنجاهمین سالگرد نژادکشی آرامنه غرب فرا رسید، در همه جا، چه در ارمنستان و چه در دیاسپوره، با مراسم شایسته‌ای از اسفناکترین و پرتراژدی‌ترین صفحه تاریخ خلق ارمنی یاد گردید. بنابه تصمیم دولت ارمنستان شوروی بنای یادبود باشکوهی به مناسبت قربانیان کشتار بزرگ آرامنه، در ایروان ساخته شد.^۷

۷- این بنای یاد بود بنام Dzidzernakaberd معروف است - برای اطلاع بیشتر خوانندگان از جریان قتل عام آرامنه کتاب "قتل عام ارمنیان" نوشته آقای اسماعیل رائین را توصیه می‌نمایم - م.

۳- ارمنستان در دوران انقلاب فوریه

جنگ جهانی عواقب وخیمی برای سراسر روسیه و ارمنستان شرقی به بار آورد. بسیاری از رشته‌های تولیدی متوقف شد، کشاورزی شدیداً از هم پاشید و بحران مواد غذایی بوجود آمد.

اوضاع وخیم اقتصادی توده‌های زحمتکش و جنگ ویرانگر در سراسر روسیه نارضایتی عمیقی ایجاد نمود. صرف نظر از قوانین ظالمانه دوران جنگ، جنش اعتراضات در سراسر کشور آغاز گردید، که بویژه در پتربورگ و سایر مراکز تولیدی روسیه توسعه فراوان یافت. از هم پاشیدگی اقتصادی و تمایل به ختم جنگ، توده‌ها را بطور طبیعی بسوی انقلاب رهنمون می‌شد.

در آغاز سال ۱۹۱۷ بحران انقلابی به نقطه اوج خود رسید. کوششهای تزاریسیم برای جلوگیری از انفجار انقلاب بی‌ثمر ماند. در فوریه ۱۹۱۷ انقلاب بورژوا - دمکراتیک در روسیه بوقوع پیوست و تزاریسیم منقرض گردید.

در ارمنستان به مانند سراسر کشور، از پیروزی انقلاب فوریه استقبال فراوان شد. در ایروان، قارص، آلكساندرآپول، اجمیادزین، قره‌کلیسا و سایر شهرها و مناطق، در یادگانه‌ها و سپاه، میتینگ‌ها و تظاهرات پرجمعیتیی صورت گرفت و شرکت کنندگان آن برچیده شدن استبداد تزاری را لبیک گفتند. زحمتکشان امیدوار بودند تا مسائل مردم در رابطه با صلح، زمین و مسئله ملی حل شود. لیکن جریان بعدی نشان داد که این امیدها بی‌نتیجه بود. دولت موقت بورژوازی تشکیل شده پس از انقلاب - که در رأس آن شاهزاده گ. ی. لووف و بعداً آ. ف. کرنسکی قرار داشت - اوضاع کارگران و روستاییان را بهبود نیخشید.

به تصمیم دولت موقت نیابت‌السلطنه قفقاز لغو شد و بجای آن کمیته ویژه ماوراء قفقاز برای اداره آن سامان بوجود آمد که در جمع آن ۵ عضو دوماى حکومتی به ریاست کادت خارلاموف، قرار داشتند. این کمیته اساساً

قوانین تزاری قدیم را بکار می‌برد.

دولت موقت سیاست استعماری تزاری را ادامه داد. حق تعیین سرنوشت و استقلال خلقها را نمی‌پذیرفت. نه به ارمنستان شرقی و نه غربی (بخش عظیمی از منطقه اخیر توسط نیروهای روسیه در این هنگام تصرف شده بود) خودمختاری یا استقلال داده نشد. حتی مسئله بازگشت ارامنه بی‌خانمان عرب نیز مطرح نگردید. دولت بورژوازی موقت چنین سیاستی را هم در قبال سایر خلقها اجرا می‌کرد.

پس از انقلاب فوریه چه در سراسر روسیه و چه در ماوراء قفقاز پیرویه اتحاد نیروهای انقلابی و ضد انقلابی آغاز گردید. اگر احزاب بورژوا و خرده بورژوا پس از انقراض تزاریسیم، انقلاب را خاتمه یافته قلمداد می‌کردند و با دولت موقت همکاری نمودند، حزب بلشویک - که آنرا و. ای. لنین رهبری می‌کرد - مسئله ادامه انقلاب و تبدیل آن به نوع سوسیالیستی را مطرح نمود. فقط انقلاب سوسیالیستی می‌توانست زحمتکشان را از ستم منسی و اجتماعی‌رهای بخشد.

محافل بورژوازی ارمنی به حمایت از دولت موقت روسیه پرداخت. در آوریل ۱۹۱۷ حزب جدید بورژوازی ارمنی با خط مشی کادتها بوجود آمد که خود را "حزب مردم ارمنی" نامید. در زندگی اجتماعی - سیاسی ارمنی شوراهای به اصطلاح ملی ارمنی به نقش آفرینی پرداختند. اینها در زمانهای متفاوت در تغلیس، باکو و ایروان تشکیل شده بودند. عمده ترین آنها شورای ملی ارمنی در تغلیس بود که به نام تمامی ارامنه ظاهر گردید. حزب داشناکسیون نقش حاکم در این و سایر شوراهای ملی بدست آورد.

از بهار ۱۹۱۷ سازمان‌های بلشویکی در تمام کشور، من جمله ماوراء قفقاز و ارمنستان عملیات گسترده‌ای انجام دادند. آنها با افشاء ماهیت ضد خلقی احزاب ملی‌گرا و دولت موقت بورژوازی مبارزه طبقه کارگر و زحمتکش را در جهت انقلاب سوسیالیستی رهبری نمودند.

بخش چهارم

ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی

فصل بیست و یکم

انقلاب اکتبر و برقراری حکومت شوروی در ارمنستان

۱- پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، اوضاع ماوراء قفقاز

در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ کارگران و سربازان شورشی پتروگراد به رهبری حزب بلشویک دولت موقت بورژوازی را منقرض نمودند. انقلاب سوسیالیستی در پایتخت پیروز شد. در عصر همان روز دومین کنگره شوراهاى سراسر روسیه در پتروگراد گشایش یافت که بنام زحمتکشان، حکومت را در دست گرفت. روز بعد کنگره فرمان صلح، فرمان مربوط به مسایل ارضی را صادر نمود، شورای کمیسرهای خلق - اولین دولت شوراهای - به رهبری و. ای. لینن تشکیل گردید.

فرمان مربوط به صلح "به تمام خلقهای در حال جنگ و دول آنها مذاکرات بی درنگ در جهت برقراری صلح دیمکراتیک و عادلانه" پیشنهاد می کرد، در عین حال تاکید می شد که صلح بایستی "بدون آنکسایشون (یعنی بدون الحاق قهرآمیز اراضی دیگران به کشوری) و بدون غرامت جنگی" باشد. فرمان مربوط به اراضی، آنها را تحت مالکیت عموم جامعه درآورد، یعنی آنها

را ملی نموده و مالکیت خصوصی ارضی بصورت زمینداری را ملغی اعلام کرد. تمام اراضی متعلق به زمینداران، خانواده ترار، کلسا و وانکها تحت سرپرستی کمیته‌های ارضی و شوراهای محلی نمایندگان روستائیان قرار گرفتند، اما پس از آن براساس بهره‌برداری بطور متساوی از آنها، سالیانی به روستائیان سپرده می‌شدند.

در زمینه سیاست ملی، اولین اقدام حکومت شوروی "اعلامیه حقوق خلقهای روسیه" مصوب دوم نوامبر بود که برابری و استقلال کلیه خلقهای روسیه، حق تعیین آزادانه سرنوشت نا جدایی آنها و تشکیل حکومتهای مستقل، لغو هرگونه محدودیت در مورد حقوق و امتیازات ملی و مذهبی را اعلام کرد.

در ۲۹ دسامبر ۱۹۱۷ شورای کمیته‌های خلق^۱ روسیه شوروی اعلامیه‌ای را تحت عنوان "درباره ارمنستان ترکیه" تصویب نمود که به امضاء و ای. لنین رسیده بود. دولت روسیه شوروی حق کامل تعیین سرنوشت ارمنستان غربی را اعلام کرد. این مصوبه بازگشت بدون فید و شرط کلیه ارامنه تبعیدی و تمام ارامنه پراکنده شده در جهان را به سرزمین آبا و اجدادی، خروج کلیه نیروهای خارجی از این منطقه، برقراری دولت خلق ارمنستان غربی براساس اصول دمکراتیک منتخب از شورای نمایندگان خلق ارضی را پیش بینی می‌کرد.

عملی شدن مصوبه "درباره ارمنستان ترکیه" لنین، می‌توانست نقطه عطفی در تشکیل حکومت جدید ارامنه باشد. لیکن اوضاع بین‌المللی موجود در آغاز سال ۱۹۱۸، بخصوص تجاوزات ترکیه به ماوراء قفقاز، عملی شدن موارد پیش بینی شده در اعلامیه را امکان ناپذیر ساخت.

تصویب "درباره ارمنستان ترکیه" و نیز شایعایی استقلال ارمنستان و میلاد نشان داد که حکومت شوروی به شما برابری حقوق کلیه ملل را رسماً اعلام می‌کرد بلکه عملاً به اصول سیاست ملی اعلامیه خود نیز وفادار بود. انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکثر، که نقطه عطفی در تاریخ بشری بوجود

۱- نام قدیمی هیئت دولت - م.

آورد، تاثیر سرنوشت سازی برآینده خلق ارمنی نهاد.

پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی، مبارزه برای برقراری حکومت شوروی در سراسر کشور گسترش یافت. اگر در روسیه مرکزی، برتری چشمگیر نیروها بسود انقلابیون بود، ولی در مناطق نزدیک مرز، قفقاز، آسیای میانه، اورال و سیر نفوذ نیروهای ارتجاعی قابل توجه بود.

کارگران، روستائیان زحمتکش و سربازان انقلابی ماوراء قفقاز با خوشحالی و سرور پیروزی انقلاب سوسیالیستی را جشن گرفتند. در باکو، تفلیس، ایروان، قارص، آلکسادرپول و سایر شهرها و دهات میتینگ‌هایی صورت گرفتند. توده‌ها در همه جا پیروزی کارگران و سربازان پتروگراد را لبیک گفتند. لیکن طبقات غنی برعلیه انقلاب ظاهر گردیدند.

احزاب ملی‌گرا ماوراء قفقاز بطور خصما به ای با انقلاب اکتبر روبرو شدند و از هرکوشی در جهت جلوگیری از پیروزی حکومت شوروی در منطقه مضایقه نکردند. فقط در باکو - که بیش از یک سوم پرولتاریای ماوراء قفقاز در آنجا متمرکز شده بود - بشویک‌ها موفق به رهبری جنبش گسترش یافته برای تشکیل حکومت شوروی شدند. در ۳۱ اکتبر ۱۹۱۷ شورای باکو تصمیم گرفت حکومت را در دست گیرد. در دوم نوامبر کمیته جدید اجرایی شورای باکو به رهبری استپان شاهومیان انتخاب گردید. در باکو حکومت شوروی اعلام شد. ولی بخش بزرگی از شوراهای ماوراء قفقاز، منجمله تفلیس، ایروان و شوراهای محلی، شورای محلی ارتش قفقاز، در دست احزاب ضدانقلابی^۲ - سرها^۳، منشویکهای گرجی^۴، داشناکهای^۵ ارمنی و مساواتیهای^۶ آذربایجان قرار

۲- عضو حزب سوسیالیستهای انقلابی که در سال ۱۹۰۲ توسط گروه‌های نارودنیک (وابسته به جنبش طبقاتی - سیاسی متفکرین خرده بورژوا که نقش حاکم کارگران را رد می‌کرد) در روسیه بوجود آمده برعلیه حکومت شوروی فعالیت می‌کرد و ضد مارکسیست بود - م.

۳- وابسته به بخش گرجی جریان اپورتونیستی خرده بورژوائی برعلیه (ادامه پاورقی در صفحه بعد)

داشتند و از ابتدا موضعی بر علیه انقلاب اکتبر در پیش گرفته بودند. بطور کلی نیروهای ضد خلقی ماوراء قفقاز مشکلتز بودند. هنوز در نوامبر ۱۹۱۷ ارگان حکومتی - دولتی خود، کمیسریای ماوراء قفقاز، اما پس از آن در فوریه ۱۹۱۸ سیم ماوراء قفقاز را در تفلیس تشکیل دادند. ضد انقلاب در ماوراء قفقاز در ابتدا از حمایت آلمان و ترکیه و سپس حکومتهای آناتل برخوردار بود، که اینها سعی در متحد ساختن کلیه نیروهای ارتجاعی بر علیه حکومت شوروی داشتند.

مادامیکه نیروهای ضد انقلاب ماوراء قفقاز می کوشیدند منطقه را از روسیه شوروی جدا کرده و جنبش انقلابی زحمتکشان را سرکوب نمایند، قشون ترک بازیرپا گذاشتن آتش بس خود با ارتش روسی قفقاز، در ژانویه ۱۹۱۸ به ماوراء قفقاز حمله کردند. آنها با عدم مواجهه با مقاومت جدی (زیرا در این هنگام جبهه قفقاز عملاً از هم پاشیده بود)، یک رشته مناطق را به تصرف خود در آوردند و خطر بزرگی برای خلقهای ماوراء قفقاز بویژه ارامنه ایجاد کردند. سیم ماوراء قفقاز در ماه مارس مذاکراتی با ترکیه در ترابوزان انجام داد ولی اینها بی ثمر ماندند. ترکها - که فقط قشون قلیل ملی ارمنی و گرجی را مقابل روی خود داشتند - به پیشروی خود ادامه دادند. در ۱۳ مارس آنها ارض روم و در طول ماه آوریل، ساریغامیش، باتوم و قارص را به تصرف در آوردند. حملات ترکها با کشتارهای ساکنین ارمنی توأم بود. در ۱۲ آوریل، دولت روسیه شوروی نامه اعتراض آمیزی در مورد وحشیگریها تسلیم آلمان نمود.

(ادامه پاورقی از صفحه قبل)

بلشویزم در درون حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که پس از انقراض رژیم ترار تا تشکیل حکومت شوروی در گرجستان زمام امور را در دست داشت - م.

۴- عضو حزب بورژوا - ناسیونالیستی و ضد انقلابی ارمنی که در سال ۱۸۹۰ توسط استبان زوریان، کریستاپور میکایلیان و سیمون زاوریان بنیان نهاده شد و در سالهای ۲۰-۱۹۱۸ حکومت ارمنستان را در دست داشت - م.

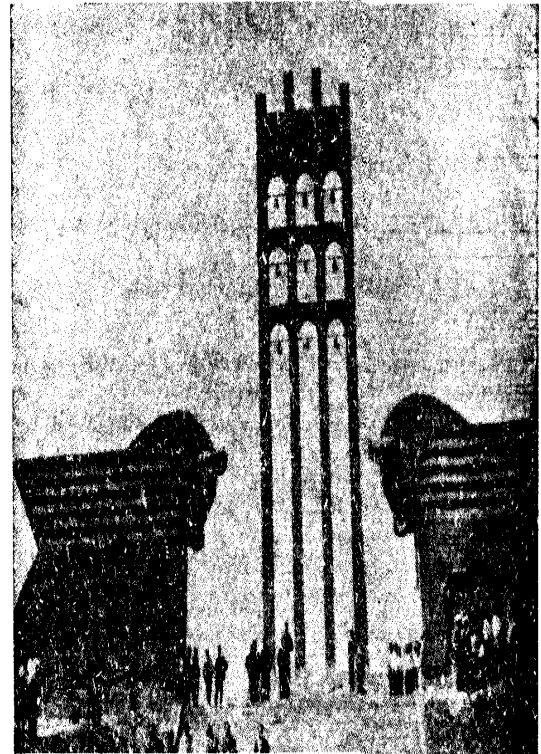
۵- وابسته به حزب ضد انقلابی بورژوا - زمینداری آذربایجان که پس از انقراض حکومت تزاری تا روی کار آمدن دولت شوروی در آنجا حکومت می کرد - م.

در ۲۲ آوریل ۱۹۱۸، سیم تحت فشار ترکیه، ماوراء قفقاز را جمهوری مستقل اعلام کرد یعنی در واقع جدایی ماوراء قفقاز از روسیه شوروی، سازمانهای بلشویکی منطقه اعتراض خود را در مورد این اقدام اعلام کردند. در ۲۸ آوریل ۱۹۱۸ دولت ترکیه ظاهراً استقلال ماوراء قفقاز را به رسمیت شناخت و با آغاز مجدد مذاکرات صلح موافقت نمود. در ۱۱ ماه مه مذاکره میان ترکیه و سیم ماوراء قفقاز در باتوم مجدداً آغاز گردید، لیکن اینها به دلیل درخواستهای غیر قابل قبول ترکیه به بن بست رسیدند. قشون ترکیه با استفاده از این موضوع در ۱۵ مه دگر بار آتش بس را نقص کرده به آلکساندراپول حمله کرد. آنها با تصرف شهر حمله خود را به طرف قره کلیسا و ایروان متوجه نمودند. قشون قلیل ملی ارمنی نمی توانست مقاومت دائمی از خود بر علیه اشغالگران نشان دهد. در اواسط مه تجاوزگران ترک به نزدیکیهای ایروان رسیدند، خطر کشتارهای جمعی، ساکنین ایروان و تمام دشت آرا را ت را تهدید می نمود. خلق ارمنی در این زمان بحرانی به مبارزه فداکارانه پرداخت. برای دفاع همه جانبه از وطن، از پیر تا بچه، مرد و زن، قشرهای مختلف سنی و احزاب سیاسی قیام نمودند. در این جنبش عمومی مهاجرین ارمنی غرب شرکت فعال داشتند. همه فقط یک عزم راسخ داشتند و آن ایستادگی و درهم کوبی دشمن و ممانعت از وقوع کشتارهای خونین جدید بود.

در ۱۲ ماه مه، ترکها قلعه و ایستگاه سردار آباد را تصرف نموده خطر جدیدی برای ایروان ایجاد نمودند. ولی در ۲۲ مه، قشون ملی ارمنی و غیر نظامیان ارمنی که به کمک آنان شتافته بودند، ترکها را شکست سختی دادند و سردار آباد را آزاد ساختند. نبرد در روزهای بعد تا ۲۶ ماه مه ادامه یافت. ارامنه با الهام از موفقیت اول خود، تمام حملات دشمن را عقب زدند و سپس به ضد حمله پرداختند. قشون ترک با شکست سنگین شتابان بطرف آلکساندراپول عقب نشینی کرد.

تقریباً مصادف با نبرد سردار آباد، در ۲۸-۲۴ ماه مه جنگهای شدیدی نیز در قره کلیسا بوقوع پیوست. در اینجا قشون ملی ارمنی و

دستجات متشکل از روستائیان دلیجان، پامباک، غازاخ و سایر نواحی تلفات سنگینی برارتن منظم و برتر ترک وارد ساختند، صرف نظر از اینکه دشمن بالاخره قره‌کلیسا را تصرف کرد. در این روزها قوای ترک در ناحیه باش - آباران نیز شکست خوردند.



بنای یادبودی به مناسبت نبرد حماسه آفرین ساردارآباد

شجاعت ارامه در سردار آباد، قره‌کلیسا و باش - آباران از تصرف ایروان، دشت آزارات، ناحیه سوان توسط ترکها جلوگیری نمود و سکنه ارمنی این نواحی را از کشتار جمعی رهانید. آنها طرح‌های تجاوزگرانه و کشتارگرانه ترکها را نقش بر آب ساختند. این نبردها یکی از صفحات درخشان تاریخ چندین قرنی خلق ارمنی بحساب می‌آیند.

در نتیجه اختلافات درونی میان داشناکها، منشویکهای گرجی و مساواتهای آذربایجانی، در ۲۶ مه ۱۹۱۸ سیم ماوراء قفقاز از هم پاشید. در همان روز استقلال گرجستان و روز بعد آذربایجان اعلام گردید. در ۲۸ مه شورای ملی ارمنی - که در دست داشناکها قرار داشت - در جلسه خود در

تفلیس، ارمنستان را "جمهوری مستقل" اعلام کرد. تا تشکیل دولت شورای ملی ارمنی خود را بعنوان حکومت عالیه ارمنستان اعلام نمود.

پس از اعلام استقلال گرجستان، آذربایجان و ارمنستان، ترکیه در باتوم با هریک از آنها مذاکرات را ادامه داد. مذاکرات میان ترکیه و ارمنستان با امضاء عهدنامه باتوم در ۴ ژوئن ۱۹۱۸ پایان رسید. براساس این عهدنامه ناحیه سورمالو، بخش بزرگی از آلکساندرآبول، اجمیادزین، بخشی از ایروان و دارالاکیا به ترکها تعلق گرفت. قلمرو ارمنستان کلاً ۱۰ هزار کیلومتر مربع با جمعیتی در حدود ۳۲۰ هزار نفر شناخته شد. ترکیه اجازه یافت از راه آهن ارمنستان در جهت حمل و نقل قشون و بارهای خود استفاده کند. ترکیه هرگاه که می‌خواست می‌توانست تجاوز خود را آغاز نماید. لیکن در پائیز ۱۹۱۸، آلمان، ترکیه و هم‌پیمانانشان در جنگ جهانی متحمل شکست شدند. قشون ترکها از ماوراء قفقاز دور شد و بخشی از ایروان و منطقه قارص که تحت اختیار آنها قرار داشت آزاد گردید. عهدنامه تحقیرآمیز باتوم لغو گردید و مرزهای سال ۱۹۱۴ برقرار شد.

۲- ارمنستان در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸

اولین پارلمان جمهوری بورژوازی ارمنستان اعلام شده در ۲۸ مه ۱۹۱۸ در اول اوت همان سال گشایش یافت. دولتی تشکیل گردید که در دست حزب داشناکستون قرار داشت. هوانس کاجازنونیی بعنوان نخست وزیر، آلکساندر خادیسپیان بعنوان وزیر امور خارجه و آرام مانوکیان بعنوان وزیر کشور تعیین شدند. تنها فرد غیر حزبی کابینه ه.هاخوردیان وزیر جنگ بود. ترکیب دولت بعداً دچار تغییراتی گردید.

این حکومت بورژوازی دو سال و نیم دوام یافت. لیکن داشناکستون با در دست گرفتن قدرت، نتوانست شرایط صلح پایدار برای احیاء و ترقی اقتصاد کشور ایجاد نماید. اقتصاد متلاشی شده در طول سالهای جنگ

متلاشی تر گردیده در مرز سقوط قرار گرفت. بخش عظیمی از موسسات تولیدی تعطیل شدند. فقط چند موسسه تولیدی فعالیت می کرد. بویژه رشته پیشرو تولیدی ارمنستان یعنی ذوب و تولید مس به وضع وخیمی افتاد. بخش بزرگی از معادن آلاوردی و زانگور کار نمی کرد، تولیدات مس تنزل شدید نمود. وضع کارگران وخیم بود. اگر چه دولت قانونی جهت ۸ ساعت کار در روز وضع نموده بود، ولی رعایت نمی شد. کارگران موسسات قلیل دایر، روزی ۱۵-۱۲ ساعت کار می کردند. تنزل ارزش پول، مزد واقعی کارگران را پائین می آورد. امور بخش بزرگی از اتحادیه های صنعتی در دست داشناک ها قرار داشت، که اینها سعی داشتند این سازمانهای طبقه کارگر را تابع دولت نمایند. به مرور زمان وضعیت کارگران وخیم تر می شد.

کشاورزی، رشته اصلی اقتصاد ارمنستان، افت شدیدی کرده بود. در سال ۱۹۱۹ زمینهای زیرکشت با مقایسه با سال ۱۹۱۳، ۲/۱ و تولیدات کلی کشاورزی به اندازه ۶ برابر کاسته شده بود. داشناکستون مسئله ارضی را حل نکرد. در ششم دسامبر ۱۹۱۸ پارلمان ارمنستان قانونی وضع کرد که براساس آن، قوانین سابق امپراتوری روسیه و دولت موقت، البته با تغییرات و اصلاحات متخذه از سوی پارلمان جمهوری ارمنستان در مورد سازمانهای آن در ماوراء قفقاز به قوت خود باقی می ماند. بزودی روستائیان معتقد شدند که دولت از حقوق زمینداران و متمولان روستائی حمایت می کند. در برخی نواحی، زمینداران و متمولان روستاها نه تنها کلیه اراضی خود را حفظ کردند، بلکه زمینهای جدیدی نیز بدست آوردند. روستائیان متحمل استثمار و تعقیب بی قید و شرطی می شدند. مالیاتهای متعددی چون باری سنگین بردوش روستائیان زحمتکش قرار داشت. اعتراضهای مکرر روستائیان بر علیه خودکامگی زمینداران و متمولان بی ثمر باقی می ماند.

اوضاع اقتصادی کشور بعلت وجود مهاجرین ارمنی غرب وخیم تر می شد. اکثریت مهاجرین (تعداد کل آنها در سال ۱۹۱۹ بیش از ۲۶۰ هزار نفر بود) زمین، خانه و کار نداشت. کمکهایی که به آنها می شد ناکافی بود. قحطی و

بیماری های مسری - که سراسر کشور را در برگرفته بود - براساس آمار رسمی، ۴۵۰ هزار نفر را رهسپار گورستانها کرد.

آنارشیسم و خودکامگی های مقامات و سوء استفاده ها و رشوه خواری بر کشور مستولی بود. گروه بانها و مائزپرست ها^۶ بدون مجازات چپاول کرده از مقامات اطاعت نمی کردند. ضمانتی در قبال مصونیت شخصی و مال و دارایی وجود نداشت.

دولت داشناکها نتوانست هیچ قدمی در جهت بهبود فرهنگی کشور بردارد. حکومت مدارس را - که شدیداً تقلیل یافته بودند - به حال خود گذاشته بود. ده ها هزار محصل در خیابان ها ول مانده بودند. بهترین کارکنان از مدارس دوری جستند.

تضادهایی که باعث ازهم پاشیدگی سیم ماوراء قفقاز گردید، پس از ایجاد سه جمهوری بورژوائی نه تنها تضعیف نشد بلکه عمیق نیز گردید و به برخورد مسلحانه بین گرجستان و ارمنستان، ارمنستان و آذربایجان مبدل گردید. در اکتبر ۱۹۱۸ بین داشناکها و منشویکهای گرجی عملیات جنگی بر سر ناحیه لوری آغاز شد. برخوردهایی نیز بعلت اختلافات ارضی بین داشناکها و مساواتها در گرفت. ارامنه ساکن آذربایجان و آذربایجانی های ساکن ارمنستان متحمل کشتار شدند. بویژه ارامنه قره باغ متضرر گردیدند. تقریباً تمام شهر شوشی و بسیاری از دهات ارمنی ویران شد.

دولت داشناکها نظر خصمانه ای در قبال روسیه شوروی داشت. آنها با قوای گاردهای سفید روسیه روابط دوستانه ایجاد کرده بودند و نمایندگان خود را در قشون ژنرال دنیکنین و پس از متلاشی شدن او، ژنرال ورائنگل، داشتند. متقابلاً نمایندگان رسمی نیروهای گاردهای سفید در ارمنستان حضور داشتند. پس از شکست بلوک آلمان - ترکیه، حکومت های آناتانت، انگلستان،

۶- Ma-Uzerist شخصی که طیانچه نوع اتوماتیک مائوزر حمل می کند - به معنی چپاولگر و قاتل نیز می باشد - م.

فرانسه و ایالات متحده، عملاً^۷ بر ماوراء قفقاز حاکم شدند. این حکومتها سعی داشتند از ماوراء قفقاز بصورت سنگری بر علیه روسیه شوروی استفاده نمایند. آنها در عین حال میخواستند منابع طبیعی منطقه را بدست خود گرفته از آنها بهره برداری کنند. نمایندگان نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک انگلیس، فرانسه و ایالات متحده آمریکا یکی پس از دیگری به ماوراء قفقاز میآمدند. بر اساس تصمیم شورای آنتانت در ماه ژوئیه ۱۹۱۹، هاسکل، سرهنگ ارتش ایالات متحده آمریکا بعنوان کمیسر عالی متفقین در ارمنستان تعیین گردید که امیال وی برای داشناکها در حکم قانون بود. برای بررسی اقتصاد ارمنستان، منابع طبیعی آن، شرایط سیاسی و اوضاع و احوال مردم، کمیسیون ویژه‌ای از طرف رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به ریاست ژنرال هارپورد وارد ارمنستان گردید. نتایج بررسی‌های انجام شده میبایست به استحضار دولت ایالات متحده آمریکا می‌رسید که می‌کوشید از کنفرانس صلح کشورهای آنتانت در پاریس، قیمومیت ارمنستان را بدست آورد.

کنفرانس صلح پاریس در ژانویه ۱۹۱۹ از طرف دول آنتانت برای عقد پیمان صلح با حکومت‌های شکست خورده در جنگ جهانی اول و تقسیم برخی کشورها و قلمروها بین خود تشکیل گردیده بود. در آنجا مسایل ارضی از طرف انگلستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا - که سعی می‌کردند دخالت‌های گسترده‌تری بر علیه روسیه شوروی تدارک ببینند - حل و فصل می‌شد. کنفرانس - که فعالیتش با برخی انفصال‌ها یکسال تمام طول کشید - در مورد ایجاد جامعه ملل و تصویب اساسنامه آن تصمیماتی گرفت.

در کنفرانس صلح پاریس مسئله ارمنستان نیز بررسی شد. دو هیئت نمایندگی یکی به ریاست آودیس آهارونیان از سوی دولت داشناکها و دیگری به ریاست بوغوس نوبارپاشا از طرف ارامنه غرب تواما^۸ در پاریس بودند. در ۱۴ مه ۱۹۱۹ کنفرانس پاریس تصمیم گرفت قیمومیت ارمنستان را به ایالات متحده آمریکا بسپرد. این تصمیم از سوی جامعه ملل تصویب شد. لیکن سنای آمریکا در اول ژوئن ۱۹۲۰ به اتفاق آراء پیشنهاد پرزیدنت ویلسن

را در مورد قبول قیمومیت ارمنستان رد کرد. وقتی که محافل حکومتی ایالات متحده آمریکا مسئله قیمومیت ارمنستان را بررسی می‌کردند، در آوریل ۱۹۲۰ کنفرانس متفقین در شهر سان - رموی ایتالیا برای انعقاد قرارداد صلح با ترکیه مغلوب، تشکیل گردید. هیئت نمایندگی ارمنستان در کنفرانس شرکت داشت. قرارداد صلحی در دهم اوت ۱۹۲۰ با ترکیه در سور^۹ (فرانسه) به امضاء رسید. بر اساس مواد ۹۳ - ۸۸ قرارداد صلح سور، ترکیه اجباراً ارمنستان را بعنوان حکومتی آزاد و مستقل به رسمیت می‌شناخت که به دریای سیاه راه می‌یافت. ایالات متحده آمریکا ماموریت یافت تا مرز میان ارمنستان و ترکیه را در ولایات ارض روم، وان، بیتلیس و تراپوزان، تعیین کند، حکومت‌های متفق بایستی به بررسی مسایل و اختلافات ارضی موجود میان ارمنستان با همسایگان گرجستان و آذربایجان می‌پرداختند.

قرار داد صلح سور - که به امضای نمایندگان دولت ارمنستان نیز رسیده بود - فقط روی کاغذ باقی ماند. مسئله این بود که متفقین قرار داد سور را با دولت سلطانی ترکیه - که در آن هنگام حاکم و مسلط بر مملکت خود نبود - منعقد ساختند. حکومت عملاً^{۱۰} در دست کمالیست‌ها^{۱۱} قرار داشت که نه تنها قرارداد صلح سور را برسمیت نشناختند و برای الغاء آن مبارزه نمودند، بلکه در قبال خلق ارمنی همان سیاست ناسیونالیستی و اشغالگرانه ترک‌های جوان را ادامه دادند. ترک‌ها برای دور شدن از ولایات ارمنی تدارک‌گسی ندیدند. دولت داشناکها در وضعی نبود که با قوای خود ترکیه را ملزم به رعایت مفاد قرارداد صلح سور نماید. اما قول‌های دول غربی دایر بر فرستادن قشون به ارمنستان غربی و مجبور نمودن ترک‌ها به اجرای قرار داد سور،

7- Sévre

۸- طرفداران مصطفی کمال پاشا مستبد جدید و خونخوار ترکیه که "متمدنین" ترک به او لقب آتاترک یا پدر ملت ترک داده‌اند - م.

بصورت قولهای خشک و خالی باقی ماند. هیچگونه اقدام عملی انجام نگردید، قرار داد سور هم به مرحله اجرا و قوت نرسید. کمالیست‌ها، بعدها موفق به انجام مذاکره با دول آنتانت برای تجدید نظر در قرارداد سور و عدم تعهد آتی در قبال آن شدند. بدین ترتیب، اقدامات دولت داشناکها، در جهت حل مسئله ارامنه به کمک دول غربی بی‌ثمر ماند.

۳- جنبش انقلابی در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۹

هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی دولت داشناکها در بین اقشار وسیع خلق ارمنی تولید اضطراب و نارضایتی کرد. مبارزه زحمتکشان برای ایجاد حکومت شوراهای تشدید یافت.

در بهار و تابستان سال ۱۹۱۹ چند قیام دهقانی بوجود آمد. جنبش کارگری گسترش یافت. سازمانهای بلشویکی ارمنستان فعالیتشان را افزون تر نمودند. در سپتامبر همان سال اولین جلسه مشورتی سازمانهای بلشویکی ارمنستان در ایروان تشکیل شد که باعث اتحاد و هماهنگی هرچه بیشتر سازمانهای کمونیستی گردید. کمیته ارمنی حزب کمونیست روسیه بعنوان هماهنگ کننده سازمانهای بلشویکی ارمنستان انتخاب گردید که چهره‌های مشهوری چون س. کاسیان، آ. مراویان، س. آلاوردیان و سایرین در آن شرکت جستند.

تلاش برای هماهنگی و اتحاد سازمانهای بلشویکی ارمنستان در اولین کنگره سازمانهای کمونیستی ارمنستان - که در ژانویه ۱۹۲۰ در ایروان تشکیل شده بود - ادامه یافت. کنفرانس با بررسی اوضاع سیاسی کشور، گسترش و توسعه مبارزه انقلابی را بعنوان وظیفه درجه اول و برچیدن حکومت داشناکها و استقرار حکومت شوروی در ارمنستان را برای سازمانهای بلشویکی تعیین نمود. صرف نظر از تمام اقدامات داشناکها، فشارها و تعقیب‌هایشان، سازمانهای کمونیستی ارمنستان فعالیت شدیدی در بین توده‌های زحمتکش به انجام

رساندند.

جوانان در جنبش انقلابی ارمنستان فعالانه شرکت نمودند. کارگران و دانشجویان جوان با بهره‌بری از عقاید کمونیستی، برعلیه نظام حاکم و نابرابری‌های اجتماعی مبارزه می‌کردند. در بهار ۱۹۱۹ سازمان جوانان کمونیست ایروان - "اسپارتاک" - تاسیس شد که روابط نزدیکی با سازمانهای جوانان انقلابی تفلیس و باکو برقرار نمود. غوکاس غوکاسیان و آقاسی خانجیان از اعضای رهبری "اسپارتاک" بودند. "اسپارتاک" اولین سازمان کمونیستی ارمنستان بود.

تقویت جنبش انقلابی در ارمنستان تا حد زیادی منوط به اوضاع کلی حاکم بر روسیه و ماوراء قفقاز بود. در اوایل سال ۱۹۲۰، روسیه شوروی قوای اصلی ضدانقلابی و اشغالگران خارجی را نارومار کرده بود و با گامهای محکم در جهت پایان پیروزمندانه جنگ داخلی پیش می‌رفت. در آوریل همان سال کارگران آذربایجان به کمک ارتش سرخ روسیه شوروی دولت مساوات‌ها برچیده در آذربایجان حکومت شوروی برقرار نمودند. این وقایع اوجگیری جنبش انقلابی ارمنستان را تشویق نمود.

جنبش انقلابی در ماه مه ۱۹۲۰ به نقطه اوج خود رسید. تظاهرات و میتینگ‌های روز اول ماه مه در ایروان، آلکساندرایول، قارص، ساریغامیش و سایر شهرها با شعارهای ضد دولتی حرمان یافتند. تظاهرات در آلکساندرایول از شکل و قوت خاصی برخوردار بود که هم آن تبدیل به مرکز جنبش گردید. سازمانهای بلشویکی در اینجا، رهبری قیام را در دست گرفتند. در دوم ماه مه نظامیان "وارثان زوروار" مستقر در ایستگاه آلکساندرایول، به رهبری سارکیس موساپلیان سر از اطاعت دولت برنافتند و به صف توده‌های انقلابی پیوسته بصورت بازوی مسلح قیام درآمدند. برای رهبری قیام کمیته نظامی - انقلابی انتخاب گردید که در دهم مه برچیده شدن دولت داشناکها و برقراری حکومت شوروی را در ارمنستان به کارگران اعلام نمود. حکومت در آلکساندرایول بدست بلشویکها افتاد. لیکن آنها کارها را به آرامی پیش

می بردند و موضع دفاعی گرفته با نمایندگان دولت وارد مذاکره شدند. این مسئله به داشناکها امکان داد تا نظامیان وفادار به خود را به آلکساندراپول بفرستند و شهر را تصرف نمایند. حکومت شوروی در آلکساندراپول از بین رفت، که اهمیت سرنوشت سازی برای سایر مراکز قیام در ارمنستان داشت.

بلافاصله پس از آلکساندراپول،

قیامی در قارص و سپس در ساریگامیش بوقوع پیوست. ولی بزودی ایمن شهرها را نیز به تصرف خود در آوردند. در اواسط ماه مه جنبش، بایزید را هم دربرگرفت. شورشیان در اینجا دهات متعددی را تا آخر ماه مه در دست خود نگهداشتند. زحمتکشان غازاخ و شامشادین بیش از یک ماه و نیم در برابر قشون دولتی مقاومت کردند. سپس شورش دهات ایچوان و در آخر مه زانگور را نیز شامل گردید. بدین ترتیب قیامهای بوقوع پیوسته تقریباً تمام کشور را دربر گرفتند، اگر چه آنها



بنای یادبودی به مناسبت شهدای

قیام ماه مه - لنیناکان

اکثراً بطور مجزا از یکدیگر واقع گردیدند. در نتیجه این تفکیک نیروها، ناهماهنگیها، اشتباهات رهبری و یک رشته دلایل دیگر، داشناکها موفق به سرکوب قیام مسلحانه ماه مه شدند.

دولت داشناکها تصفیه حساب ظالمانه‌ای با شورشیان نمود. یک عده بلشویک قهرمانانه به کام مرگ شتافتند، منجمله غوکاس غوکاسیان و هوانس ساروخانیان. براساس رای دادگاه‌های ویژه، شخصیت‌های نامداری چون س. موسایلیان، س. آلاوردیان، ب. قریبجانیان و سایرین تیرباران شدند.

صدها نفر به حبس محکوم گردیدند. بسیاری از شرکت کنندگان در قیام مجبور شدند به آذربایجان پناه ببرند.

قیام ماه مه نشان داد که داشناکها جایی در بین توده‌ها ندارند و اگر چه قیام شکست خورد ولی روشن بود که دولت داشناکها برای بقای خود روزشماری می‌کرد. استقرار حکومت شوروی در ارمنستان مهمترین مسئله برای زحمتکشان گردید.

۴- استقرار حکومت شوروی در ارمنستان

کشورهای آنتانت تمام هم خود را در بهره‌برداری از ارمنستان بر علیه روسیه شوروی بکار گرفته بودند. برعکس، روسیه شوروی سعی نمود ارمنستان را از جرگه کشورهای آنتانت جدا ساخته و با آن روابط نرمال برقرار نماید. به این منظور دولت روسیه پیشنهاد مذاکره میان دو کشور را نمود.

به همت دولت شوروی در آخر ماه مه ۱۹۲۰ مذاکراتی بین هیئت‌های نمایندگی ارمنستان و روسیه شوروی در مسکو آغاز گردید. در بین نمایندگان روسیه شوروی، کمیسر خلق در امور خارجه، گ. چیچرین و معاونش، کاراخان شرکت داشتند. هیئت ارمنی تحت ریاست شخصیت داشناک و نویسنده، لئون شانت، قرار داشت. طرف شوروی به هیئت ارمنی در مورد عقد قرار داد میان دو کشور و شناسایی رسمی استقلال ارمنستان پیشنهاداتی می‌کرد. این هیئت در عین حال در مورد میانجیگری بین ارمنستان و آذربایجان شوروی برای حل اختلافات مرزی و بهبود روابط ارمنی - ترک پیشنهاداتی داشت. هیئت ارمنی به هرنحوی مذاکرات را به تاخیر می‌انداخت و به درازا می‌کشاند، زیرا دولتشان چشم امیدش را به حکومت‌های غری دوحته بود. داشناکها خیال می‌کردند که کشورهای آنتانت ترکیه را به انجام خواسته‌های ارمنستان ملزم خواهند نمود.

دولت شوروی پیشنهاد ادامه مذاکرات را در ایروان داد، براساس آن

مکرراً" اعلام گردید که روسیه شوروی مطابق اقداماتی که در جهت منافع خلق ارمنی است، گام برمی دارد. دولت شوروی چنین اعلام کرد: "تمام اقدامات روسیه شوروی در قفقاز قصد دارند اثر دوستانه‌ای بر خلق ارمنی و نیز برترقی و توسعه آتی سایر خلقهای همسایه داشته باشند. روسیه شوروی در زمان شرایط سخت خلق ارمنی و سایر ملل شرق نزدیک، بصورت دوستی بی‌غرض در پشتیبانی از زحمتکشان یک ملت ظاهر می‌شود".

برای ادامه مذاکرات در ایروان، بوریس لگران نماینده تام‌الاختیار جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه در ارمنستان به عنوان ریاست هیئت نمایندگی مذاکرات تعیین گردید. ولی داشناکها به قرارداد سور امید داشته و دگربار آغاز مذاکرات را به تعویق انداختند. لیکن بزودی معلوم گردید که تعویق مذاکرات برای خلق ارمنی بسیار گران تمام شده است. سیاست غیرمآل‌اندیش دولت داشناکها به این مسئله منتج شد که ارمنستان رو در روی ترکیه کمالیست تنها باقی ماند. ترکیه با اجرای سیاست اشغالگرانه خود، دگربار به ارمنستان حمله کرد. در سپتامبر ۱۹۲۰ قشون ترک دست به حمله زد و در روز ۲۹ همان ماه ساریغامیش و کاغزوان را تصرف کرد. ترکها در ۳۰ - ام اکتبر ۱۹۲۰ قارص و در ششم نوامبر آلکساندرآپول را اشغال کردند. توسل داشناکها به دولت آنتانت برای کسب کمک بیهوده بود، تمام تقاضاهای آنها بی‌نتیجه ماند.

جنگ ارمنستان و ترکیه بلایا و مصیبتهای جدیدی را برای مردم بشار آورد. در اراضی اشغالی، ترکها به وحشیگری پرداخته، دهات را ویران و غارت و ساکنین ارمنی آنها را نابود می‌ساختند. جریان مهاجرین به سوی مناطق مرکزی کشور روان گردید، اوضاع مردم وخیم تر شد.

جنگ آخرین امکانات مالی کشور را بلعید، اقتصاد از هم گسیخته را از دستهای کارگر محروم ساخت. در همه جا آشوب و بلوا، غارت و خودکامگی حکمفرما گردیده بود. دولت عملاً در وضعی نبود تا به اوضاع داخلی کشور اطمینان داشته باشد، حتی لشکرهاي ارتش از حکومت اطاعت نمی‌کردند. در

۲۴ نوامبر دولت استعفا داد و در همان روز دولت جدید داشناک به ریاست سیمون وراتسیان سرکار آمد. دولت جدید مجبور بود قبول نماید که کشور در بن‌بست بدی قرار دارد. در اعلامیه دولت چنین آمده است: "نیروهای مسلح ترک قسمت‌های عمده کشورمان را تصرف نموده‌اند. ساکنین این مناطق تبعید گردیده و در شرایط مهاجرت بی‌مضایقه از سرما و قحطی نابود می‌شوند. سیرطبیعی زندگی داخلی کشور متوقف شده است. دستگاه اداری اساساً تضعیف گردیده و امکانات مالی و ارتباطی از هم پاشیده‌است. قضاوت عادلانه غیرممکن شده، واردات مواد غذایی از خارج متوقف گردیده است و اما منابع داخلی سریعاً خشک و بی‌استفاده می‌شوند... کشور در شرایط بحرانی شدید قرار دارد".

لیکن دولت داشناکها نتوانست از این منجلاب خارج گردد. توده‌های مردم با قرار داشتن در مرز نابودی به رهبری حزب بلشویک کار رهایی کشور را در دست گرفتند. در ژوئن ۱۹۲۰ حزب کمونیست ارمنستان تشکیل شد، که قیامهای انقلابی زحمتکشان را بر علیه دولت داشناکها رهبری نمود. در ماه نوامبر، کمیته نظامی - انقلابی ارمنستان در باکو تشکیل شد، که شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست ارمنستان، سارکیس کاسیان (رئیس)، آسکاناز مراویان، ساهاک در-گابریلیان و سایرین در آن عضویت داشتند. در آخر نوامبر کمیته نظامی - انقلابی به غازاخ منتقل گردید، جایی که جوخه قیام ارمنی متشکل از شرکت کنندگان قیام ماه مه قرار داشت که با دوری جستن از ترور داشناکها به آذربایجان شوروی پناه برده بود.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰، صبح زود، کمیته انقلاب ارمنستان به همراه جوخه قیام ارمنی از مرز گذشت و وارد ایجوان گردید. قشون مرزبان ارتش داشناک نه تنها مقاومتی نشان نداد بلکه به صفوف انقلابیون پیوست. زحمتکشان ایجوان با خوشحالی از قیام گران استقبال نمودند. در ایجوان حکومت شوروی برقرار گردید. در همان روز کمیته انقلاب اعلامیه خود را در مورد اعلام جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در ایجوان منتشر ساخت. در

اعلامیه آمده است: "بنا به خواست و تمایل کارگران قیام کننده ارمنستان، حزب کمونیست (بلشویک) ارمنستان از این روز ارمنستان را جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام می کند". کمیته انقلاب اطمینان می داد، که روسیه شوروی با ختم پیروزمندانه جنگ داخلی، کمکهای برادرانه خود را "در جمع آوری نیروهای سالم کشور، احیاء و استقرار اساس نیرومند و برآرامش ارمنستان شوروی" نسبت به خلق ارمنی نشان خواهد داد. کمیته انقلاب ارمنستان با وقوف به اهمیت تاریخی واقعیت های موجود، پس از آن اعلام نمود: "بنا قبول تمام مسئولیت حکومتی در شرایط سخت کنونی و در این لحظات حساس، ما از نیروهای مردمی ارمنستان می خواهیم تا ما را در مبارزه علیه دشمنان حکومت کارگران و دهقانان یاری دهند و آنها را به کار خستگی ناپذیر و خلاقه و تولیدی فرا می خوانیم".

در ۳۰ - ام نوامبر قیامگران بدون مقابله با مقاومتی دیلیجان را متصرف گردیدند. کمیته انقلاب ارمنستان تلگرافی برای رئیس شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی، و. ای. لنین فرستاد و تقاضای کمک به قیام را نمود. در تلگراف آمده است: "بگذارید برای رهبر انقلاب جهانی روشن گردد که دهقانان نواحی دیلیجان و کاروانسرا با خشم نسبت به سیاست پرتقصیر داشناکها و آنارشیزم موجود در کشور، درفش انقلاب را برپا کردند. حزب کمونیست ارمنستان بلافاصله رهبری این جنبش طبیعی را پذیرفت و کمیته انقلاب ارمنستان را بوجود آورد. ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام گردید. اولین ضربه وارد شده است. شهر دیلیجان در دست ماست. شورشیان بر حرارت برای بیرون راندن قطعی کارگران آنتانت، دشمن تنفر آمیزشان، پا جلو می گذارند و با اجرای خواست آنها، ما با تشکیل کمیته انقلاب امیدواریم که ناجی خلقهای زیرستم شرق، ارتش سرخ روسیه بزرگ سوسیالیستی در این مبارزه سخت به ما کمک قطعی خواهد کرد. بنام تمام دهقانان و کارگران ارمنستان ما از شورای کمیسرهای خلق خواستار کمک هستیم". در پاسخ به تقاضای کمیته انقلاب ارمنستان، دولت روسیه شوروی به

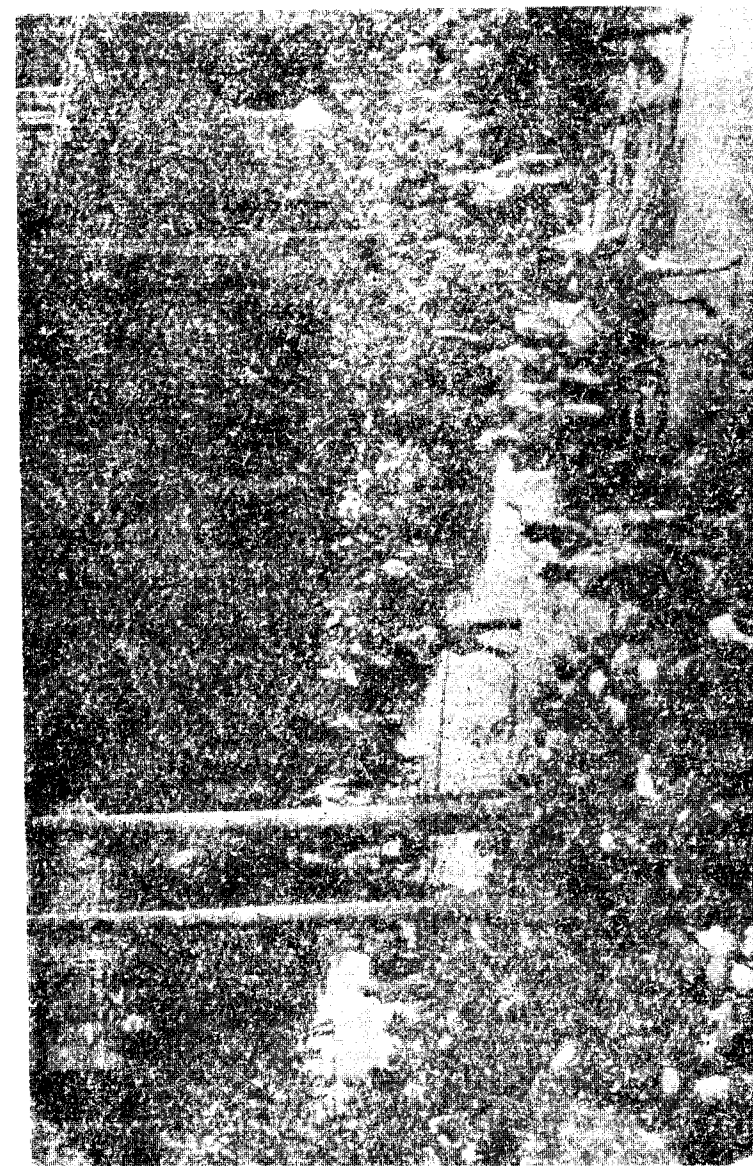
لشکر یازدهم ارتش سرخ واقع در آذربایجان مأموریت کمک رسانی به زحمکنشان انقلابی ارمنستان را داد. در دوم دسامبر و. ای. لنین رئیس شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی، تلگرافی برای س. کاسیان رئیس کمیته انقلاب ارمنستان فرستاد که در آن گفته شده بود: "رهايي ارمنستان کارگری شوروی را از ستم امپریالیسم به شما تبریک می گویم. تردیدی ندارم که شما تمام هم خود را در جهت برقراری اتحاد برادرانه میان زحمکنشان ارمنستان، ترکیه و آذربایجان بکار خواهید گرفت".

در این روزهای سرنوشت ساز برای خلق ارمنی، وقتی که ارمنستان، جمهوری شوروی اعلام گردیده بود، دولت داشناکها برای حفظ موجودیت خود دست بسوی اشغالگران ترک دراز نموده امید کسب کمک آنها را برای ممانعت از برقراری حکومت شوروی در ارمنستان داشت. به این منظور داشناکها در دوم دسامبر با آنها قراردادی در آلکساندرآپول منعقد ساختند که براساس آن بخش عظیمی از ارمنستان به ترکیه واگذار میگردد.

براساس قرارداد، قلمرو ارمنستان باید به دشت آرات و حوزه دریاچه سوان محدود می گردید. ارمنستان خلع سلاح می شد و از حق داشتن ارتش محروم می گردید. دولت داشناکها مجبور بود، نمایندگان را از کشورهای اروپائی فراخوانده از قرارداد سورجشم پوشی نماید. به ترکیه حق کنترل راههای ارتباطی ارمنستان داده می شد و جز آن.

این اقدام مفتضحانه داشناکهای ورشکسته نیز با عدم موفقیت توأم بود. در چهارم دسامبر کمیته انقلاب، ارتش سرخ و شورشیان بدون مقاومت وارد ایروان شده حکومت داشناکها منقرض گردید. حکومت جدید شوروی بسزودی قرارداد شرم آور آلکساندرآپول را ملغی اعلام نمود.

زحمکنشان ارمنستان از پیروزی انقلاب سوسیالیستی استقبال شایانی نمودند. در شهر و دهات میتینگ های پرجمعیت و انبوه برگزار گردید. از طرف میتینگ زحمکنشان ایروان، که در روز ششم دسامبر ۱۹۲۰ برگزار شد، تلگرام تبریکی برای و. ای. لنین فرستاده شد. در تلگرام آمده بود: "... با ورود به



درد ارتش سرخ به ایروان

خانواده پرولتاریای جمهوری‌های شوروی، ما از انقلاب قهرمانانه اکتبر پیروی می‌نمائیم. با داشتن تجربیات گذشته کارگران روس و با کمک کارگران آذربایجان و روسیه، جمهوری جوان ارمنستان شوروی بی‌باکانه و آزادانه به آینده روی می‌آورد و هرگز تردیدی به خود راه نمی‌دهد که کار بالاخره برکاپیتال پیروز خواهد شد."

استقرار حکومت شوروی اهمیت قاطعانه‌ای برای سرنوشت خلق ارمنی داشت. پیروزی انقلاب سوسیالیستی نه تنها خلق ارمنی را از خطر نابودی فیزیکی‌های رهایی بخشید، بلکه دورنماهای وسیع و جدید ترقی حکومتی، فرهنگی و اقتصادی برای آن گشود. خلق ارمنی پا به مرحله رستاخیز ملی خود نهاد. زمانی که وقایع ارمنستان به پیروزی حکومت شوروی منتهی گردید، ساکنین ارمنی کیلیکیه متحمل ترازدی جدیدی شدند.

پس از شکست ترکیه در جنگ جهانی اول، کیلیکیه توسط قوای انگلیس اشغال گردید و در نوامبر ۱۹۱۹ فرانسویان جانشین آنها شدند. ساکنین ارمنی کیلیکیه - که در این سالها ۱۵۰ ۰۰۰ نفر بودند - امیدهای خود را به ارتش فرانسه بستند، با خیال اینکه آنها موجودیت ملیشان را حفظ خواهند کرد. فرماندهی نظامی فرانسویان بعنوان حامی آرامنه ظاهر شد، ولی دولت فرانسه بزودی در نتیجه سیاست عهد شکنانه خود آنها را فراموش کرد. قشون ترک با استفاده از این مسئله به حمله دست زد. در سال ۱۹۲۰ کشتار آرامنه در ماراش، هاجن، زیتون و سایر مراکز کیلیکیه بوقوع پیوست. بخشی از آرامنه کیلیکیه به همت نبرد دفاعی خود موفق شد به سوریه و سایر کشورها پناه ببرد.

۵- اولین گامهای حکومت شوروی

در اعلامیه کمیته انقلاب ارمنستان در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ - که براساس آن ارمنستان بعنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی اعلام گردید - برنامه‌های

رستاخیز خلق ارمنی نیز جای داشتند. بویژه آمده بود: "پرچم سرخ ارمنستان شوروی آزاد، فرزندان زحمتکش آنرا از اعماق ناامیدی‌ها و تلخی‌ها بیرون خواهد آورد. به همراه اولین نغمه‌های انترناسیونال پیروزمند، تفرقه‌های ملی و نژادی موجود در ارمنستان برای همیشه ناپدید می‌شوند و جای خود را به برادری خلقها خواهند داد. دهقانان ارمنستان تمام اراضی را - که به ملیک‌ها، وانک‌ها، کلیساها و مساجد تعلق داشت - بدست خود می‌گیرند. ثروت جنگل‌ها، آب‌ها، دریاچه‌ها و معادن به دست مردم می‌رسد تا نیازهای جمعیت زحمتکش ارمنستان را برآورده سازد. به همین منظور هم تمام کارخانه‌جات جزو دارایی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان محسوب می‌گردند و صاحبان آنها یعنی کارگران، از کار آزادانه برخوردار خواهند شد. ... قدرت خلاقه کارگران، با تجربه و استعدادهای فکری خود، به ارمنستان شوروی و کارسازندگی آن امکانات اجرایی و تشریک مساعی نشان خواهد داد. ..."

کمیته انقلاب ارمنستان با در دست گرفتن حکومت، به اجرای برنامه‌های مذکور در اعلامیه، حل مسایل ریشه‌ای اجتماع انقلابی، استحکام حکومت شوروی، تاسیس حکومت ارمنی شوروی پرداخت.

اولین اقدامات سوسیالیستی در ارمنستان شوروی با شرایط بغرنجی توأم بود، که در رابطه با اوضاع وخیم اقتصادی و اشغال بخش عظیمی از کشور توسط دشمنان قرار داشت. منطقه آلکساندراپول همچنان در دست ترک‌ها بود. بخش بزرگی از لوری بنام "منطقه بیطرف" از جانب قوای گرجستان منشویکی اشغال گردیده بود. داشناک‌ها هنوز در زانگورور حاکم بودند. حکومت جدید التاسیس شوروی در این شرایط، از طرفی هم خود را در عادی نمودن اوضاع و زندگی کشور بکار می‌انداخت و از طرف دیگر سعی می‌نمود قلمرو جمهوری را از اشغال بیگانه خارج سازد.

در دوره میان دسامبر ۱۹۲۰ تا فوریه ۱۹۲۱، کمیته انقلاب ارمنستان و کمیته مرکزی حزب کمونیست فعالیت شدیدی در جهت نابودی ساختمان قدیمی

روابط اقتصادی - اجتماعی و ایجاد روابط جدید و حکومت شوروی در کشور انجام می‌داد.

برای روستائیان ارمنستان - که بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند - فرمان ۲۸ دسامبر ۱۹۲۰ در مورد ملی کردن اراضی، اهمیت بسیار زیادی داشت. تمام زمینهای جمهوری به مالکیت دولت درآمدند. با این فرمان حل مسئله ارضی پایه‌گذاری شد که تماماً "مبین منافع روستائیان زحمتکش بود. بلافاصله پس از آن، قوانینی برای ملی کردن منابع آب، جنگل‌ها و ثروتهای زیرزمینی قلمرو جمهوری تصویب رسید.

با چند فرمان کلیه موسسات تولیدی کم و بیش عمده و معادن ملی گردیدند و حاکمیت کارگران بر آنها برقرار شد. این اقدامات و نیز ملی کردن بانکها، مالکیت عمده خصوصی را در ارمنستان از بین برد و اقتصاد سوسیالیستی را پایه‌گذاری نمودند. فرامین دیگری در زمینه موسسات اداری و پست‌ها، اختلافات طبقاتی، لغو هرگونه القاب، تعطیل دادگاههای قبلی صادر گردیدند. در عین حال چارچوب حکومتی شوروی تشکیل شد. در دسامبر ۱۹۲۰ برای رهبری رشته‌های مختلف اقتصادی و اداره حکومت، شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بوجود آمد. که شخصیت‌های برجسته حزبی و شرکت‌کنندگان فعال مبارزه انقلابی در راس آن قرار گرفتند. س. کاسیان رئیس کمیته انقلاب بعنوان کمیسر خلق^۹ در امور کشاورزی، ی. دولتیان بعنوان کمیسر خلق در امور داخلی و تجارت خارجی، آ. بگزادیان بعنوان کمیسر خلق در امور خارجه، آ. هوانیسیان بعنوان کمیسر خلق در امور فرهنگی تعیین گردیدند و جزآن.

کمیته انقلاب در اولین ماه‌های حکومت شوروی، دست به یک رشته اقدامات زد که به همت آنها اساس و پایه حکومت ارمنی شوروی گذارده شد. فرمانهایی در جهت تشکیل ارتش سرخ ارمنستان، تاسیس کمیسیون ویژه برای

۹- عنوان وزرای کابینه که در سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۴۶ بکار می‌رفت، مترادف با وزیر امروزی - م.

مبارزه با ضدانقلاب، احتکار و اعمال خلاف قانون، تشکیل شورای اقتصادی خلق - که کار رهبری امور مالی و اقتصادی کشور به آن محول گردید - صادر شد.

در روز نهم دسامبر ۱۹۲۰ کمیته انقلاب ارمنستان قانونی برای زبان دولتی وضع نمود که براساس آن زبان ارمنی بعنوان زبان دولتی (رسمی-م.) در مرزهای جمهوری اعلام شد. بلافاصله موسسات آموزشی - فرهنگی ملی اعلام شدند، مدرسه از کلیسا و نیز کلیسا از حکومت تفکیک گردید، کمیسیونی برای حفظ آثار هنری و بناهای تاریخی تشکیل شد. در اول دسامبر ۱۹۲۰ کمیته انقلاب طی نامه‌ای، به متفکرین ارمنی مقیم کشورهای خارج توسل جست. حکومت شوروی به دانشمندان، متخصصین، شخصیت‌های ادبی و هنری پیشنهاد مراجعت به ارمنستان و اهداء نیروهایشان را به رستاخیز میهن نمود. بسیاری از نمایندگان متفکرین به این ندا پاسخ مثبت دادند و اینهاداراولین سالهای حکومت شوروی به وطن برگشتند و جذب کار خلافت شدند.

حکومت شوروی به عملی ساختن اولین اقدامات و طرحهای سوسیالیستی پرداخته و درعین حال تمام هم خود را در جهت آزاد سازی لوری از اشغال قشون گرجستان منشویکی بکار برد. کمیته انقلاب ارمنستان شوروی چندین بار به دولت گرجستان منشویکی تذکر داده خواستار خروج قوای گرجی از ناحیه موسوم به "منطقه بیطرف" لوری شد. لیکن منشویکیها به این درخواستها ترتیب اثر نمی دادند. بزودی مبارزه زحمتکشان برعلیه حکومتهای اشغالگر آغاز شده و استقرار حکومت شوروی و الحاق مجدد لوری به ارمنستان شوروی خواسته شد. حزب کمونیست ارمنستان و سازمانهای بلشویکی گرجستان به هر نحوی مبارزه انقلابی زحمتکشان "منطقه بیطرف" را مورد مساعدت و یاری قرار می داد. در دسامبر ۱۹۲۰، کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان یک گروه متشکل از شخصیت‌های حزبی و نظامی را به لوری گسیل داشت تا تدارکات قیام مسلحانه را مهیا سازد. قیام در ۱۱ فوریه ۱۹۲۱ آغاز گردید و با پیروزی سریع همراه بود. زحمتکشان لوری و نظامیان شوروی - که به کمک آنها شتافته

بودند - در آن ناحیه حکومت شوروی را برقرار کردند. لوری مجدداً به ارمنستان شوروی ملحق گردید.

در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ حکومت شوروی در گرجستان نیز استقرار یافت. روابط حسن همجواری مابین ارمنستان و گرجستان برقرار شد. این مسئله اهمیت زیادی برای ارمنستان داشت زیرا امکان یافت تا کالاهای و مواد غذایی را از روسیه شوروی و از طریق گرجستان وارد سازد. تا قبل از استقرار حکومت شوروی در گرجستان دولت منشویکی از حمل و نقل بار از روسیه و از طریق قلمرو خود ممانعت می ورزید.

دولت ارمنستان شوروی کوششهایی نیز در جهت لغو قرارداد مفتضاح آلکساندراپول و آزادی قلمرو اشغالی توسط ترکیه انجام می داد. در نواحی اشغالی، ترکها به اعمال ظلم و ستم دست زده بودند و مردم را غارت و چپاول می کردند. از آلکساندراپول اخباری در مورد وحشیگری‌های ترکها و اوضاع بحرانی ساکنین می رسید. کمیته انقلاب ارمنستان چندین مرتبه به دولت کمالیست‌ها پیشنهاد آغاز مذاکرات با ارمنستان شوروی و لغو قرارداد آلکساندراپول منعقد به دولت داشناکها را داد. ولی این تقاضا رد شد. مقامات حکومت اشغالگران ترکیه به خودکامگی‌ها ادامه می دادند.

کمیته انقلاب ارمنستان، به دولت روسیه شوروی رجوع کرده خواهان دخالت آن گردید. بنا به درخواست روسیه شوروی در ماه‌های فوریه و مارس ۱۹۲۱ کنفرانس مشترک شوروی و ترکیه در مسکو تشکیل گردید که هیئت نمایندگی ارمنستان شوروی به ریاست آ. بگرادیان، کمیسر خلق در امور خارجی در آن شرکت داشت. طرف شوروی تقاضای قاطعانه‌ای در جهت بازپس دادن اراضی اشغالی ارمنستان توسط ترکیه براساس مفاد قرارداد دوم دسامبر ۱۹۲۰ با داشناکها، مطرح کرد. کنفرانس در ۱۶ مارس ۱۹۲۱ با امضاء قراردادی میان روسیه شوروی و ترکیه به پایان رسید. قرارداد مرز جدید شمال شرقی ترکیه را تعیین کرد. مناطق قارص، آرداهان، آردوس به ترکیه، باتوم به گرجستان و آلکساندراپول و نواحی اطرافشان به ارمنستان مسترد گردید. در آوریل

۱۹۲۱ قشون ترک از آلساندراپول دور شد.

در فوریه ۱۹۲۱ شورش ضد شوروی در ارمنستان پدید آمد، داشناکها قصد داشتند حکومتشان را مجدداً "مستقر سازند. سازندگی برآرامش مختل گردید، کشور در باطلاق جنگ داخلی افتاد که تا پنج ماه به درازا کشید.

غائله در ۱۳ فوریه ۱۹۲۱ آغاز شد یعنی وقتی که دستجات مسلح داشناک از زانگور به ناحیه کشیکندی رخنه کرده، دارالاکباز و سپس بایزیدنو را تصرف کردند. در عین حال آشوبهای مسلحانه‌ای در باش-گارنی، آشتاراک، اجمیادزین، آپاران، آختاو سایر نواحی بوجود آمد. داشناکها در این مناطق حکومت شوروی را از بین بردند و با کمونیستها و شخصیت‌های حکومت شوروی تصفیه حساب نمودند. در ۱۸ فوریه آشوبگران موفق به تصرف ایروان پایتخت جمهوری شدند. در اینجا داشناکها به اصطلاح "کمیته آزادی وطن" بر ریاست س. وراتسیان نخست وزیر سابق دولت داشناک، تشکیل دادند. کمیته انقلاب ارمنستان و کمیته مرکزی حزب کمونیست به قمارلو عقب نشینی کردند و در آنجا سنگر پشتیبانی مستحکمی بوجود آوردند تا از پیشروی آتی شورشیان جلوگیری نمایند. در مناطق شمالی ارمنستان کمیته نظامی - انقلابی تشکیل شد، که از دیلیجان، قره‌کلیسا و ناحیه لوری آزاد شده از دست منشویک‌ها قویاً حفاظت می‌کرد. حزب کمونیست ارمنستان از زحمتکشان خواستار مبارزه بر علیه داشناکها شد. در همه‌جا دستجات پارتیزانی تشکیل شدند و جنگهای شدیدی بر علیه دشمن آغاز کردند. لشکر ۱۱ ارتش روسیه شوروی به کمک شتافت.

داشناکها با آغاز آشوب ضد شوروی، به کمک گرجستان منشویکی چشم دوخته بودند، لیکن بزودی این امیدها از میان رفت. در ۲۵ فوریه ۱۹۲۱ دولت ارتجاعی منشویک‌های گرجی نیز منقرض گردید. با پیروزی حکومت شوروی در گرجستان آخرین میدان جنگ ضد شوروی از بین رفت و توأم با آن شکست شورش ضد شوروی در ارمنستان نیز از قبل پیش بینی گردید. "کمیته آزادی وطن" بر ریاست س. وراتسیان سعی داشت با ترکیه کمالیست هم پیمان

گردد. حکومت اخیر در شناسایی "کمیته آزادی وطن" بعنوان تنها حکومت ارمنستان عجله کرد. در ۱۸ مارس ۱۹۲۱ س. وراتسیان به دولت ترکیه متوسل گردیده تقاضای کمک نظامی به ارمنستان کرد. ولی ترکیه که قرار داد مسکو را چند روز قبل امضاء کرده بود، راضی به مختل نمودن روابط خود با روسیه شوروی نگردید.



خیابان آستافیان (اکنون آبرویان) در ایروان

بزودی در جریان عملیات نظامی تحولی ایجاد شد. در نیمه‌های جنگ، ارتش سرخ به همراه دستجات پارتیزانی به آشوبگران حمله کرد. بایزیدنو، آختا، آپاران و آشتاراک یکی پس از دیگری آزاد شدند. در دوم آوریل قشون شوروی وارد ایروان شد. ارتش سرخ با تعقیب دشمنان در حال عقب نشینی تا اواسط آوریل، نواحی باش-گارنی، باسارگجار و دارالاکباز را آزاد ساخت. بقایای نیروهای ازهم پاشیده دشمن به زانگور فرار کردند.

پس از سرکوب ماجراجویی داشناکهای صدمشوروی، حکومت شوروی به آزادسازی زانگور پرداخت که داشناکها در آنجا به سرکردگی گروهیان نسوده به آشوب خود ادامه می دادند. کوششهای دولت شوروی برای تربیت امسور

توسط مذاکره صلح آمیز و استقرار حاکمیت شوروی بر زانگور، بی نتیجه ماند. داشناکها باز هم امیدشان را به کمک امپریالیستهای غربی بسته بودند و برای مبارزه شدید علیه نظام جدید تدارک می دیدند. دولت ارمنستان شوروی اقدامات قاطعانه‌ای بر علیه این آخرین پایگاه ضدانقلاب عملی ساخت. در اواسط ژوئیه ۱۹۲۱ زانگور کاملاً از نیروهای ضدانقلاب پاکسازی گردید. بقایای داشناکها به ایران فرار نمودند. با آزادی زانگور، جنگ داخلی ارمنستان پایان یافت و

رحمتکشان جمهوری امکان بازگشت به کار سازنده خود را یافتند.

در دوران جنگ داخلی، کوشش در جهت برقراری حاکمیت ارمنی شوروی در ارمنستان شوروی ادامه می یافت. در ۲۱ مه ۱۹۲۱ به جای کمیته انقلاب ارمنستان، شورای کمیته‌های خلق به رهبری آلکساندر میاسنیکیان، چهاره برجسته انقلابی، حزبی و حکومتی، تشکیل گردید. میاسنیکیان که تا این موقع در بلوای روسیه شوروی بعنوان رئیس کمیته مرکزی اجرائی جمهوری فعالیت می کرد بنا به تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست به ارمنستان فرستاده شد تا رهبری حزبی و حکومتی شوروی را تحکیم بخشد. آلکساندر میاسنیکیان بعنوان رئیس شورای کمیته‌های خلق تعیین گردید. در اولین شورای کمیته‌های



آلکساندر میاسنیکیان

خلق شخصیت‌هایی چون آسکاناز مراویان بعنوان کمیسر امور خارجه، سوغوس ماکنسیان کمیسر امور داخله، آرامائیس یرزنگیان، کمیسر کشاورزی، آلکساندر نگزادیان کمیسر امور آذوقه و تجارت خارجی، آشوت هوانیسیان کمیسر فرهنگ، ساکو هامبارسومیان کمیسر بهداشت، آرتاشس کارینیان بعنوان کمیسر خلق در صنایع و غیره منصوب شدند. شخصیت برجسته حزبی س. لسوکاسیسیان (سراپیونیان) که وارد ارمنستان شده بود، بعنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان انتخاب شد.

در ۳۰ ژانویه ۱۹۲۲ اولین کنگره شوراهای ارمنستان تشکیل شد که اولین قانون اساسی ارمنستان شوروی را تصویب نمود.

فصل بیست و دوم

دوران سازندگی سوسیالیستی

۱- آغاز سازندگی سوسیالیستی در ارمنستان

خلق ارمنی بنای نظام نوین اجتماعی را در شرایط سختی آغاز نمود . دولت جوان شوروی یک کشور کاملاً از هم پاشیده به ارث برده بود . تولید ناخالص سال ۱۹۱۹ در مقایسه با ۱۹۱۳ ، ۱۲ مرتبه کاهش یافته بود . معادن و کارخانجات ذوب مس زانگزور و آلاوردی کار نمی کرد . ویرانی کامل بر حمل و نقل راه آهن حکم فرما بوده بسیاری از پل ها و مسیرها خراب شده بود و لوکوموتیو و واگون وجود نداشت . در همان دوره ، تولیدات ناخالص کشاورزی تقریباً ۶ مرتبه تقلیل یافته و منابع غذایی کشور تمام شده بود . برای خارج نمودن کشور از این وضع اسفناک ایجاد شرایط نرمال برای زندگی و برای تامین حداقل نیازهای ساکنین تلاشهای گسترده ای لازم بود .

روسیه شوروی در این دوران سخت ، در کار حل مسایل و مشکلات اقتصادی ارمنستان شوروی کمک های خود را نشان داد . هنوز در دسامبر ۱۹۲۰ ، و . ای . لنین اعضای کمیته انقلاب ارمنستان ، آ . مراویان و س . درگابریلیان را - که

در مورد اوضاع ارمنستان گزارشی را به رهبران دولت روسیه شوروی ارائه داده بودند. در مسکو به حضور پذیرفت. اگرچه خود رویه شوروی نیز در وضع بسیار سخت اقتصادی قرار داشت. شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی روسیه در ۱۳ دسامبر مسئله کمک مالی به ارمنستان شوروی را بررسی کرده و تصمیم به پرداخت ۶۰ هزار روبل طلا گرفت. در آغاز سال ۱۹۲۱ جمهوری، از روسیه شوروی به مقادیر معتدله غلات، پارچه، دارو و سایر کالاها دریافت کرد. در سال ۱۹۲۲ نیز روسیه اقدام به ارسال نان، بذر غلات، شکر، پارچه، دارو و نیز ماشین آلات و وسایل کشاورزی، دستگاه‌های موسسات ارتباطی، دستگاه‌های کارخانه پارچه بافی، که احداث آن بزودی در آلکساندرایول آغاز شد. نمود. جمهوری از آذربایجان شوروی، نفت، مواد نفتی، واحدهای نیز غلات و سایر کالاها را وارد می‌کرد.

در سال ۱۹۲۲ فدراسیون آذربایجان، ارمنستان و گرجستان تحت عنوان جمهوری شوروی فدراتیو سوسیالیستی ماوراء قفقاز تشکیل شد. ایجاد فدراسیون منوط به ضرورت استحکام دوستی متقابل خلقهای ارمنی، گرجی و آذری و تقویت همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین آنها بود.

در اواخر دسامبر ۱۹۲۲ اولین کنگره شوراهای در مسکو تشکیل شد و در مورد تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصمیم گرفت. راه بسط و تشکیل اتحاد شوروی قبالاً بوسیله ترقی و رونق جمهوری‌های ملی شوروی هموار گردیده بود. عهدنامه نظامی - سیاسی منعقد در دوران جنگ داخلی، جنبه واحد دیپلماتیک در شرایط محاصره کاپیتالیسم، همکاری‌های اقتصادی - که به ویژه در زمینه احیاء اقتصاد مردمی گسترش یافته بود - اینها و یک رشته عوامل دیگر تشکیل اتحاد شوروی را ایجاد می‌کردند.

شیوه جدید حکومتی، یعنی فدراسیون سوسیالیستی، چه منافع حیاتی تمام اتحادیه و چه تک تک جمهوری‌های ملی را تضمین می‌نمود. تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، تحول سوسیالیستی اجتماع، ترقی اقتصادی و فرهنگی کلیه جمهوری‌های ملی، استحکام آتی موافق بین‌المللی

حکومت چندملیتی زحمتکشان را تشویق و تحریک نمود.

حزب کمونیست ارمنستان و حکومت شوروی با اقدام به احیاء و استحکام اقتصاد مردمی، با رهنمودهای و. ای. لنین رهبری می‌شد تا عملیات احیاء کشاورزی و "بهبود وضع روستائیان و آغاز استعمال برق در کارها و عملیات وسیع در امر آبیاری" را به انجام برساند.

کمیته انقلاب جمهوری در ژوئن ۱۹۲۱ فرمانی در مورد مالیات مواد غذایی صادر نمود که براساس آن روستائیان بایستی به دولت حداکثر مالیات را بصورت مواد غذایی پرداخت کنند. بدین وسیله این امکان به روستائیان داده شد تا اضافه بر مصرف مواد را به بازارها ارسال دارند، به تجارت، آزادی داده شد که این امر باز هم به روستائیان کمک می‌نمود و براساس آن سایر رشته‌های اقتصاد نیز روند سریع صعودی پیدا می‌کرد. ملی شدن و صادره تولیدات خانگی و خرد ممنوع اعلام شد. این اقدام قصد داشت کالاهای مورد نیاز مصرفی ساکنین شهر و روستا را تأمین نماید، که اساساً بطریق صنایع خرد و خانگی تولید می‌گردید. سپس رفوم پولی انجام شد که به بی‌ارزشی پول پایان داده اوضاع مالی کشور را مرتب نمود. تمام این اقدامات جزئی از محتویات سیاست جدید اقتصادی (نپ) را تشکیل می‌داد. که تمام کشور در بهار ۱۹۲۱ آغاز به آن نموده بود. این دوران بعنوان دوران گذر از کاپیتالیسم به سوسیالیسم مشهور گردیده است.

در زمینه احیاء شبکه آبرسانی و آبیاری در جمهوری کارهای چشمگیری انجام شد. در تابستان ۱۹۲۲ سطح بهره‌مند از آبیاری بالغ بر ۹۰ درصد سطح آبیاری شده در سال ۱۹۱۳ را تشکیل می‌داد. در عین حال ساختمان کانالهای جدید گسترش یافت. ساختمان کانالهای اجمیادزین در ۱۹۲۳، اوجیلار در سال ۱۹۲۴ و آماشیراک در ۱۹۲۵ به اتمام رسید. کانال اخیر یکی از بزرگترین کانالهای تازه ساز شوروی در سالهای اول گردید و امکان آبیاری حدود ۱۰ هزار هکتار زمین را داد.

در سال ۱۹۲۵ احیاء و بازسازی کشاورزی ارمنستان اساساً پایان یافت.

در مقایسه با ۱۹۱۹، سطح زمینهای زیرکشت بیش از سه مرتبه افزایش یافت و تولیدات کشاورزی از سال ۱۹۱۳ افزون گردید. دامپروری در سال ۱۹۲۵ به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید. سیاست جدید اقتصادی راه ترقی روستا را بطور اساسی متحول ساخت. اگر در دوران کاپیتالیسم، پروسه فشراندی روستائیان بوقوع پیوست - که به سوی فزونی مشخص توازن خانوارهای مرفه و فقیر روستایی سیر می نمود اما از همان سالهای اول حکومت شوروی، روستائیان بسیار فقیر با دریافت زمین، احشام و احتیاجات کشاورزی، از وضعیت فقر به حالت متوسط صعود کردند، شمار آنها تدریجاً فزونی یافت. در عین حال، تعداد روستائیان فاقد زمین بسیار تقلیل یافت و مقیاس خانوارهای ارباب و مرفه کم شد.

فعالیت‌های احیاء و استحکام بخشی در تولیدات صنعتی نیز قسریست موفقیت بود. در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۱، کارخانه شراب و کنیاک "آزارات" در ایروان، کارخانه جات چرم، چند نیروگاه کوچک برق و موسسات دیگر بازسازی شد. در سالهای ۱۹۲۴-۱۹۲۳ کارخانجات شراب قامارلو، اجمیاد-زین و داولو شروع بکار کرد. در سال ۱۹۲۵ سطح تولیدات شراب و کنیاک ارمنستان به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید. در همان سال بازسازی موسسات تولیدی چرم سازی و پنبه پاک کنی به اتمام رسید. تا سال ۱۹۲۵ تقریباً تمام نیروگاهها بازسازی شدند و تولید انرژی برق نسبت به سال ۱۹۱۳، $\frac{3}{5}$ برابر افزایش یافت. در سال ۱۹۲۳ فعالیتهایی در جهت احیاء مهمترین رشته تولیدی ارمنستان - تولیدات مس - آغاز شد. در اینجا اختصاص مبالغ چشمگیری ضرورت یافته بود که توسط دولت متحده تامین شد. در نوامبر ۱۹۲۴ ذوب مس مجدداً در غاپان شروع گردید. در همان تاریخ استخراج از معادن مس آلاوردی دوباره از سر گرفته شد.

در عین حال اقداماتی در جهت بازسازی حمل و نقل انجام شد. وضع راه آهن مرتب شده و پلها، ایستگاهها و غیره مرمت گردید.

به موازات بازسازی اقتصاد مردمی، فعالیت‌هایی نیز در جهت ایجاد

رشته‌های جدید تولیدی بعمل آمد. در ۱۹۲۶-۱۹۲۵ ساختمان اولین موسسه تولیدات شیمیایی آغاز شد. در سال ۱۹۲۵ اولین محصول را کارخانه دخیانیت ایروان بیرون داد و در سال بعد کارخانه صابون و زیتون با به عرصه گذاشت. در سال ۱۹۲۵ کارهای ساختمانی نیروگاه‌های هیدرولیکی ایروان و لنیناکان شروع گردیده، احداث نیروگاههای جدید در سایر مناطق جمهوری نیز پیش بینی شد.

در سال اقتصادی ۱۹۲۶-۱۹۲۵ تولید ناخالص محصولات عمده ارمنستان به ۲۵ درصد سطح تولیدات قبل از جنگ صعود کرد. در سال ۱۹۲۸ تولیدات جمهوری به سطح ۱۹۱۳ رسید.

در طول سالهای احیاء اقتصاد مردمی، کارها با هیجان زیادی - که توده‌های زحمتکش جمهوری را تحت تاثیر قرار داده بود - به پیش می‌رفت. شکل روابط جدید اجتماعی، افشار وسیع مردم را به تحرک واداشت و آنها را به کار خلاقه تولیدی تشویق نمود. در کار بالا بردن سطح فرهنگ و بهزیستی مادی، موفقیت‌های چشمگیری نصیب زحمتکشان گردید. زندگی جدید ریشه‌های عمیقی دواند و روابط اجتماعی، معیشت و حیات را متحول ساخت. تحولات اجتماعی زحمتکشان تمام کشور و جمهوری توسط طرحها و خطوط مشی لنین در بنای سوسیالیسم رهبری می‌شد.

در ژانویه سال ۱۹۲۴، خلق شوروی و تمام بشریت پیشرو دچار فقدان عظیمی گردید، و ای. لنین بنیانگذار حزب کمونیست و اولین حکومت سوسیالیستی در جهان بدرود حیات گفت. زحمتکشان ارمنی نیز به همراه کلیه خلقهای شوروی با صوفی فشرده‌تر در گرد حزب کمونیست جمع شدند و با عزم راسختری در جهت عملی ساختن پیامهای رهبر بسیج شدند. دولت شوروی بنا به درخواست زحمتکشان آلکساندراپول، تصمیم گرفت آن شهر را بنام لنیناکان اسم گذاری کند.

اختتام موفقیت آمیز احیاء اقتصاد مردمی، به زحمتکشان جمهوری امکان داد تا همگام با سایر خلقهای شورمان، به رهبری حزب کمونیست،

اقدام به بنای ساختمان سوسیالیسم بنماید. دوران جدید ترقی ارمنستان با تجدید بنای اقتصاد مردمی و سازندگی سوسیالیستی، آغاز گردید.

۲- تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی - پیروزی سوسیالیسم

حزب کمونیست با اجرای طرح لنین در ساختمان سوسیالیسم، راه تجدید بنای سوسیالیستی اقتصاد مردمی را در پیش گرفت. برای استحکام بخشیدن به استقلال اقتصادی کشور و برای گسترش اجرای طرحهای سوسیالیستی و یکساز نهادن شیوه‌های سرمایه‌داری، رشد سریع تولیدات، توسعه وسایل تولید، ضرورت داشت. در سال ۱۹۲۵، چهاردهیم کنگره حزب کمونیست تشکیل و تصمیم به صنعتی کردن کشور گرفت. با اقدام به صنعتی کردن سوسیالیستی، حزب در عین حال مسئله از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی و فرهنگی را توسط توسعه صنعت در کلیه جمهوری‌ها، مطرح نمود.

تولیدات صنایع سنگین در ارمنستان توسعه کمی به همراه داشته بود. فقط کارخانجات ذوب مس به این گروه تولیدی تعلق داشت. پایان سردی دوران احیاء تولیدات مس، تجدید بنای تکنیکی موسسات تولیدی مواد غذایی و سبک و ایجاد رشته‌های جدید تولیدی مطرح گردیده بود. جز آن، زیربنای مستحکم انرژی برای اقتصاد مردمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. راه‌های ترقی صنعتی ارمنستان منوط به طرح توسعه اقتصادی تمام کشور بود. در سال ۱۹۲۸، طرحهای پنج‌ساله توسعه علمی اقتصاد مردمی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل شد، که دورنماهای چه توسعه اقتصادی سراسری کشور و چه توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق مختلف را پیش بینی می‌کرد.

در سالهای اول صنعتی شدن، تجدید بنای کارخانجات ذوب مس و معادن مس غابان و آلاوردی و توسعه فعالیتها در جمهوری آساشا سه پایان رسید. به همت فعالیت فداکارانه کارگران در این رشته تولیدی ارمنستان، راندمان کار بالا رفته و مقدار تولید افزایش یافت. به دوازده معادن و

کارخانجات، فعالیتهایی نیز در تجدید بنای تکنیکی و فنی آنها انجام می‌شد. در سال ۱۹۳۷ سطح تولیدات مس به مقیاس سال ۱۹۱۳ رسید و اما در ۱۹۴۰ این میزان ۴۷ درصد هم فزونی یافت.

در سالهای قبل از جنگ، چند رشته جدید تولیدی نظیر، شیمی، ماشین آلات، ریسمندگی، ایجاد شدند و مخصوصاً تولیدات مواد غذایی و مصالح ساختمانی رشد فراوانی نمود. در همان اوان، حدود صد موسسه بزرگ تولیدی ایجاد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت، منجمه کارخانجات شیمیائی آلکساندر ماسنیکیان در گیرواکان و سرگی گبروف در ایروان، کارخانه شیمیائی آلاوردی، کارخانه گوشت لنیناکان، کارخانه سیمان داوالو، کارخانه چوب ایروان و سایر واحدهای تولیدی. توجه ویژه‌ای به زیربنای انرژی و استفاده از مناسب هیدرولیک مبذول گردید، زیرا معادن زغال سنگ و نفت در جمهوری وجود



تاسیسات زوراکد

داشت. در سالهای سازندگی سوسیالیستی چند نیروگاه هیدرولیکی عظیم (کاناکر، زوراگد) و چند نیروگاه هیدرولیکی منطقه‌ای بناسد. تولید انرژی برق در جمهوری سرعت رو به افزایش نهاد. بدین سان اگر در سال ۱۹۱۹، کلاً ۱/۷ میلیون کیلووات ساعت انرژی برق تولید شده بود، در سال ۱۹۲۳ این رقم به ۲۰/۶ میلیون، در ۱۹۳۲ به ۵۳/۶ میلیون، در ۱۹۳۷ به ۲۵۸/۵ میلیون و در سال ۱۹۴۰ به ۳۹۵ میلیون کیلووات ساعت رسید. در مقایسه با ۱۹۱۳، در سال ۱۹۴۰ تولید نیروی برق در ارمنستان ۷۷ برابر افزایش داشت.

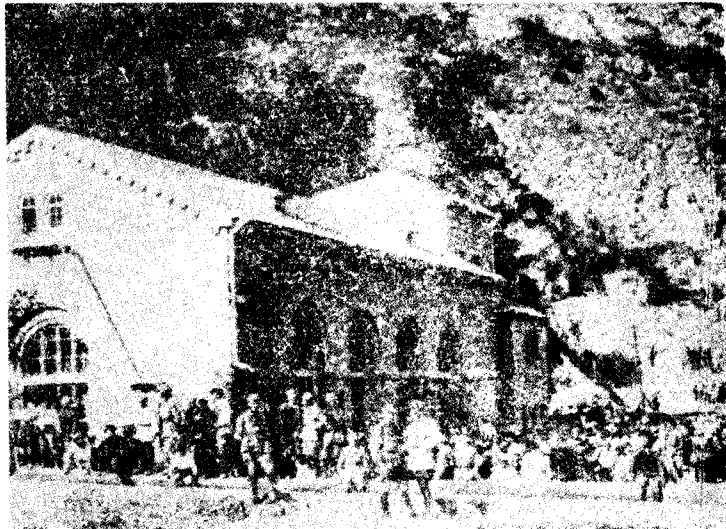
سطح تولیدات، روند صعودی چشمگیری داشت. تولیدات ارمنستان در سال ۱۹۲۸، ۸/۷ برابر بیش از سال ۱۹۱۹، در ۱۹۳۲، ۸/۸ برابر، در ۱۹۳۷، ۱۹ برابر، در ۱۹۴۰، ۳۲ برابر بیشتر بود. بویژه سطح تولیدات سنگین سریعاً پیشرفت می‌نمود. در سال ۱۹۴۰ محصولات تولیدی عمده ۱۷۲ مرتبه از سطح ۱۹۱۹ افزون‌تر شد. در نتیجه رشد سریع تولیدات، شالوده اقتصاد مردمی جمهوری عمیقاً متحول گردید. در سال ۱۹۳۲ میزان شاخص کل تولیدات اقتصاد مردمی به بیش از ۵۵ درصد، و در ۱۹۴۰ به ۸۰/۸ درصد رسید. این امر بدان معنی است که در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی، ارمنستان از کشور عقب مانده متکی به زمین به جمهوری پیشرفته صنعتی مبدل گردید.

در سال ۱۹۲۷، پانزدهمین کنگره حزبی تشکیل شد و در مورد جمعیتی نمودن^۱ کشاورزی تصمیماتی گرفت. طرح جمعیتی نمودن با سیاست قبلی حکومت شوروی در دهات آماده شده بود. در نیمه دوم دهه ۲۰، شاخص خانوادهای روستایی فاقد زمین یا کم زمین، تنزل نمود و شمار متوسطین افزایش یافت. حکومت شوروی با اتکاء به بی‌بضاعت‌ها و متوسطین در قبال قشر بسیار مرفه و غنی دهات^۲، سیاست‌های محدود کننده‌ای را اعمال می‌نمود. تا اجرای

1-Collectivism

۲- یا کولاک‌ها Kulak (ارباب روستایی) - م.

سیاست جمعیتی نمودن، اشکال مختلف تعاونی‌ها توسعه یافته و اولین کلخوزها و واحدهای شورایی ایجاد گردید.



اولین اقدام در الکتریفیکاسیون ارمنستان. افتتاح نیروگاه برق ایروان (۱۹۲۶)

در سال ۱۹۲۹ در ارمنستان همچون سراسر اتحاد شوروی، دوران عمومی جمعیتی نمودن آغاز گردید. حزب از مرحله محدود نمودن مالکیت اربابی به مرحله از بین بردن کلی آن پای نهاد. در ماه‌های اول جمعیتی نمودن، افزایش و رشد شدید کلخوزها در جمهوری چشمگیر بود. بدین ترتیب در نوامبر ۱۹۲۹، ۱۷۸ ولی یکماه بعد ۲۷۵ کلخوز در ارمنستان وجود داشت. رشد جنبش کلخوزها در آغاز سال ۱۹۳۰ هم ادامه یافت. لیکن در ارمنستان همچون تمام کشور، اشتباهات فاحشی در کار کلخوزها صورت گرفت. روند جمعیتی نمودن به نحو بی‌اساسی تسریع شده کلخوزهایی بطور عجولانه تشکیل یافت، اصل مهم و ای. لنین در مورد جنبش تعاونی یعنی رعایت عدم اجبار بر تعاونی

نمودن واحدهای زراعی روستایی، مختل گردید. تعجیلهای و اشتباهات انجام شده در کار جمعی نمودن، به این مسئله منتهی شد که در فوریه ۱۹۳۵، ۶۶۸ کلخوز در ارمنستان وجود داشت، اما برخی نواحی جمهوری بعنوان نواحی کلکتیواسیون سراسری اعلام گردید. به موازات اینها انواع دیگری از اختلالات بروز نمود. در برخی نواحی ارمنستان در قبال توده‌های اصلی روستایی یعنی طبقه متوسط، تدابیر اشتباهی اتخاذ گردید، اجازه تبدیل متوسطین به قشر کولاک داده شد و غیره. بخشی از کلخوزهای ایجاد شده برپایه‌های مستحکمی قرار نگرفته، سریعاً از هم پاشید.

حزب کمونیست اقداماتی در جهت رفع اشتباهات انجام شده بعمل آورد. کمیته مرکزی حزب با یک رشته تصمیمات خود جریان توسعه سازندگی کلخوزها را در مسیر نرسال خود قرار داد. در ارمنستان نیز کلخوزهایی که عجولانه ایجاد شده بودند از هم پاشیدند، فعالیتهای شدید توجیهی در قبال این مسایل در روستاها آغاز شد. روند ایجاد کلخوزها با شرایط موجود در جمهوری هماهنگ گردید. در اثر اینها، پروسه جمعی نمودن روند کندتر و طبیعی مداومت بر خود گرفت. در سال ۱۹۳۲، طرح جمعی نمودن، ۳۷/۹ درصد واحدهای زراعی روستایی را در تمام ارمنستان دربر گرفته بود. در سالهای بعد کلکتیویسم روند سریعتری خود گرفت. در سال ۱۹۳۸، ۹۱/۹ درصد و در ۱۹۴۰، ۹۸/۳ درصد از واحدهای زراعی روستایی کلکتیو گردیده بود. در این زمان ۹۹/۹ درصد از تمام زمینهای زیرکشت جمهوری به کلخوزها تعلق داشت.

عملی شدن برنامه تعاونی لنین به تحول کامل در مناسبات اجتماعی - سیاسی دهات منجر شد. به وجود آخرین طبقه استعمارگر کشورمان یعنی کولاکها پایان داده شد. واحدهای کوچک زراعی روستایی - خط مشی واحدهای بزرگ را در پیش گرفتند. برای کشوری چون ارمنستان - که اکثریت جمعیت آن به کشاورزی اشتغال داشت - این تغییرات اهمیت قاطعانه‌ای به همراه داشت. کلکتیویسم، پیمان روستائیان با طبقه کارگر را مستحکمتر نموده راه را برای

نزدیکی شهر و روستا هموار نمود. تحولات عظیمی در زندگی معنوی روستایی ارمنی بوقوع پیوست. سیستم جدید روابط اجتماعی به این مسئله کمک نمود که روستایی را نیز در فعالیتهای انجام شده در جهت بهبود تمام اجتماع شرکت داد. نحوه و شیوه تولید در کلخوزها شرایط مناسبی برای توسعه محصولات کشاورزی بوجود آورد.

برقراری روابط تولیدی سوسیالیستی در تمام زمینه‌های اقتصاد مردمی موجب پیروزی سوسیالیسم گردید، همچون تمام کشور، در ارمنستان نیز اقتصاد نوین سوسیالیستی بوجود آمد.

مشکلات بنای سوسیالیسم اساساً متوجه سبلی گردید که انقلاب کرده در راه تحکیم حکومت شوروی و تحدید بنای اقتصاد مردمی مبارزه نموده بود. کمونیستها در اولین صفوف بناکنندگان سوسیالیسم قرار داشتند. کمونیستهای ارمنستان به همراه تمام حزب، برای فشرده نگه داشتن صفوفشان مبارزه می نمودند و به تمام گروههای ایوریسیون در حزب - که سعی در منحصر صرف ساختن زندگی حزب از اصول لنین داشتند - ضربه وارد می ساختند. سازمانهای حزبی جمهوری، با استثناء ناچیزی، به خط مشی حزبی لنین وفادار ماندند. آقاسی خانجیان و ساهاک در - کابریلیان از رهبران حکومتی و حزب کمونیست جمهوری، خدمات عظیمی در جهت بالا بردن حس مبارزه و بنای سوسیالیسم و تحرک بخشیدن به کارگران انجام دادند.

در سالهای سازندگی سوسیالیسم، فعالیت ابداعی کارگران به رشد خود ادامه می داد. توده‌های وسیع کارگران، روستائیان و متفکرین جمهوری فعالیت در اقدامات سیاسی و اقتصادی شرکت می ورزیدند. پیشرفت طرحهای پنجساله توسعه اقتصاد مردمی کشور در شوراهای محلی و نهادهای کارخانجات، شوراهای روستایی، صفحات جراید بررسی می شد و در قبال اجرای آنها وظایفی مورد تقبل قرار می گرفت. موفقیت چشمگیر و جدید در سازندگی سوسیالیستی بعنوان یک جشن عمومی تلقی می شد.

در این سالهای سازندگی شدید، فعالیت ابداعی توده‌ها، جنبش قوی رقابتی سوسیالیستی را پدید آورد، که تمام زمینه‌های اقتصاد را دربر گرفت. رقابت سوسیالیستی در تمام کشور بصورت اولین دوره کار داوطلبانه کمونیستی تا جنبش استاخانوف جریان یافت، جنبشی که در اواسط دهه ۳۰ گسترش زیادی نیز در ارمنستان داشت. رقابت سوسیالیستی بصورت عامل مهمی در بالا بردن راندمان کارها عمل می‌کرد. زحمتکشان جمهوری در جنبش نویین تولیدی شرکت می‌نمودند. در سالهای جمعی نمودن کشاورزی، کار همراه با کمک دوستانه جمعی در واحدها بطور گسترده در جمهوری معمول گردید که یکی از اشکال کمک طبقه کارگر به روستائیان برای پیشرفت در خط مشی جدید بود.

زنان در زندگی تولیدی و اجتماعی - سیاسی کشور فعالانه شرکت نمودند. جوانان و بویژه کمونیست‌ها به انجام کارهای حیرت‌آور دست زدند.

موفقیتهای سازندگی سوسیالیسم، امکان بالا بردن سطح بهزیستی مردم را فراهم آورد. در شهرهای جمهوری ساختمان واحدهای مسکونی گسترش یافت و شکل روستا تغییر نموده سطح فرهنگی آن بالا رفت. در سال ۱۹۳۵ سیستم کارت‌های مواد غذایی لغو شد. زحمتکشان رفاه و برکت زندگی نو را بطور واقعی احساس نموده به بهره‌جویی از ثمرات کار فداکارانه خود پرداختند.

فتوحات و موفقیتهای مردم شوروی در اثر خودکامگی ی. استالین یعنی وقتی که اصول لنین در رهبری جمعی و زندگی درون - حزبی زیر پا گذاشته می‌شد و موعد تشکیل کنگره‌های حزبی مختل می‌گردید افول نمود. در نیمه دوم دهه ۳۰، قوانین سوسیالیستی شدیداً در معرض خطر و اختلال قرار گرفت. این پدیده‌ها زبان سختی بر کشور تحمیل نموده، ترقی طبیعی نظام اجتماعی شوروی را دشوارتر کرد. لیکن با این وجود، اینها نمی‌توانستند ماهیت نظام سوسیالیستی را تغییر داده و فتوحات و موفقیتهای عظیم اقتصادی و فرهنگی مردم شوروی را متوقف سازند. ترقی نظام اجتماعی شوروی در مسیر پیشرو خود جریان می‌یافت.

پیروزی سوسیالیسم اوضاع سیاسی - اجتماعی کشور را از زیر و بسن متحول ساخت. به موازات پروسه طرد طبقه استثمارگر، عللی که منجر به محدودیت دموکراسی شوروی می‌شد، نابود گردید. زمینه‌هایی نیز در جهت دموکراتیک نمودن آتی نظام اجتماعی و حکومتی شوروی بوجود آمد. این تحولات و موجد اصلی پیروزی سوسیالیسم انعکاس خود را در قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - که در دسامبر ۱۹۳۶ تصویب گردید - یافتند. بر اساس قانون اساسی جدید، فدراسیون ماوراء قفقاز - که از نظر تاریخی نقش خود را ایفا نموده بود - لغو شد. جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان بصورت جمهوری متحده و یکی از جمهوری‌های متساوی الحقوق اتحاد شوروی درآمد.

در مارس ۱۹۳۷، نهمین کنگره فوق‌العاده شوراهای ارمنستان، قانون اساسی جدید جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را بتصویب رساند که در آن تحولات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی ایجاد شده در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی در ارمنستان، انعکاس یافته بود. در سال ۱۹۳۸ برای اولین مرتبه در جمهوری، بر اساس قانون اساسی جدید، انتخابات عالیترین ارگان حکومتی یعنی شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان انجام شد.

در اواخر دهه ۳۰، در ارمنستان مانند سراسر اتحاد شوروی، تجدید بنای سوسیالیستی تمام زمینه‌های اقتصاد مردمی بپایان رسید و نظام سوسیالیستی بطور اصولی پایه‌ریزی شد. خلق ارمنی با عملی ساختن طرحهای لنین در طول بیست سال اول حکومت شوروی، به موفقیتهای بی‌سابقه‌ای دست یافت. از ویرانه‌ها به سوی تولیدات پیشرفته معاصر، از رکود اقتصادی و قحطی به کشاورزی ماشینیزه، از جهل و بی‌سوادی به قله‌های فرهنگ و علوم، اینست مسیری که خلق ارمنی در طول سالهای سازندگی سوسیالیسم پیمود.

در اثر پیروزی سوسیالیسم، ساختمان طبقاتی جمعیت جمهوری متحول شد. طبقه استثمارگر برای همیشه از بین رفت. همچون تمام اتحاد شوروی

در ارمنستان نیز طبقه کارگر، دهقانان کلخوزها و متفکرین در جای مستحکم خود باقی ماندند.

افزایش محسوس جمعیت شهری - که منوط به توسعه شدید صنایع بود - یکی از نکات قابل ذکر برای سازندگی سوسیالیسم در طول سالهای قبل از جنگ می باشد. اگر در سال ۱۹۱۳ درصد افزایش جمعیت شهری ارمنستان ۱۰/۴ بود این رقم در سال ۱۹۲۶ به ۱۹ و اما در ۱۹۳۵ به ۲۸/۶ درصد رسید.

هنوز در سالهای ۱۹۲۰، دولت ارمنستان شوروی اقداماتی در جهت برگشت آرامنه خارج به وطن انجام داده بود.

پس از جنگ اول جهانی، مهاجرنشینهای قدیمی موجود در برخی کشورهای اروپایی و آسیایی از نجات یافتگان کشتارهای آرامنه در ارمنستان غربی و ترکیه پر شدند. بزرگترین مهاجرنشینها در سوریه، مصر، یونان، بلغارستان، فرانسه، رومانی و ایالات متحده آمریکا واقع بودند. از اواسط دهه ۲۰ مهاجرنشینهای مشابهی نیز در کشورهای کانادا و آمریکای لاتین بوجود آمدند.

در مهاجرنشینهای ارمنی، احزاب داشناکوتیون، هونچاک و رامکاواری - آزاداکان^۳ به فعالیت خود ادامه می دادند. اگر هونچاکها و آزاداکانها ارمنستان شوروی را برسمیت شناختند و معتقد بودند که کمک همه جانبه به توسعه و پیشرفت میهن اجتناب ناپذیر است، ولی حزب داشناکوتیون سیاست ضد شوروی خود را در خارج ادامه داد. کمونیستهای ارمنی در کشورهای خارج در احزاب ممالک مزبور عضویت می یافتند و حتی در کشورهای فرانسه، بلغارستان، یونان و ایالات متحده آمریکا برای مدتی در کنار احزاب کمونیست، بخش ارمنی نیز وجود داشت.

در اولین سالهای حکومت شوروی، دولت ارمنستان فعالیت شدیدی

۳- حزبی که در سال ۱۹۲۱ با اتحاد احزاب رامکاواری و آزاداکان بوجود آمد هدف عمده آن آزادی سرزمینهای اشغالی توسط ترکیه و الحاق آنها به ارمنستان شوروی و تشکیل حکومت بزرگ ارمنی می باشد - م.

برای تعیین جهت صحیح توده های زحمتکش ارمنی خارج انجام داده می کشید، اطلاعات صحیحی در مورد ارمنستان شوروی به آنها بدهد. بدین منظور برخی شخصیت های برجسته اجتماعی و فرهنگی نظیر هوانس تومانیان، یغیشه چارنتس، د. درسیمونیان، آ. یوزنکیان و سایرین به مهاجرنشینهای ارمنی اعزام می شدند. در سال ۱۹۲۱، کمیته کمکهای ارمنستان (ه.ا.ک.)، ارگان اصلی حکومت در ایجاد پیوند میان مهاجرنشینهای ارمنی و میهن تاسیس شد. کمیته کمکهای ارمنستان شعب خود را در بسیاری از مهاجرنشینهای ارمنی خارج بوجود آورد.

در مهاجرنشینهای ارمنی، جنبشی برای مهاجرت به وطن ایجاد شد. اگر چه داشناکها به هرنحوی در این کار ایجاد اختلال می کردند، باوجوداین در آخر سال ۱۹۲۱ اولین کاروان مهاجرت به وطن از عراق به ارمنستان شوروی حرکت کرد. صرف نظر از اوضاع وخیم حاکم بر کشور دولت ارمنستان شوروی اقدامات ضروری در جهت قبول مهاجرین، برای تقسیم زمین، دادن کار به آنها و غیره انجام داد. در سالهای ۱۹۲۵-۱۹۲۴، از ایران، ترکیه، یونان، فرانسه و سوریه حدود ۲۰ هزار نفر به میهن برگشتند.

مهاجرت به وطن در سالهای بعد نیز ادامه یافت. در طول سالهای ۱۹۲۹-۱۹۲۶ حدود ۶ هزار ارمنی از ترکیه، یونان و فرانسه به میهن برگشتند. در اثناء سالهای ۱۹۳۳-۱۹۳۲ کاروانهای جدید مهاجرین از بلغارستان، یونان و سایر ممالک راهی وطن گشتند. در ۱۹۳۶، حدود دو هزار نفر از فرانسه به میهن برگشت. در طول سالهای ۱۹۳۶-۱۹۲۱ بیش از ۴۲ هزار نفر به ارمنستان شوروی مهاجرت نمودند. همه آنها جزو اتباع جمهوری درآمدند و کوشش خود را در کار سازندگی سوسیالیسم بکار گرفتند.

در عین حال اتحادیه های میهنی آرامنه خارج با اقدامات میهن - دوستانه خود در مورد ساختن مناطق مسکونی در ارمنستان شوروی و نامگذاری آنها با اسامی شهرهای ارمنستان غربی - که ایشان و نیاکانشان در آنها زیسته بودند - ظاهر گردید. دولت شوروی به این جنبش کمک نمود. بر روی

نقشه ارمنستان شوروی شهرها و مناطقی با اسامی آرابگیرنو، بوتانیای نو، خاربرد نو، مالاتیای نو، سیاستیای نو پیدایش یافت.

۳- ترقی فرهنگی ارمنه شوروی

تحولات عظیم اقتصادی کشور، اساس ترقی فرهنگی را فراهم نمود. توأم با صنعتی شدن و تجدید بنای سوسیالیستی کشاورزی، انقلاب فرهنگی نیز تحول عمیقی در زندگی مردم بوجود آورد. در مدت کوتاه تاریخی، خلق ارمنی مسایل مهم ترقی فرهنگی خود را حل نمود. یکی از آنها نابودی جهل و بیسوادی مردم بود.

فعالیت‌های انجام شده در جهت نابود ساختن بیسوادی در جمهوری، از همان اولین ماههای حکومت شوروی آغاز شد. در سپتامبر ۱۹۲۱ دولت ارمنستان شوروی مصوبه‌ای برای از بین بردن بیسوادی صادر نمود. ارگانهای آموزشی مردمی، سازمانهای اجتماعی، اتحادیه‌های صنفی، حزب کمونیست و مراکز جوانان کمونیست مشغول به فعالیت شدند. در طول سالهای ۱۹۴۰-۱۹۲۱ حدود یک میلیون بیسواد و نیمه سواد، یعنی اکثریت قاطع زحمتکشان، خواندن و نوشتن آموختند. براساس داده‌های سرشماری، درصد باسوادهای بزرگسال ارمنی در سال ۱۸۹۷، ۹/۲، در ۱۹۲۶، ۳۸/۷، اما در ۱۹۳۹، ۸۳/۹ درصد بوده است. بدین ترتیب در طول سالهای سازندگی سوسیالیستی ارمنستان شوروی از سطح عالی باسوادها برخوردار گردید.

پس از استقرار حکومت شوروی، فعالیت زیادی برای آموزش مدارس انجام شد. مدرسه از کلیسا تفکیک گردید و رهبری کل آموزش و پرورش مردم در اختیار حکومت قرار گرفت. امر کسب تعلیمات برای زحمتکشان امکان پذیر شد. صرف نظر از شرایط سخت حاکم بر کشور، حکومت شوروی اقداماتی برای ساختن مدرسه انجام داد. در سالهای اولیه حکومت شوروی شمار مدارس و محصلین آنها در جمهوری افزایش یافت. در سال تحصیلی ۱۹۲۲-۱۹۲۱،

۵۰۶ مدرسه و ۴۷/۷ هزار محصل، اما در سال تحصیلی ۱۹۲۶-۱۹۲۵، ۷۵۸۰ مدرسه و ۷۶/۹ هزار محصل وجود داشت. در سالهای اولیه حکومت شوروی یک رشته رفرمهایی انجام شد که سیستم و محتوای تحصیلی را دگرگون ساخت. گسترش شبکه مدارس و افزایش چشمگیر معلمان در آغاز سال ۱۹۳۰، امکانات را برای تحصیلات کامل ابتدایی و سپس گام نهادن به مرحله تحصیلات اجباری هفت ساله مهیا ساخت. این مسئله یکی از موفقیت‌های عظیم انقلاب فرهنگی بود. در سال تحصیلی ۴۱-۱۹۴۰، ۱۱۵۵ مدرسه در ارمنستان وجود داشت، که بخش عظیمی از آن مدارس هفت ساله و دبیرستان بود. و اما شمار دانش‌آموزان به ۳۲۶ هزار رسیده بود. بیش از ۱۱۲۰۰ معلم یا ده برابر بیش از ارمنستان دوران ماقبل حکومت شوروی مشغول بکار بودند.

همچنین سیستم آموزش عالی نیز برقرار شد. آغاز آن تاسیس دانشگاه دولتی ایروان در دسامبر ۱۹۲۰ بود که هاکوپ ماناندیان تاریخدان برجسته ارمنی بعنوان اولین رئیس آن انتخاب شد. در دوران اولیه، این دانشگاه تنها موسسه آموزش عالی در جمهوری بود. در اینجا نه تنها کارآموزی بلکه فعالیتهای علمی نیز صورت می‌گرفت. در اوایل دهه ۳۰ براساس دانشکده‌های دانشگاه، انستیتوهای کشاورزی، پلی تکنیک، آموزش و پرورش، پزشکی و غیره در ارمنستان تاسیس شدند. به جز اینها، کنسرواتوار و انستیتوی دامپزشکی نیز در جمهوری مشغول بکار شده بودند. بدین سان، شبکه موسسات آموزش عالی برای تربیت متخصصین در سطح عالی برای اقتصاد مردمی ایجاد شد.

کار آموزش تخصصی متوسطه متشکل گردید. در ایروان، لنیناکان، گیرواکان، اجمیادزین و سایر شهرها، تکنیکوم‌های تخصصی مختلف



هاکوپ ماناندیان

ایجاد گردید که برای رشته‌های گوناگون اقتصاد مردمی متخصصین متوسط تربیت می‌نمودند. در سال تحصیلی ۴۱-۱۹۴۰ در جمهوری ۹ موسسه آموزش عالی با ۱۱۱۲۰ دانشجو و ۶۲ تکنیکوم که در آن ۹۰۰۰ دانشجو مشغول تحصیل بودند، وجود داشت. در بیست سال اول حکومت شوروی ۷۲۵۰ نفر از موسسات آموزش عالی و ۱۳۳۰۰ نفر از تکنیکومهای ارمنستان فارغ التحصیل شدند. براساس داده‌های سرشماری سال ۱۹۳۹، از هر هزار نفر جمعیت ارمنستان ۶ نفر دارای تحصیلات عالی و ۸۱ نفر تحصیلات عالی ناتمام داشتند.

دولت شوروی با بهره‌جویی از اصول سیاست ملی لنین - که حزب کمونیست پیرو آن بود - در سالهای ۳۰-۱۹۲۰ توجه خود را به مسئله بالا بردن سطح فرهنگ آذربایجانی‌ها، کردها، آشوری‌ها، یونانیها، اقلیت‌های ملی ساکن در ارمنستان مبدول داشت. تا برقراری حکومت شوروی در ارمنستان هیچ مدرسه‌ای با زبان اقلیت‌های ملی دایر نبود. کردها خط و کتابت خود را نداشتند و کار آموزش و پرورش جمعیت آذربایجانی به مساجد محول شده بود. فعالیتهای شدیدی در جهت ریشه‌کن نمودن بیسوادی در بیمن آذربایجانی‌ها، کردها و آشوری‌ها انجام گردید. الفبای کردی خلق شد که

در ابتدا براساس حروف ارمنی ولی سپس بر پایه لاتین قرار داشت. در سال ۱۹۳۱ تکنیکوم تربیتی کردها در ایروان تاسیس شد. آموزش اجباری، بصورت اساسی برای ترقی آتسقی فرهنگ اقلیت‌های ملی درآمد.

اولین قدم‌های ترقی علوم در ارمنستان منوط به موسسات آموزش عالی بویژه دانشگاه دولتی ایروان است.

در کرسی‌های دانشگاه فعالیت وسیع در سطح عالی صورت می‌گرفت که جریان آن منوط



هراچیا آخاریان

به نیازهای ترقی اقتصاد مردمی کشور بود. در عین حال موسسات تحقیقات علمی هم تاسیس می‌یافت. در سال ۱۹۲۵ انستیتوی علوم و هنر ارمنستان بنیان نهاده شد، که یک موسسه علمی بغرم آکادمی بود. اعضای اصلی و مکاتبه‌ای انستیتو برای سه سال انتخاب



مانوک آغبیان

می‌شدند. اولین اعضای اصلی انستیتو منتخب دولت، دانشمندان برجسته و شخصیت‌های هنری بودند منجمله دکترها، واهان آرزرونی و هامبارسوم کچک، شیمیدانها هاکوب هونسیان ولون وستیکیان، تاریخدانها، هاکوپ ماناندیان، لئو، پرواندلالایان قوم شناس، آشخاریک کالانتار باستانشناس، زبان‌شناسها هراچیا آخاریان و گریگور غاپانتسیان، ادبا، مانوک آغبیان، آرسن یردریان، نویسندگان

یغیشه چارنتس و درنیک دمیرچیان، مارتیروس ساریان، نقاش، موسیقیدانها آلکساندر اسپندیاریان، رومانوس ملیکیان و سایرین. فعالیتهای ترقی علوم انسانی و طبیعی تکنیکی در ارمنستان توسط انستیتوی علوم و هنر انجام و رهبری می‌شد. مهمترین رشته، علوم اجتماعی بود که با خط مشی علوم اجتماعی و با شرکت کادر عالی علمی و سابقه موجود در این رشته جریان می‌یافت. ولی در اواخر دهه ۲۰، علوم که بانیازهای توسعه اقتصاد مردمی جمهوری وابسته بود مورد توجه خاصی قرار گرفت. اساس تجربی آنها نیز پایه‌ریزی شد. این کار ابتدا در کنار آزمایشگاههای موسسات آموزش عالی ولی بعدها بصورت موسسات تحقیقات علمی مستقل جامه عمل می‌پوشد. تحقیقات چشمگیری که در رشته شیمی انجام شده بود به تاسیس مدرسه شیمی منجر گردید که ریاست آن با استپان غامباریان ولون وستیکیان بود. تحقیقات انجام شده در زمینه هیدروتکنیک که توسط یوسف در - استوازیاریان، مهندس برجسته انرژی انجام شده بود، به ترقی زمینه‌های انرژی در ارمنستان

تحرك بخشيد. در مورد زمين شناسي کاربردي فعاليتهاي وسيعي صورت گرفت كه بوسيله هوانس کاراپتيان و تيگران جرباشيان رهبري مي شد.

در مدت كوتاهي انستيتوهاي مختلف علمي چون انستيتوي كشاورزي، انستيتوي حفظ نباتات، انستيتوي زمين شناسي، انستيتوي ساختمان و غيره تاسيس شد. در اوایل دهه ۳۰، حدود ۴۰ انستيتوي علمي در ارمنستان وجود داشت. ترقی فکر علمي در جمهوري تحت تاثير مستقيم تمام موفقيتهاي علمي شوروي قرار داشت. در سازماندهي كارها و فعاليتهاي علمي ارمنستان، دانشمندان برجسته‌اي چون ن. مار، ه. اوربلي، ف. لويسون - لسینگ، ن. واويلف و سايرين شركت مي نمودند.



استپان غامباريان

تشكيل بخش ارمني آكادمي علوم اتحاد جماهیر شوروي سوسياليستي در فوریه ۱۹۳۵ كه مركزي براي اتحاد نيروهاي علمي گرديد يك واقعه بسيار مهم در زندگي علمي جمهوري بود. بخش چشمگيري از انستيتوهاي تحقيقات علمي جمهوري در زير چتر بخش ارمني آكادمي قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸، آكادميسين هوسپ اوربلي، شرقشناس برجسته شوروي بعنوان رئيس بخش ارمني آكادمي علوم اتحاد جماهیر شوروي سوسياليستي انتخاب گرديد كه در

كار ترقی علوم در جمهوري نقش بزرگي ايفا نمود. كادر علمي افزايش يافت، زمينه تحقيقات علمي گسترش پيدا کرده و فكر علمي با نيازهاي سازندگي اقتصاد بيشتر عجین گرديد.

پيروزي حكومت شوروي در ارمنستان شرايط را براي ترقی و رونق زياد هنر و ادبيات خلق ارمني مهيا ساخت. در خلق ادبيات ارمني شوروي، قبل از هر شخصي، شاعر پرولتاريائي قبل از انقلاب هاكوپ هاكوپيان، نثر نويس مۇسس آرازي، شاعره شوشانيك كورغينيان، اديبها و منفدين ماركسيست

آلكساندر مياسنيكيان، بوغوس ماكينسيان، آسكاناز مراويان، آرتاشس كارينيان و سايرين شركت نمودند.



هوانس تومانيان

در راس تشكيلات ادبي ارمني شوروي، استادان برجسته، مولفين ادبيات كلاسيك ارمني، نمايندگان جريان دمكراتيك، هوانس تومانيان، هوانس هوانيسيان، نار - دوس، و نيز نويسندگان مشهور در نيسك دميرچيان، استپان زوريان، واهان توتوونتس و سايرين قرار داشتند. اين نويسندگان كه هميشه مبين آرزوها و اميدهاي خلق ارمني بودند، نمي توانستند تحولات عظيم ايجاد شده به همت حكومت جديد را، در زندگي مردم خود نادیده بگيرند. آنها انتخاب خود را انجام دادند،

به طرف حكومت مردم ملحق شدند. آلكساندر شيروانزاده و آوتيك ايساهاكيان - كه در اين هنگام در خارج اقامت داشتند - به مبين آزاد شده لبیک گفتند. تحولي كه در افكار اين نمايندگان نامدار ادبيات ارمني بوجود آمد تاثير بسزاي خود را بر متفكرين پيشرو خارج از مبين گذاشت.

در شكل گيري ادبيات ارمني شوروي همچنين نويسندگاني تاثير خود را نهادند كه در مبارزه براي پيروزي حكومت شوروي شركت نموده بودند نظير يغيشه چارنتس، آزاد وشتوني و سايرين.

در ادبيات هنري، مسئله تمرکز نيروهاي خلاقه برروي شالوده‌اي نو و اصول رئاليسم سوسياليستي و بهره‌مندی از ميژاٲ دمكراتيك ادبيات كلاسيك

مطرح گردید. اگر چه نیهیلیسم تاحدودی در رابطه با فرهنگ گذشته رونق یافت ولی ادبیات ارمنی شوروی بر مشکلات خود بر سر راه جریان تکاملی فایق آمد و توانست سلوک صحیحی با فرهنگ کلاسیک خود داشته باشد. در سال ۱۹۲۹ سازمان واحد نویسندگان، یعنی فدراسیون نویسندگان ارمنستان شوروی، تاسیس شد، نیروهای خلاقه ادبی ارمنی متشکل و متحد گردید و تاثیر بزرگی بر روی ترقی ادبیات ارمنی شوروی نهادند.



آوتیک ایسهاکیان

سالهای ۳۰-۱۹۲۰ سالهای پررونق ادبی در ارمنستان بود. شاعر بزرگ ارمنی شوروی، یغیشه چارنتس، شعرای برجسته گورگن ماهاری، گغام ساریان، نائیری زاریان، نثرنویسان و استادان مسلم هنر، آکسل باگونتس، درنیک دیمیرچیان، استان زوریان به خلق آثار پرداختند. در سال ۱۹۳۶، شاعر بزرگ ارمنی، آوتیک ایسهاکیان به ارمنستان برگشت. در سالهای دهه ۳۰ نسل جدیدی از نویسندگان پا به عرصه ادبیات

ارمنی نهادند منجمله هراچیا کوچار، گ. سوونتس و عده‌ای دیگر از نویسندگان جوان. در سال ۱۹۳۲ اتحادیه نویسندگان ارمنستان شوروی تاسیس شد که هماهنگی و گرد هم آبی نویسندگان را استحکام بخشید.

در شکل گیری نقاشی ارمنی شوروی استادان برجسته‌ای چون مارتیروس ساریان، سیدراک آراکلیان، استان آفاجانیان، یغیشه تادوسیان و هاکوپ کوچویان شرکت نمودند و تاثیر بزرگی بر روی ترقی هنرهای نقاشی و مجسمه سازی نهاده گوناگونی و چند جانبه بودن مکتب نقاشی هنری را بنیان نهادند.

مجسمه‌سازها آراسارگسیان و سورن استپانیان موفقیت‌های چشمگیری بدست آوردند.



یغیشه چارنتس

نمایندگان برجسته هنر موسیقی عبارت بودند از موسیقیدان نامدار آلکساندر اسپندیاریان، نیکوگایوس تیگرانیان، رومانوس ملیکیان، اسپیریدون ملیکیان، آنوشاوان درغوندیان، که آثار آنها تحول عظیمی در موسیقی ارمنی بوجود آورد. در تاریخ موسیقی ارمنی بویژه شهرت آلکساندر اسپند - یاریان قابل شتایش فراوان است. آثار سمفونیک، رومانس‌ها و آوازهای وی که از اعماق موسیقی مردمی سرچشمه می‌گیرند

برای موسیقیدان پرفرجه شهرت جهانی کسب نمودند. آثار آلکساندر اسپندیاریان بر روی سیر ترقی هنر موسیقی ارمنی شوروی تاثیر بسزائی نهاد. افتتاح تئاتر اپرای دولتی در سال ۱۹۳۳ واقعه بسیار مهمی در زندگی موسیقی جمهوری بود و شاهکارهای هنر اپرای ملی در آن به روی صحنه آمد، منجمله "آلماست" اثر آلکساندر اسپندیاریان و "آنوش" اثر آرمین تیگرانیان. در تئاتر اپرا همچنین آثار موسیقی کلاسیک جهانی و روسیه نیز به اجرا درآمد. در سالهای دهه ۳۰، نیروهای اجرایی تئاتر را استادانی چون هایکانوش دانیلیان - که اولین چهره هنری ارمنی بود که لقب آرتیست مردمی اتحاد شوروی را کسب نمود - شارا تالیان، پاول لیسیتسیان و سایرین تشکیل می‌دادند. در سال ۱۹۳۲ فیلارمونیک ارمنستان ایجاد گردید که نیروهای خلاقه آن فعالیت زیادی در گسترش و اشاعه و تبلیغ موسیقی ملی ارمنی انجام داده، مضار ارمنی را با بهترین آثار جهانی نیز آشنا ساختند. در سالهای دهه ۳۰ یک عده موسیقیدانان جوان پا به عرصه موسیقی

در سالهای بعد فیلمهای سینمایی "زاره"، "روح خبیث"، "سیاستمداران مکزیک" و غیره تولید شد. فیلم "پیو" - که در سال ۱۹۳۵ توسط کارگردان هاموگرادیان ساخته شد - بزرگترین موفقیت هنر سینمایی ارمنی بود. در سالهای بعد فیلمهای "گیکور"، "زانگور"، "ماهگیران سوان" و غیره - که بهترین نیروهای هنرپیشه جمهوری در آن ها شرکت داشتند - ساخته شدند.

آکادمیسین الکساندر تامانیان (۱۸۸۵-۱۹۳۶) - که طرح اصلی توسعه شهر ایروان را به نحو درخشانی آماده کرده بود - نقش فوق العاده بزرگی در کار سازندگی، بازسازی هماری و شکل گیری پایتخت ایفا نمود. با طرحهای او بسیاری بناهای باشکوه و منجمد ساختمان دولتی (مقر حکومت - م. م.)، ساختمان ایرا و باله دولتی، بنا گردید.

در زمینه مطالعه معماری چندین قرنیه ارمنی، دانشمند برجسته مهندس توروس تورامانیان (۱۸۶۴-۱۹۳۶) کارهای عظیمی انجام داد.

در طول بیست سال اول حکومت شوروی، ارمنستان مهد پرآوازه فرهنگ شکوفان خلق ارمنی گردید. این پیروزی، بزرگ بود زیرا مراکز فرهنگی ارمنی قبل از انقلاب، در خارج از ارمنستان اصلی قرار داشت. تاسیس حکومت ارمنی و امکانات وسیع ایجاد شده برای ابداعات معنوی، بزودی ارمنستان را به مرکز عظیم زندگی فرهنگی تبدیل نمود، که در آن، فرهنگ، زبان، ادبیات، هنر و علوم مردمی ترقی یافت.



الکساندر اسپندیاریان

نهادند که بویژه آرام خاچاطوریان پیشتر آنها گردید. موسیقی دانان آنتسون مائیلیان، هارواستپانیان و سایرین آثاری با سبکهای گوناگون ابداع نمودند. هنر تئاتر موفقیتهای چشمگیری بدست آورد. در ژانویه ۱۹۲۲ با نمایش پیس "پیو" اثرگ. سوندوکیان، تئاتر دراماتیک دولتی ارمنستان افتتاح گردید که استادان مسلم صحنه، هوانس آبلیان، هاسمیک، آروس- وُسکانیان، میکائیل مائولیان، واهرام پاپازیان در آن فعالیت می نمودند.

بازیگران جوان و پرقریحه هراچیا ترسیسیان، آوت آوتیان، واغارشو اغارشیان و سایرین در اواسط دهه ۲۰ وارد کار تئاتر شدند.

در صحنه تئاتر دراماتیک، شاهکار -

های درام نویسان ارمنی، روس و جهانی به نمایش گذارده می شد. توجه خاصی به نمایش آثار نمایشنامه نویسان شوروی مبذول می گردید. هنر تئاتر به نحو قاطعانه ای در سطح جمهوری شهرت کسب نموده مورد توجه و استقبال و احترام زحمتکشان واقع گردید.



الکساندر تامانیان

در سال ۱۹۲۴ سینمای ارمنی بنیان نهاده شد، که اولین شره آن فیلم مستند "ارمنستان شوروی" بود. سال بعد اولین فیلم هنری یعنی "ناهوس" ساخته شد.

فصل بیست و سوم

سالهای جنگ: پذیر میهنی

آلمان هیتلری در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ با عهد شکنی به اتحاد شوروی حمله کرد. جنگ بزرگ میهنی آغاز گردید. با ندای حزب کمونیست، تمام مردم برای دفاع از میهن سوسیالیستی بپاخاستند.

جنگ برای کشور شوروی تجربه تلخی بود. مردم شوروی با آگاهی کامل از خطرات سهمگین جنگ، از روزهای اول نبرد خصوصیات والای خسود، فداکاری بسیار در قبال میهن سوسیالیستی، استقامت و پایداری، قهرمانی و پشتکار و قاطعیت در جهت نابودی دشمن، را بروز داد.

خلق ارمنی نیز مانند تمام خلقهای برادر شوروی برای دفاع از میهن بپاخاست. از همان روزهای اول جنگ در کارخانجات، موسسات و مراکز آموزشی جمهوری میتینگهای زحمتمندان انجام شد و آنها اتحاد و همبستگی خود را با حزب کمونیست و حکومت شوروی نشان داده، آمادگی تمام نیروهای خود را برای نیل به پیروزی اعلام نمودند. هزاران زحمتکش جمهوری داوطلبانه وارد صفوف ارتش سرخ گردیدند. در ابتدا کمونیستها و کمونیستهای جوان رهسپار جبهه جنگ شدند. در سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۱ از ۳۶/۸ هزار

نفر اعضا سازمانهای حزبی بیش از ۲۰ هزار نفر به جبهه جنگ رفتند . اتحادیه جوانان کمونیست ارمنستان ۷۰ هزار نفر را به ارتش و منجمله بیش از ۲۰ هزار نفر بصورت داوطلب به جبهه جنگ اعزام داشت . سازمانهای حزبی و شوروی با اجرای رهنمودهای حزب و دولت ، کار بازسازی اقتصاد مردمی را به شیوه جنگی ، رهبری نمودند . " همه چیز برای جبهه جنگ ، همه چیز برای پیروزی " شعار روز گردید . در موسسات تولیدی ، کلخوزها و ساوخوزها ، زنان و نوجوانان جانشین شوهران ، پدران و سراداران خود گردیدند که عازم جنگ شده بودند . فعالیت عمومی و مداوم کارخانجات و کارگاهها محفوظ ماند . در امر تولید ، جنبش وطن دستانهای برای انجام به موقع سفارشات جنگی بوجود آمد . زحمتکشان دستانهای سوسیالیستی می کوشیدند تا آنجائی که ممکن بود به کشور در حال جنگ مواد و آذوقه بدهند .

بر اساس تصمیم کمیته دفاع ملی برای اجاری شدن آموزش نظامی ، فعالیت زیادی در جمهوری انجام شد . دستجات نظامی مردمی ، خوخته های ویرانگر ، تشکیل شدند ، مردم بر امور دفاع ضدهوایی مسلط گردیدند . تمام امکانات وسایل ارتباط جمعی و تبلیغی به خدمت تعلیمات میهن دستانه زحمتکشان و استحکام بخشیدن به دوستی خلقهای اتحاد شوروی در حین جنگ درآمد .

۱- در جبهه های جنگ

از همان روزهای اول جنگ ، میلیونها فرزند از تمام خلقهای اتحاد شوروی و در وهله اول خلق بزرگ روس ، نبردهای قهرمانانه ای بر علیه دشمن مقدر انجام دادند . آنها قربانیان زیادی داشتند ولی راه برافتخار پیروزی را در پیش گرفتند .

در جنگ برای استحکامات برست و اودساو در جنگهای دفاعی مسیر اسمولنسک و سایر جبهه ها ، به همراه فرزندان دلیر خلقهای برادر اتحاد

شوروی ، صدها و هزاران سرباز و افسر ارمنی شجاعانه تلاش و مبارزه می نمودند . سپهبد توپخانه میکائیل بارسغوف - که در آن سالهای پرمشقت فرمانده توپخانه جبهه جنوب غربی بود - در دفاع از کیف^۱ فعالانه شرکت کرد . در همان جنگها ، رئیس ستاد ارتش دوازدهم سرلشکر باکرات آروشانیان ، فرمانده لشکر ، سرلشکر کریستاپور آلوردیان ، معاون رئیس ستاد ارتش جبهه جنوب غربی سرهنگ هوانس باگرامیان ، خلبان لازر چاپچاخیان - که در ژانویه ۱۹۴۲ لقب قهرمان اتحاد شوروی به او اعطاء گردید - فعالیت چشمگیری از خود نشان دادند .

در یاسالار هوانس ایساکوف یکی از فرماندهان جبهه دفاعی لنینگراد بود . هوانس ایساکوف - که معاون اول کمیسر خلق در نیروی دریایی بود - برای هماهنگ نمودن عملیات دریایی - زمینی به لنینگراد اعزام شده بود . در اینجا او بعنوان معاون فرمانده نیروهای جبهه شمال غربی منصوب گردید ، سپس به جبهه جنگی دریای سیاه منتقل شده در دفاع از قفقاز نقش رهبری داشت . در جنگهای لنینگراد سرلشکر هوانس گالستیان قهرمانانه شهید شد . در جبهه لنینگراد خلبان نلسون استپانیان در آسمان دریای بالتیک شجاعتهای خود را نشان داده بود . در اکتبر ۱۹۴۲ لقب قهرمان اتحاد شوروی به وی اعطاء گردید . خلبان دلیر بیش از ۲۳۰ پرواز جنگی انجام داده به مقدار معتنا بهی وسایل جنگی ، بیش از ده ناو ، تعداد زیادی سرباز دشمن را نابود ساخت . در دسامبر ۱۹۴۴ او در جنگ هوایی به شهادت رسید . نلسون استپانیان پس از مرگ به کسب لقب مجدد قهرمانی اتحاد شوروی نایل گردید . در اواخر سال ۱۹۴۱ تصمیمی دال برای جاد بخشهای ملی در ارتش سرخ گرفته شد . ارگانهای حزبی و شوروی ارمنستان اقدام به تشکیل دستجات ملی ارمنی ، تکمیل کادر ، یونیفرم ، تامین سلاح برای آنها و غیره نمودند . در دستجات ملی ارمنی بسیاری از فعالین حزبی و متفکرین جمهوری به کار

گماشته شدند .

در دسامبر ۱۹۴۱ لشکر ۸۹ پیاده در ایروان تشکیل شد که در اوت ۱۹۴۲ رهسپار جبهه جنگ گردیده راه پرافتخاری را از کوههای قفقاز تا برلین پیمود .

در طول نیمه دوم سال ۱۹۴۱

لشکر ۴۰۹ پیاده واقع در قلمرو جمهوری با سربازان ارمنی تکمیل گردید . در نوامبر ۱۹۴۲ آنهم به جبهه جنگ رهسپار گردید و با شرکت در جنگهای متعدد تا پراگ پیش رفت .

در نوامبر ۱۹۴۱ لشکر ۴۰۸ پیاده

— که در ابتدا ترکیب انترناسیونال داشت ، ولی در اوایل ۱۹۴۲ با پیوستن آرامنه و تکمیل شدن آن به لشکر ارمنی تبدیل گردید — در ارمنستان سازمان یافت و در سپتامبر همان سال به جبهه جنگ عازم گردید .

لشکر ۳۹۰ پیاده ارمنی در آغاز

سال ۱۹۴۲ در جبهه جنگ و شرایط نبرد ، در شبه جزیره کرچی تشکیل شد . بزودی آنهم با کادر دون پایه و فرماندهی اعزامی از جمهوری تکمیل شد . بلافاصله پس از تشکیل خود ، لشکر وارد جنگهای شدید بر علیه دشمن گردیده سعی نمود تا به همراه سایر لشکرها ، شبه جزیره کرچی را بتصرف درآورد و در طول ۵ ماه تا مه ۱۹۴۲ جنگهای شدیدی بر علیه نیروهای برتر دشمن انجام می داد . مبارزین ارمنی تلفات سنگینی متحمل می شدند ولی مقاومت قهرمانانه ای نشان می دادند . فرمانده لشکر س. زاکیان ، بسیاری از فرماندهان و مبارزین در جنگ بشهادت رسیدند .

لشکر ۷۶ پیاده — کوهستانی نیز جزو نیروهای ارمنی بود که تاریخ



هوانس ایساکف ، دریادار نیروی دریائی اتحاد شوروی

تاسیس آن به سال ۱۹۲۰ برمی گردد وقتی که ارتش سرخ ارمنستان شوروی تشکیل گردیده بود . در هنگام آغاز جنگ میهنی ، این لشکر در ارمنستان بوده بسیاری از مبارزین ارمنی در تشکیلات آن شرکت داشتند . این لشکر در اوت ۱۹۴۱ توام با لشکرهاي شوروی ، وارد ایران گردید تا مرزهای جنوبی کشورمان را حفاظت نماید . سپس این لشکر به جبهه جنگ اعزام گردیده در

نبرد استالینگراد شرکت نمود ، در کورسک جنگید و در آزادی بلوروسیه شرکت کرد و مسیر جنگی خود را در سواحل بالتیک به پایان برد . در پائیز ۱۹۴۲ ، لشکر ۲۶۱ در ارمنستان تشکیل شد که ترکیب آن تماما از آرامنه بود .



نلسون استپانیان

واقعه بسیار مهم برای دوره اول جنگ ، نبرد تاریخی مسکو بود . در اینجا اولین شکست جدی بر ارتشهای فاشیست وارد آمد . پیروزی ارتش شوروی در نزدیکی مسکو طرح استراتژیکی برق آسای هیتلر را نقش بر آب نمود . در جنگ مسکو واحدهای نظامی به چشم

خوردند که فرماندهان آنها ژنرال هوانس باگرامیان ، سپهبد توپخانه میکائیل بارسغوف ، سرهنگ هاسارکیس مارتیروسیان ، هایک مارتیروسیان ، نیکولای هوانیسیان ، ایوان وکیلف ، استپان گینوسیان و سایرین بودند . دفاع ضد هوائی مسکو را سرلشکر هوایی — بعدا " مارشال — سرگئی خودیاکوف (آر مناک خانپریان) رهبری می نمود . بسیاری از مبارزین ارمنی جانشان را در جنگهای پایتخت از دست دادند .

در بهار ۱۹۴۲ نیروهای مسلح آلمان حمله جدید خود را در جبهه شوروی — آلمان آغاز نمود . فرماندهی هیتلری قصد داشت به جنوب شرقی حمله نموده قفقاز را تصرف نماید و سپس به ساحل ولگا برسد . امید هیتلریها

بدون اصول نبود، زیرا ورود قشونشان به ماوراء قفقاز، ترکیه را نیز برعلیه اتحاد شوروی وارد نبرد می نمود. در تابستان ۱۹۴۲ نیروهای فاشیست موفق شدند سواحل چپ اوکراین، روستوف را تصرف نموده به دون بروند و خطر جدی برای منطقه ولگا و قفقاز ایجاد نمایند. از همین موقع هم دومین نبرد بزرگ جهانی دوم - نبرد استالینگراد و دفاع از قفقاز - آغاز گردید، که تواما "جریان یافته و روابط بسیار نزدیک عملیاتی - استراتژیکی باهم داشتند. وقتی که خطر سهمگین متوجه قفقاز گردید، خلقهای متعدد منطقه قاطعیت صددرصد خود را برای ممانعت از ورود دشمن به ماوراء قفقاز نشان دادند. در ۲۳ اوت ۱۹۴۲ میتینگ ضدفاشیستی نمایندگان خلقهای ماوراء قفقاز در تفلیس برگزار شد. نمایندگان خلقهای برادر ماوراء قفقاز - کم در میتینگ نطقهایی ایراد نمودند - قسم خوردند فداکارانه بجنگند و دشمن را - که به نزدیکی کوههای قفقاز رسیده بود - نابود سازند. آکادمیسین هوسپ اوربلی از طرف شرکت کنندگان ارمنستان شوروی، سخنرانی نمود. میتینگ از تمام خلقهای ماوراء قفقاز خواستار ایجاد جبهه مستحکمی برای ضربه وارد ساختن به دشمن شد.

در روزهای سخت جنگ، خلق ارمنی نامه ای خطاب به فرزندان درحال جنگ خود فرستاد. در نامه - که بیش از ۳۳۵ هزار نفر از زحمتکشان جمهوری آن را امضاء نموده بودند - آمده است: "فرزندان عزیز خلق، مبارزین و فرماندهان شجاع ما، توسط این نامه، تمام خلق ارمنی... سلامهای گرم... برای شما می فرستد. فرزندان عزیز، در تمام طول این مدت، چه در روزهای پر سرور پیروزی و چه در ایام سخت ناموفقیتها، قلوب و افکار ما همیشه با شما بوده است... ای فرزندان، رزمندگان ارتش سرخ، ما باهیجان بسیار مبارزات شما را دنبال می کنیم. در خور و پسند خلقتان باشید... هیچ لحظه ای فراموش نکنید که در جنگ برعلیه گفتار خون آشام هیتلری، سرنوشت اتحاد شوروی، سرنوشت خلق ارمنی تعیین می گردد."

نامه مردم انعکاس وسیعی در بین رزمندگان بدست آورد و در تمام

واحدهای نظامی ارمنی بررسی شده در نشریات مرکزی و جبهه جنگ بچاپ رسید. مبارزین در جواب این نامه اطمینان می دادند که آبروی خلق ارمنی و سوابق پرافتخار جنگی آنرا حراست نموده حیثیت پدران، خواهران و زنان خود را حفظ می کنند.

در دفاع از قفقاز واحدهای نظامی ارمنی نیز شرکت نمودند. لشکر ۸۹ ارمنی در گروزنی سنگر گرفت. لشکر ۴۰۸ ارمنی جنگهای شدیدی در حوالی نووروسیسک و سپس در ناحیه توایسه انجام می داد. لشکر ۴۰۹ ارمنی در ناحیه موزدوک می جنگید. هزاران مبارز در سایر واحدهای جبهه های شمال قفقاز و ماوراء قفقاز به نبرد مشغول بودند. ارتش شوروی با عقب راندن حملات دشمن به ضدحمله پرداخت. آزاد سازی قفقاز شمالی آغاز شد. در این جنگها در بین سایرین، رزمندگان متعدد ارمنی هم مورد تقدیر قرار گرفتند.

بویژه لشکر ۸۹ ارمنی جنگهای شدید و دلیرانه ای برعلیه دشمن انجام داد. با آغاز حمله به ناحیه مالگوک (قفقاز شمالی) این لشکر در طول ژانویه ۱۹۴۳ حدود ۸۰۰ کیلومتر همراه با جنگ مداوم پیموده در آزاد سازی بسیاری از شهرها و مناطق قفقاز شمالی شرکت نمود، در هنگام یکی از جنگها، فرمانده لشکر، آ. واسیلیان قهرمانانه شهید شد. سپس لشکر ۸۹ - که سرهنگ نور سافاریان به فرماندهی آن انتخاب شده بود - به ناحیه شبه جزیره تانان اعزام گردید و فعالانه در آزادی آنجا شرکت نمود. در هنگام آزاد سازی نووروسیسک، معاون فرمانده دسته، کمونیست جوان، هونان آودیسیان شجاعتهای فراموش نشدنی از خود نشان داد. در ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۳ در هنگام جنگ دولگایا، او با سینه خود لوله توپ دشمن را مسدود کرد که به قیمت جان خود پیروزی دوستان درحال حمله اش را مسجل نمود. پس از شهادت هونان آودیسیان، به او لقب قهرمان اتحاد شوروی اعطاء شد. جاهان کاراخانیان و سورن آراکلیان، رزمندگان دیگر لشکر نیز که قهرمانانه شهید شده بودند، به دریافت این لقب نایل آمدند. در جنگهای آزادی

تامان، بخاطر فعالیت چشمگیر لشکر ۸۹ ارمنی، به آن عنوان "تامانیان" داده شد، حدود ۲ هزار نفر از رزمندگان و فرماندهان لشکر به دریافت نشانهای جنگی نایل شدند. درجه فرمانده آن نورسافاریان نیز به سرلشکری ارتقاء یافت. بعدها لشکر تامانیان در آزادی کرچی و سواستاپول - که بخاطر آن نشان درفش قرمز به آن اعطاء شد - شرکت کرد. یک عده رزمندگان لشکر بخاطر شجاعتهای خود در آزادی سواستاپول به دریافت لقب قهرمان اتحاد شوروی نایل آمدند.

در جنگهای آزادی قفقاز و کریمه نیز مبارزین ارمنی سایر واحدهای نظامی مورد تقدیر قرار گرفتند. لقب قهرمان اتحاد شوروی به ستوان یکم د. مادویان، سروان خلیان س. مگردومیان، فرمانده گردان توپخانه ستوان س. اوهانیان - که قهرمانانه در جنگ بشهدات رسید - و سایرین اعطاء شد.

لشکر ۷۶ - که هزاران جنگجوی ارمنی در آن عضویت داشتند فعالانسه در نبرد استالینگراد شرکت کرد. این لشکر به خاطر انجام عالی عملیات جنگی صاحب نشان لنین گردیده مبدل به لشکر ۵۱ گارد شد. به چند مبارز منجمله به آرامائیس سارگسیان لقب قهرمان اتحاد شوروی داده شد. در آسمان استالینگراد خلبان سرگئی بورنازیان - که به او هم لقب قهرمان اتحاد شوروی اعطاء شد - شجاعانه می جنگید. در جنگ ساحل ولگا چنان واحدهای نظامی شجاع به چشم می خوردند که فرماندهان آنها سپهبد هایک تومانیان، سرلشکرها آسکاناز کاراپتیان، سرگئی کاراپتیان، سپهبد توپخانه ایوان وکیلوف و سایرین بودند.

مرحله دوم جنگ میهنی با نبرد استالینگراد به پایان رسید. پیروزی بزرگ ولگا تاثیر بسیار زیادی برروی جریان جنگ دوم جهانی نهاد. ارتش شوروی حمله خود را بطرف غرب ادامه داده قلمرو کشورمان را از اشغالگران آلمانی آزاد ساخت.

فرزندان خلق هم و کوشش خود را در کار آزادی اوکراین، بلوروسیه و جمهوریهای سواحل بالتیک از دست اشغالگران بکار بردند. در جنگهای

اوکراین، لشکر ۴۰۹ ارمنی شهرت خود را به گوش همگان رساند و در آزادی خارکف، گیرووگراد، دنیپرو پتروفسک و سایر شهرها شرکت کرد. به لشکر نشان بوگودان خملنسکی و لقب "گیرووگراد" داده شد. جنگجویان ارمنی شجاعت زیادی در هنگام گذشتن از دنیپر نشان دادند که بخاطر آن به ۲۳ سرباز ارمنی و منجمله به آندرانیک غازاریان، گدئون میکایلیان، سـورن سارگسیان و سایرین لقب قهرمان اتحاد شوروی اعطاء شد. در جنگهای آزادی کیف، پایتخت اوکراین، فرماندهان متعدد ارمنی منجمله ژنرال سارگیس مارتیروسیان به چشم می خوردند. پس از آزادی کیف، مارتیروسیان - به فرماندهی پادگان شهر انتخاب شد.



هوانس باگرامیان
مارشال اتحاد شوروی

در جبهه های جنگ میهنی و بویژه در هنگام آزاد سازی بلوروسیه و کرانه های بالتیک، ژنرال هوانس باگرامیان - با استعداد خود در فرماندهی درخشید. باگرامیان بعنوان فرمانده ارتش وازنوامبر ۱۹۴۳ با سمت فرماندهی قوای جبهه اول کرانه های بالتیک، در آزاد کردن بلوروسیه و کرانه های بالتیک شرکت نمود و سپس موفق گردید سازماندهی دشمن در پروس شرقی را درهم شکسته از اجرای طرحهای آن جلوگیری بعمل آورد. در ژوئیه ۱۹۴۴ به او لقب قهرمان اتحاد شوروی داده شد.

در جنگهای آزادی کشور شوروی بسیاری از فرزندان دلیر خلق ارمنی - که در جبهه های مختلف قسمتهایی را فرماندهی می نمودند - با فعالیت های خود به چشم خوردند، نظیر ژنرال ها استپان گینوسیان، سرگئی کاراپتیان، گورگ در - گاسپاریان، هایک مارتیروسیان، سرهنگ هاساؤول هاروتیونیان، گورگ باغداساریان، سروان آرداوازد شاریان، سرهنگ قوای تانک -

هامازاسپ باباخانیان و بسیاری دیگران .

در اواسط ۱۹۴۴ نیروهای شوروی ، کشورمان را از لوث وجوداشغالگران فاشیست پاک نمود . نبرد به قلمرو دشمن کشیده شد . آزاد سازی خلقهای اروپا از یوغ هیتلری آغاز شد .

در قلمرو اشغالی توسط اشغالگران فاشیست ، در طول نبرد بزرگ میهنی ، جنگ واقعی مردمی گسترش یافت . صدها دسته و واحد پارتیزانی بوجود آمد که ضربات مهلکی بردشمن وارد کرده اغلب عملیات خود را با عملیات ارتش هماهنگ می ساخت . نه تنها مردم ساکن در قلمرو اشغالی و این دسته های پارتیزانی در جنگ شرکت می کردند ، بلکه نظامیان شوروی که از همان ماههای اول جنگ در محاصره قرار گرفته و یا از اسارت دشمن فرار نموده بودند نیز فعالیت می کردند . پارتیزانهای شوروی عملیات متعدد جنگی انجام داده خسارت سنگینی بر ارتش فاشیست وارد ساختند .

در جنگهای پارتیزانی بلوروسیه ، اوکراین ، کریمه و کوبان ، جمهوریهای بالتیک ، لنینگراد و سایر نواحی ، به همراه فرزندان خلقهای روس ، اوکراین ، بلوروس ، قزاق ، گرجی و دیگران ، رزمندگان متعدد ارمنی نیز شرکت داشتند . فقط در گروههای پارتیزانی اوکراین حدود ۱۰۰۰ پارتیزان ارمنی مبارزه می نمودند .

در صفوف سازمان پرافتخار زیرزمینی و ضدفاشیستی "گارد جوان" - که در شهر کراسنودون اوکراین فعالیت می کرد - فرزندان خلق ارمنی ، مایا - پگلیوانوا و گئورگی هاروتیونیانس می جنگیدند . هنریک زاکاریان - که شجاعتهای بسیاری در برابر دشمن از خود نشان داده و بالاخره قهرمانانه شهید شد - یکی از اعضای برجسته سازمان زیرزمینی ضدفاشیستی "شکست ناپذیران" بود .

دهها رزمده ارمنی در سازمانهای زیرزمینی ضدفاشیست - که در اردوهای اسرای جنگی تشکیل شده بودند - عضویت داشتند ، پارتیزانهای

فراری از اسارت فاشیست ها ، در کشورهای اروپایی فعالیت نموده با نهضت مقاومت همکاری می کردند . در جنوب فرانسه یک دسته فعالیت داشت که براساس آن در تابستان ۱۹۴۴ اولین هنگ پارتیزانی شوروی در فرانسه (فرمانده آن سرگرد خلیان آلکساندر غازیان ، معاونش سروان باردوغ پتروسیان) تشکیل شد .

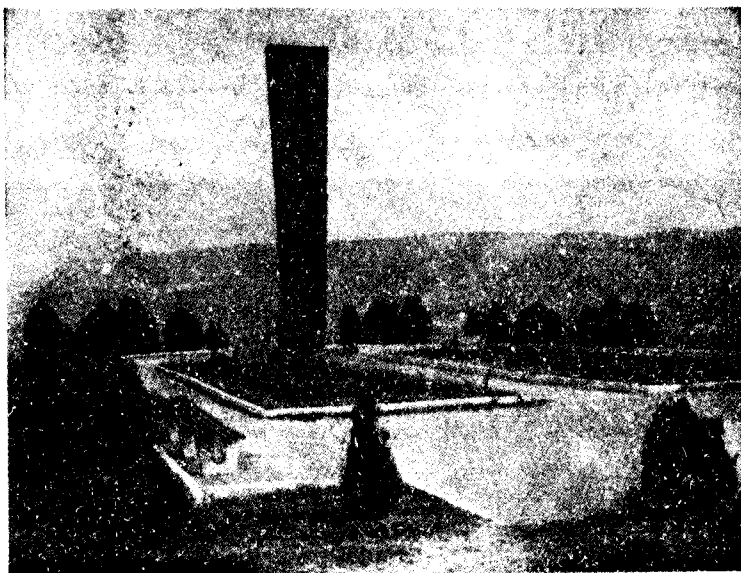
هنگ پارتیزانی شوروی تا قبل از رسیدن متفقین به سواحل فرانسه ، در آزاد کردن برخی از شهرهای فرانسه از زیر یوغ قوای فاشیست شرکت نمود . فرماندهی کل نظامی فرانسه - که ژنرال دوگل آن را رهبری می نمود - عملیات جنگی این واحد پارتیزانی را بسیار مورد تقدیر قرار داده است . این هنگ به دریافت نشانهای فرانسه نایل آمد .



مگردیچ داشتویان - که از اسارت فاشیستها فرار نموده بود - در صفوف پارتیزانهای ایتالیا با شجاعت می جنگید و پس از مرگ وی ، لقب قهرمان ملی ایتالیا به او اعطاء

شد . همچنین پارتیزان قهرمان مجسمه یادبود ارمنستان مادر - ایروان گورگ کوروزیان - که پس از مرگ ، دولت ایتالیا به وی نشان عالی نظامی داد - در خاک ایتالیا شهید شد . در صفوف پارتیزانهای قهرمان شوروی در چکسلواکی ، آرم پتروسیان - که چندین اقدام قهرمانانه انجام داد - با شجاعت می جنگید . پارتیزان دلیر به دریافت نشانهای نظامی چکسلواکی نایل گردید .

به همراه کلیه پارتیزانهای شوروی ، انتقامجویان خلق ارمنی شجاعانه



بنای یادبود رزمندگان شهید ارمنی در سواستاپل

بدین ترتیب، خلق ارمنی، هم خود را در کار پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی بکار برد. در سالهای سخت جنگ بیش از ۴۵۰ هزار نفر از فرزندان خلق ارمنی به صفوف نیروهای مسلح اتحاد شوروی فراخوانده شدند. بیش از ۷۰ هزار نفر آنها به دریافت نشانهای افتخار و مدالهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نایل آمدند. به ۱۰۳ فرزند دلیر خلق ارمنی لقب عالی قهرمانی اتحاد شوروی، اما به یکی از آنها بنام خلبان نلسون استپانیان این لقب دو مرتبه داده شد. در جمع فرماندهان عالی اتحاد شوروی حدود ۶۰ ژنرال ارمنی وجود داشت، که اینها در طول جنگ، واحدهای بزرگ ارتش را فرماندهی می کردند. بویژه باید از قهرمان اتحاد شوروی، ژنرال ارتش (بعداً، مارشال) هوانس باگرامیان - که از مقام ریاست بخش عملیاتی واحد نظامی به فرماندهی قوا در جبهه ارتقاء یافته، استعداد

بر علیه دشمن، آلمان فاشیست، می جنگیدند. فرزندان خلق ارمنی در صفوف ارتش مقتدر شوروی، در مرحله پایانی جنگ نیز شجاعانه مبارزه نمودند. لشکر ۴۵۹ ارمنی در عملیات یاسی-کیشینف، آزاد ساختن رومانی و مجارستان شرکت نمود. در آغاز سال ۱۹۴۵ واحدهای این لشکر در چکسلواکی به جنگ مشغول بودند و بویژه در جنگهای براتیسلاوا به چشم خوردند.

لشکر ۸۹ ارمنی در جمع نیروهای جبهه اول بلو روسیه با جنگیدن به لهستان وارد شده وارد قلمرو آلمان گردید و در فوریه ۱۹۴۵ با گذر از رود ادر، در ساحل غربی آن مستقر شد. در طول دو ماه، واحدهای لشکر این پایگاه مهم را در دست نگهداشتند و سپس با آغاز حمله وارد فرانکفورت گردیدند. این لشکر در نبردهای پایانی جنگ میهنی - تصرف برلین - شرکت کرد. مبارزین ارمنی در جنگهای برلین بار دیگر نمونه ای از قهرمانی و شجاعت را به نمایش گذاشتند. بیش از ۷ هزار رزمنده و افسر به دریافت نشانهای جنگی موفق گردیدند. لشکر با نشان جدید، نشان درجه ۲ کسوتوزوف، قدر دانی شد. در عملیات برلین واحدهای نظامی شرکت کردند که فرماندهان آنها مارشال هوایی خودیاکف، ژنرالها س. گالاجف، س. کاراپتیان، ای. گاسپاریان و سایرین بودند.

پس از درهم شکستن آلمان فاشیست، اتحاد شوروی با وفادار ماندن به دین خود نسبت به متفقین وارد عملیات جنگی بر علیه ژاپن شد. پس از مدت کوتاهی، قوای شوروی، واحدهای برجسته ارتش کوانتون ژاپن را درهم شکسته، منچوری، کره شمالی، ساخالین جنوبی و جزایر کوریل را آزاد ساختند. شرکت اتحاد شوروی در جنگ بر علیه ژاپن شکست کشور اخیر و خاتمه دادن به جنگ جهانی دوم را تسریع نمود. در بین قوای شوروی در خاور دور، قهرمان اتحاد شوروی سپید توپخانه میکایل بارسغوف، مارشال هوایی سرگی خودیاکف، ژنرالها آندرانیک غازاریان، گورگ جایلایان، هاپک تومانیان، سرهنگ سارکیس خاچیکیان و سایرین مبارزه می نمودند.

درخشان خود را در فرماندهی ارتش نشان داد - قهرمان اتحاد شوروی دریا سالار نیروی دریایی اتحاد شوروی، هوانس ایساکف، مارشال هوایی سرگئی خودپاکف - که فرمانده واحدهای عمده نیروی هوایی فرمانده کل ستاد نیروهای رزمی - هوایی ارتش شوروی بود - و سایرین نام برد.



مقبره سرباز گمنام در ایروان

هزاران فرزند مردم شوروی جانشان را در راه آزادی و استقلال میهن نثار نمودند. در زیر دیوارهای برست، و در کرچ، گذرگاههای قفقاز و سواحل ولگا، در دشتهای اوکراین و روسیه، در جادههای بی‌انتهای اروپا و خاک آلمان، قبر هزاران قهرمان گمنام ارمنی وجود دارد. آتش و آب در حال فوران مجسمه‌های یادبودی که مردم قدرشناس به پاس تمام فداکاری‌هایی که آنها برای وطن و خوشبختی نسلهای آینده انجام داده‌اند - ساخته‌اند، در اکثر شهرها و دهات شوروی و ارمنستان وجود دارند. مردم احترام خود را نثار این قهرمانان می‌نمایند.

۲- تلاشهای فداکارانه در پشت جبهه‌ها

جنگ در برابر صنایع تولیدی ارمنستان مسایل جدیدی مطرح ساخت، که حل آنها با اشکالات فراوانی همراه بود. زیرا انتقال مواد خام از سایر جمهوری‌ها شدیدا" تقلیل یافته بود، صنایع تولیدی ارمنستان می‌بایست امیدهای خود را به منابع خود معطوف می‌کرد و از تمام ذخایر تولیدی سود می‌جست. موسسات جمهوری می‌بایست در مدت زمان کوتاهی انواع جدیدی از کالاهای عمدتا" سلاح و مواد جنگی تولید می‌کرد. صنایع سبک ارمنستان به کار تهیه لباس برای ارتش پرداخته، تولیدات مواد غذایی احتیاجات متعدد جبهه جنگ را تامین می‌کرد. هنوز در آغاز ۱۹۴۲ حدود ۳۰ نوع کالاهای جنگی منجمله گلوله توپ، نارنجک، اژدر، اژدرافکن، مواد منفجره و سایر احتیاجات تولید می‌شد. در عین حال تولید مواد خام (کائوچو، مس و غیره) افزایش یافت.

در طول سالهای جنگ بیش از ۳۰ موسسه جدید تولیدی در ارمنستان ایجاد گردید. ماشین سازی و محصولات شیمیایی بطور محسوسی ترقی نمود. تولیدات ناخالص ماشین‌سازی ۷۰ درصد، محصولات شیمیایی ۲۱ درصد افزایش یافت.

کارهای مربوط به برنامه‌های کمیته دولتی دفاع در زمینه تولیدات کشور، تهیه ابزار جنگی و سلاح، لباس و آذوقه عمدتا" توسط طبقه کارگرانجام می‌گردید. با توجه به اینکه تعداد کارگران به علت اعزام مردان به جبهه تقلیل یافته بود، طبقه کارگر با کار قهرمانانه خود طرحهای پیش‌بینی شده برای ترقی رشته‌های تولیدی احتیاجات جنگ را محفوظ نگه‌داشت. زنان شاغل در موسسات تولیدی (که عده آنها در سال ۱۹۴۵ درصد چشمگیری را تشکیل می‌داد) و نیز نوجوانان با موفقیت، تخصصهای جدید را فرا گرفته و جنبش میهنی را برای کاربرد تخصص‌ها و کار روی ماشین‌ها اشاعه دادند. در سالهای

جنگ، رقابتی برای لقب "برپگاد محرب" بوجود آمد که رانده‌مان کار را بسیار ترقی بخشید. کمیته دولتی دفاع بدفعات مورد تقدیر بسیار قرار گرفته است و کار و کوششهای قهرمانانه کارگران ارمنستان باعث دریافت نشان پرچم قرمز برای موسسات جمهوری شده است. در شرایط سخت دوران جنگ و در محرومیت‌ها و احتیاجات، زحمتکشان صنایع ارمنستان به همراه تمام مردم شوروی برای پیروزی بردشمن مبارزه می نمودند.

زحمتکشان بخش کشاورزی بر مشکلات بسیاری فائق آمدند. در اینجا بخصوص غیبت مردان زحمتکش محسوس بود. زنان و نوجوانان دهات، سنگینی سالهای جنگ را بدوش گرفتند. آنها طرحهای ویژه دولت در مورد محصولات کشاورزی را جامه عمل پوشاندند. روستائیان کلخوزها در حین سالهای جنگ، محرومیت‌های بسیاری را تحمل کرده بودند، ولی ثمرات کوششهای خود را به جبهه جنگ می فرستادند و فداکارانه به میهن کمک می نمودند.

در ارمنستان، همچون سراسر کشور، کار و کوشش توده‌ای برای تهیه بودجه موسسه دفاع، تهیه لباس گرم برای سربازان جبهه‌ها، کمک به ساکنین رانده شده و مجروحین جنگ صورت گرفت. وقتی که قوای شوروی کار آزاد ساختن مناطق غربی از دست اشغالگران را آغاز نمودند، زحمتکشان به باز سازی اقتصاد این مناطق کمک‌های فراوانی کردند.

صرفنظر از شرایط جنگی، ارگانهای حزبی و شوروی ارمنستان به هرنحوی سعی نمودند تا از اختلال در روند فعالیتهای مدارس و موسسات آموزش عالی جلوگیری نموده، عملی شدن طرح آموزش اجباری را ادامه دهند. موسسات آموزش عالی جمهوری در طول سالهای جنگ، ۳۸۰۰ جوان متخصص فارغ التحصیل داشتند که این رقم برای تکنیکومها ۶۴۰۰ بود. در سالهای ۱۹۴۵-۱۹۴۳ موسسات جدید آموزش عالی، انستیتوی تعلیم و تربیت روسی، انستیتوی علوم ورزش و انستیتوی هنری - تئاتری در ایروان و انستیتوی تعلیم و تربیت در لنیناکان تاسیس شدند.

تاسیس آکادمی علوم جمهوری در سالهای جنگ، واقعه مهم زندگی فرهنگی ارمنستان، بود. در نوامبر ۱۹۴۳ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصمیم گرفت که برپایه بخش ارمنی آکادمی علوم اتحاد شوروی، آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را بنا نهد، در جمع آکادمیسین‌های بنیانگذار آکادمی علوم ارمنستان شوروی، دانشمندان بزرگی

در رشته‌های مختلف وجود داشتند نظیر فیزیولوژیست ل. اوربلی، فیزیکدان آ. آلیخانوف، آستروفیزیکدان ویکتور هامبارسومیان، متخصص علم مکانیک آ. هاکوبیان، زبانشناس‌ها ه. آجاریان، س. مالخاسیان، گ. غاپانسیسیان، ادبیات‌شناسان م. آ. بقیان، دردرین، شاعر آوتیک ایساهاکیان، تاریخدان‌ها ه. اوربلی، ه. ماناندیان و سایرین. هوسپ اوربلی بعنوان اولین رئیس آکادمی علوم ارمنستان شوروی انتخاب



آکادمیسین هوسپ اوربلی

گردید. تاسیس آکادمی علوم نقطه عطفی اولین رئیس آکادمی علوم ارمنستان در ترقی علوم جدید در جمهوری بود.

دانشمندان ارمنی اقدامات بسیار پرارزشی در ترقی علم و تحکیم قدرت دفاعی کشور انجام دادند. آستروفیزیکدان برجسته و هامبارسومیان، از همان سالهای اول جنگ نظریه جدیدی در مورد پخش نور در حوزه مه گرفته ارائه داد که اهمیت کاربردی در جنگ داشت. این کشف جایزه درجه اول دولت اتحاد شوروی را با خود به ارمغان آورد. در زمینه مطالعه اشعه‌های فضایی، موفقیت‌های چشمگیری حاصل شد. تحقیقاتی در آزمایشگاهی در قله آراگاتس^۲ به رهبری آ. آلیخانوف و آ. آلیخانیان انجام می گرفت. این

۲- به ارتفاع ۴۰۹۰ متر - م.

تحقیقات در مورد ماهیت تشعشات فضایی نتایج و دلایل جدیدی پیدا نمود، رهبران این تحقیقات به دریافت جایزه درجه اول دولت شوروی نایل آمدند. تحقیقات دامنه‌دار علمی در زمینه‌های هیدروانرژی، زمین‌شناسی، علوم کشاورزی، شیمی و علوم اجتماعی انجام شد.

جنگ کبیر میهنی مسایل جدیدی را برای ادبیات و هنر شوروی مطرح نمود. اهمیت تاثیر اجتماعی ادبیات و هنرفزونی یافت. بسیاری از نویسندگان ارمنی بصورت خبرنگاران روزنامه‌های جبهه‌جنگ، فعالین سیاسی، سربازان و فرماندهان خدمت نمودند. بریکاردهای نویسندگان ارمنی شوروی رهسپار جبهه‌ها می‌گردید و با رزمندگان و افسران ملاقات می‌نمودند.

در طول سالهای جنگ، ادبیات ارمنی در تمام سبکها موفقیت‌های بزرگی بدست آورد. نقدنویسی مکان مهمی بدست آورد. آوتیک ایساهاکیان، نائیری زاریان، هراچیا کوچار و سایر نویسندگان با مقاله‌های پرحرارت میهن‌دوستانه خود ظاهر گردیدند. بسیاری از نویسندگان به گذشته قهرمانانه مردم رجوع نمودند. درنیک دمیرچیان و استپان زوریان بترتیب رمانهای تاریخی و پیرارزش "واریتاتانک" و "پاپ تاگاور"^۳ را خلق نمودند. آثار نویسندگانی چون گغام ساریان، هوانس شیراز، گورگن بوریان و سایرین آکنده با عشق به میهن بود. ادبیات ارمنی تلاشهای قهرمانانه مردم شوروی، آرزوهای آن و اعتقاد به پیروزی را منعکس می‌نمود.

چهره‌های هنر تئاتر و موسیقی نیز در تعلیم و تربیت میهن‌دوستانه زحمتکشان سهم بسزائی داشتند. بهیکاردهای موسیقیدانهای ارمنی نیز اغلب به جبهه‌های جنگ رفته و رزمندگان ارتش را از هنر خود پرنصیب می‌ساختند. گروههای بازیگران ارمنی نمایش‌هایی در بیمارستانها و واحدهای ارتشی ارائه می‌دادند. در لیست نمایش‌های تئاتر، پیس‌های میهن‌پرستانه "میهن" اثر درنیک دمیرچیان، "انتقام" اثر نائیری زاریان و پیس‌های

آ. کورینچوک، ک. سیمونوف، ل. لئونوف و سایر نویسندگان شوروی قرار داشتند.

متفکرین ارمنی شوروی به همراه طبقه کارگر و روستائیان ساکن در کلخوزها در سالهای سخت جنگ دین خود را به میهن و خلق ادا نمودند.

اعجازهای زحمتکشان ارمنستان در جبهه کار و کوشش، از سوی حزب و دولت مورد تقدیر قرار گرفت. در طول سالهای جنگ بیش از ۶۶ هزار زحمتکش ارمنستان بخاطر تلاشهای فداکارانه خود با مدالها و نشانهای افتخار اتحاد شوروی مورد قدردانی قرار گرفتند.

۳- نیروهای مترقی ارامنه خارج در مبارزه علیه فاشیسم

نیروهای ترقیخواه ارمنی خارج در طول سالهای جنگ جهانی دوم فعالانه در مبارزه بر علیه فاشیسم شرکت نمودند. این مبارزه پس از حمله هیتلری به اتحاد شوروی شدت یافت. محافل وسیع ارامنه خارج متوجه شدند که در آن شرایط سخت می‌بایست با وطن خود همراه بوده و به هر شکل به آن کمک نمایند. در مهاجرنشین‌های ارمنی سازمانهای متعدد ترقیخواه تشکیل شدند که فعالیت شدیدی در جهت کمک به نیروهای مسلح شوروی بر علیه فاشیسم انجام دادند و روابط مستحکم معاضدت و تعاون با ارمنستان شوروی برقرار نمودند. از این سازمانها می‌توان "شورای ملی ارامنه آمریکا" و "اتحاد ترقیخواه ارامنه آمریکا" در ایالات متحده آمریکا، "جبهه ملی ارامنه" در فرانسه، "شورای ملی ارمنی سوریه و لبنان"، "اتحادیه دوستداران اتحاد شوروی" در ایران، "اتحادیه دوستداران فرهنگ ارمنی" در مصر، "اتحادیه فرهنگی ارامنه آرژانتین"، یک رشته سازمانهای تفریحیخواه در عراق، قبرس، فلسطین و سایر کشورها را نام برد.

سازمانهای ترقیخواه ارامنه خارج در سالهای ۱۹۴۳-۱۹۴۴ مبالغی را برای

تشکیل ستون تانکی "ساونتسی داویت"^۴ جمع آوری نمودند که در اتحاد شوروی تشکیل شده در ۱۹۴۴ به ارتش در حال جنگ ملحق شد. به موازات آن مبالغی نیز برای کمک مالی به ارتش سرخ جمع آوری گردید.

هزاران ارمنی خارج در عملیات جنگی بر علیه فاشیسم شرکت نمود. فقط در ارتش ایالات متحده حدود ۲۰ هزار ارمنی می جنگید. هزاران ارمنی مصری در صفوف ارتش بریتانیا، ارامنه بسیاری از سوریه و لبنان در واحدهای فرانسوی بر علیه فاشیسم مبارزه می نمودند.

در یک رشته از کشورهای اروپایی، ارامنه خارج در جبهه مقاومت شرکت نمودند. در تاریخ مبارزاتی خلق فرانسه بر علیه اشغالگران فاشیست واحد انترناسیونالی - که فرمانده آن شاعر پر آوازه کمونیست ارامنه فرانسه، میساک مانوشیان بود - صفحات پرافتخاری به خود اختصاص داد. گروه مانوشیان به عملیات مختلفی دست زده، ترور انقلابی عده ای از دژخیمان هیتلری منجر به قتل فرمانده نظامی آلمانی پاریس اقدام نمود. در سال ۱۹۴۳ گشتاپو موفق گردید میساک مانوشیان و ۲۲ رفیق او را زندانی کند. در فوریه ۱۹۴۴ مپهن دوستان در پاریس اعدام شدند. میساک مانوشیان لقب قهرمان ملی بدست آورد.^۵ در راه آزادی فرانسه همچنین اعضای نهضت مقاومت لوئیز آسلانیان، آرسن چاکیان و سایرین جان خود را باختند.

هزاران ارمنی در مبارزه خلق یونان بر علیه اشغالگران فاشیست شرکت نمودند. فرماندهی ارتش آزادی بخش خلق یونان، فعالیت ها و حماسه آفرینی های گروه پارتیزانی ارمنی "آزادی" را شدیداً مورد قدردانی قرار داده است. در جنگ بر علیه دشمن صدها پارتیزان ارمنی قهرمانانه جان خود را از دست دادند. منجمه واهان ساهاکیان، برادران آندرانیک و یرواند غوکاسیان، آودیس یاپونجیان. در مبارزه رهایی بخش ضد فاشیستی خلق بلغار،

۴- داویت ساونسی - م.

۵- سال گذشته از طرف دولت های فرانسه و شوروی و ارامنه تجلیل باشکوهی از وی در پاریس انجام گرفت - م.

کاراپت خاجاتوریان، هاگوپ بارونیان، هاروتیون بوغوسیان و سایرین شرکت نموده و قهرمانانه جان خود را فدا نمودند. ارامنه همچنین در نهضت های مقاومت لهستان، یوگسلاوی، ایتالیا و سایر کشورها شرکت نمودند.

در اثناء سالهای جنگ دوم جهانی، گروهی از سران حزب داشناکسوتیون با دار و دسته هیتلری هم پیمان گردیده، امید داشتند تا به کمک آنها حکومت خود را دگر بار در ارمنستان برقرار سازند. این گروه کوشید توسط اسرای جنگی ارمنی شوروی به اصطلاح "لژیون های ارمنی" تشکیل دهد و به کمک آنها بر علیه ارتش شوروی بجنگد. ولی داشناکها کاملاً با شکست مواجه شدند. فاشیستها بزودی معتقد گردیدند که سربازان ارمنی عناصر نامطمئنی برای آنها بودند.

برای مثال هیتلر در یکی از شورا های مشورتی خود با رهبران فاشیست در سال ۱۹۴۲ اعلام نموده است که "به ارامنه نباید اطمینان نمود". بدین ترتیب در طول سالهای جنگ دوم جهانی اکثریت قاطع ارامنه خارج که متشکل از سازمان های ترقی خواه بود، فعالانه در مبارزه بر علیه فاشیسم شرکت نمود. در این سالها میان نیروهای ترقی خواه ارامنه خارج و ارمنستان شوروی روابط مستحکمی برقرار شد. در ارمنستان، کمیته روابط فرهنگی با کشورهای خارجی تشکیل گردید، که فعالیت آن تا حد زیادی به توسعه و تحکیم روابط میان ارامنه خارج و میهن کمک نمود.

فصل بیست و چهارم

ارمنستان شوروی امروزی

۱- سالهای پس از جنگ (۱۹۵۸-۱۹۴۶)

آتش جنگ کبیر میهنی خاموش شد و مردم شوروی دگر بار به کسار و تلاش برآرامش خود برگشتند. حزب کمونیست مسئله بازسازی اقتصاد مردمی کشور در کوتاه مدت، تکمیل بنای سوسیالیستی جامعه و آماده سازی زمینه لازم برای سازندگی کمونیستی را مطرح نمود. سالهای پس از جنگ، در ارمنستان شوروی مانند سایر جمهوریهای متحده، بصورت دوران ترقی، رشد سریع تولیدات و تحکیم آتی کشاورزی سوسیالیستی درآمد.

در ماه ژوئیه ۱۹۴۶، جلسه شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در مورد برنامه چهارم پنجساله برای احیاء و بازسازی اقتصاد مردمی جمهوری قانونی را وضع کرد. اگر چه اقتصاد ارمنستان در دوران جنگ متلاشی نگشته، لیکن در نتیجه جنگ ساختمان اقتصاد شدیداً دچار تغییرات گردیده بود. تعادل میان رشتههای مختلف اقتصاد مردمی مختل شده بود که علت آن توسعه رشتههای تولیدی بود که اکثراً سفارشات جنگی را انجام

می دادند. اکنون مسئله هماهنگ نمودن اقتصاد ارمنستان شوروی با دوران صلح در کوتاه مدت، بازسازی و بالا بردن سطح قبل از جنگ پتانسیل اقتصاد، برای زحمتکشان مطرح بود. این امر در طول یکسال انجام شد. هنوز در سال ۱۹۴۸ تولید ناخالص جمهوری ۳ درصد نسبت به سال ۱۹۴۰ فزونی یافته بود.

در سالهای بعد ترقی سریع صنایع ادامه یافت. در طول برنامه پنج-ساله چهارم در ارمنستان بیش از ۴۰ موسسه جدید تولیدی ساخته شد منجمله کارخانجات ماشینهای الکتریکی، کابل، ساعت، آلومینیم، لاستیک اتوموبیل در ایروان، کارخانه دو چرخه سازی لنیناکان، کارخانه شکر اسپیتاک و یک رشته موسسات تولیدی و صنعتی سبک و مواد غذایی. به لطف کار نیروهای جدید تولیدی، روند ترقی صنایع سیر صعودی پیمود. در ۱۹۵۰ تولیدات صنعتی جمهوری ۲/۷ برابر نسبت به سال ۱۹۴۵ فزونی یافت.

روند سریع ترقی صنایع در طول سالهای برنامه پنجساله پنجم (۱۹۵۵ - ۱۹۵۱) نیز محفوظ ماند. حدود ۵۰ موسسه جدید صنعتی بوجود آمد، منجمله کارخانجات لامپ الکتریکی، لوازم یدکی اتوموبیل، شرابهای شامپاین، بتن آرمه در ایروان و یک رشته موسسات دیگر در سایر شهرهای جمهوری. نیروگاه هیدروالکتریکی گیوموش، با قدرتترین نیروگاه مسیر سوان - هرازدان، مورد بهره برداری قرار گرفت. در طول سالهای برنامه پنجساله پنجم تولید ناخالص صنایع از مرز ۲ برابر نیز گذشت.

در طول سالهای ۱۹۴۶-۱۹۵۸ در ساختمان صنایع ارمنستان شوروی تحولات بزرگی ایجاد شد. صنایع ماشین سازی، متالوژی و شیمیایی بصورت رشته های پیشتاز و مهم درآمد. جغرافیای پخش نیروهای تولیدی توسعه یافت. بجز ایروان، کارخانجات بزرگی در گیرواکان، لنیناکان، هرازدان، آرتیکو سایر شهرها ایجاد شد. در طول همین دوران فعالیت چشمگیری در مسورد مدرنیزاسیون وسایل تولید، حفظ تکنیکهای پیشرو در صنایع، بالا بردن بازدهی کار بعمل آمد. در این سالها سطح تولیدات ۶ برابر افزایش یافت.

دراثر ترقی تولیدات، تعداد کارگران نیز بطور محسوسی افزایش یافت. کارگران در صفوف مقدم سازندگی سوسیالیستی در حرکت بودند و بصورت مبتکرین جنبش راسیونالیزاتورها و مخترعین درآمد، در بالا بردن کیفیت و راندمان تولیدات، تلاش می نمودند. در جمهوری نوآوری ها و ابتکارات بی شمار مبتکرین صنایع اتحاد شوروی فزونی یافت.

در سالهای اول پس از جنگ مشکلات بسیاری در پیش روی کشاورزی جمهوری قرار داشت. مفاد برنامه پنجساله چهارم در زمینه کشاورزی، بطور کامل به اجرا درنیامد. سطح محصولات غله از دوران قبل از جنگ فزونی یافت لیکن سطح محصولات حیوانی از میزان احتیاجات جمعیت و صنایع غذایی کمتر بود. مسایل بهبود کشاورزی در سراسر کشور از لحاظ اهمیت در مکان نخست قرار گرفت.

جلسه عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سپتامبر ۱۹۵۳، علل اصلی عقب ماندگی کشاورزی را تعیین نموده و اقدامات لازم برای حفظ ترقی آتی آنرا خاطرنشان گردید. به توسعه رقابت میان کارگران کلخوزها توجه زیادی شد. بنابه تصمیم دولت، قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافت. تکنولوژی کشاورزی به طور چشمگیری ترقی نموده، توسعه آتی شبکه آبیاری را متحول ساخت. اقدامات انجام شده در مورد ترقی کشاورزی و افزایش محصولات آن بیشتر شد. در سال ۱۹۵۸ نسبت به ۱۹۵۳ محصولات انگور ارمنستان ۴۵ درصد، سبزیجات ۶۸/۷ درصد، گوشت ۴۰ درصد، شیر ۶۷ درصد افزایش یافت. سطح زمینهای زیرکشت گسترش یافته، هزاران هکتار باغ انگور و سایر میوه ها ایجاد گردید. در سال ۱۹۵۸ جمهوری برنامه های مختلف خرید و انبار نمودن محصولات کشاورزی را به نحو شایسته ای جامه عمل پوشاند. بازده کار در کلخوزها و سافخوزها ترقی نمود.

در سال ۱۹۵۸ به خاطر انجام کامل و موفقیت آمیز طرحهای خرید و انبار آذوقه توسط دولت، ترقی بازده کار در کشاورزی و افزایش تعداد احشام، به جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان نشان افتخار لنین اعطاء شد.

تحولات کشاورزی ادامه یافت. در ارمنستان نیز مانند سراسر کشور، بازسازی ایستگاه‌های ماشین‌آلات و تراکتور عملی گردید. در بهار ۱۹۵۸ به کلخورها ماشین‌آلات کشاورزی فروخته شد اما ایستگاه‌های ماشین‌آلات و تراکتورها تعمیر و بازسازی شد. در ژوئیه ۱۹۵۸ جلسه عمومی شورای مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تشکیل گردیده و به تغییر نظام موجود خرید محصولات کشاورزی رای داد. شکل واحد خرید محصولات که براساس قیمت‌های هم‌سطح قرار داشت، اتخاذ گردید. تمام این اقدامات به ترقی آتی محصولات کشاورزی کمک نمود.

تحولات مهمی در سراسر کشور و زندگی اجتماعی - سیاسی جمهوری بوجود آمد. پس از مرگ ای. و. استالین (۱۹۵۳) حزب کمونیست پیگیرانه طرح‌های لنین را در حزب پیاده کرده سیاست اصلاح اشتباهات گذشته را در زمینه دموکراسی شوروی در پیش گرفت. شرایطی برای فعال نمودن هر چه بیشتر سازمان‌های حزبی و اجتماعی، توسعه انتقاد سازنده و انتقاد از خود، بالا بردن نقش شوراها بوجود آمد. نظاهر و هیاهو، سایر روش‌های نفاق‌شنی اقدامات حزبی و دولتی، دو گمانیسم و عقب افتادگی عقیدتی در کار محکوم گردید. بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی - که در سال ۱۹۵۶ تشکیل شده بود - این سیاست حزب را - که مردم با گرمی از آن حمایت می‌کردند - منصوب رساند. کنگره پدیده ناسازگار با ماهیت اجتماعی سوسیالیستی و مارکسیسم-لنینیسم، یعنی فردپرستی را محکوم ساخت و وسایل موجودین آثار آنرا متذکر گردید. حزب بنحو آشکار، اختلالات انجام شده در زمینه قوانین سوسیالیستی را اصلاح کرد، از شهروندان محکوم شده بدون اساس و پایه، اعاده حیثیت گردید، نام نیک چهره‌های حزبی، شوروی، علوم فرهنگ اعاده شد.

اقدامات انجام شده در جهت محوریت مضر فردپرستی به استفسار مجدد نرم‌های لنین در زندگی حزبی و ترقی آتی دموکراسی شوروی منجر گردید. در جمهوری، تشکیل کنگره‌های حزب کمونیست ارمنستان و جلسه‌های کمیته

مرکزی آن متناسب با خواست‌های اساسنامه‌ای و حزب، بطور مرتب برگزار می‌شد. دولت متحده اقداماتی در جهت توسعه حقوق جمهوری‌های متحده انجام داد. این مسئله به ارگاسهای دولتی ارمنستان امکان داد تا اقدامات ضروری در جهت ترقی امور اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری را به حیطة اجرا درآورند. در ارمنستان مانند سراسر کشور اقداماتی در جهت بهبود وضع زحمتمکشسان انجام گردید. مزد زحمتمکشان که در سطح پائینی قرار داشت، افزایش یافته، تامین حقوق بازنشستگی برای زحمتمکشان فراهم گردید. ساعات کار کاهش یافت. در جمهوری سازندگی شدید مسکن آغاز شد. در طول سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۵۶ در شهرهای ارمنستان واحدهای مسکونی بازیرشای کل ۴۰۰ هزار متر مربع ساخته شد و در همین سالها ۲۳ هزار خانه در کلخورها بنا گردید. به لطف اقدامات انجام شده در کشاورزی، درآمد واقعی کارگران کلخورها مسا افزایش یافت. موفقیت‌های مردم شوروی در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به حزب و دولت امکان داد تا مسئله ساختمان جامعه کمونیستی را مطرح نمایند.

بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم، جنبش وسیعی در مهاجرین نشین‌های ارضی برای برگشت به میهن آغاز گردید. در نوامبر ۱۹۴۵ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بواسطه اقدامات دولت ارمنستان و تمایل ارامنه مقیم خارج، در مورد برگشت ارامنه به میهن تصمیم گرفت. کمیته قبول مهاجرین به وطن و اسکان آنها وابسته به دولت ارمنستان تشکیل گردید و فعالیت زیادی انجام داد.

سازمان‌های ترقیخواه ارامنه خارج از مهاجرت به وطن حمایت نموده از هرگونه کمکی مضایقه نکردند. احزاب هونچاک و رامکاواری - آزادگان، اتحادیه کل خیریه ارضی - با نفوذترین سازمان اجتماعی ارامنه خارج - از این دست، سازمانها بودند. در سال ۱۹۴۶ این سازمان برای تامین احتیاجات مهاجرین یک میلیون دلار کمک مالی نمود. حزب دانشکوتیون بر علیه مهاجرت سه

میهن ظاهر گردید و سیاست تهمت و افتراء بر علیه ارمنستان شوروی در پیش گرفت.

در طول سال ۱۹۴۶، از سوریه، یونان، لبنان، ایران، بلغارستان، حدود ۵۰/۹ هزار ارمنی به ارمنستان شوروی برگشتند. در سال ۱۹۴۷ کاروانهای جدیدی از فلسطین، سوریه، فرانسه، ایالات متحده آمریکا، مصر، یونان، لبنان، عراق با ۳۵/۴ هزار نفر وارد ارمنستان شدند. در سال ۱۹۴۸ نیز حدود ۱۰ هزار نفر به میهن بازگشتند. بدین سان در طول سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۶ حدود ۱۰۰ هزار ارمنی از خارج به میهن مهاجرت کردند.



در خاک وطن

مهاجرین از نظر مسکن نامیمن

شدید و کسانی که مایل بودند با رعایت شرایط محار و با دریافت کمک مالی به بنای خانه شخصی پرداختند. تمام آنها جای خود را در کشور شوروی پیدا نموده به شهروندان متساوی الحقوق آن تبدیل شدند. در سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۶ مهاجرت جمعی به وطن، انگیزهای شدت را روابط میان ارمنه خارج و میهن تحکیم یابد و ارج و مقام ارمنستان شوروی در محافل زحمتکش ارمنی خارج بالا برود.

۲- در مسیر سازندگی کمونیستی (۱۹۷۰-۱۹۵۹)

در ۲۱- امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی - که در آغاز سال ۱۹۵۹ تشکیل شده بود - اعلام گردید که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

وارد دوران ساختمان جامعه کمونیستی شده و ایجاد اساس مادی تکنیکی کمونیسم، ترقی روابط اجتماعی سوسیالیستی و تکمیل آن، تربیت مردم شوروی با روح کمونیستی بصورت مسایل اصلی حزب و مردم درآمده اند.

در راه ایجاد اساس مادی - تکنیکی اجتماع کمونیستی، پیشرفت اقتصادی - اجتماعی اقتصاد مردمی در طول سالهای برنامه های پنجساله هفتم (۱۹۶۵-۱۹۷۰) و هشتم (۱۹۷۰-۱۹۷۵) تاثیر فراوانی داشت. در این دوران خلق ارمنی به همراه تمام مردم شوروی، موفقیت های جدیدی در کلیه زمینه های اقتصادی و فرهنگی بدست آورد. بویژه صنایع ارمنستان پیروزی های بزرگی کسب نمود. فقط در سالهای برنامه پنجساله هفتم حدود ۳۰۰ موزه جدید صنعتی و کارگاه های بزرگ تولیدی ایجاد گردید. در نتیجه، میزان تولیدات ۲/۲ برابر افزایش یافت.

ترقی صنایع تولیدی ارمنستان با یک رشته مشحمت قابل تشخیص گردید. ایجاد رشته های تولیدی محتاج برق، به این مسئله منتهی گردید که ارمنستان دچار کمبود نیروی برق شده بود. بهره برداری آبی از آبهای دریاچه سوان برای تامین نیازهای ترقی نمودن کارها دیگر مناسب بشود، زیرا سطح آب این حوض طبیعی سریعاً پائین می آمد. در سال ۱۹۶۵ دولت شوروی تصمیم مهمی دال بر احداث تولی به طول ۴۸ کیلومتر برای ریختن آب رودخانه آرپا به دریاچه سوان گرفت تا بدین وسیله سطح آب دریاچه را تثبیت کند. در عین حال اشباع از دریاچه نیز گاسته شد که به همین علت هم تولید سرق نیروگاههای مسیر سوان - هرازدان تقلیل یافت. نوارن نیروی برق جمهوری بدون ایجاد خسارتی برای ترقی اقتصاد مردمی به لطف این امر قابل دسترس گردید که در ارمنستان به نحو پرحوش و خروشی ساختمان نیروگاههای سرق حرارتی آغاز شد. به جز آن، سیستم انرژی کمپوری به سیستم سراسری انرژی ماوراء قفقاز وصل شد. این اقدامات امکان افزایش تولید برق را داد. در مقایسه با ۹۹۵ هزار کیلووات در سال ۱۹۶۵ قدرت تمام نیروگاههای برق جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۷۰ به ۱۵۰۰ هزار کیلووات رسید یعنی یک و نیم

برابر افزایش یافت.

به موارد این فعالیتها، رشته‌هایی نیز که به برق نیاز نداشتند، پیشرفت نمودند. ماشین‌سازی ترقی زیادی کرده به عمده‌ترین رشته صنعتی ارمنستان تبدیل گردید. در سال ۱۹۷۰ در جمهوری بیش از ۱۳۰ موسسه ماشین‌سازی وجود داشت که به میزان زیادی کالاهای مختلف تولید نموده‌اند. در ارمنستان، الکترو موتور و دستگاه‌های فلزبر، ژنراتور، ترانسفورماتور، وسایل اتوماتیک، کامپیوتر، دستگاه‌های میزان‌کننده و ساعت ساخته می‌شوند. در سالهای دهه ۶۰ رشته جدید صنعتی یعنی اتومبیل‌سازی ایجاد گردید. به تناسب نیازهای تکنیکهای روز، از اواسط دهه ۶۰، الکترونیک، رادیو تکنیک و ساختن لوازم و دستگاه‌های گوناگون شروع به ترقی نمود. در طول سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۶ درصد رشد رشته ماشین‌سازی به طور محسوس فزونی یافت.

قابل ذکر است که در دهه اخیر، جغرافیای صنعتی ارمنستان بطور چشمگیری متحول گردید. در سال ۱۹۷۰ در بیش از ۱۲۰ منطقه مسکونی جمهوری، موسسات صنعتی وجود داشت. آبرویان، چارنتساوان، مارتونی، کامو، ایحوان، کاجاران، گوریس، آباران، استپانآوان و غیره بصورت مراکز صنعتی درآمدند. موسسات صنعتی نه تنها در شهرها بلکه در مراکز بخشها و روستاهای بزرگ نیز ایجاد گردید. اهمیت اجتماعی این مسئله بزرگ بود. این امر نه تنها باعث افزایش جمعیت شهری گردید بلکه باعث بالا رفتن سطح فرهنگ مردم و افزایش تعداد کارگران شد و تا حد زیادی مسئله اشتغال جمعیت، مسئله مهم جمهوری را حل نمود.

در طول دهه ۶۰ ترقی صنایع ارمنستان که بصورت میراثی درآمده بود، ادامه یافت، منجمه تولیدات صنایع متالوژی و شیمیائی به نحو چشمگیری در کارخانجات کاجاران، آگاراک، غاپان، آلاوردی و کارخانه آلومینیم کاناکر افزایش یافت و اینها دگر بار به تولید مس، آلومینیم، مولبدن، روی، قلع و فلزات کمیاب طلا، نقره و غیره پرداختند. در آغاز سال ۶۰ کارهای ساختمانی

کارخانه تولیدی طلا در زور^۱ شروع شد. تحولات عظیمی در صنایع شیمیایی بوجود آمد. رشته‌های جدیدی ایجاد شد و یک رشته از موسسات توسعه یافته و با تکنولوژی جدید تجهیز گردید. در اواسط سالهای دهه ۶۰ کارخانه نسج صنعتی گیرواکان، رئاکتیوهای شیمیایی ایروان، کارخانه شیمیایی و غیره مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال ۱۹۷۰ در موسسات صنعتی شیمی بیش از ۱۴۰ نوع محصول تولید گردید. ارمنستان شوروی به تامین بسیاری از احتیاجات شیمیائی کشور و دول خارجی پرداخت، مانند کائوچوی سنتتیک، نخ صنعتی شیمیایی، چسب سنتتیک، لاستیک اتومبیل، اشیاء لاستیکی و تکنیکی، کودهای ازتی و غیره.

تولیدات مصالح ساختمانی و صنایع سبک و مواد غذایی با روند سریع پیشرفت نمود. در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۶۰ تولیدات مصالح ساختمانی بیش از ۳ برابر گردید، اما محصولات سبک دو برابر شد.

در سال ۱۹۷۰، ۷۰۰ موسسه صنعتی در جمهوری وجود داشت که در آنها کالاهای مرغوب و در سطح جهانی تولید می‌شد. محصولات صنعتی ارمنستان به دهها کشور دنیا، مصر، عراق، هند، غنا، افغانستان و غیره صادر می‌گردد.

در کار ترقی پتانسیل اقتصادی سراسر کشور و جمهوری، فعالیت اصلی از آن طبقه کارگر و متفکرین علمی و فنی بود. اگر در آستانه انقلاب در موسسات صنعتی چند هزار نفر کار می‌کردند، در سال ۱۹۷۰ طبقه کارگر ارمنستان متشکل از ۷۰۰ هزار نفر بود. مجتمعهای عظیم شیمیایی و استخراج و ذوب فلز، نیروگاههای برق، کارخانه‌ها و کارگاهها، شهرها و کانالها به همت و کار و تلاش کارگران ساخته شده‌اند. در طول دهه ۶۰ هزاران کارگر در احداث ضربتی مجتمعهای مرکز ترموالکتریکی ایروان، تونل آریا-سوان، شرکست نمودند. در جمهوری رقابت سوسیالیستی برای خاتمه دادن به کارها قبل از

موعد مقرر و استقبال شایان از کنگره‌های حزب بطور وسیعی گسترش یافته است. صدها گروه کاری و کارخانجات به دریافت لقب کنکئو فعالیت کمونیستی نایل آمده‌اند. فکر کنکاو را سونالیزاتورها و مستکین به مسئله افزایش سطح تولیدات، صرفه‌جویی در مواد خام، تکمیل پروسه‌های تکنولوژیکی کمک نایان نمود. افراد بسیاری در صنایع ظاهر گردیدند که به خاطر کوشش فاکارانه خود به دریافت لقب قهرمان کار سوسیالیستی نایل شدند.



جمع آوری محصول انگور در ناحیه آرتاشاد

در سالهای دهه ۶۰ اقداماتی برای ترقی آتی کشاورزی در جمهوری صورت پذیرفت. فعالیت‌های آبیاری مورد توجه خاص قرار گرفت. در این سالها عملیات ساختمانی کانالهای آبیاری آرزنی - شامیرام، نویسریان، آیسروم - چوچکان و غیره، سد آپاران، ایستگاه‌های تلمه آب نویسریان، مخچیان،

آروشاد، یغگنار زور به پایان رسید. بهره‌برداری از این ساختمانها امکانات افزایش سطح زمینهای آبیاری شده را فراهم نمود که در سال ۱۹۷۰ به ۲۵۵ هزار هکتار رسید یعنی در مقایسه با سال ۱۹۲۰، ۴ برابر فزونی یافت. در همان فاصله، سطح باغهای انگور و سایر میوه‌ها ۱۲ برابر افزایش داشت. در سال ۱۹۷۰ در دشتهای کلخوزها و ساوخوزهای ارمنستان بیش از ۹ هزار تراکتور، ۱۷۰۰ کمپین، بیش از هزار کامیون باربری، دهها هزار ماشینهای دیگر کشاورزی کار می‌کرد. سطح محصولات کشاورزی تا اندازه‌ای افزایش داشت. لیکن کشاورزی با روند ترقی خود از سایر رشته‌های اقتصادی هنوز عقب مانده بود.

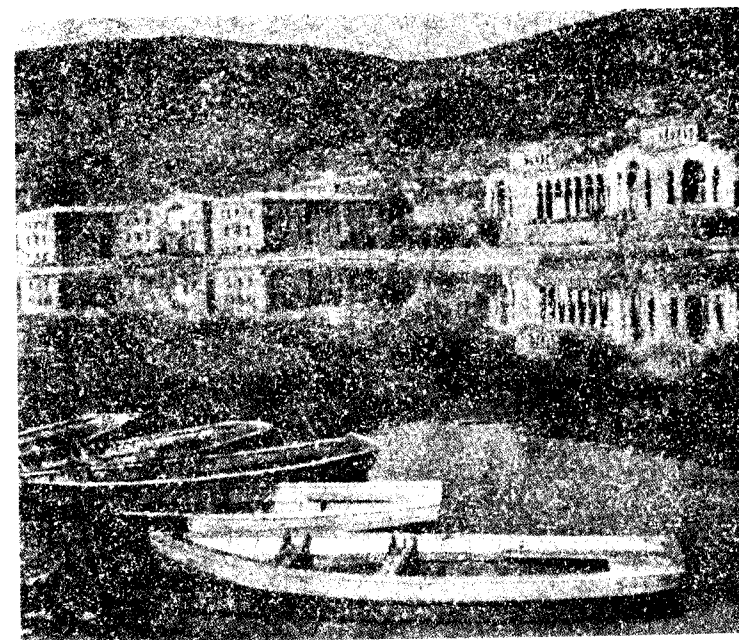
مجمع عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مارس ۱۹۶۵ نقایص و معایب کشاورزی را برشمرد و اقداماتی برای رفع آنها پیش بینی کرد. در ارمنستان مانند سایر کشور سیستم خرید محصولات کشاورزی تغییر نموده،



خیابان نامانیان در ایروان

قیمت‌های آنها افزایش یافته اقداماتی برای مرتب نمودن سیستم رهبری در کشاورزی انجام گرفت. این اقدامات امکان داد تا موفقیت‌هایی در افزایش تولید محصولات کشاورزی حاصل شود. در فاصله بین سال ۱۹۶۶ و ۱۹۷۰ متوسط سطح تولید ناخالص کشاورزی در مقایسه با برنامه پنجساله قبل ۱۸ درصد افزایش داشت. کشاورزی در مسیر تولید بیشتر قرار گرفت.

در سالهای دهه ۶۰ در کشور شوروی رویدادهای مهمی بوقوع پیوست. تمام مردم در کلیه اقدامات مهم سیاسی، در بررسی برنامه جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی - برنامه پنجساله هشتم - بررسی دورنمای تشریفاتی اقتصاد مردمی فعالانه شرکت نمودند. تصمیمات ۲۲-امین و ۲۳-امین کنگره حزب کمونیست انکاس وسیعی یافت. طبقه کارگر جمهوری، روستائیان



نمایی از آسایشگاه "حرموک"

کلیخوزها و متفکرین، فعالیت شدیدی در جهت عملی ساختن اطلاعات اقتصادی، تکمیل روشها و متدهای مدیریت اقتصاد مردمی کشور انجام دادند. به همراه تمام افراد شوروی، خلق ارمنی نیز از سیاست خارجی دولت شوروی حمایت نمود که اساس آن را حفظ و تحکیم صلح، کمک به مبارزه رهایی بخش ملی خلقهای تحت ستم تشکیل می‌داد.

خلق ارمنی در اکتبر ۱۹۶۸، ۲۷۵۰-امین سالگرد بنای ایروان، پایتخت جمهوری را با شکوه تمام جشن گرفت. در آستانه روز جشن، جمهوری به دریافت نشان افتخار درجه دوم لنین مفتخر گردید. ایروان در طول سالهای حکومت شوروی، بصورت مرکز اصلی زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خلق ارمنی درآمد. بدین مناسبت در مهاجرنشین‌های ارمنی نیز مراسمی برپا گردید.

در آوریل ۱۹۷۰ زحمتکشان ارمنستان توام با تمام بشریت ترقیخواه، صدمین زادروز و. ای. لنین را جشن گرفتند. ایده‌ها و رهنمودهای پرتقریحه رهبر انقلاب سوسیالیستی و بنیانگذار اولین حکومت سوسیالیستی با پیروزی‌های درخشان اتحاد شوروی و در جمع آن ارمنستان شوروی، جامه عمل پوشیده است. در نوامبر ۱۹۷۰ پنجاهمین سال برقراری حکومت شوروی در ارمنستان و تاسیس حزب کمونیست جمهوری جشن گرفته شد، تمام خلقهای کشور نمایندگان خود را برای شرکت در مراسم باشکوه به ایروان اعزام داشتند. جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان به خاطر موفقیت‌های چشمگیر خود در جنبش انقلابی و سازندگی سوسیالیستی و کمونیستی به دریافت نشان افتخار اکتبر نایل گردید. این نشان را دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ل. ای. برژنف - که شخصاً در مراسم شرکت داشت - به جمهوری اعطاء کرد. ل. ای. برژنف با ایراد نطقی در جلسه باشکوه کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان و شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان، کار قهرمانانه خلق ارمنی را - که توام با تمام افراد کشور جامعه کمونیستی را بنا می‌نهد - قویاً مورد تقدیر و تمجید قرار داد.

۳- موفقیت‌های جدید فرهنگ ارمنی شوروی

در سالهای پس از جنگ ترقی همه جانبه فرهنگ ارمنی ادامه یافت. موفقیت‌های جدیدی در تمام زمینه‌های فرهنگی بدست آمد. سیستم تعلیم و تربیت مردم، کارآموزش متخصصین، فکر علمی، هنر و ادبیات در جهت ترقی آتی سیر نمود. روابط فرهنگی ارمنستان شوروی با سایر خلقهای اتحاد شوروی و نیز ارامنه خارج محکمتر گردید.

در زمینه آموزش مردمی پیشرفت زیادی حاصل شد، که انعکاس خود را در توسعه بعدی شبکه مدارس و بازسازی تمام فعالیت‌های تحصیلی - تعلیمی یافت. در اولین سالهای پس از جنگ شمار مدارس متوسطه و غیرمتوسطه زیاد شد. تقریباً تمام مناطق مسکونی ارمنستان امکان استفاده از آموزش اجباری هفتساله را بدست آوردند.

در اواخر دهه ۵۰ گامهایی درجهت ترقی آموزش و پرورش برداشته شد. قوانینی وضع گردید که هدفشان تقویت روابط میان زندگی روزمره مدارس، پیشرفت اجتماعی و رسیدن به مرحله توازن احتیاجات با کادر متخصص بود. فعالیت چشمگیری در متحول ساختن برنامه مدارس، تهیه کتب درسی جدید و استفاده از روشهای مدرن در کار تعلیم و تربیت انجام شد. در مورد آموزش و پرورش مدارس تحقیقاتی بعمل آمد.

در سال ۱۹۷۰ بیش از ۱۵۰۰ مدرسه تعلیمات عمومی در ارمنستان وجود داشت، که در آنها بیش از ۶۳۰ هزار دانش آموز به تحصیل اشتغال داشتند. شمار معلمین به ۳۲ هزار نفر یعنی به اندازه تعداد دانش آموز قبلاً از انقلاب می رسید.

در دوران پس از جنگ، ترقی سریع اقتصادی ارمنستان شوروی و ایجاد رشته‌های جدید صنعتی، باعث ترقی و تکمیل آتی سیستم آموزش عالی در جمهوری گردید. تعداد دانشجویان افزایش یافت و مراحل تحصیلی کاملتر

شد. در سالهای دهه ۵۰ و ۶۰ مبنای تحصیلی مؤسسات آموزش عالی جمهوری گسترش یافته و آزمایشگاههای آنها به دستگاههای مدرن مجهز گردیدند. دانشگاه دولتی ایروان اقدام به تاسیس شاخه‌های جدید انستیتوی پلی تکنیک و تربیتی ارمنی و سایر انستیتوها نمود. در نواحی جدید ایروان، خوابگاههای چندین طبقه‌ای دانشجویان احداث گردید. فعالیت‌های تحقیقاتی علمی در مؤسسات آموزش عالی بطور چشمگیری افزایش یافت. در جمعی از آنها - آزمایشگاه‌های تحقیقات علمی ایجاد گردید که اکثر آنها به تحقیقات علمی در رابطه با رشته‌های مختلف اقتصاد مردمی می پردازند.

در نتیجه ایجاد رشته‌های جدید اقتصادی و ترقی علمی و فنی، در مؤسسات آموزش عالی کار تربیت متخصصین در سطح عالی آغاز گردید. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ دانشکده‌ها و شعب جدیدی تاسیس شدند که به کار تربیت



ساختمان مرکزی دانشگاه دولتی ایروان

مختصین در بیش از ۵۰ رشته تخصصی می‌پردازند منجمله ستاره شناسی، رادیو فیزیک، ساختن دستگاه‌ها، سایبرنتیک الکترونیک، ریاضیات عملی، اتوماتیزاسیون، شیمی سیلیکاتها، تکنولوژی پلی‌مرها و غیره.

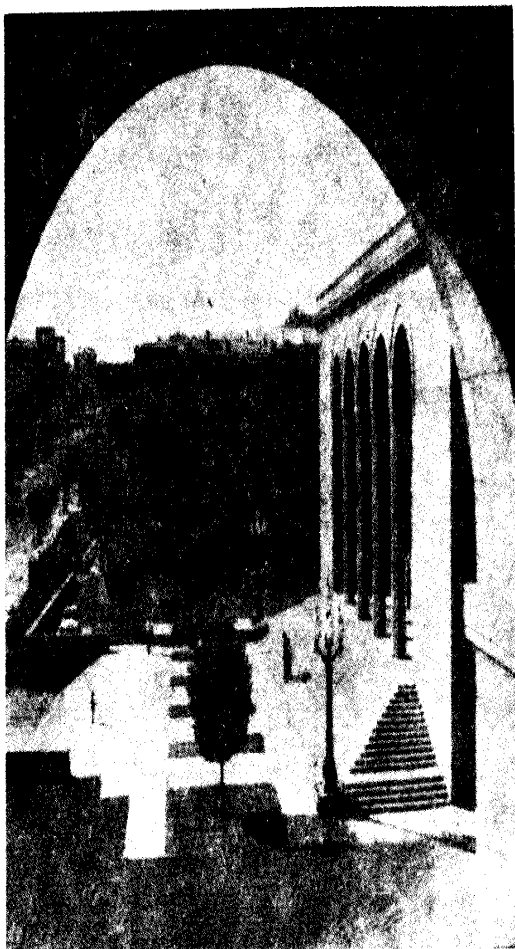
در سال ۱۹۷۰ بیش از ۳ هزار استاد در دانشگاه‌های جمهوری تدریس می‌نمودند منجمله ۲۰۰ پرفسور و بیش از ۱۲۰۰ دوست^۲. تا اواخر سال ۱۹۵۰، ایروان تقریباً بعنوان تنها مرکز دانشگاهی جمهوری بود. در سال ۱۹۵۹ شعب انستیتوی پلی‌تکنیک ایروان در لنیناکان، غاپان و گیرواکان و شعبه انستیتوی تربیتی ایروان در گوریس ایجاد شدند.

قدیمی‌ترین و عمده‌ترین موسسه علمی و آموزشی جمهوری، دانشگاه دولتی ایروان است. دانشگاه - که حدود ۲۴۰۰۰ متخصص به کشور داده است - اکنون ۱۳ دانشکده با ۱۳۰۰۰ دانشجو، آزمایشگاه‌های متعدد علمی، مرکز انتشارات مخصوص، کتابخانه بزرگ علمی و غیره دارد. به خاطر موفقیت‌های بدست آمده در دسامبر ۱۹۷۰ و در رابطه با پنجاهمین سالگرد تاسیس، دانشگاه دولتی ایروان به دریافت نشان افتخار درفش سرخ کار از سوی شورای عالی اتحاد شوروی مفتخر گردید.

در سال ۱۹۷۰ در جمهوری ۱۲ موسسه آموزش عالی وجود داشت که در آنها بیش از ۵۳ هزار دانشجو به تحصیل اشتغال داشتند. ۴۳ هزار دانشجو در ۶۰ تکنیکوم صاحب تخصص می‌گردند، بیش از ۲۰ هزار پسر و دختر در شبکه آموزش حرفه‌ای - فنی قرار دارند که در آنها کارگران ماهر تربیت می‌گردند. بدین ترتیب با احتساب دانش‌آموزان دبیرستانها از هر چهار نفر جمعیت جمهوری یک نفرشان به تحصیل اشتغال دارد. براساس داده‌های آماری سال ۱۹۷۰، از هر هزار نفر جمعیت جمهوری ۵۱۶ نفر از مزایای تحصیلات عالی و متوسطه بهره‌مند می‌شوند. با این مقیاس، ارمنستان شوروی یکی از پیشروترین جماهیر اتحاد شوروی به حساب می‌آید.

سالهای دهه ۵۰ و ۶۰ دوران ترقی روز افزون علم و فن ارمنستان شوروی بود. در این سالها یک رشته انستیتوهای جدید تحقیقات علمی، آزمایشگاهها، انستیتوهای برنامه‌ریزی و سازمانهای ساختمانی بنیان گذاشته شدند که اینها شروع به حل مسایل تنوریک و کاربردی بسیار مهم پرداختند.

اگر در سال ۱۹۵۱، ۳۳ موسسه تحقیقات علمی در ارمنستان وجود داشت، این رقم در سال ۱۹۵۸ به ۶۹، در ۱۹۶۲ به ۸۴ و در ۱۹۷۰ به بیش از ۱۰۰ رسید. تعداد محققین علمی نیز افزایش یافت. در سال ۱۹۷۰ در ارمنستان بیش از ۱۲ هزار محقق علمی وجود داشت، بیش از ۴۰۰ نفر دارای درجه دکترا و حدود ۳ هزار نفرشان داوطلب دکترای علوم بودند. آکادمی



ساختمان مرکزی آکادمی علوم ارمنستان

علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان صورت مرکز فکر علمی درآمده است که رئیس دائمی آن از سال ۱۹۴۷ به بعد آستروفیزیکدان برجسته شوروی یعنی ویکتور هامبارسومیان می باشد.

فکر علمی در ارمنستان در دهه های ۵۰ و ۶۰ موفقیت های چشمگیری داشت. نتایج حاصله از تحقیقات متعدد در بسیاری رشته های علمی، مورد تقدیر قرار گرفت. فیزیک، ریاضیات، شیمی، علوم زمین شناسی و نیز ارمنی شناسی بصورت پیشروترین رشته های فکر علمی ارمنستان درآمدند.

تحقیقات آستروفیزیکی انجام شده در ارمنستان از شهرت جهانی برخوردار است و در کار پیشرفت ستاره شناسی نقش مهمی ایفا می نماید. رصدخانه بیوراکان^۳ که ساختمان آن پس از جنگ کبیر میهنی آغاز گردیده است - توسعه یافته و تبدیل به یکی از آزمایشگاه های آستروفیزیک درجه یک جهانی درآمده و سالهای متمادی است توسط آکادمیسین ویکتور هامبارسومیان اداره می شود. در اواخر دهه ۴۰ ستاره شناسان ارمنی انواع جدیدی از منظومه های ستاره ای را در کهکشان پیدا کرده اند. در سال ۱۹۵۰ و هامبارسومیان و همکار رصدخانه ای او، ب. مارکاریان (اکنون آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان) به خاطر کشف این منظومه ها به دریافت مدال درجه اول حکومتی اتحاد شوروی موفق شدند. در مورد مسایل مختلف ستاره شناسی، کنفرانسها و سمپوزیومهای متعدّد بین المللی در رصدخانه بیوراکان تشکیل شده اند. در سال ۱۹۶۷ توسط مدال افتخار لنین از رصدخانه بیوراکان قدردانی گردید. رئیس رصدخانه، قهرمان کار سوسیالیستی و هامبارسومیان رئیس اتحادیه بین المللی ستاره شناسان بوده و دو مرتبه بعنوان رئیس شورای بین المللی انجمنهای علمی انتخاب گردیده است.

در زمینه فیزیک موفقیت های چشمگیری بدست آمد. در سالهای پس از

جنگ یک رشته انستیتوهای تحقیقی علمی برای مسایل گوناگون علم فیزیک در جمهوری تاسیس شد، منجمله برای تحقیقات فیزیک، رادیوفیزیک، الکترونیک و غیره. در سال ۱۹۶۷ بزرگترین تسریع کننده الکترونیکی شوروی

یعنی اساس تحقیقات فیزیک هسته ای در ایروان ایجاد گردید. این تحقیقات توسط آ. آلیخانیان، آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری ارمنستان و برنده مدال لنین رهبری می شد. فیزیکدانان ارمنی به مسایل الکترونیک، اپتیک، فیزیک اجسام سخت و غیره نیز می پردازند که در این زمینه آکادمیسین، گ. غاریبیان و اعضای مکتبه ای م. درمیکائیلیان، گ. ساهاکیان



و سایرین با موفقیت تحقیق می کنند. آکادمیسین ویکتور هامبارسومیان رئیس آکادمی علوم ارمنستان آلیخانوف (۱۹۷۰-۱۹۰۴) در کار ترقی

و پیشرفت علم فیزیک در ارمنستان کوششهای ارزنده ای نموده است.

در زمینه علوم ریاضی بویژه آکادمیسین های آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان، آ. شاهینیان، م. جریاشیان و س. مرگیان تحقیقات ارزنده ای انجام داده اند. زمینه تحقیقات علم ریاضی به نحو چشمگیری گسترش یافته و نه تنها شامل جنبه تئوریک بلکه شامل مسایل کاربردی ریاضی نیز می شود. براین اساس موفقیت های جدیدی در مورد ریاضیات محاسباتی بدست آمد، کامپیوترهای "هرازدان" و "نائیری" ساخته شدند و مرکز کامپیوتر دانشگاه ایروان تاسیس گردید. این مسئله به پیشرفت سایرینتیک در جمهوری کمک شایانی نمود و امکاناتی برای حل مسایل بسیار مهم اقتصادی و علمی توسط تکنیکهای محاسباتی و روشهای ریاضی بوجود آمد.

در زمینه مکانیک نیز تحقیقاتی انجام شد که هم اهمیت تئوریک و هم کاربردی داشت. ن. هاروتیونیان و س. هامبارسومیان آکادمیسین‌های آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در زمینه مسایل مکانیک تحقیقات بسیار مهمی انجام داده‌اند.

به تحقیقات علوم فنی نیز توجه زیادی مبذول گردید که در رابطه مستقیم با نیازهای رشته‌های پیشرو صنایع جمهوری؛ ماشین سازی، ساختن دستگاه‌های تراش، صنایع الکتروتکنیک، رادیو تکنیک، الکترونیک قرار داشتند. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ یک رشته انستیتوها و آزمایشگاه‌های تحقیقی علمی - که بیشتر ماهیت تکنیکی داشتند - تاسیس گردید. آ. ایوسیفیان و م. کاسیان، آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان شوروی خدمات چشمگیری در کار توسعه علوم تکنیکی در جمهوری انجام داده‌اند.

ایجاد صنایع شیمیایی و توسعه روز افزون آن در ارمنستان باعث بوجود آمدن یک رشته انستیتوهای تحقیقاتی علمی شیمی شد. در سالهای پس از جنگ تحقیقات شیمی آلی و معدنی، فیزیک شیمی، شیمی پلیمرها و سنتز ارگانیک ظریف، با شتاب هرچه تمامتر در جمهوری انجام گردید. به ویژه انستیتوی شیمی آلی - که در آنجا چند قلم داروی مهم کشف و ساخته شد - با موفقیت به کار خود ادامه داد. برای سالهای متمادی، مجتمع انستیتو توسط آ. منجویان (۱۹۷۱-۱۹۰۴) شیمیدان برجسته و آکادمیسین آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان و قهرمان کار سوسیالیستی رهبری می‌شد. انستیتوی شیمی معدنی و جامع، با موفقیت در زمینه مسایل کمپلکس مواد معدنی کار می‌کند. تحقیقات قابل توجهی نیز توسط آکادمیسین‌ها آ. نالابندیان، آ. بابایان، م. مانولیان عضو مکاتبه‌ای آکادمی آ. گاسپاریان و سایرین انجام می‌شود.

تحقیقات انجام شده در زمینه علوم زمین شناسی، برای ترقی اقتصاد مردمی ارمنستان اهمیت بزرگی داشت. در دوره پس از جنگ علوم زمین شناسی توسعه زیادی یافت که به لطف آنها کشف منابع جدید معدنی و کاربرد

آنها در اقتصاد امکان پذیر گردید. آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان ک. پافنگولتس، ه. ماگاکیان، س. مگردیچیان، عضو مکاتبه‌ای آکادمی آ. اسلانیان در این رابطه کارهای پرارجی انجام داده‌اند.

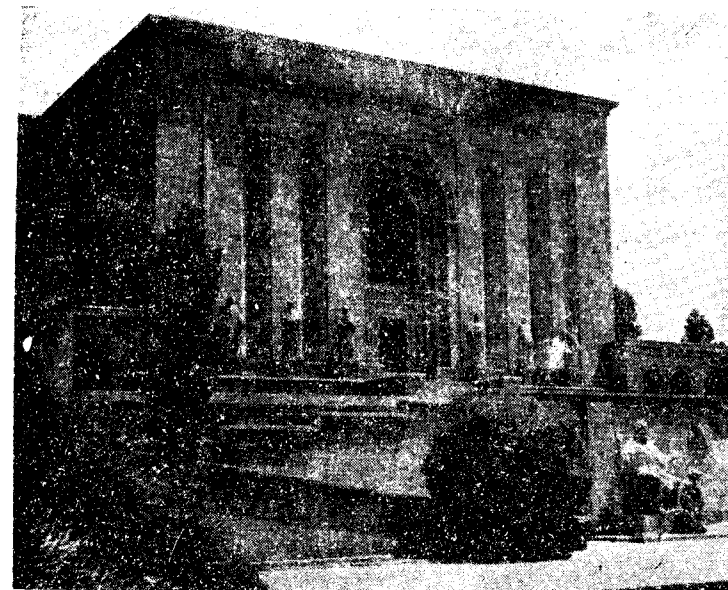
فعالیت‌های علوم کشاورزی و زیست‌شناسی نیز ادامه یافته عمیق‌تر گردید. یک رشته انستیتوهای تحقیقی علمی، آزمایشگاه‌ها و غیره در جمهوری تاسیس یافت. رشته‌های جدید میکروشناسی، هیدروپونیک، رادیوگروشیمی و غیره ایجاد شد. فعالیت‌های انجام شده که به رهبری آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان، م. چاپلاخیان، آ. تاخاچیان، گ. داوتیان، و. گولکانیان، گ. باباخانیان، عضو مکاتبه‌ای آکادمی و. غازاریان، با نیازهای کشاورزی جمهوری عمیقاً در رابطه بوده‌است.

یک گروه بزرگ از دانشمندان ارمنستان به تحقیق در زمینه‌های مختلف پزشکی مشغول است. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کوشش‌ها و کارهای زیادی در زمینه فیزیولوژی، بیوشیمی مغز، قلب شناسی، رنتگنولوژی و غیره انجام شده است. آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان، ل. هوانیسیان (۱۹۷۰-۱۸۸۵)، خ. کوشتویانس (۱۹۶۱-۱۹۰۱)، ا. هاسراتیان، ه. بونیاتیان و ب. فانارجیان کارهای چشمگیری بعمل آورده‌اند.

در دوره پس از جنگ مطالعات و تحقیقات ارمنی شناسی توسعه یافت. دانشمندان ارمنی شناس شوروی به مطالعه و تحقیق در مورد مسایل اساسی تاریخ و فرهنگ ملت ارمنی پرداخته و توانستند ارمنی شناسی را به درجه والایی ترقی دهند.

مسایل تاریخ چندین قرنی، باستانشناسی و قوم شناسی ملت ارمنی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت. بویژه تاریخ سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ارمنستان در قرون قدیم و وسطی، منشاء نظام برده‌داری و فئودالی، مبارزه ملی و رهایی بخش خلق ارمنی بر علیه اشغالگران خارجی، روابط آرامنه با روسیه، مسایل مهم تاریخ نهضت‌های انقلابی و ارمنستان شوروی موضوع تحقیق واقع شدند. موفقیت‌های چشمگیری نیز در زمینه باستانشناسی بدست آمد.

در اینجا بخصوص یادگارهای تاریخی دوران اورارتو، هلنیکان، قرون وسطای متقدم موضوع تحقیق بوده‌اند. حفاری‌ها توسعه فراوان یافت، بویژه در تیشیائینیا، اربونی، گارنی، دوین و غیره.



ساختمان ماتناداران م. ماشتوتس در ایروان

در کار ترقی تاریخ‌نویسی ارمنی شوروی، آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان، آشوت هوانیسیان (۱۸۸۷-۱۹۷۲)، سی. یرمیان، آپراهام هوانیسیان، م. نرسیسیان، ل. خاچیکیان، زادور آقاییان، گ. غاریبجانیان، اما در زمینه باستان‌شناسی، آکادمیسین پ. پیوتروفسکی، عضو مکاتبه‌ای آکادمی ب. آراکلیان و پرفسور ک. غافاداریان فعالیت‌ها و کارهای بزرگی انجام داده‌اند. در زمینه تحقیقات روی ادبیات و فولکلور ارمنی نیز فعالیت‌های زیادی انجام شد. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ آکادمیسین آکادمی علوم ارمنستان ک. ملیک اوهانجانیان (۱۸۹۳-۱۹۷۰)، اعضای مکاتبه‌ای آکادمی آ. غانالانیان و

م. مکریان آثار پرارزشی منتشر نموده‌اند. زبان‌شناسان جمهوری با ادامه راه پرشمره زبان‌شناسان بزرگ قبلی، تحقیقات شایان توجهی در مورد تاریخ زبان ارمنی، قواعد مختلف، مسایل گویش‌ها و دستور زبان انجام داده‌اند. در سالهای اخیر کنجکاوی در مورد زبان‌شناسی کاربردی افزون گردیده است. در زمینه زبان‌شناسی ارمنی آکادمیسین‌های آکادمی علوم ارمنستان آ. غاریبیان، گ. سواک، اعضای مکاتبه‌ای آکادمی ادوارد آقاییان و گ. جاهوکیان کوشش‌های فراوانی بعمل آورده‌اند.

تحقیقات جدی در مورد علوم فلسفی نیز انجام گرفته است، بویژه در جهت فکر فلسفی ارمنی در گذشته. در این زمینه و چالویان عضو مکاتبه‌ای آکادمی علوم ارمنستان و پرفسور ه. گابریلیان مطالعات چشمگیری دارند. در سالهای اخیر فلاسفه جمهوری در مسایل مربوط به دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی موفقیت‌هایی کسب نموده‌اند. در سال ۱۹۶۹ انستیتوی فلسفه وابسته به آکادمی علوم ارمنستان در جمهوری تاسیس شد.

از نیمه دوم دهه ۵۰ توجه خاصی به توسعه تحقیقات اقتصادی مبذول می‌گردد. یک رشته موسسات تحقیقی و علمی اقتصادی در جمهوری ایجاد شد که اینها به مسایل اقتصادی صنعت و کشاورزی پرداخته منابع نیروی انسانی، بازدهی تولید اجتماعی و سایر مسایل را مورد تحقیق و مطالعه قرار می‌دهند. رشته‌های گوناگون هنر ارمنی، موسیقی، معماری، هنرهای تصویری، هنرهای عملی و تجربی، تئاتر و سینما، موضوع مطالعات هنرمندان گردیده است. بویژه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ آثاری در زمینه تاریخ هنر ارمنی چاپ و منتشر شد.

در دهه اول پس از جنگ، تم جنگ موضوع اصلی ادبیات ارمنی شوروی بود. اگر در طول سالهای نبرد نقادی سبک عمده بود، در آینده خلق آثاری با محتوای شجاعت‌ها و قهرمانی‌های مردم شوروی ضرورت تام بیافت.

نویسندگانی چون هراچیا کوچار و سروخانزادیان و سایرین آثاری در زمینه جنگ نوشتند. عقاید میهن دوستانه، تنفر از دشمن تمهایی بود که ه. ساهیان، ه. هوانیسیان، و. داوتیان، آ. گراشی در اشعار خود بکار بردند. دومین کنگره نویسندگان ارمنستان در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد که موفقیت‌های ادبیات ارمنی شوروی را مطرح نمود. جمهوری در سال ۱۹۴۸ صدمین سالگرد وفات بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی، خاچاتور آجوبیان و ۱۲۵-امین سال تولد دمکرات انقلابی میکائیل نالابندیان را گرامی داشت. این سال بصورت جشن ملی فرهنگی درآمد. لیکن باید توجه نمود که در سالهای پس از جنگ در رابطه با میراث کلاسیک اشتباهاتی صورت گرفت. در سال ۱۹۵۲ در جمهوری بحث پیرامون "تئوری جریان متحد" بروز کرد. این بحث - که در محیط نامناسب برای خلاقیت هنری ایجاد شده بود - به سیر تلقی و برداشت صحیح از میراث ادبیات کلاسیک گذشته هیچگونه کمکی نکرد. در طول مجادله، یک عده از دانشمندان نامی ارمنستان مورد انتقاد ناصحیح و مغرضانه قرار گرفتند.

تصمیمات تاریخی بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و محکوم ساختن فردگرایی تاثیر مثبتی بر تمام شوروی و منجمله ادبیات ارمنی شوروی از خود به جای گذاشت. در رابطه با میراث ادبی گذشته، برداشتهای صحیحی شد، اشتباهات و طرز تلقی نیهیلیستی نسبت به نویسندگان بزرگ ارمنی همچون رافی و پانتکلیان و سایرین تصحیح گردید. نامهای جاویدان شاعر کبیر ارمنی یغیشه چارنتس و نویسنده نامی آکسل باکونتس و مکان و شان والای آنها در تاریخ ادبیات ارمنی شوروی دگربار احیا و اعاده گردید. در نیمه دوم دهه ۵۰ و سالهای دهه ۶۰ یک نسل جدید از نویسندگان و شعرا به ادبیات ارمنی شوروی وارد شد که شیوهها و سبکهای جدید با خود به ارمغان آورد.

در سالهای دهه ۶۰، گ. ساریان، ن. زاریان (۱۹۶۹-۱۹۰۰)، و. نورنتس، گ. ماهاری (۱۹۶۹-۱۹۰۳) با آثار جدید خود ظاهر شدند.

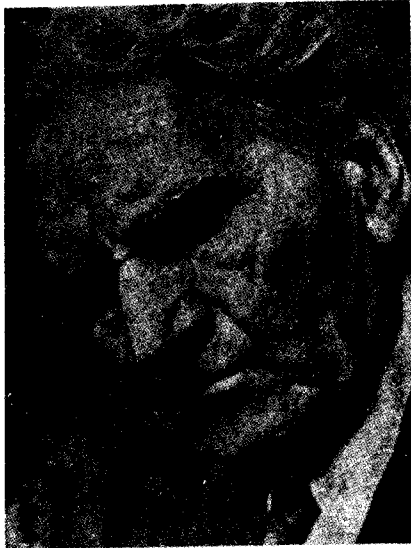
نمایندگان نسل بعدی شعرا، ه. شیراز، ب. سواک، (۱۹۷۱-۱۹۲۴)، ه. ساهیان، هراچیا هوانیسیان، س. کاپوتیکیان، گ. امین و داوتیان و سایرین موفقیت‌های چشمگیری بدست آوردند.

در نثر نویسی، استپان زوریان (۱۸۹۰-۱۹۶۷)، هراچیا کوچار (۱۹۰۹-۱۹۶۵) و سروخانزادیان آثار مهمی نوشتند. در سالهای دهه ۶۰ نثر نویسان جوانی وارد ادبیات شدند. در این سالها گ. سوریان (۱۹۷۱-۱۹۱۵)، گ. در-گریگوریان و نویسندگان دیگر به نمایشنامه نویسی پرداختند.

ادبیات ارمنی همچون تمام فرهنگ شوروی نقش بزرگی در کار تربیت عقیدتی زحمتکشان ارمنستان شوروی بازی کرد.

هنر به قله‌های جدیدی دست یافت. مارتیروس ساریان (۱۹۷۲ -

۱۸۸۰) - که آثارش از شهرت جهانی برخوردار است - مکتب نقاشی ارمنی را رهبری نمود. م. ساریان خالق رنگهای پرتلعلع مام وطن است. تابلوهای او بانر می رنگها و هماهنگی شگفتاور و عظمت محتوای هنری، تحسین برانگیز می باشند. در سال ۱۹۶۱، مارتیروس ساریان بخاطر سری نقاشی‌های "میهن من" جایزه لنین را تصاحب نمود. او یکی از بزرگترین نقاشان عصر ماست، وی به عضویت آکادمی هنر اتحاد شوروی، عضویت اصلی آکادمی علوم ارمنستان شوروی، انتخاب شده و لقب قهرمان کار سوسیالیستی و نقاش مردمی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به او اعطاء شده است.



مارتیروس ساریان
نقاش مردمی اتحاد شوروی

شوروی سوسیالیستی مفتخر شد و نیز ادوارد میرزویان، غ. ساریان،
اد. هوانسیان و سایرین.

هنر اجرایی نیز به موفقیت‌های بزرگی دست یافت. استادان حیرت آور
هنر آوازخوانی و برنده جایزه‌های زاروخی دولوخیان و هنرمند مردمی
اتحاد شوروی گوهار گاسباریان شهرت جهانی کسب کردند. اوهان دوریسیان،
رهبر مشهور ارکستر، در بسیاری از مجسمه‌های جهانی ظاهر شد. گروه رقص
و آواز ارمنی (رهبر آن هنرمند مردمی اتحاد شوروی است. آلتونیان)، گروه
آواز خوانان ارمنی (رهبر آن ه. چکیسیان) که در دهها کشور هنر خود را
عرضه نموده‌اند - محبوبیت وسیعی کسب کرده‌اند. در سالهای پس از جنگ
فعالیت شدیدی در جهت تبلیغ آثار موسیقیدانان کلاسیک ارمنی، کومتیاس،



ساختمان اپرا، باله و تئاتر الکساندر در ایروان

در سالهای پس از جنگ نقاشان م. آبیان، هزارداریان، گ. خانجیان
و سایرین موفقیت‌های بزرگی بدست آوردند. آنها با خلق آثاری به سبک‌های
مختلف، طبیعت ارمنستان، گذشته تاریخی آن را منعکس نموده‌سری تابلوهای
خود را خلق نموده‌اند. در این دوره یک گروه کامل از نقاشان جوان بوجود
آمد.

کنده کاریهای ارمنستان با تزئین شهرهای جمهوری توسط مجسمه‌ها و
بناهای زیبای یادبود فعالیت پرشماری داشته‌اند. مجسمه یادبود داویدست
ساسونی در ایروان قرار دارد که مجسمه‌ساز آن استاد مسلم و نامداری، کوچار
می‌باشد. مجموعه بناهای یادبود شهدای قتل عام سال ۱۹۱۵ ارمنیه در
ایروان و مجسمه یاد بود نبرد قهرمانانه ساردارایاد در ناحیه هکتیمیریان نیز
اثرهای پرارزشی هستند که سازندگانشان یک گروه از مهندسين معمار جوان و
پرقریحه می‌باشند.



هنر موسیقی ارمنی با آثار حیرت
انگیز موسیقی ایرایی، مجلسی، سازی
و سمفونیک راه را برای ترقی آتی هموارتر
نمود. آثار عالی هنری توسط آرام
خاچاتوریان هنرمند مردمی اتحاد
 جماهیر شوروی سوسیالیستی و آکادمیسن
آکادمی علوم ارمنستان ابداع شد.
موسیقی او - که با نغمه‌های موسیقی
ملی ارمنی عجین شده است - محبوبیت
زیادی در سراسر گیتی کسب کرده‌است.
در نیمه دهه ۵۰ موسیقیدانان
جوان پرقریحه، آرنو باباجانیان،

آرام خاچاتوریان موسیقیدان

و هنرمند مردمی اتحاد شوروی

آل. هاروتیونیان ظاهر گردیدند که
بخاطر خدمات ارزنده خود به کسب لقب عالی هنرمند مردمی اتحاد جماهیر

کار امروز ویکمالیان انجام گرفته است.

در صحنه تئاتر ارمنی استادان نامداری چون هنرمندان مردمی اتحاد شوروی واهرام پاپازیان (۱۹۶۸-۱۸۸۸)، هراچیا نرسیسیان (۱۹۶۱-۱۸۹۵)، واغارش واغارشیان (۱۹۵۹-۱۸۹۴)، آوداودیسیان (۱۹۷۱-۱۸۹۷)، گورگن جانیگیان، هنرمند مردمی جمهوری الگا گولازیان (۱۹۷۰-۱۸۸۶) به هنر نمایی ادامه می‌دادند. تئاتر دراماتیک ارمنی با نیروی آنها توانست در جشن ده روزه هنر ارمنی در مسکو موفقیت بزرگی بدست آورد. در همین سالها بازیگران جوانی وارد کار تئاتر شدند که با روحیه تازه‌تر به تمهای معاصر و زمان پرداختند. در سالهای ۱۹۶۹ تئاتر جدید دراماتیک در ایروان تاسیس شد، که فعالیت مجتمع نو بنیاد را کارگردان و هنرمند مردمی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ه. غاپلانیان رهبری می‌کند.

در اواسط دهه ۵۰، هنر سینما پیشرفت زیادی کرد. فیلمهای سینمایی "شخصاً می‌شناسم"، "مثلث"، "سلام، منم"، "رنگ انار"، "برادران سارویان" و یک سری فیلمهای مستند ساخته شد.

فعالیتهای زیادی در امر شهرسازی صورت گرفت. با طرحهای آرشیکهای نامدار ک. هالابیان (۱۹۵۹-۱۸۹۷)، س. سارافیان (۱۹۶۹-۱۹۰۲) و مارکاریان (۱۹۶۳-۱۹۰۱) م. مازمانیان (۱۹۷۱-۱۸۹۹) م. گریگوریان و سایرین، ساختمانهای متعدد مونومنتال بنا گردیدند که پایتخت جمهوری را تزئین می‌نمایند.

در دهه‌های اخیر روابط فرهنگی ارمنستان توسعه یافته است. ادبیات ترجمه‌ای به نحو چشمگیری فزونی یافت، جشنواره‌های ده روزه و هفته‌ای به مناسبت هنر ادبی جمهوری‌های متحد، جلسه‌های ارائه آثار نویسندگان، موسیقیدانان و نقاشان، جشنواره‌های پنجاهمین سال فعالیت چهره‌های برجسته فرهنگی، همکاری‌های علمی فزونی یافتند. در عین حال جشنواره‌های ده روزه به مناسبت ادبیات و هنر ارمنی در پایتخت کشور، مسکو (سال ۱۹۵۶)، استونیا (۱۹۵۶)، قزاقستان (۱۹۶۶) روزهای فرهنگی در مسکو (۱۹۶۷) به مناسبت

جشنهای پنجاهمین سالگرد انقلاب اکبر، روزهای جشن علمی لنین در مسکو در ۱۹۷۰ و غیره برگزار شدند. اقداماتی از این قبیل فرهنگ کل شوروی و ملی را غنی می‌کند.



ساختمان تئاتر دراماتیک گ. سوندوکیان در ایروان

هفته‌هایی به مناسبت هنر ارمنی شوروی در چکسلواکی، بلغارستان (۱۹۶۶) و لهستان (۱۹۶۷) برگزار شدند. نمایشگاه "هنر ارمنی از اورارتو تا عصر ما" - که در سال ۱۹۷۰ در پاریس ترتیب داده شده بود - باعث تحیر و شگفتی همگان گردید. جمهوری در نمایشگاههای بین المللی بروکسل (۱۹۵۸)، مونترال (۱۹۶۷)، اوزاکا (۱۹۷۰) شرکت نموده است.

جشنهای یادبود نویسندگان کلاسیک ارمنی - که تبدیل به جشن فرهنگ شوروی شدند - به نزدیکی فرهنگهای ملی کمک زیادی کردند.

در سال ۱۹۶۲، ۲۵۰-امین سال تولد سایات نووا، سراینده دوستی

ملل ماوراء قفقاز و شاعر بزرگ ارمنی جشن گرفته شد. در سال ۱۹۶۳، ۱۶۰۰-
امین سالگرد تولد مسروپ ماشتوتس مخترع حروف ارمنی با شکوه هرچه تمامتر
جشن گرفته شد.

در سال ۱۹۶۹، جشن صدمین سالگرد تولد هوانس تومانیان شاعر کبیر
ارمنی برگزار گردید. هوانس تومانیان با تمام آثار و وجودش به ملت خود
تعلق داشت. او هراتر خود را از زندگی مردم برمی چید، آنرا تنظیم و مرتب
کرده و به یک یادگار جاویدان و بی همتای ادبی تبدیل نموده دگر بار به مردم
پس می داد. آثار شاعر و متفکر نابغه، منظومه ها، حکایت ها، اشعار و رباعیات
او بصورت میراث فرهنگی مردم درآمده اند.

در همان سال ۱۹۶۹، صدمین سال تولد موسیقیدان نابغه ارمنی،
کومتیاس نیز برگزار شد. زندگی و آثار کومتیاس که مملو از مبارزات و پیکار
بود اعجاز واقعی برای ملتش و برای شکوفایی زندگی معنوی آن بود. گوهرهای
جاودانی موسیقی او حتی امروز هم بصورت آوازه های جوشیده از اعماق قلوب
مردم دارای محبوبیت بی نظیر هستند و آثار کلاسیک موسیقی او در سراسر
جهان اجرا می شوند.

فرهنگ سوسیالیستی ملت ارمنی، فرهنگ متنوع و غنی شوروی با روحی
آکنده با عقاید عالی و کمونیستی به تربیت زحمتکشان پرداخته به ترقی
معنوی و همه جانبه و هماهنگ افراد و شهروندان می پردازد.

تحولات ریشه های اجتماعی و اقتصادی در ارمنستان، پیروزی های فرهنگی
خلق ارمنی، در ساختمان جمعیتی جمهوری تغییرات جدی بوجود آورد.
در دوران قبل از انقلاب جمعیت ارمنی ماوراء قفقاز شکل زیر را داشت:
بورژوازی تجاری و صنعتی ۷/۳ درصد، اشراف و زمینداران ۸/۵ درصد،
کارگران ۱۶/۲ درصد، روستائیان ۷۰ درصد، صنعتگران کارکنان خانگی،
تجارت خرد و غیره ۷/۶ درصد.

ساختمان اجتماعی ارمنی شوروی اکنون به شکل زیر می باشد: طبقه

کارگر ۴۸ درصد، روستائیان کلخوزها ۲۸ درصد، متفکرین ۲۴ درصد، براساس
داده های سرشماری ۱۹۷۰، جمعیت شهری جمهوری بالغ بر ۵۹/۵ درصد
است (۱۰/۴ درصد در ۱۹۱۳، ۲۸/۶ درصد در ۱۹۳۹).

رشد جمعیت ارمنستان در سالهای حکومت شوروی حاکی از رفاه کلی و
مداوم مردم می باشد. براساس داده های آمار سال ۱۹۷۰ جمعیت ارمنستان
بالغ بر ۲۴۹۱/۹ هزار نفر بوده است (منجمه ۲۲۰۸/۳ هزار ارمنی یعنی
۸۸/۶ درصد کل جمعیت). باید بخاطر آورد که در سال ۱۸۹۷، ۷۹۷/۹ هزار،
در ۱۹۱۳، ۱۰۵۰/۱ هزار، در ۱۹۲۶، ۸۸۱/۳ هزار، در ۱۹۳۹، ۱۲۸۲/۳
هزار و در سال ۱۹۵۹، ۱۷۶۲۰/۵ هزار نفر در ارمنستان زندگی می کردند.
جمعیت ایروان، پایتخت جمهوری در سال ۱۹۷۰ در مقایسه با ۱۹۵۹، ۱۵۵/۴
درصد افزایش یافته بالغ بر ۷۶۶ ۶۰۵ نفر گردید.^۴

۴- دورنماهای نو

۲۴- امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی - که در مارس ۱۹۷۱
تشکیل گردید - طرح های وسیعی برای ترقی آتی فرهنگی و اجتماعی - اقتصادی
کشور پیش بینی نمود. کنگره در مورد برنامه پنجساله نهم برای ترقی اقتصادی
مردمی اتحاد شوروی تصمیم گرفت.

نهمین برنامه پنجساله با عظمت خود و بزرگی مسایل پیش بینی شده،
و مشمول بر تمام زمینه های مهم زندگی اجتماعی شوروی چشمگیر می باشد.
این برنامه به موازات توسعه فعالیتها در جهت ایجاد پایه و اساس مادی -
تکنیکی کمونیسم، توجه به حل مسایل اجتماعی، ضرورت تسریع روند علمی و
فنی، افزایش تولیدات اجتماعی و بالا بردن مداوم بازدهی آن را نیز پیش
بینی می کند.

۴- طبق آخرین سرشماری جمعیت ارمنستان بیش از ۳ میلیون و جمعیت
ایروان یک میلیون نفر است - م.

باتوجه به اینکه دوران فعلی توسعه سوسیالیسم امکانات بیشتری درمقایسه با گذشته ایجاد می‌کند و نیز نزدیکی به اهداف اصلی تولیدات اجتماعی یعنی ارضاء کامل نیازهای درحال رشد مردم ، ۲۴- امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مسئله عمده برنامه نهم پنجساله را چنین مطرح نمود : " حفظ ترقی سطح فرهنگی و مادی زندگی مردم براساس توسعه سریع روند تولیدی سوسیالیستی ، بالا بردن بازدهی آن ، پیشرفت علمی و فنی ، تسریع رشد بازدهی " .

سومین جلسه هشتمین مجمع عمومی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - که پس از ۲۴- امین کنگره حزب بوقوع پیوست - قانونی برای برنامه پنجساله توسعه اقتصاد مردمی تصویب نمود . مردم شوروی به اجرای مفاد برنامه پنجساله جدید اقدام نموده‌اند .

در نهمین برنامه پنجساله روند صعودی رشد اقتصادی محفوظ مانده است . مقیاس توسعه اجتماعی - فرهنگی ، تولیدی و سازندگی ، مصرف مردم به اندازه قابل توجهی افزایش می‌یابد . در طول برنامه پنجساله درآمد ملی اتحاد شوروی بطور کلی ۴۰-۳۷ درصد ، تولیدات صنعتی ۴۶-۴۲ درصد ، محصولات کشاورزی ۲۲-۲۰ درصد ، سرمایه‌گذاری اقتصادی ۴۰-۳۶ درصد افزایش خواهند یافت . در پایان برنامه نهم پنجساله یعنی سال ۱۹۷۵ در مقایسه با سال ۱۹۴۰ درآمد ملی کشور ۱۲ مرتبه افزایش می‌یابد ، تولیدات صنعتی ۱۷ برابر ، محصولات کشاورزی ۲/۶ مرتبه افزون می‌شود . عملی شدن برنامه نهم پنجساله قدم بسیار بزرگی در جهت ساختمان کمونیسم محسوب شده ، قدرت اقتصادی و دفاعی اتحاد شوروی به سطح بالاتری ارتقاء می‌یابد . برنامه پنجساله دورنمای توسعه و ترقی وسیع تمام جمهوری‌ها منجمله جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را پیش بینی می‌کند . برای ارمنستان ، در رابطه با یک رشته معیارها ، روند بالاتر توسعه و ترقی نسبت به روند متوسط پیش بینی شده برای اتحاد شوروی ، پیش بینی گردیده است .

در طول پنجساله جدید مقیاس تولیدات جمهوری ۶۳-۶۰ درصد افزایش

خواهد یافت . چنین روند صعودی منوط به برخی عوامل اقتصادی و در درجه اول وجود منابع خام اولیه و رشد جمعیت می‌باشد . تولید نیروی بشری ، ماشین سازی ، ساختن دستگاه‌های صنعتی و سایر رشته‌های مهم صنایع ارمنستان شوروی با روندهای سریعتری افزایش خواهند یافت .

ایجاد اساس مستحکم تولید نیروی برق در جمهوری محتاج کار و کوشش زیادی خواهد بود . ساختمان نیروگاه حرارتی هرازدان بایستی به‌تمام رسد که دو مجموعه آن هریک با قدرت ۲۰۰ هزار کیلووات اکنون مورد بهره برداری قرار می‌گیرند . پیش بینی می‌شود در سال ۱۹۷۴ اولین نیروگاه اتمی درحال احداث ماوراء قفقاز مورد بهره‌برداری قرار گیرد . بجز آن ، کارهای ساختمانی مجموعه نیروگاههای برق در مسیر رود وروتان ادامه خواهد یافت که البته شامین به نیروگاه برق هیدرولیکی تاتو - که هم اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد - ملحق می‌شود و اما نیروگاه برق هیدرولیکی اسپنداریان مرحله نهایی احداث را پشت سرخواهد نهاد .

به لطف تمام این اقدامات در طول برنامه نهم پنجساله اساس قدرت انرژی جمهوری در مقایسه با سال ۱۹۷۰ ، ۷۰ درصد افزایش خواهد داشت . در اولین سال برنامه پنجساله جدید ، فعالیت‌های ساختمانی تونل آبی آرپا - سوان شدت ادامه داشت . در بقیه سالهای برنامه پنجساله برای این طرح بایستی که سالهای منحصر بفرد باشند . در شرایط سخت کوهستانی اجتماع چند هزار نفری سازندگان تونل با پشت سر نهادن دشواری‌ها و موانع ، راه را برای رساندن ضروری آب به دریاچه سوان هموار می‌کنند .

در طول سالهای پنجساله نهم ، ماشین سازی و مخصوصاً ماشین های دقیق ، صنایع افزارسازی و رادیوتکنیک پیشرفت چشمگیری خواهند داشت . مقیاس تولیدات ماشین‌سازی تقریباً دوبرابر خواهد شد اما در جمع تولید ناخالص ، شاخص این تولیدات در سال ۱۹۷۵ به ۲۸ درصد خواهد رسید و از تمام رشته‌های اقتصادی پیشی می‌گیرد . توسعه ماشین سازی توسط ایجاد یک رشته موسسات جدید ، بازسازی کارگاههای تولیدی و اتوماتیک نمودن

تولید امکان پذیر خواهد بود.

در طول دهه‌های اخیر، بخش تولیدی ذوب فلز نسبت به سطح کل تولیدات صنعتی جمهوری مداوماً توسعه می‌یابد. در سالهای برنامه پنجم، سطح تولیدات صنعتی بایستی ۵۵ درصد افزایش یابد. پیش بینی می‌شود که ظرفیت کارخانه مولیبدن کاجاران فزونی یافته، احداث یک رشته کارخانجات غنی‌سازی به پایان رسد.

ترقی آتی صنایع شیمیایی جمهوری پیش بینی می‌گردد. تولیدات آن در آخر برنامه پنجم ۴۵ درصد افزایش خواهد داشت. توسعه صنایع شیمیایی براساس مواد خام منطقه یعنی پرلیت‌ها، نمک طعام، سنگ آهک و نیز براساس گاز وارداتی از خارج خواهد بود.

در سالهای برنامه پنجم جدید خط‌مشی کلی ترقی شدید تولید کالاهای مصرفی، انعکاس خود را در طرح توسعه اقتصادی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان یافته است. بدین ترتیب که، در طول برنامه پنجم سطح تولیدات صنایع سبک جمهوری ۵۰ درصد اما صنایع غذایی ۳۵ درصد افزایش خواهد یافت. پیش بینی می‌شود یک رشته موسسات تولید مواد غذایی کارخانه تزئینات و کالاهای ظریف پوستی در ایروان، کارخانه چینی‌سازی در لوساگرد، کارخانه دستکش در چارنتساوان، کارخانه کنسروسازی در آختسلا، کارخانه جدید شراب‌سازی در برخی نواحی و غیره ساخته شوند.

۲۵- امین‌کنگره حزب کمونیست ارمنستان که در فوریه ۱۹۷۱ تشکیل شد و در آن خط‌مشی‌های برنامه پنجم ۱۹۷۵-۱۹۷۱ مورد بررسی قرار گرفت، بویژه ضرورت ایجاد صنایع در مناطق مسکونی روستایی و شهرهای کوچک، نزدیکی صنایع با مواد اولیه موجود، ترقی همه‌جانبه اقتصادی مناطق جمهوری را مورد تأکید قرار داد. براساس آن ضرورت توجه خاص به اقتصاد مناطق مرزی آماسیا، غوکاسیان، کالینینو، آنسی، مغری، شامادین و سایر نواحی مورد تأیید قرار گرفت.

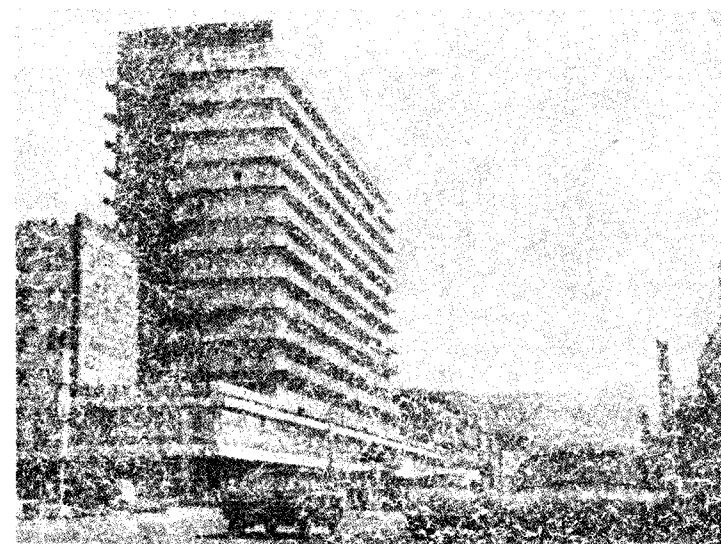
در برابرزخمکشان روستایی جمهوری مسایل جدی قرار دارد. بادر نظر

گرفتن اینکه اکنون کشاورزی با روندهای رشد خود از رشد جمعیت عقب مانده است، پیش بینی می‌شود که در مقایسه با برنامه پنجم قبلی، سطح محصولات کشاورزی بطور متوسط، سالانه ۳۰ درصد افزایش یابد. در شرایط قلت زمینهای جمهوری، برای حفظ چنین رشدی، توجه جدی باید بر ماشینیزه کردن کارهای کشاورزی، فعالیتهای آبیاری و ترقی آتی دامپروری و زراعت مبذول داشت. در سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۱ در ساوخورها و کلخورها ۸ هزار هکتار بر سطح باغهای میوه و تاکستان‌ها اضافه خواهد گردید. برای تأمین گوشت مورد نیاز جمعیت شهری پیش بینی می‌شود که یک رشته مجتمع‌های وسیع دامپروری و نیز پرورش ماکیان تاسیس گردد. همچون سراسر کشور، در ارمنستان نیز در طول سالهای برنامه نهم



آسایشگاهی در آغوران

توجه فراوانی نسبت به حل مسایل اجتماعی - فرهنگی مبدول خواهد گردید . ساختمان سریع مجتمعهای مسکونی پیش بینی شده است ، فقط در طول سالهای برنامه پنجساله توسط سرمایه های دولتی ، با سطح زیرینای بیش از ۴ میلیون متر مربع خانه سازی خواهد شد . بطور چشمگیری سازندگی خانه های تعاونی وسعت خواهد داشت . لوله های گاز لنیناکان - آماسیا - غوکاسیان ، هرااردان - هانکاوآن ، وارد نیس - حرموک و غیره مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت ، بخش عظیمی از مناطق مسکونی روستایی از تسهیلات گاز استفاده خواهند نمود . توجه زیادی به بهبود وضع شهرها و دهات جمهوری ، خدمات رفاهی ، توسعه خرید و فروش و غیره مبدول خواهد گردید .



هتل "آنی" در ایروان

در زمینه فرهنگی ، اقدامات مهمی در کار اجباری نمودن دورن متوسطه در جمهوری انجام خواهد شد - به این وسیله یکی از مسایل مهم اجتماعی نیز

حل خواهد گردید . در سال ۱۹۷۵ در مدارس جمهوری بیش از ۶۸۰ هزار دانش آموز مشغول تحصیل خواهد بود . مسئله احداث مدارس جدید - که امکان اجرای برنامه یک نوبتی را فراهم می سازد - مطرح می گردد . شبکه تحصیلات حرفه ای - فنی گسترش می یابد ، که ۲۰ آموزشگاه فنی - حرفه ای به مدارس حرفه ای - فنی متوسطه تبدیل خواهند شد و اینها در جهت تخصصهای گوناگون ، کارگران ماهر تربیت خواهند نمود در عین حال اینها از تحصیلات دبیرستانی نیز برخوردار خواهند شد .

سیستم بهداشتی بطور چشمگیری ترقی خواهد نمود . در بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی بیمارستانهای تا هزار تخت خوابی احداث می شوند . مجتمعهای جدید آسایشگاهها در جرموک ، دیلیجان ، هانکاوآن ، آرزنسی ، استراحتگاههایی در زاغاکازور ، سوان ، مارتونی ، ایجوان و سایر نواحی ایجاد خواهد شد .

هدف تمام اقدامات پیش بینی شده در زمینه ترقی اقتصاد مردمی و مسایل فرهنگی - اجتماعی ، بالا بردن سطح رفاه عمومی است . در سالهای برنامه پنجساله درآمد واقعی جمعیت جمهوری ۳۷-۳۵ درصد افزایش خواهد داشت .

زحمتکشان جمهوری و تمام مردم شوروی با رضایت کامل تصمیمات ۲۴-امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و برنامه نهم پنجساله را پذیرفتند . در اولین سال برنامه پنجساله جدید اجرای برنامه های مربوطه قبل از موعد معین به اتمام رسید . در مجتمعهای بزرگ کشور و تمام رشته های اقتصاد و در کلیه زمینه های سازندگی کمونیستی ، فعالیتهای چشمگیری جریان دارد . خانواده برادرانه و کثیرالملت اتحاد شوروی به موفقیت های جدیدتری نایل می گردد .

جدول وقایع مهم به ترتیب تاریخ وقوع

- مارس ۱۸۲۸ - تاسیس "استان ارمنی".
- ۱۸۲۹-۱۸۲۸ - جنگ ترکیه و روسیه.
- ۲۷ ژوئن ۱۸۲۹ - قشون روس ارض روم (کارین) را تصرف کردند.
- ۲ سپتامبر ۱۸۲۹ - در شهر آدریاناپول عهدنامه صلح میان روسیه و ترکیه منعقد گردید.
- ۱۸۲۹ - در شهر نخجوان نو، دمکرات انقلابی و برجسته ارمنی، شاعر و منتقد میکایل نالباندیان متولد گردید. (وفاتش در ۱۸۶۶ در تبعید)
- ۱۸۳۰ - در شهر نخجوان نو، شاعر بزرگ ارمنی راپایل پالکانیان (گاسار-کاتیپا) متولد شد. وفاتش در ۱۸۹۲.
- ۱۸۳۲ - تاسیس مدرسه محلی ایروان. در فاصله سالهای ۱۸۴۸ - ۱۸۴۳، خاجاتور آبرویان مدیر مدرسه بود.
- ۱۸۳۵ - رافی رمان نویس برجسته ارمنی متولد شد (وفات ۱۸۸۸).
- ۱۸۳۸ - قیامهای دهقانی بر علیه مقامات تزاری در نواحی پامباک و یازیدنو.
- ۳ نوامبر ۱۸۳۹ - اعلام "تنظیمات" (رفرم ها) در ترکیه.
- ۱۸۴۳ - نشریه ادواری "بازماوب" - که تا امروز به انتشار خود ادامه می دهد - در ونیز منتشر گردید.
- ۱۸۴۳ - طنز نویسته برجسته ارمنی، هاگوپ بارونیان متولد شد (وفات ۱۸۹۱).
- ۱۸۴۴ - نیابت سلطنت قفقاز بوجود آمد. شاهزاده م. س. ورنسف اولین نایب السلطنه گردید.
- ۱۸۴۵ - منتقد مشهور گریگور آرزرونی در مسکو تولد یافت (وفات ۱۸۹۲).
- ۲ آوریل ۱۸۴۸ - روشنگر برجسته و بنیانگذار ادبیات جدید ارمنی، خاجاتور در ایروان مفقودالاثر گردید (تولدش در ۱۸۰۵ یا ۱۸۰۹).
- ۱۸۴۹ - استان ایروان تشکیل شد که ایروان، یازیدنو، آلساندراپول، نخجوان و اردوباد جزو آن بودند.
- ۱۸۵۶-۱۸۵۳ - حنبرد کریمه.

- ۱۸۰۱ - الحاق گرجستان به روسیه.
- ۱۸۱۳-۱۸۰۴ - جنگ ایران و روس.
- ۱۸۰۹ - جبهه برجسته نهضت آزادی بخش ارمنی، هوسپ امین در شهر کلکته هندوستان بدور حیات گفت.
- ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ - قرار داد صلح گلستان میان روسیه و ایران.
- ۱۸۱۵ - تاسیس مدرسه عالی لازاریان در مسکو.
- ۱۸۲۴ - تاسیس مدرسه نرسیسیان در تفلیس.
- ۱۸۲۵ - نمایشنامه نویس مشهور ارمنی، گابریل سوندوکیان (وفات ۱۹۱۲)، متولد شد.
- ۱۸۲۸-۱۸۲۶ - جنگ ایران و روس.
- اول اکتبر ۱۸۲۷ - قشون روس ایروان را تصرف کردند.
- دهم فوریه ۱۸۲۸ - عهدنامه ترکمنچای منعقد شد.

۱۸۶۴-۱۸۵۸ - نشریه معروف "هیوسیاپایل" به سردبیری استپانوس نازاریان در مسکو انتشار یافت.

۱۸۶۲ - قیام اهالی زیتون بر علیه دولت سلطانی و دفاع قهرمانانه آنها.

۱۸۶۳ - قیام دهقانی، ضد فئودالی و ضد سلطانی در ناحیه موش.

۱۸۶۹ - شاعر بزرگ، هوانس تومانیان تولید یافت (وفات ۱۹۲۳). موسیقی دان و کومپوزیتور نابغه، کومتیاس (سوغومون سوغومونیان) متولد شد. وفاتش در ۱۹۳۵.

۱۸۷۰ - قانونی برای انجام اصلاحات در ارمنستان وضع شد.

۳۰ آوریل ۱۸۷۱ - در تغلیس، برای اولین بار "پپو" اثر گابریل سوندوکیان به روی صحنه رفت.

ژانویه ۱۸۷۲ - جریده "مشاک" در تغلیس آغاز به انتشار نمود (سردبیرش، گریگور آرزرونی).

۱۸۷۲ - به منظور عملی ساختن مبارزه رهایی بخش بر علیه سلطه سلطان، در وان سازمان مخفی "اتحادیه رستگاری" تشکیل شد.

۱۸۷۴ - مدرسه عالی گورکیان در اجمیادزین تأسیس گردید.

۱۸۷۵ - شاعر بزرگ ارمنی، آوتیک ایساهاکیان تولد یافت، (وفاتش در ۱۹۵۷).

۱۸۷۲-۱۸۷۸ - جنگ ترکیه - روس.

۱۹ فوریه ۱۸۷۸ - عهدنامه اولیه سان - استفانو میان روسیه و ترکیه منعقد گردید. اول ژوئیه ۱۸۷۸ - عهدنامه برلین انعقاد یافت.

۱۸۷۸ - انقلابی و مارکسیست لنینیست بزرگ، استپان شاهومیان متولد شد (پس از نابودی کمون باکو، وی و ۲۵ نفر از دوستانش را در ۲۰ سپتامبر ۱۹۱۸ در سن زار ترکمنستان تیرباران کردند).

۱۸۸۱ - در کارین (ارض روم) سازمان مخفی "حامیان وطن"، بوجود آمد که هدفش قیام بر علیه سلطه سلطان بود.

۱۸۸۵ - دولت تزار چندصد مدرسه ارمنی را در قفقاز تعطیل کرد.

۱۸۸۷ - حزب هونچاک در ژنو تأسیس شد.

۱۸۹۰ - حزب داشناکوتیون در تغلیس بنیان نهاده شد.

۱۸۹۱-۱۸۹۰ - سلطان عبدالحمید قشون مجرای کرد را تحت عنوان حمیدیه تشکیل داد که مأموریت عمده آنها انجام کشتارهای ارمنی بود.

۱۸۹۴ - کشتار روستائیان ارمنی ساسون توسط قشون ترک.

نوامبر - دسامبر ۱۸۹۵ - دفاع قهرمانانه اهالی زیتون در برابر قشون ترک.

۱۸۹۵-۱۸۹۶ - کشتارهای جمعی ارمنه در نواحی متعدد ارمنستان غربی و ترکیه.

۱۸۹۹ - خط آهن تغلیس - آلساندراپول - قارص مورد بهره برداری قرار گرفت.

۱۹۰۲ - اولین دستجات سوسیال دمکرات در ایروان، آلساندراپول، قارص، آلایوردی و یک رشته دهات لوری تشکیل گردید. "اتحادیه سوسیال - دمکراتهای ارمنی" در تغلیس ایجاد شد.

۱۲ ژوئن ۱۹۰۳ - قانون دولت تزاری در مورد مصادره اموال کلیسای ارمنی. ژوئیه - سپتامبر ۱۹۰۳ - قیام توده ای اهالی ارمنی ماوراء قفقاز بر علیه سیاست ضد ارمنی تزار.

بهار ۱۹۰۴ - قیام مسلحانه روستائیان ارمنی ساسون بر علیه سلطه سلطان. ۹ ژانویه ۱۹۰۵ - "یکشنبه خونین" در پتربورگ. اولین طلیعه انقلاب روسیه. اول اوت ۱۹۰۵ - دولت تزار تحت فشار توده های خلق ارمنی قانون ۱۲ ژوئن در مورد مصادره دارایی های کلیسای ارمنی را ملغی اعلام نمود.

اکتبر ۱۹۰۵ - اعتصاب عمومی کارگران راه آهن ارمنستان.

اوت ۱۹۰۶ - اعتصاب کارگران آلایوردی.

مارس ۱۹۰۷ - اعتصاب کارگران معادن و کارخانجات غاپان.

ژوئیه ۱۹۰۸ - تحولات حکومتی در ترکیه. حکومت بدست حزب ترکهای جوان افتاد.

آوریل ۱۹۰۹ - کشتار اهالی ارمنی شهر آدانا در کیلیکیه.

۲۶ ژانویه ۱۹۱۴ - بین روسیه و ترکیه موافقت نامه‌ای در مورد انجـام

اصلاحات در ارمنستان غربی منعقد گردید.

اول اوت ۱۹۱۴ - آغاز جنگ جهانی اول.

۲ نوامبر ۱۹۱۴ - شروع عملیات جنگی در جبهه قفقاز.

دسامبر ۱۹۱۴ - ژانویه ۱۹۱۵ - عملیات جنگی ساریغامیش، شکست بزرگ

ارتش ترکیه.

۷ آوریل - ۶ مه ۱۹۱۵ - دفاع قهرمانانه اهالی ارمنی وان.

۲۴ آوریل ۱۹۱۵ - تبعید و قتل متفکرین ارمنی استامبول توسط حکومت ترکیه.

۱۹۱۵ - ۱۹۱۶ - کشتارهای جمعی ارامنه در ترکیه.

اوایل فوریه ۱۹۱۶ - عملیات جنگی ارض روم. شکست ارتش ترکیه.

۲۷ فوریه ۱۹۱۷ - پیروزی انقلاب بورژوا دمکراتیک فوریه در روسیه. برجیده

شدن استبداد تزاری.

۲۵ دسامبر ۱۹۱۷ - انقلاب سوسیالیستی کبیر اکثر. دومین کنگره شوراهای

سراسری روسیه در پتروگراد، تصویب نامه‌هایی در مورد

صلح و زمین صادر کرد. شورای کمیسرهای خلق، اولین

دولت شوروی به رهبری و. ای. لنین تشکیل شد.

۱۶ دسامبر ۱۹۱۷ - براساس تصمیم شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی،

استبان شاهومیان به سمت کمیسر فوق العاده موقت در امور

قفقاز تعیین می‌گردد.

۲۹ دسامبر ۱۹۱۷ - شورای کمیسرهای خلق روسیه شوروی تصویب نامه "درباره

ارمنستان ترکیه" را صادر نمود.

ژانویه ۱۹۱۸ - رخنه قوای ترک به ماوراء قفقاز.

۱۲ مارس ۱۹۱۸ - ارتش ترکیه ارض روم را تصرف کرد.

۱۵ مه ۱۹۱۸ - قشون ترکیه آلساندراپول را تصرف کرد.

۲۶-۲۲ مه ۱۹۱۸ - نبرد قهرمانانه ساردارآباد.

۲۸-۲۵ مه ۱۹۱۸ - نبرد قهرمانانه قره‌کلیسا.

۲۶ مه ۱۹۱۸ - سیم ماوراء قفقاز ازهم پاشید.

۲۸ مه ۱۹۱۸ - شورای ملی ارمنی در تفلیس در مورد اعلام "جمهوری مستقل"

ارمنستان تصمیم گرفت.

۴ ژوئن ۱۹۱۸ - قرارداد صلح میان ترکیه و ارمنستان در باطوم منعقد می‌گردد.

که براساس آن ترکیه بخش عظیمی از ارمنستان را تصرف می‌کند.

۳۱ ژوئیه ۱۹۱۸ - سقوط کمون باکو.

آوریل ۱۹۱۹ - سازمان جوانان کمونیست "اسپارتاک" در ارمنستان تشکیل

گردید.

ژانویه ۱۹۲۰ - اولین کنگره غیررسمی سازمانهای کمونیستی ارمنستان در

ایروان تشکیل شد.

۲۸ آوریل ۱۹۲۰ - پیروزی حکومت شوروی در آذربایجان.

۱ مه ۱۹۲۰ - تظاهرات شدید زحمتکشان بر علیه دولت در ایروان،

آلساندراپول، گارس و سایر نواحی ارمنستان برگزار گردید.

۲۱-۱۵ مه ۱۹۲۰ - قیام مسلحانه در آلساندراپول، گارس، ساری غامیش،

بایزیدنو، شامشادین، زانگور - کاروانسرا، دلیجان

بر علیه دولت داشناکها.

ژوئن ۱۹۲۰ - سازمانهای بلشویکی ارمنستان بصورت حزب کمونیست (بلشویک)

ارمنستان مشکل می‌گردند.

۱۰ اوت ۱۹۲۰ - عقد عهدنامه سور.

۲۲ سپتامبر ۱۹۲۰ - حمله ارتش ترکیه به ارمنستان.

نوامبر ۱۹۲۰ - قیام انقلابی زحمتکشان در ایحوان، دلیجان، شامشادین.

۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ - کمیته انقلاب ارمنستان در ایحوان اعلامیه تشکیل جمهوری

شوروی سوسیالیستی ارمنستان را منتشر ساخت.

۳۰ نوامبر ۱۹۲۰ - کمیته نظامی - انقلابی ارمنستان تلگرامی برای لنین

فرستاده پیروزی حکومت شوروی در ارمنستان را به آگاهی

رساند .

۲ دسامبر ۱۹۲۰ - لنین برای رئیس کمیته نظامی - انقلابی ارمنستان ، س . کاسیان تلگرامی فرستاده پیروزی حکومت شوروی را در ارمنستان تبریک گفت .

۱۳ دسامبر ۱۹۲۰ - شورای کمیسرهاى خلق روسیه شوروی در مورد کمک مالی به ارمنستان تصمیم می‌گیرد .

۱۷ دسامبر ۱۹۲۰ - فرمان کمیسرهاى خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان در امور آموزش و علوم درباره تاسیس دانشگاه مردمی ایروان .

دسامبر ۱۹۲۰ - با تصویب نامه‌های کمیته انقلاب ارمنستان اولین اقدامات سوسیالیستی در جمهوری ، ملی شدن موسسات صنعتی ، بانکها ، زمین ، ثروتهای طبیعی ، دولتی شدن موسسات آموزشی و فرهنگی ، لغو نظام حکومتی و دادگاه‌های قدیم ، لغو قوانین قدیم و غیره عملی شدند .

۱۹۲۱ - ۱۳ فوریه - آغاز بلوای ضد شوروی داشناکها (ماحراجویی فوریه) .
۱۴ فوریه - آزاد سازی " منطقه بیطرف " لوری از یوغ منشویک‌های گرجی .

۲۵ فوریه - پیروزی حکومت شوروی در گرجستان .

۲۲ آوریل - آزادی ایروان از دست بلواچی‌های داشناک .

۱۴ آوریل - نامه تاریخی و . ای . لنین به کمونیستهای جمهوری آذربایجان ، گرجستان ، ارمنستان ، داغستان و کوهشیان .

۲۲ آوریل - آزادی آلکساندرآپول از دست اشغالگران ترک .

۲۱ مه - کمیته انقلاب ارمنستان بصورت شورای کمیسرهاى خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان تجدید سازمان یافت . آ . میاسنیکیان بعنوان رئیس شورای کمیسرهاى

خلق تعیین شد .

۲۴ ژوئن - اعلامیه دولت ارمنستان شوروی در مورد مالیات خواربار .

ژوئیه - آزادی زانگوراز از دست ضد انقلابیون .

۲۱ سپتامبر - اعلامیه دولت ارمنستان در مورد محو بیسوادی در جمهوری .

دسامبر - اولین مهاجرت ارامنه خارج به ارمنستان شوروی آغاز گردید .

۱۹۲۲ - ژانویه - اولین کنگره حزب کمونیست (بلشویک) ارمنستان تشکیل شد .

۳۰ ژانویه - ۴ فوریه - اولین کنگره شوراهای نمایندگان کارگران دهقانان و ارتش سرخی‌ها تشکیل شد که اولین قانون اساسی جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان را تصویب نمود .

ژانویه - اولین تئاتر دراماتیک دولتی در ایروان افتتاح گردید .
مارس - تاسیس فدراسیون ماوراء قفقاز . در ۱۰ دسامبر همان سال در اولین کنگره شوراهای ماوراء قفقاز در باکو ، بالاخره جمهوری سوسیالیستی فدراتیو ماوراء قفقاز تشکیل شد .

۳۰ دسامبر - در کنگره بین اتحادیه‌ای شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تشکیل شد .

۱۹۲۲ - ژانویه - اولین بانفاک در ایروان افتتاح گردید .

دسامبر - کنسرواتوار دولتی در ایروان افتتاح شد .

۱۹۲۴ - ۲۱ ژانویه - وفات و . ای . لنین .

۲۶ فوریه - به تصمیم کمیته مرکزی اجرایی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، شهر آلکساندرآپول به نام لنیناکان نامگذاری گردید .

نوامبر - ذوب مس مجدداً در غاپان آغاز شد.

۱۹۲۵ - آوریل - افتتاح انستیتوی علوم و هنر ارمنستان شوروی در ایروان.

۱۹۲۶ - مه - اولین نیروگاه هیدرولیکی برق ایروان مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

۱۹۳۲ - آوریل - اتحادیه نویسندگان ارمنستان شوروی تشکیل شد.

۱۹۳۳ - ژانویه - تئاتر دولتی باله و اپرا در ایروان افتتاح گردید.

۱۹۳۵ - ژوئن - شعبه ارمنی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایروان تأسیس شد.

۱۹۳۶ - ۵ دسامبر - کنگره فوق‌العاده هشتم شوراهای اتحاد شوروی قانون

اساسی جدید را تصویب نمود. براساس قانون اساسی

جدید، فدراسیون ماوراء قفقاز منحل گردید، جمهوری

شوروی سوسیالیستی ارمنستان بصورت جمهوری متحده درآمد.

۱۹۳۷ - ۲۳ مارس - نهمین کنگره فوق‌العاده شوراهای جمهوری شوروی

سوسیالیستی ارمنستان قانون اساسی جدید ارمنستان را تصویب نمود.

۱۹۳۹ - سپتامبر - برگزاری جشن هزارمین سالگرد "داویت ساسونی".

۱۹۴۱ - ۲۲ ژوئن - جنگ کبیر میهنی آغاز شد.

۱۹۴۳ - ۲۷ فوریه - نامه خلق ارمنی به فرزندان مبارز خود در جبهه جنگ در روزنامه "پراودا" انتشار یافت.

۱۴ مارس - نامه جوابیه رزمندگان ارمنی به خلق ارمنی در نشریات

منتشر شد.

۲۹ نوامبر - آکادمی علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی ارمنستان

تأسیس شد.

۱۹۴۵ - ۹ مه - تارومار کامل آلمان هیتلری، جنگ کبیر میهنی پایان

یافت.

۲۱ نوامبر - دولت اتحاد شوروی در مورد مهاجرت ارمنه خارج به

میهن تصمیم گرفت.

۱۹۴۶ - ژوئیه - اولین کاروان ارمنه مهاجر وارد ارمنستان شوروی گردید.

۱۹۵۶ - فوریه - بیستمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو تشکیل شد.

۱۹۵۸ - ۲۹ دسامبر - یفرمان ریاست شورای عالی اتحاد شوروی به ارمنستان

شوروی نشان افتخار لنین اعطاء گردید.

۱۹۶۱ - ۶ مه - جشن چهلمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست و دولت

شوروی ارمنستان.

اوت - دولت اتحاد شوروی در مورد احداث تونل آبی آریا - سوان

تصمیم گرفت.

۱۹۶۲ - مه - ۱۶۰۰ - امین سال تولد مسروپ ماشتوتس خالق حروف ارمنی

در ارمنستان شوروی و بین ارمنه خارج جشن گرفته شد.

۱۹۶۳ - اکتبر - ۲۵۰ - امین سالگرد تولد سایات نووا شاعر بزرگ ارمنی.

۱۹۶۵ - آوریل - برگزاری ۵۰ - امین سالگرد قتل عام ارمنه در ارمنستان

شوروی و مهاجرنشینهای ارمنی.

۱۹۶۷ - نوامبر - ۵۰ - امین سالگرد انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکتبر.

۱۹۶۸ - مه - ۵۰ - امین سالگرد نبرد قهرمانانه سارداراباد در ارمنستان

شوروی برگزار شد.

۱۶ اکتبر - ارمنستان شوروی به دریافت دومین نشان افتخار لنین

نایل گردید.

۱۹۶۹ - سپتامبر - صدمین سالگرد تولد شاعر بزرگ ارمنی هوانس تومانیان

برگزار شد.

دسامبر - برگزاری جشن صدمین سالگرد تولد کومیتاس موسیقیدان

بزرگ ارمنی.

۱۹۷۰ - آوریل - خلق ارمنی به همراه تمام بشریت، مترقی صدمین سال تولد

و. ای. لنین را جشن گرفت.

نوامبر - ۵۰ - امین سال برقراری حکومت شوروی در ارمنستان و

تشکیل حزب کمونیست ارمنستان. در این رابطه سه

جمهوری نشان انقلاب اکتر اعطاء شد. این نشان افتخار

ارزنده رال. ای. برژنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب

کمونیست اتحاد شوروی که برای شرکت در جشن‌وار دایروان

شده بود، به جمهوری اعطاء نمود.

۱۹۷۱ - مارس - ۲۴ - امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو

تشکیل شد.

پایان

36°

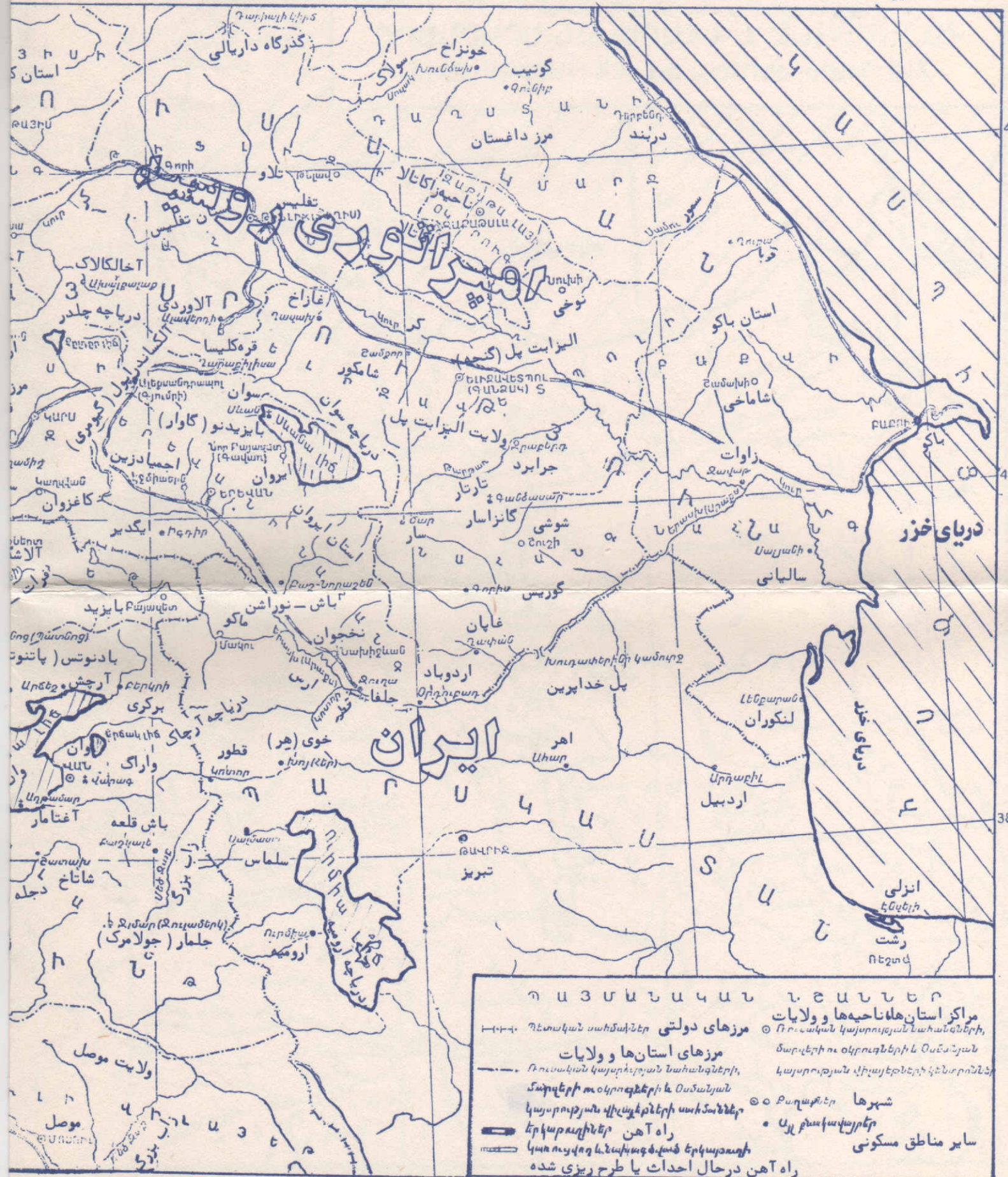
38°

40°

42°

ارمنستان و کشورهای همسایه در آخر قرن ۱۹ و اول قرن ۲۰
 ՀԱՅԱՍՏԱՆԸ ԵՎ ՀԱՐԵՎԱՆ ԵՐԿՐՆԵՐԸ
 XIX դարի վերջին և XX դարի սկզբին





جمهوری شوروی سوسیالیستی گرجستان

ՍՈՎԵՏԱԿԱՆ ՀԱՅԱՍՏԱՆ
 արمنستان شوروی



Երևան
 Վանաձոր
 Գյումրի
 Երևանի մարզ
 Վանաձորի մարզ
 Գյումրիի մարզ
 Երևանի մարզի քաղաքները
 Վանաձորի մարզի քաղաքները
 Գյումրիի մարզի քաղաքները
 Երևանի մարզի քաղաքները
 Վանաձորի մարզի քաղաքները
 Գյումրիի մարզի քաղաքները